

صاحب امتیاز: معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه

مدیر مسئول: سیدحسین میرمعزی

سردبیر: مهدی حقی

زیر نظر هیئت تحریریه

مدیر اجرایی: مجتبی جلیلی

صفحه‌آرا: محسن شعبانی

ویراستار: احمد شهدادی نائینی

مترجم: جاوید اکبری

مطالب پژوهش و حوزه در حوزه پژوهش پژوهی و علم‌پژوهی است. مقاله‌هایی در پژوهش و حوزه امکان چاپ می‌یابد که علمی، مستند و تحقیقی باشند. پژوهش و حوزه در ویرایش و تلخیص مقاله‌ها آزاد است. نقل و اقتباس از پژوهش و حوزه با ذکر نام مجله آزاد است. مسئولیت محتوای مقالات به عهده نویسندگان است.

آدرس: قم، جمکران، میدان انتظار، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، معاونت پژوهش

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۲۵۵۸۹۰

سایت: www.pazhuhesh.ir

پست الکترونیک: pazhuhesh@ismc.ir

قیمت: ۷۰,۰۰۰ ریال

تاریخ چاپ: پاییز ۱۳۹۶

«راهنمای نگارش مقاله»

۱. مشخصات کامل نویسنده شامل شماره تماس (همراه و ثابت)، رتبه علمی، ایمیل؛
۲. حروف‌نگاری مقاله براساس نرم‌افزار (word)؛
۳. حجم مقاله حداکثر ۲۵ صفحه^۱ ۳۰۰ کلمه‌ای؛
۴. ساختار مقاله شامل چکیده (حداکثر ۱۵۰ کلمه)، کلیدواژه (حداکثر ۷ کلمه)، مقدمه، سرفصل‌های اصلی، نتیجه؛
۵. ارجاعات به صورت درون‌متنی شامل نام خانوادگی مؤلف، سال، جلد و صفحه؛
۶. معادل‌های لاتین، تعریف اصلاحات و توضیح در پاورقی؛
۷. فهرست منابع شامل نام خانوادگی، نام، تاریخ چاپ، کتاب یا مقاله (مجله، شماره، سال و ماه)، ترجمه، تحقیق، محل انتشار، ناشر، نوبت چاپ.

فهرست مطالب

• سرمقاله

تولید علم/سردبیر..... ۷

• مقالات

درآمدی بر چیستی، چرایی و چگونگی توسعه علوم اسلامی/سليمان خاکبان ۹

مدل های توسعه علوم اسلامی و حوزوی / رضا حبیبی و محمود رایگان ۴۳

درآمدی بر سیاست گذاری پژوهشی/امیرحسین شیعری و عباسعلی مشکانی ۷۷

نیازسنجی پژوهشی با رویکرد آینده نگرانه/محمد صالح مازنی ۱۰۹

کتابخانه تخصصی پژوهش در یک نگاه/رضا فخاری ۱۲۷

• اخبار

رخدادهای عرصه پژوهش در حوزه ۱۵۵

• چکیده

چکیده انگلیسی مقالات ۱۷۴

تولید علم

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ (ص) وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ»
بخش مهمی از حیات و پویایی حوزه‌های علمیه بر تحقیق، ژرف‌اندیشی، نظریه‌پردازی، نوآوری و تولید علمی دینی و به تعبیر قرآن کریم به «تفقه در دین» استوار است. این مأموریت دشوار، در طول تاریخ با تحمل رنج‌های فراوان و با همت دانشمندان و اندیشمندان عرصه دین اجرا شده تا میراث گران‌سنگی در قالب دین و آیین محمدی به دست ما برسد. از سوی دیگر، تحولات متنوع و سریع دهه‌های اخیر جهان، فضای جدیدی پیش روی حوزه‌های علمیه کهنسال شیعه قرار داده و آنها را هر روز با پرسش‌ها، شبهه‌ها و مطالبات گوناگون و رنگارنگ رودر رو کرده و متولیان آنها را با چالش‌ها، تهدیدها و در عین حال فرصت‌ها و امکانات فراوانی مواجه ساخته است.

همچنین فعالیت رقیبان پیدا و پنهان بی‌شمار در عرصه دین و تولید و اشاعه بی‌شمار اطلاعات دینی، شبه‌دینی و ضد دینی، مراقبت و صیانت از سنگر دین را با دشواری‌های فراوانی رودر رو کرده و ضرورت دیده‌بانی منظم، مستمر و علمی تحولات سریع محیط را دوچندان ساخته است. اکنون عرضه مناسبت، کارآمد و اثربخش دین برای مخاطبان جهانی، ما را وادار می‌کند که با توجه به چالش‌ها و فرصت‌های نو به نو، ورقی‌بان چالاک و مجهز، در روش‌های فعلی تفقه و ارائه جلوه‌های دین حنیف بازنگری کنیم و برای دست‌یابی به اهداف و مأموریت‌های نوپدید خود آرایشی دوباره بیابیم و با تکیه بر ذخایر بی‌بدیل علمی خویش و متناسب با امکانات و شرایط جدید جهانی، برنامه‌های علمی خود را سامانی دوباره بخشیم تا از «بنیان مرصوص» در میدان جهاد دینی برخوردار شویم.

تولید علم دینی و برخورد فعالانه و غیر منفعلانه با مسائل و پرسش‌های نوپدید امروز و فردای جوامع دینی که از دغدغه‌های اصلی محققان، اندیشمندان و فعالان عرصه پژوهش است با نگاه جامع، آینده‌نگرانه و عالمانه به همه عرصه‌های مأموریتی حوزویان حاصل می‌شود. برای حرکت صحیح و دقیق در این مسیر، توجه به مسائلی همچون چیستی علم، چیستی علم دینی، چیستی نظریه‌پردازی و نوآوری، نیازسنجی در پژوهش، شناخت اولویت‌های پژوهش، توسعه دانش‌های

دینی، شاخص‌ها و استانداردهای تحقیقات حوزوی و در گام بعدی شناخت مسائلی همچون سیاست‌گذاری و راهبری علم دینی، نقشه جامع علوم دینی، درخت‌واره علوم حوزوی و...، از ضرورت‌ها و فوریت‌های فضای مرتبط با تفقه دینی به شمار می‌رود. آنگاه که محققان، فعالان عرصه پژوهش و مدیران و تصمیم‌سازان این عرصه، پاسخ‌های شفاف و کارامدی برای مقوله‌های فوق نیابند، هدررفت نیروها و امکانات و از دست دادن فرصت‌ها، و پرداختن به مباحث فاقد اولویت و تولید انبوه اطلاعات تکراری و فاقد کیفیت و حاکمیت یأس و ندانم‌کاری بر فضای پژوهش حوزه‌ها، گریزناپذیر خواهد بود و همه تلاش‌های خالصانه و اقدامات سخت‌کوشانه، چون فاقد برنامه و نگاه جامع و آگاهانه است، جز دوری از هدف را در پی نخواهد داشت. از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: «الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةَ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا» (کلینی، اصول کافی، ص ۵۴/۱).

مقالات مندرج در این شماره نشریه، درآمدی است برای پاسخ به دغدغه‌های فوق و تبدیل آن به گفتمان جاری و ساری فضای علمی حوزه‌هایی که از ذخایر علمی کم‌نظیر و اندیشمندان پرتوان و ارجمند فراوانی برخوردار است و برای دستگیری از پیروان اهل بیت (علیهم السلام) و دین حنیف در سراسر جهان به شدت نیازمند تلاش و تولید علم متناسب با شرایط جدید جهانی است.

درآمدی بر چیستی، چرایی و چگونگی توسعه علوم اسلامی

چکیده: این مقاله در قالب سه بخش به سه مسئله اصلی پرداخته است: چیستی توسعه علوم اسلامی، چرایی و ضرورت توسعه علوم اسلامی و چگونگی توسعه علوم اسلامی. در بخش اول، برای پاسخ به پرسش اصلی نخست (چیستی توسعه علوم اسلامی)، پنج پرسش فرعی (چیستی علم؛ چیستی دین؛ گستره معرفتی دین؛ چیستی توسعه؛ چیستی توسعه علم) به بحث گذاشته شده و در نهایت، پس از ارائه چهار تلقی از علم دینی، تفسیری از توسعه علوم اسلامی ارائه شده است.

در بخش میانی، در پاسخ به پرسش اصلی دوم، با تمرکز بر دو نکته (ضرورت توسعه علوم به عنوان پیش نیاز توسعه و پیشرفت همه جوامع و تمدن‌ها با هر بینش و گرایش؛ نقش توسعه علوم اسلامی به عنوان پیش نیاز بازتولید تمدن اسلامی)، چرایی و ضرورت توسعه علوم اسلامی توضیح داده و توجیه شده است.

در بخش پایانی، در پاسخ به «چگونگی توسعه علوم اسلامی» بر پنج نکته تمرکز و تأکید شده است: ضرورت بازطراحی هندسه نیازهای صادق انسان به عنوان مهم‌ترین اصل راهنمای توسعه حقیقی علم و علوم اسلامی؛ بازخوانی و پالایش علوم متناسب با هندسه نیازهای صادق و اجتناب از هدایت جریان تولید علم در راستای نیازهای کاذب؛ نوپژوهی به منظور تلاش در راستای پاسخ به نیازها و مسائل مستحدث و نوظهور یا ارائه پاسخ‌های بهتر به نیازها و مسائل کهن؛ ضرورت طراحی و تأسیس دو سازمان حقیقی و مجازی به منظور تحقق عینی و عملیاتی کردن ایده توسعه علوم اسلامی.

روش تحقیق، عمدتاً «تحلیلی» است. یعنی ابتدا سعی شده مفاهیم کلیدی، مانند «علم» و «دین» و «توسعه»، «تحلیل» و سپس در پرتو دلایل و مستندات لازم، «توجیه» شود.

کلیدواژه‌ها: علم، دین، توسعه، اسلام.

مقدمه

هر تمدنی مبتنی بر یک زیرساخت فکری و علمی است؛ لذا هر ملتی که در «اندیشه توسعه» به سر می‌برد، نخست باید به «توسعه در اندیشه» دست یابد. «توسعه و پیشرفت علمی» یکی از جلوه‌های توسعه در اندیشه، بلکه مهم‌ترین جلوه آن است. اما یکی از مشکلات بشر در طول تاریخ، مواجهه با تلقی‌های گوناگون از «علم» و «توسعه و پیشرفت» بوده است. «دین» البته دین حق و ناب به شرطی که درست فهمیده شود در هر دو زمینه می‌تواند بهترین راهنمای انسان سرگردان و گرفتار در بازار مکاره ایسم‌های گوناگون باشد. اینک که کشور کهنسال و با سابقه ایران که روزگاران طلایه‌دار تمدن بود، پس از پشت سر گذاشتن یک دوره طولانی رکود و عقب‌ماندگی در پرتو انقلاب مقدس اسلامی دوباره به فکر توسعه و پیشرفت افتاده است، بی‌شک باید تکلیف خود را با دو مقوله «علم» و «توسعه» که در پارادایم‌های گوناگون به‌ویژه اسلام و جهان مدرن دارای معانی خاص و بسیار متفاوت هستند و نیز نقش «دین» در این میان روشن کند. به‌راستی تلقی ما، به عنوان یک انسان خردورز و آزاداندیش نه انسان از خودبیگانه سنت‌زده یا تجدیدزده، از علم چیست؟ فرق علم با شبه علم چیست؟ منظور از توسعه و پیشرفت چیست؟ چه تفاوتی میان توسعه و شبه توسعه وجود دارد؟ ما چه چیز را توسعه و پیشرفت علم می‌دانیم؟ آیا علم و توسعه می‌تواند مقید به قیودی چون دیانت و اسلامیت باشد؟ اگر «علم دینی» یا «علم اسلامی» ترکیبی موجه است، چگونه می‌توان آن را «توسعه» داد و در پرتو این «توسعه علمی» نیازهای نرم‌افزاری «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» را تأمین کرد؟ این‌ها و پرسش‌هایی از این دست، انگیزه اصلی شکل‌گیری مقاله حاضر است که در سه بخش اصلی تقدیم می‌شود: چیستی توسعه علوم اسلامی، چرایی و ضرورت توسعه علوم اسلامی و در نهایت، چگونگی توسعه علوم اسلامی؟

الف: چیستی توسعه علوم اسلامی

۱. چیستی علم

هر یک از رشته‌های علمی را می‌توان به یک ساختمان بزرگ یا یک مولکول درشت یا یک انسان تشبیه کرد. ساختمانی که از آجرهای بسیار به وجود آمده، مولکولی که از اتم‌های بسیار شکل گرفته یا انسانی که برآیند چینش خاصی از میلیاردها سلول است. هر یک از این آجرها یا اتم‌ها یا سلول‌ها

در واقع يك واحد است؛ واحدی که خود متشکل از اجزا و عناصری خاص می باشد. اجزای تشکیل دهندهٔ آجر، آب و خاک است؛ اجزای تشکیل دهندهٔ اتم، پروتون و نوترون و الکترون است؛ و اجزای اصلی تشکیل دهندهٔ سلول، هسته و سیتوپلاسم و غشا.

هر يك از رشته های علمی نیز دقیقاً همین گونه است: اولاً از تك آموزه های علمی گوناگون به وجود آمده و ثانیاً هر تك آموزه علمی، قابل تحلیل به اجزا و عناصر خاص خود است. لذا اگر بتوانیم اجزا یا عناصر تشکیل دهندهٔ يك تك آموزه علمی را مشخص کنیم، مشکل درك ماهیت و چیستی علم هموار می شود. برای شناخت اجزا و عناصر تشکیل دهندهٔ يك تك آموزه علمی، بحث خود را با طرح این پرسش آغاز می کنیم که اساساً «علم چگونه تولید می شود».

«تولید علم» سه منشأ دارد. (البته شاید بتوان با استقرا و کاوش بیشتر منشأ دیگری نیز برای آن یافت): **منشأ اول تولید علم:** «کنجکاوی». مثل پرسشی که گفته شده برای نیوتون مطرح شد: «چرا سیب به این کوچکی از درخت می افتد، اما ماه به آن بزرگی از آسمان سقوط نمی کند؟» طرح این پرسش (که ظاهراً ناشی از یک کنجکاوی ساده و علاقه شخصی نیوتن می تواند باشد) موجب تولید تئوری جاذبه شد (باربور، ۱۳۹۳، ص ۴۲).

منشأ دوم تولید علم: «نیاز». مثل این که بخشی از نیازهای بشر، نیازهای مادی (مثل خوراک و پوشاک و مسکن و غیره) است. اما نکته اینجاست که نیازهای مادی انسان بسیار متنوع و متکثر است، ولی منابعی که تاکنون شناخته و توانسته از آنها بهره برداری کند محدود است؛ لذا این سؤال برای او مطرح شده: «از این منابع محدود در راستای پاسخ به نیازهای نامحدود چگونه بهره برداری کنیم تا بتوانیم نیازهای مادی خود را تأمین کنیم؟». دانش اقتصاد اساساً بر اساس پاسخ به این پرسش کلیدی شکل گرفته و تولید شده است (عباسیان، بی تا، ص ۱۱).

منشأ سوم تولید علم: «مسائل و مشکلات». بشر در طول تاریخ با مسائل و مشکلات گوناگون، مثل بیماری، سیل، زلزله، طوفان، جنگ و اموری از این دست مواجه بوده و هست. به عنوان نمونه، امروز بشریت با مشکلی به نام سرطان و ایدز مواجه است. لذا برای او این پرسش ها مطرح شده که اساساً «سرطان و ایدز چیست؟»، «چگونه به وجود می آید؟»، «چگونه می توان آنها را درمان کرد؟» و در نهایت: «چگونه می توان از ابتلا به آنها پیشگیری نمود؟»

از تحلیل نکات پیش گفته می توان به این جمع بندی رسید که نخستین رکن یا عنصر علم «سؤال

یا پرسش» است؛ سؤال و پرسشی که برخاسته از کنجکاوی یا نیاز یا مسائل و مشکلات است. پس از شکل‌گیری رکن نخست علم، نوبت به پاسخ یا جواب می‌رسد. فردی که با یک سؤال یا پرسش به صورت جدی درگیر شده، سعی می‌کند تا پیرامون آن مسئله مطالعه کند، اطلاعات به دست آورد، فکر کند، آزمایش کند، با این و آن به بحث و گفت‌وگو بپردازد تا در نهایت به یک پاسخ مشخص و شفاف برسد. پس می‌توان گفت: رکن یا عنصر دوم علم، «پاسخ یا جواب» است. اما نکته اینجاست که هر جواب و پاسخی قابل قبول و دفاع نیست. پاسخ باید «مدلل» یا «مبرهن» یا به اصطلاح امروز «موجه» (Justified) باشد. پس رکن سوم علم، «دلیل» یا «برهان» یا «توجیه» (Justification) است.

پرسش، در معنای اصلی و حقیقی خود، حاکی از جهل بسیط است. یعنی کسی که جاهل است و علم به جهل خود دارد و نیز میل به دانایی دارد، معمولاً درباره چیزی که آگاهی ندارد، سؤال می‌کند: شهید مطهری (رض) نیز در این باره می‌فرماید:

«غریزه پرسش یکی از غرایز اولیه بشری است و نمونه رشد و اعتلای دستگاه فکر و اندیشه است. سؤال از جهلی آمیخته به علم، نادانی‌ای آمیخته به دانش پیدا می‌شود. یعنی يك مجهول در برابر بشر خودنمایی می‌کند؛ از طرفی آن مجهول را نمی‌داند؛ و از طرف دیگر می‌فهمد که مجهولی دارد. یعنی به جهل خود پی برده است؛ لهذا سؤال می‌کند. اگر آن مجهول برایش معلوم باشد سؤال نمی‌کند؛ و اگر هم آن مجهول واقعاً برایش مجهول باشد، اما خودش التفات به جهل و بی‌خبری خود نداشته باشد باز در صدد جست‌وجو و تحقیق بر نمی‌آید. پس انسان وقتی در صدد تحقیق و جست‌وجو و پرسش برمی‌آید که نداند، اما بداند که نمی‌داند. این است که دانشمندان گفته‌اند: بزرگ‌ترین امتیاز انسان نسبت به سایر جانداران آن است که جهل او بسیط است. یعنی به جهل خود می‌تواند علم و توجه داشته باشد و بداند که نمی‌داند و در نتیجه در صدد سؤال و جست‌وجو و تحقیق برآید.» (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۲۶۹)

وقتی ذهن انسان با يك پرسش درگیر شد، آن پرسش پاسخ می‌طلبد. اما چون هر پاسخی را نمی‌توان پذیرفت، لذا برای اثبات صحت یا حقانیت آن، دلیل نیز لازم است. براساس طی این فرایند سه مرحله‌ای است که يك تك آموزه علمی شکل می‌گیرد. حال اگر

پرسش دیگری رخ نماید، زمینه برای تولید و تولد تک‌آموزه علمی دیگری فراهم می‌شود. و باز اگر پرسشی دیگر مطرح شود، و در پی آن، شاهد تلاشی جدید برای رسیدن به پاسخ مدلل این پرسشی نوظهور باشیم، و آن تلاش به ثمر نشیند، در واقع شاهد ظهور تک‌آموزه علمی جدیدی خواهیم بود. حال اگر این فرایند یا چرخه سه مرحله‌ای پیوسته تکرار شود، دائماً شاهد ظهور تک‌آموزه‌های علمی دیگر خواهیم بود که پس از مدتی به صورت انبوهی از تک‌آموزه‌ها درخواهد آمد.

اما از آنجا که برخی از این تک‌آموزه‌ها ناظر به یک موضوع یا هدف خاص هستند، لذا در کنار هم قرار می‌گیرند و علم خاصی را به وجود می‌آورند و به این ترتیب، بنای با شکوه علوم گوناگون شکل می‌گیرد. پس:

۱. هر یک از رشته‌های علمی، مجموعه‌ای از تک‌آموزه‌ها یا تک‌واحدهای علم است.
۲. هر یک از این تک‌واحدها براساس منطقی خاص^۱ در کنار هم قرار گرفته و علم خاصی را به وجود آورده‌اند.

۳. هر تک‌واحد علمی از سه عنصر اصلی تحت عنوان پرسش و پاسخ و دلیل تشکیل شده است. بنابراین، هر علمی عبارت است از یک سلسله مسائل^۲ که در زمینه‌ای معین و در اطراف موضوعی معین گفت‌وگو^۳ می‌کند و بین مسائل هر علم رابطه خاصی وجود دارد که آنها را به یکدیگر پیوسته و از مسائل علوم دیگر جدا می‌سازد (مطهری، بی تا، ص ۲۹ و ۳۰).

پس پرسش یا مسئله، نخستین و بلکه مهم‌ترین رکن علم است، زیرا اگر دو عنصر جهل و میل به دانایی، خود را در قالب پرسش یا مسئله عرضه نکنند، اساساً تکاپو و جست‌وجو برای پیدا کردن پاسخ یا راه‌حل آغاز نمی‌شود و جان انسان و جامعه جاهل به نور علم روشن نمی‌گردد. و اینکه در حدیثی شریف از قول پیامبر اکرم (ص) آمده است: «العلم خزائن و مفاتیحه السؤل» (حسین بحرانی، ۱۳۴۳، ص ۴۱)، دلیلی دیگر بر صحت ادعای فوق است. یعنی علاوه بر عقل و دیدگاه شخصیت‌های برجسته علمی، نقل نیز مؤید این ادعاست.

تک‌آموزه علم → دلیل + پاسخ + پرسش

۱. این منطق خاص ممکن است مبتنی بر موضوع یا غایت باشد. بحث مفصل و مستدل در این زمینه نیاز به مجال و مقالی دیگر دارد.

۲. بی‌شک منظور استاد از مسایل، همان پرسش‌های علمی است.

۳. بی‌شک بخشی از گفت‌وگو مورد نظر شهید مطهری، همان تلاش معرفتی برای مدلل ساختن دعاوی و پاسخ‌هاست.



بنابراین، هر يك از رشته‌های علمی، مجموعه‌ای از تك آموزه‌های معرفتی است که به سبب تعلقشان به يك موضوع یا يك هدف مشترك، براساس نظمی ویژه در کنار هم قرار گرفته و دانش خاصی را به وجود آورده‌اند:

علمی خاص → (نظمی خاص) + (تك آموزه علمی شماره ۳ + تك آموزه علمی شماره ۲ + تك آموزه علمی شماره ۱)

چنین است که شهید مطهری (رض) می‌فرماید: دانش فلسفه زمانی که وارد جهان اسلام شد، حدود دویست مسئله داشت، اما اینک در پرتو تلاش معرفتی متفکران مسلمان بالغ بر هفتصد مسئله شده است (مطهری، بی‌تا، ص ۱۱). البته ناگفته پیداست که منظور این شهید بزرگوار این نیست که فلسفه در هنگامه ورود به جهان اسلام، تنها دویست پرسش بود و اینک تبدیل به هفتصد پرسش شده است، بدیهی است که مراد آن بزرگوار از هر مسئله، يك بحث علمی ویژه و مستقل با همه عناصر يك تك آموزه علمی است.

پرسش بسیار مهمی در اینجا قابل طرح است: آیا صرف وجود عناصر سه‌گانه یادشده (پرسش و پاسخ و دلیل) برای شکل‌گیری تك واحد دانش کافی است؟ اگر پاسخ مثبت باشد، لازمه اش این است که عنصر مقبولیت یا عدم مقبولیت متخصصان و صاحب‌نظران رشته‌های علمی هیچ نقشی نفیاً و اثباتاً در اطلاق عنوان دانش به تك واحدهای علوم ندارد. بله، صرف وجود عناصر سه‌گانه یادشده در يك آموزه معرفتی، فارغ از مقبولیت و عدم مقبولیت متخصصان و صاحب‌نظران، کفایت می‌کند که ما آن را دانش بنامیم. حتی ممکن است خود نظریه پرداز نیز که علی القاعده یکی از متخصصان صاحب‌نظران است به دلایلی خود مشکوک باشد. اما چون به هر حال دلیل ارائه شده دست کم توجه يك متخصص یا صاحب‌نظر را به خود جلب کرده (هرچند هنوز او را قانع نکرده و به اطمینان و یقین نرسانده)، همین کفایت می‌کند تا بگوییم تك واحد علمی شکل گرفته است.

اما اگر در پاسخ به پرسش مورد بحث (یعنی نقش و جایگاه مقبولیت و پذیرش متخصصان و صاحب‌نظران يك رشته در شکل‌گیری تك واحد علم) بگوییم مقبولیت و پذیرش لازم است:

- اولاً، باید عناصر سه‌گانه تك واحد علم را به عناصر چهارگانه افزایش دهیم؛
 - ثانیاً، مشخص کنیم که این مقبولیت با چند نفر متخصص و صاحب‌نظر شکل می‌گیرد.
- به هر حال، مقبولیت را جزء عناصر تك واحد علم بدانیم یا ندانیم، سه عنصر پیشین (پرسش؛

پاسخ؛ دلیل) بی شك جزء عناصر اصلی آن هستند. اما آیا همه هوییت علم در همین سه یا چهار جزء اصلی خلاصه می شود؟ خیر. علاوه بر اجزای مذکور، که ارکان اصلی و ضروری هر علمی است، به سه عنصر دیگر می توان اشاره کرد:

۱. شرح تخصصی؛

۲. نقد تخصصی؛

۳. دفاع تخصصی (نقد تخصصی نقد تخصصی).

از آنجا که قدرت درك علمی افراد متفاوت است، ممکن است درك برخی دستاوردهای معرفتی، حتی برای بعضی متخصصان و بلکه صاحب نظران نیز مشکل باشد. در اینجاست که ضرورت عنصر جدیدی به نام شرح تخصصی مطرح می شود.

گاه مشکل در فهم و درك مطلب نیست، بلکه مشکل ناشی از خود پرسش یا پاسخ یا دلیل است. در اینجاست که پای نقد به صحنه علم باز می شود.

اما از آنجا که ممکن است اشکالات مطرح شده وارد نباشد یا به نظر طرف داران نظریه ای که مورد نقد قرار گرفته، وارد نباشد، خود صاحب نظر یا طرف داران آن نظریه قدم در میدان دفاع (یا نقد) گذاشته و اشکالات نقد و نقاط قوت موضوع مورد نقد را مشخص می کنند؛ به این ترتیب، نظریه ای را که زیر سؤال رفته بود یا به نظر می رسید ابطال شده، حیاتی دوباره می بخشند.

به عنوان مثال، در دوره مدرن اصل ضرورت دین از طریق ایجاد شك راجع به خاستگاه و کارکرد دین زیر سؤال رفت، اما با تلاش علمی و معرفتی عده ای از دانشمندان دین مدار، اینك در عصر پست مدرن، شاهد بازگشت گسترده مردم جهان به دین هستیم (هانتینگتون، ۱۳۷۸، ص ۱۵۰).

پس هر علمی دست کم و معمولاً برآیند شش عنصر است: ۱. پرسش؛ ۲. پاسخ؛ ۳. دلیل (حجت توجیه)؛ ۴. شرح تخصصی؛ ۵. نقد تخصصی؛ ۶. دفاع تخصصی (نقد تخصصی نقد تخصصی).

۲. تأملی دیگر در چیستی علم

آنچه تاکنون بیان شد، تأملاتی شکلی و صوری در چیستی علم بود. اینك لازم است تأملی در محتوا، حقیقت و لب علم داشته باشیم. علم بر دو نوع است: مفید و غیرمفید. علم مفید علمی است که پاسخگوی پرسش های برخاسته از نیازهای صادق انسان و جامعه باشد؛ علم غیرمفید آن است که پاسخگوی پرسش های برخاسته از نیازهای کاذب انسان و جامعه باشد. ملاك صدق و کذب نیازها

هم هماهنگی و عدم هماهنگی آنها با حفظ حیات و سلامت و رشد جسمی و روحی انسان است. به عنوان مثال، هوا و آب و غذا از نیازهای صادق انسان است، اما مشروبات الکلی و مواد مخدر که دارای بازار بسیار پررونقی هم در جهان است از نیازهای کاذب به شمار می‌رود. زیرا هوا و آب و غذا موجب حفظ حیات و سلامت و رشد جسمی انسان می‌شود، اما مشروبات الکلی و مواد مخدر عامل تهدید حیات و سلامت جسمی و روحی است.

البته ممکن است عده‌ای بگویند: علم در هر صورت (اعم از آن‌که در خدمت نیازهای صادق یا کاذب باشد) مفید است، زیرا علم بما هو علم در ذات خود نور و آگاهی است و چنین چیزی نمی‌تواند غیر مفید یا بد باشد. به عبارت دیگر، بد یا غیر مفید بودن وصف نوع بهره‌برداری و استفاده از علم است نه خود علم.

در پاسخ می‌توان گفت: بله، هرچند علم بما هو علم در ذات خود نور و امری مثبت است، چون انسان اغلب علم را برای خود علم نمی‌خواهد، بلکه قصد استفاده و بهره‌برداری و مشکل‌گشایی نظری یا عملی از طریق آن را دارد، لذا برخی علوم، هرچند در ذات خود به سبب نور بودن و آگاهی‌بخشی مثبت است، به علت فقدان کاربرد نظری یا عملی، نه تنها غیرمفید است، بلکه به علت ضایع کردن عمر، که مهم‌ترین سرمایه‌های انسانی است، در فهرست علوم غیرمفید قرار می‌گیرد. دقیقاً به سبب همین نکته است که از دیرباز بخشی از تلاش معرفتی دانشمندان صرف تعیین میزان ارزش و اهمیت علوم گوناگون شده است. مثلاً گفته‌اند: ارزش هر علم تابعی از متغیر ارزش موضوع آن است؛ و چون هیچ موضوعی با ارزش ترو با اهمیت تراز خداوند متعال نیست، علم توحید و خداشناسی سرآمد همه علوم است.

براساس همین نکته (یعنی امکان تقسیم علوم به مفید و غیرمفید و حتی مضر) است که امروزه در تعریف پژوهش نیز بر این نکته تکیه و تأکید می‌شود که پژوهش باید مسئله‌محور باشد. مسئله نیز به چیزی گفته می‌شود که بیانگر مشکلی از مشکلات انسان یا جامعه باشد. به عبارت دیگر، طرف‌داران این تعریف معتقدند که تعریف پژوهش باید به گونه‌ای باشد که پژوهش‌های غیرمفید تخصصاً از تعریف پژوهش خارج شوند؛ نه آنکه پژوهش را طوری تعریف کنیم که اعم از مفید و غیرمفید باشد و بعد پژوهش‌های غیرمفید را تخصیص بزنیم. اساساً واژه Problem که در فارسی به «مسئله» ترجمه شده، بیانگر همین نکته ظریف و دقیق و کاربردی است.

خلاصه آنکه در بازکاوی چپستی علم باید به يك نکته دو وجهی توجه کرد: یکی اینکه طرح هر پرسشی نباید مبنای پژوهش و کاوش هر عالمی باشد؛ و دیگر آنکه پرسش باید برخاسته از نیازی از نیازهای صادق انسان باشد. لذا تا زمانی که پرسش‌ها از بوتۀ نقد و ارزیابی به منظور هماهنگی با نیازهای صادق عبور نکنند و تأیید نشوند نباید در حوزه کاوش علمی قرار گیرند.

هرچند این نکته ممکن است در نظر برخی یا حتی همگان بسیار بدیهی به نظر آید، اما غفلت نظری یا عملی از آن موجب خسارت‌های بسیار مادی و معنوی برای جامعه بشری بوده و هست، که تعیین میزان این خسارت، خود می‌تواند موضوع چند پژوهش گسترده مستقل باشد.

بنابراین، در تکمیل بحث چپستی علم، از آنجا که به نخستین جزء یا عنصر اصلی علم، یعنی پرسش اشاره شد، اینک این نکته را نیز باید افزود که منظور از پرسشی که نخستین و مهم‌ترین رکن علم است، هر پرسشی نیست، بلکه پرسش‌هایی است که به نوعی، مستقیم یا غیرمستقیم، ناظر به یکی از نیازهای صادق انسان باشد.

۳. چپستی علوم اسلامی

بحث در باب چپستی علوم دینی عموماً، و علوم اسلامی خصوصاً، و دینی یا اسلامی کردن علوم بالاختصاص، یکی از مسائل بسیار مهم، ذوابعد و گسترده است که پرداختن به همه ابعاد آن در حوصله يك مقاله نمی‌گنجد تا چه رسد به بخش کوچکی از يك مقاله. لذا تنها به چند نکته اشاره خواهم کرد: **نکته اول:** برای درك چپستی علوم اسلامی ابتدا لازم است با چپستی و ماهیت دین آشنا شویم. در ماهیت و چپستی دین تعاریف بسیار ارائه شده، اما جهت رعایت اختصار، به ذکر یک تعریف مختار بسنده می‌شود:

دین مجموعه‌ای از آموزه‌های الهی مبتنی بر وحی است که از طریق انبیا برای سعادت انسان در اختیار جامعه بشری قرار گرفته است.

نکته دوم: دامنه و گستره و تنوع علوم دینی و اسلامی تابع این است که تعریف شما از دین، اقلی است یا اوسطی یا اکثری.

توضیح این که وقتی در تعریف دین گفته می‌شود: دین مجموعه‌ای از آموزه‌های الهی مبتنی بر وحی است که از طریق انبیا برای سعادت انسان در اختیار جامعه بشری قرار گرفته است، این پرسش قابل طرح است که: دامنه این آموزه‌ها تا کجاست؟ یا به عبارت دیگر، گستره آموزه‌های وحیانی



شامل چه حوزه‌ها و اموری می‌شود؟ آیا آموزه‌های وحیانی، صرفاً ناظر به مسائل اخروی است یا شامل مباحث دنیوی نیز می‌شود؟ و اگر شامل موضوعات دنیوی نیز می‌شود، این شمول به صورت کلی و اجمالی است یا جزئی و تفصیلی؟

در پاسخ به این پرسش، که دارای نقش مستقیم در پاسخ به پرسش از دامنه و گستره و تنوع علوم دینی و اسلامی است، سه دیدگاه وجود دارد: ۱. دیدگاه اقلی؛ ۲. دیدگاه اوسطی؛ ۳. دیدگاه اکثری.

کسانی که نگاهشان به گستره رسالت دین، اقلی است، طبیعی و بدیهی است که آن را به گونه‌ای تعریف کنند که آموزه‌های دین، اعم از نظری و عملی، تنها ناظر به امور اخروی باشد. به عبارت دیگر، طرفداران این نظریه معتقدند که خداوند متعال بشر را به گونه‌ای آفریده که خود بدون استمداد از آسمان می‌تواند از طریق تفکر و تعقل و علوم تجربی پاسخ‌گوی نیازهای مادی و دنیوی خود، از جمله مناسبات بین‌انسانی باشد. لذا در این زمینه بشر هیچ نیازی به دین ندارد. حتی اگر در میان آموزه‌های دین به مواردی برخورد کنیم که متعلق یا موضوعش امور دنیوی باشد، این نوع آموزه‌ها یا نظر شخصی پیامبران و اوصیای ایشان است، یا فاقد هر نوع وجاهت علمی است و تنها ناظر به باورهای مردم زمان نزول وحی است. در واقع، این نوع آموزه‌ها موضوعیت ندارد، بلکه طریقت دارد. یعنی خداوند متعال از طریق یادآوری باورداشت‌های مردم عصر نزول، اعم از اینکه آن باورها صادق باشد یا کاذب، در مقام استنتاج آموزه‌های اعتقادی و آخرت‌ساز بوده است.

بدیهی است اگر این دیدگاه را بپذیریم، بناچار علمی چون طب اسلامی، اقتصاد اسلامی، جامعه‌شناسی اسلامی و حتی بخش‌هایی از فقه و حقوق اسلامی را، که ناظر به حقوق سیاسی و اقتصادی و کفبری و جزایی و سایر انواع حقوق که به نوعی مربوط به مناسبات حیات دنیوی بشر می‌باشد، باید از حوزه علوم دینی اخراج کنیم. این نظریه را می‌توان سکولاریسم ایمانی در برابر سکولاریسم الحادی نامید.^۴ زیرا طرفداران این دیدگاه ضمن اعتقاد به مبدأ و معاد و وحی و نبوت و حتی عصمت و ولایت

۴. سکولاریسم (Secularism) براساس آنچه در فرهنگ وبستر آمده از ریشه یونانی Saeculum (= جهان حاضر) و به معنای اعراض از دین آمده است. در دائرة المعارف بریتانیکا نیز در توضیح آن آمده است: «سکولاریسم نوعی جنبش اجتماعی است که سبب شد تا توجه انسان از آسمان و حیات اخروی به زمین و زندگی دنیوی معطوف شود». اما نکته اینجاست که اعراض از دین و توجه به زمین و زندگی دنیوی امری تشکیکی و ذومراتب است. بررسی تحولات فکری و اجتماعی جهان مدرن نیز، که سکولاریسم در متن آن اتفاق افتاده، دقیقاً مؤید این نکته است، لذا سکولاریسم را می‌توان به دو نوع حاد (الحادی) و غیرحاد (ایمانی) تقسیم کرد. سکولاریسم حاد یا الحادی همان ماتریالیسم است؛ اما سکولاریسم غیرحاد یا ایمانی ناظر به کسانی است که ضمن اعتقاد به غیب و مبدأ و معاد و ارسال رسل و انزال کتب، گمانشان بر این است که

اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) و اعتقاد نظری و التزام عملی به بسیاری از احکام عبادی به معنای خاص، چون نماز و روزه و حج و غیره، معتقدند: دین هیچ مسئولیتی در زمینه برنامه‌ریزی و تدبیر حیات دنیوی بشر ندارد؛ و این مسئولیت بر عهده خود انسان است که از طریق تکیه بر عقل و دانش بشری می‌تواند امورات خود را، هرچند با روش آزمون و خطا، تدبیر کند.

طرف‌داران نظریه اوسطی، برخلاف اقلی‌ها، معتقدند گستره رسالت دین هرچند اعم از امور دنیوی و اخروی است، اما خداوند متعال در زمینه آموزه‌هایی که مربوط به حیات اخروی است به تفصیل وارد شده و همه آنها را به صورت جزئی و مورد به مورد در اختیار بشر قرار داده، ولی در حوزه امور دنیوی، تنها به ارائه رهنمودهای کلان و سیاست‌های کلی بسنده کرده و جزئیات و تفصیل مباحث را بر عهده عقل و دانش انسان قرار داده است.

براساس این دیدگاه لازم نیست علوم پیش‌گفته را از حوزه علوم دینی و اسلامی اخراج کنیم، بلکه کافی است آنها را بازسازی کنیم. یعنی در علمی چون طب و اقتصاد و سیاست و حقوق و مدیریت و مانند آن، که ناظر به حیات دنیوی است، کافی است رهنمودهای کلان و اصول کلی را از دین اخذ کنیم و جزئیات و تفصیل مباحث را در چارچوب و در پرتو هدایت و رهبری آن کلیات، به کمک عقل و دانش خود، به تناسب نیازی که احساس می‌کنیم، بسط و توسعه دهیم.

طرف‌داران نظریه اکثری، برخلاف دیدگاه قبل، معتقدند: خداوند متعال علاوه بر کلیات امور دنیوی، جزئیات و تفصیل مطالب را نیز در اختیار بشر قرار داده است؛ الا اینکه درک و فهم آن نیاز به تخصص و طهارت ویژه دارد. از آنجا که اوج این تخصص و طهارت در اختیار انبیا و اوصیای ایشان است؛ لذا در عصر حضور، انبیای عظام و اولیای گرام صلوات الله علیهم اجمعین علاوه بر آنکه مرجع علمی همه نیازهای کلی و جزئی اخروی هستند، در زمینه علوم دنیوی نیز، اعم از کلیات و جزئیات، تنها مرجع قابل اعتمادند؛ اما در عصر غیبت، هر کس به میزان تخصص و طهارت باطنش می‌تواند از آموزه‌های وحیانی در راستای پاسخ به نیازهای معرفتی استنباط کند.

آنچه تا اینجا بیان شد، تنها ادعاهای این سه گروه درباره گستره رسالت دین بود. ناگفته پیداست که هر گروه برای ادعای خود دلیل یا ادله‌ای هم دارد که باید در جای خود مورد بررسی قرار گیرد.

غرض از طرح این سه دیدگاه، تکیه و تأکید بر این نکته است که: چون بحث از چیستی علوم دینی و اسلامی تابع بحث از نسبت میان علم^۵ و دین است؛ و تعیین تکلیف این نسبت تابع بحث از چیستی دین است، و چیستی دین، تابع نوع نگاه شما به گستره رسالت دین می‌باشد، بنابراین، تا تکلیف این دیدگاه‌ها مشخص نشود، نمی‌توان درباره چیستی علوم دینی و اسلامی و گستره و موارد آن، البته به صورت دقیق و جزئی، وارد شد.

بله، در تعریف دین می‌توان گفت: دین مجموعه‌ای از آموزه‌های الهی است که برای سعادت انسان توسط پیامبران در اختیار بشر قرار گرفته است. اما این تعریف به علت اجمال در زمینه گستره آموزه‌ها نمی‌تواند راهنمای مناسبی برای تعیین تکلیف ماهیت دین باشد. وقتی ماهیت دین مجمل باشد، نسبت میان علم و دین نیز شفاف نخواهد بود؛ و تا این نسبت شفاف نشود، چیستی علوم دینی نیز در پرده ابهام خواهد ماند.

از آنجا که اظهار نظر دقیق درباره چیستی علوم اسلامی، متوقف بر تعیین تکلیف گستره رسالت دین است؛ و این بحث، خود، مطالعه و پژوهشی مستقل می‌طلبد، لذا به طور تفصیلی و دقیق نمی‌توان در این مقاله به همه موارد علوم اسلامی پرداخت. بنابراین، در چیستی علوم اسلامی، صرفاً به علمی که مشترک میان سه دیدگاه است، اشاره خواهد شد.

یکی از امور مشترک بین سه دیدگاه، مباحث اعتقادی است. در واقع، همه اندیشمندان و متفکران دین‌مدار بر این باورند که همه ادیان الهی حامل آموزه‌های نظری و عملی در زمینه مبدأ و معاد و چیستی و چگونگی تحصیل سعادت اخروی اند. لذا بحث از چیستی علوم دینی و اسلامی را در این چارچوب پی می‌گیریم.

۱. نوع اول علوم دینی و اسلامی: علوم ناظر به پیش‌نیازهای اعتقاد به دین (علوم برون دینی پیشینی)

وقتی سخن از دین به میان می‌آید، ابتدا باید تکلیف مباحثی چون تعریف دین، ضرورت دین، گستره رسالت دین (یا گستره نیاز انسان به دین)، تعریف اجمالی خدا، ادله اثبات وجود خدا، صفات خدا، وحی و امکان آن، شرایط نبی و نبوت، عصمت و اعجاز، و مسائلی از این دست، روشن شود. زیرا تا پاسخ به پرسش‌هایی از این دست، که جزء مسائل بنیادی اعتقادی است، روشن نشود، اساساً

۵. منظور از علم در این عبارت اعم از science است و شامل فلسفه و عرفان هم می‌شود.

ورود به حوزه معارف وحیانی، به ویژه با قید وحیانی و آسمانی بودنش، هیچ توجیهی نخواهد داشت. خود همین ضرورت موجب شده تا در طول تاریخ شاهد ظهور علوم باشیم که اگرچه از آموزه‌های وحیانی نیست، و حتی از دل آموزه‌های وحیانی بیرون نیامده، به طور مستقیم با مباحث و مفاهیم دینی گره خورده است. شاید به سبب همین ارتباط تنگاتنگ و تنیدگی وثیق است که اندیشمندان و دانشمندان دین، آنها را در فهرست علوم دینی قرار داده‌اند. این جانب این نوع علوم را علوم برون دینی پیشینی می‌نامم. چنان‌که در ضمن مباحث آینده به علمی خواهیم رسید که می‌توان آنها را علوم برون دینی پسینی نامید.^۶

بنابراین، برخی از علوم، مانند فلسفه و زبان را که جزء پیش نیاز اعتقاد به دین یا فهم متون اصلی دین به شمار می‌روند، می‌توان در فهرست علوم دینی قرار داد.

۲. نوع دوم علوم دینی و اسلامی: علوم مبتنی بر کتاب و سنت به صورت خالص و ناب

بر اساس آنچه در تعریف علم گذشت، در توضیح علوم دینی می‌توان گفت: هرگاه پرسشی مطرح شود که پاسخ و دلیل آن در متن آموزه‌های وحیانی (اعم از کتاب و سنت) آمده باشد، معرفتی که به این ترتیب، تولید می‌شود، دارای وصف دینی است. به عنوان مثال: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا»؛ از تو درباره قیامت می‌پرسند که: سرسید آن کی است؟ خداوند متعال نیز در پاسخ این پرسش به پیامبر فرموده است: «... قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لَوْفَتَهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَغْتَةً...» (اعراف: ۱۸۷)؛ بگو: علم آن نزد پروردگار من است و هیچ کس جز او نمی‌تواند وقت آن را مشخص کند؛ حادثه‌ای عظیم در آسمان‌ها و زمین است؛ و به طور ناگهانی بر شما وارد می‌شود.

چنان‌که ملاحظه می‌فرمایید، از آیه مطرح شده حاوی يك موضوع است که می‌تواند مولد دانش خاصی (قیامت‌شناسی) باشد.

۶. البته برخی دیگر که از مخالفان فلسفه یا علمی از این دست نیز نیستند، در عین حال معتقدند هیچ نیازی به این نوع علوم نیست، زیرا آموزه‌های وحیانی به‌گونه‌ای است که خودکفا و خوداتکاست. به عنوان مثال، اگر فیلسوفی که صرفاً در جست‌وجوی حقیقت است، بدون اعتقاد و ایمان به مبدأ و معاد و وحی و نبوت، و بدون تکیه بر آموزه‌های وحیانی، به براهینی برسد که اثبات‌گر وجود خداوند متعال یا سایر باورهای بنیادی دینی است، هیچ بخشی از این نوع مطالب را نمی‌توان جزء علوم دینی دانست. زیرا دین حقیقی که چیزی جز مجموعه آموزه‌های وحیانی نیست، اساساً برای تبیین و توجیه خود نیازی به بیرون از خود ندارد.

در زمینه قیامت‌شناسی می‌توان به سایر آیات قرآن مجید مراجعه کرد و این بحث را تا آنجا که مقدور است، البته صرفاً در چارچوب استخراج و دسته‌بندی آیات به صورت موضوعی، بسط داد. خروجی این کار و کارهای مشابه آن، موجب ظهور دانشی می‌شود که می‌توان آن را دانش دینی خالص با رشته‌های گوناگون معرفتی نامید. دینی است؛ زیرا پاسخ پرسش‌ها و ادله آن مستقیماً از متن وحی اخذ شده است و خالص است، زیرا جز سخن وحی بر هیچ آموزه دیگری تکیه نشده است. همچنین دارای رشته‌های گوناگون معرفتی است؛ چرا که مبتنی بر موضوعات گوناگون از قبیل معرفت‌شناسی، مبدأشناسی، معادشناسی، روح‌شناسی و ده‌ها موضوع دیگر است. نمونه‌های این سبک را می‌توان در آثار گوناگونی که علمای اسلام ارائه کرده‌اند، از جمله بخش مباحث قرآنی الحیة ملاحظه کرد.

۳. نوع سوم علوم دینی و اسلامی: علوم ناظر به پرسش‌های برخاسته از وحی یا علوم برون دینی پسینی

نوع سوم از علوم دینی و اسلامی می‌تواند مربوط به پاسخ مستدل پرسش‌های برخاسته از متن آموزه‌های وحیانی باشد که معمولاً از آن تحت عنوان تفسیر یاد می‌شود. به عنوان مثال، وقتی خداوند متعال می‌فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ...» (بقره: ۲)، ممکن است پرسش‌هایی از این دست به ذهن خواننده خطور کند: منظور از آن کتاب کدام کتاب است؟ آیا مراد، قرآن مجید است؟ یا لوح محفوظ؟ یا کتابی دیگر؟ اگر منظور، قرآن مجید است، چرا با اسم اشاره‌ای که مربوط به دور است (آن) به کتابی که نزد ماست اشاره شده است؟

همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید این پرسش‌ها و پرسش‌های بسیار دیگر که می‌تواند درباره سایر آیات مطرح شود، نیاز به پاسخ دارد؛ آن هم پاسخ مستدل.

حال اگر کسی بتواند پاسخ این پرسش‌ها را به طور مستقیم از خود قرآن یا احادیث معتبر استخراج کند، شبیه آنچه در نوع دوم از علوم دینی و اسلامی گذشت، این دانش نیز به دانش پیشین ملحق می‌شود. اما معمولاً چنین نیست. لذا در این موارد شاهد ورود عنصر دیگری به نام تفکر و تعقل به حوزه فهم و ادراک آموزه‌های وحیانی می‌شویم. به عبارت دیگر، در نوع دوم علوم دینی، ذهن منفعل است، یعنی کافی است معنای سلیس و روان آیات بی‌نیاز از تفسیر را بفهمد و درک کند. اما در نوع اخیر، ذهن باید به صورت فعال وارد جریان یادگیری شود. یعنی چون احتمالات گوناگون راجع به

منظور آیات به ذهن خطور می‌کند، ذهن ناچار می‌شود برای درک احتمالی که دقیقاً مورد نظر خداوند متعال است، از عنصر تفکر و تعقل که متضمن استدلال نیز می‌باشد، استفاده کند. دو دانش تفسیر و فقه، نمونه‌های بارز این نوع علوم است.

۴. نوع چهارم علوم دینی و اسلامی: علوم درجه دوم دینی

نوع دیگر از علوم دینی می‌تواند علمی باشد که ناظر به مطالعه و بررسی علوم نوع اول دینی تا نوع سوم دینی است.

تاکنون چند دلیل برای اثبات وجود خدا ارائه شده است؟ نقاط قوت و ضعف هر یک از دلایل چیست؟ آیا روند اثبات وجود خدا رو به رشد بوده است یا نه؟ منکران چه دلایلی برای رد وجود خدا تاکنون اقامه کرده‌اند؟ نقاط قوت و ضعف این ادله چیست؟ آیا روند انکار خدا رو به رشد بوده است یا نه؟ آیا ادله اثبات وجود خدا برترند یا ادله انکار یا متساوی‌اند؟ تاکنون چند مکتب تفسیری و اصولی و فقهی به وجود آمده است؟ ویژگی‌های هر مکتب چیست؟ نقاط قوت و ضعف هر مکتب چیست؟ پرسش‌هایی از این دست که به طور مستقیم در صدد بحث درباره مفاهیم دینی نیست، ولی نتایج آن می‌تواند در پاسخ به پرسش‌های دینی مؤثر باشد، پرسش‌هایی هستند که پاسخ مستدل به آنها موجب ظهور علمی می‌شود که می‌توان آنها را علوم دینی درجه دوم نامید.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در تعریف و تحلیل چیستی علم و علوم دینی گذشت، اینک به راحتی می‌توان به مباحث پرمناقشه و پردامنه‌ای چون امکان علم دینی و اسلامی کردن علوم نیز پاسخ گفت: هرگاه پرسشی وجود داشته باشد (هرچند دیگران به آن پاسخ مستدل داده باشند و حتی دانش خاصی نیز از مجموعه پرسش‌هایی که ناظر به یک موضوع یا غایت خاص است به وجود آمده باشد) و پاسخ مستدل آن را به طور مستقیم یا غیرمستقیم از آموزه‌های وحیانی ارائه کنیم، دانشی تولید می‌شود که دینی است. البته دیگران می‌توانند در پاسخ یا ادله آن مناقشه کنند؛ چنان‌که در همه یا اکثر علوم این اتفاق می‌مونه و مبارک رخ می‌دهد و موجب پیشرفت و توسعه دانش، از جمله دانش دینی می‌شود.

۴. چیستی توسعه

توسعه در زبان فارسی به عنوان معادل انگلیسی به کار می‌رود. و این واژه در برابر

Envelopment که به معنای پوشش و لفاف است، قرار دارد. لذا بخشی از حاق معنای لغوی توسعه در زبان انگلیسی مبتنی بر خروج از پوشش و لفاف است (Webster).

به عنوان مثال، دانه گندمی که در دل خاک کاشته شده و به تدریج از پوسته خود خارج می شود و از خاک سر برمی کشد، در واقع در حال توسعه است، یعنی دارد از پوشش و لفاف خود خارج می شود. و تا زمانی که پوسته خود را ترك نکرده، اساساً امکان رشد و نمو آن منتفی است.

پس توسعه نوعی تحول یا تغییر است، اما تحول و تغییری رو به پیش نه قهقرا. انتخاب این واژه توسط نظریه پردازان عصر مدرن از میان سایر واژه های مترادف، مانند Growth (رشد و نمو) یا Progress (پیشرفت و ترقی)، و غلبه آن در استعمال برای آنچه به عنوان توسعه در جهان مدرن اتفاق افتاده، بی جهت نیست. زیرا واژه Development در مقایسه با معادل هایش حامل این پیام تحلیلی و انتقادی نیز هست که برای دستیابی به توسعه، به ویژه از نوع غربی اش، شما باید از پوسته خود خارج شوید.

بنابراین، توسعه يك مقوله دو بعدی است: اولاً، باید چیزی را ترك کنید و از بند آن رها شوید و ثانیاً، به چیزی دست یابید؛ آن هم با این قید ضروری که تا ترك اتفاق نیفتد به چیزی هم دست نخواهید یافت.

اما آنچه باید از قیدش خلاص شد تا به پیشرفت و ترقی از نوع غربی دست یافت، چیست؟ نظریه پردازان و معماران جهان مدرن معتقدند: این پوشش یا لفاف یا پوسته سختی که مانع پیشرفت و ترقی انسان و جامعه شده، چیزی جز سنت به معنای Tradition نیست. مهم ترین نمادهای سنت سه مقوله است: ۱. دستاوردهای معرفتی ارسطو به عنوان نماد تفکر علمی؛ ۲. تفکر دینی تحریف شده کلیسا؛ ۳. نظام سیاسی امپراتوری.

اما نظریه و مدل توسعه غربی، دست کم، از دو بعد در معرض نقد و چالش جدی است: یکی از بعد درونی خود نظریه و مبانی معرفتی اش، یعنی آنچه می توان توسعه اصیل غربی نامید؛ و دیگری به سبب سوء استفاده نظام سلطه از این جاذبه جهانی و هدایت و رهبری آن به سوی چیزی که می توان آن را شبه توسعه نامید.

توسعه بی شك امری مطلوب است، زیرا قدر مشترك همه انواع توسعه، دست کم در مقام شعار و ادعا، پیشرفت و ترقی است. الا اینکه هر کس بر اساس مبانی معرفت شناختی و هستی شناختی و

نظام ارزشی و درك سیاسى خود مى‌تواند تلقى خاصى از محتوا و مضمون توسعه داشته باشد:

۱. عده‌ای توسعه یا پیشرفت و ترقى را در گذار از سنت و دستیابى به بهشت مادى و دنیوى دانسته‌اند (چنان‌که برخى از پیشگامان توسعه مدرن و پیروانشان در سراسر جهان براساس این تلقى به توسعه روکرده‌اند).

۲. جمعى نیز توسعه و پیشرفت و ترقى خود را در غارت و چپاول ثروت جهان مى‌بینند (چنان‌که مستکبران جهان این‌گونه مى‌اندیشند).

۳. گروهى نیز فریب شبه‌توسعه را خورده و گمان کرده‌اند با اطاعت محض از نظام سلطه مى‌توان سهمى از بهشت موعود زمينى را از آن خود کرد (چنان‌که حکومت‌هاى وابسته و روشنفکران غربزده در این طریق گام زده‌اند).

اما تکلیف ما، که هیچ‌يك از این تلقى‌ها را درست نمى‌دانیم، در این میان چیست؟ ما توسعه را چگونه تعريف و تفسیر مى‌کنیم؟ تلقى ما از توسعه چیست؟

در اینجا به ذکر دیدگاه رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه‌ای و توضیح مختصر تعريف مختار خود بسنده مى‌کنیم:

۱. دیدگاه رهبرى درباره ضرورت بازتعريف توسعه: باید توسعه و پیشرفت را بازشناسى کنیم، بینیم برای کشور ما، برای جامعه ما، مدل پیشرفت چیست... ما باید پیشرفت را با الگوی اسلامى ایرانى پیدا کنیم. این برای ما حیاتی است. چرا مى‌گوییم اسلامى و چرا مى‌گوییم ایرانى؟ اسلامى به سبب اینکه بر مبانی نظرى و فلسفى اسلام و مبانی انسان‌شناختى اسلام استوار است. چرا مى‌گوییم ایرانى؟ چون فکر و ابتکار ایرانى، این را به دست آورده؛ اسلام در اختیار ملت‌هاى دیگر هم بود. این ملت ما بوده است که توانسته است یا مى‌تواند این الگو را تهیه و فراهم کند. پس الگوی اسلامى ایرانى است... پیشرفت از نظر غرب، پیشرفت مادى است؛ محور، سود مادى است؛ هرچه سود مادى بیشتر شد، پیشرفت بیشتر شده است؛ افزایش ثروت و قدرت... اما از نظر اسلام، پیشرفت این نیست. البته پیشرفت مادى مطلوب است، اما به عنوان وسیله؛ هدف، رشد و تعالی انسان است. پیشرفت کشور و تحولى که به پیشرفت منتهى مى‌شود، باید طورى برنامه‌ریزى و ترتیب داده شود که انسان بتواند در آن به رشد و تعالی برسد. انسان در آن تحقیر نشود. هدف، انتفاع انسانیت است، نه طبقه‌ای از انسان، حتى نه انسان ایرانى. پیشرفتی که ما

می‌خواهیم بر اساس اسلام و با تفکر اسلامی معنا کنیم، فقط برای انسان ایرانی سودمند نیست، چه برسد بگوئیم برای طبقه‌ای خاص. این پیشرفت برای کل بشریت و برای انسانیت است (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵).

۲. توسعه دینی عبارت است از فرایند بهره‌برداری بهینه از تمامی نعمت‌های خداداد در راستای تحول الهی انسان، جامعه و تاریخ (خاکبان، ۱۳۷۵، ص ۷۲).

پس مهم‌ترین بخش تعریف توسعه، هدف‌گذاری یا تعیین هدف نهایی از توسعه است. هدف غایی در توسعه غربی به حداکثر رساندن ثروت و قدرت مادی است، اما در توسعه دینی، هدف غایی به حداکثر رساندن رشد الهی است. ثروت و قدرت، هرچند در توسعه دینی، مطلوب است، اما اولاً، کسب آن از هر راهی جایز نیست. ثانیاً، وسیله است نه هدف.

۵. چیستی توسعه علم

پس از تبیین چیستی علم و توسعه، درک توسعه یا پیشرفت و ترقی علم، هم از دیدگاه غربی و هم از منظر دینی و اسلامی، آسان می‌شود:

توسعه علم از دیدگاه غربی به معنای پیدا کردن راه‌حل معرفتی برای پاسخ به نیازها و مسائل و مشکلات و موانعی است که صرفاً دارای جنبه و ارزش مادی و آبادانی حیات دنیوی است.

اما توسعه علم از دیدگاه دینی و اسلامی به معنای پیدا کردن راه‌حل معرفتی برای پاسخ به نیازها و مسائل و مشکلات و موانعی است که در درجه اول، دارای جنبه و ارزش معنوی و اخروی و الهی است، و در درجه دوم، دارای کاربرد مادی و دنیوی است؛ آن هم به عنوان ابزار و وسیله سلوک و رشد الهی و معنوی و اخروی.

البته حوزه‌های علمی صدر اسلام، مانند خود دین مبین اسلام، جامع بودند، یعنی هم به علوم اخروی و هم به علوم دنیوی توجه داشتند؛ آن هم به عنوان دو خرده‌سیستم از کلان‌سیستم انسان‌سازی جامع. ولی از زمانی که دوران افول تمدن اسلامی آغاز شد، حوزه‌های علمیه نیز جامعیت خود را از دست داد و در مسیری افتاد که تا قبل از انقلاب مقدس اسلامی شاهد آن بودیم. ولی امروز خوشبختانه به برکت انقلاب شرایطی فراهم شده که حوزه می‌تواند به جامعیت علمی صدر اسلام باز گردد. لذا نخستین گام در راه توسعه علوم اسلامی، بازسازی هندسه علوم دینی است. در این بازسازی دو اتفاق لازم است رخ دهد:

۱. تهیه فهرستی جامع از مجموعه علوم اسلامی، به منظور بازگشت به جامعیت علمی صدر اسلام.
۲. تبیین ربط منطقی علمی که در فهرست جامع علوم اسلامی قرار دارد با یکدیگر. اکنون، با توجه به توضیح اجمالی بالا در زمینه چستی توسعه علم، در بحث تفصیلی آن اجمال، می توان گفت:

۱. هرگاه يك پرسش علمی (که بی شك باید به طور مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط با یکی از نیازهای صادق انسان باشد) در يك رشته علمی خاص مطرح شود، و عده ای (که معمولاً متخصص و نظریه پرداز در آن رشته اند) در صدد ارائه پاسخ مستدل به پرسش مورد نظر برآیند و در این کار موفق شوند، و سایر متخصصان و صاحب نظران نیز آن را بپذیرند، دانش مورد نظریك گام به پیش رفته، یا به عبارت دیگر توسعه یافته است (این حالت، بهترین مصداق توسعه علم است، زیرا همه عناصر اصلی تك واحد علم را دارد: پرسش یا مسئله (نیروی محرکه علم)؛ پاسخ یا راه حل؛ دلیل؛ مقبولیت جامعه علمی تخصصی).

۲. پیدا کردن پاسخ های بهتر^۷ برای پرسش هایی که قبلاً به آن پاسخ داده اند، مصداقی دیگر از توسعه علم است.

۳. پیدا کردن دلیل بهتر برای پاسخ، نمونه ای دیگر از توسعه علم است.

۴. از آنجا که ظهور پرسش موتور محرك تولید علم است؛ و تولید علم، بهترین مصداق توسعه علم است، لذا طرح پرسش جدید یکی دیگر از مصادیق توسعه و پیشرفت علم است. دقیقاً براساس همین دیدگاه است که امروزه تولید عمده پرسش های جدید علمی به صورت یکی از مهم ترین بخش های فعالیت علمی مطرح است. به عبارت دیگر، از آنجا که دانشمندان متوجه رابطه اساسی و کلیدی میان پرسش و تولید علم شده اند، لذا به صورت برنامه ریزی شده تلاش می کنند تا با طرح پرسش های جدید راه را برای توسعه هرچه بیشتر علوم فراهم کنند. باز به عبارت دیگر، ما دارای سه دایره هستیم: دایره معلومات؛ دایره مجهولات (جهل مرکب)؛ دایره پرسش ها (جهل بسیط). علم هنگامی توسعه پیدا می کند که از دایره مجهولات کاسته و بر دایره معلومات افزوده شود. چون ظهور پرسش مقدمه و پیش نیاز گذار از مجهول به معلوم است. لذا هرچه پرسش های بیشتری داشته باشیم، در موقعیت بهتری برای گذار از مجهولات به معلومات قرار می گیریم.

۷. بهتر بودن می تواند ملاک های گوناگونی داشته باشد؛ از جمله اثربخش تر بودن، کم هزینه تر بودن، مقبول تر بودن، و...

۵. هرگاه پس از طرح پرسشی جدید، پاسخ یا پاسخ‌هایی هرچند غیرمستدل به ذهن کسانی که به صورت علمی درگیر با پرسش مورد نظر هستند، خطور کند، در واقع در مسیر توسعه علم حرکت کرده‌ایم. البته توجه به این نکته لازم است که این‌گونه پاسخ‌ها، معمولاً مبتنی بر یک سلسه شواهد علمی است که اصطلاحاً آن را فرضیه می‌نامند. فرضیه در واقع پاسخ احتمالی مبتنی بر یک یا چند شاهد علمی غیرمکفی است که ذهن پژوهشگر را متوجه خود می‌کند تا دربارهٔ صحت و سقم آن تحقیق کند.

۶. ورود به حوزهٔ بررسی علمی فرضیه‌ها نیز مصداقی دیگر از توسعه علم است. چرا که در جریان این عمل است که تکلیف پاسخ‌های فرضی مشخص می‌شود: یا رومی رومی! یا زنگی زنگی!

۷. هرگاه: یک نظریه نقد شود، یعنی نقاط ضعف آن در یکی از سه بعد پرسش، پاسخ یا دلیل به صورت مستدل روشن شود، و آن نقد از طرف سایر متخصصان و صاحب‌نظران پذیرفته شود، باز دانش مورد نظریک گام به پیش رفته یا توسعه پیدا کرده است.

۸. دفاع از یک نظریه را در برابر نقدی که بر آن وارد شده، می‌توان مصداقی دیگر از توسعه علم به شمار آورد. زیرا نظریه‌ای که نقد می‌شود، در واقع از حوزهٔ معرفت بشر اخراج می‌گردد؛ و کسی که از آن نظریهٔ مردود دفاع می‌کند، در واقع، گویی دوباره چیزی بر معرفت بشر افزوده است.

۹. هرگاه یکی از ارکان سه‌گانهٔ یک نظریه (پرسش، پاسخ یا دلیل) برای برخی متخصصان مفهوم نباشد، و عده‌ای در صدد توضیح و تشریح آن برآیند، در اینجا باز شاهد توسعه علم هستیم (البته برای متخصصانی که نسبت به آن ابهام داشته‌اند). زیرا وقتی یک نظریه، به ویژه برای متخصصان و صاحب‌نظران، قابل درک نباشد، گویی بود و نبودش برابر است. پس کسانی که در مقام شرح یک نظریه برای متخصصان و صاحب‌نظران برمی‌آیند، در واقع مانند کسانی هستند که نظریه‌پردازی و تولید علم کرده‌اند. به عبارت دیگر از آنجا که یکی از ارکان اصلی دانش، دلیل است، و دلایلیت دلیل در مقام اثبات، تابع پذیرش و مقبولیت مخاطبان اصلی آن دانش (متخصصان و صاحب‌نظران) است، لذا اگر دانش یا نظریه‌ای به علت ابهام در برخی ارکان اصلی (پرسش، پاسخ یا دلیل) نتواند نظر مخاطبان اصلی خود را جلب کند، گویی چنین نظریه‌ای اصلاً عرضه نشده و از کتم عدم به دار وجود قدم نگذاشته است. در چنین شرایطی است که شرح مؤثر یا شرحی را که بتواند ضمن ابهام‌زدایی، توجه متخصصان و صاحب‌نظران

را نیز جلب کند، می‌توان به منزلهٔ توسعه و پیشرفت علم تلقی کرد. پس شرح بر سه نوع است: شرحی که مخاطبش تودهٔ مردم است (شرح تبلیغی)؛ شرحی که مخاطبش فراگیران دانش‌اند، اعم از دانش آموز و دانشجو و طلبه (شرح آموزشی) و شرحی که مخاطبش متخصصان و صاحب‌نظران‌اند (شرح تخصصی). مراد ما از شرحی که مصداق توسعهٔ علم است، سومی است. البته این نوع شرح هنگامی می‌تواند به عنوان توسعهٔ علم تلقی شود که عنصر مقبولیت را، به عنوان رکن چهارم، جزء ارکان اصلی تک‌واحد علم بشماریم.

۱۰. پیدا کردن کاربرد جدید برای يك نظریه یا تك‌واحد علمی را نیز می‌توان مصداق دیگری از توسعهٔ علم به شمار آورد. زیرا گویی پاسخی مستدل برای پرسشی که جواب آن را نمی‌دانستیم، پیدا کرده‌ایم.

با توجه به آنچه گذشت، دیگر نمی‌توان صرف افزایش تعداد مقالات چاپ شده در برخی مجلات به اصطلاح معتبر، یا تعداد ارجاعات به يك مقاله را بی‌آنکه مصداق یکی از امور ده‌گانهٔ یادشده باشد، به عنوان توسعهٔ علم تلقی کرد؛ این نوع نگاه به توسعه و رشد علم بسیار سطحی و حتی فریبنده است.

ارزش و اعتبار يك اثر علمی در گرو اثربخشی آن است. اثربخشی نیز یعنی پاسخ‌گویی به نیازی از نیازهای صادق انسان. لذا مسئولان امر توسعهٔ علم لازم است (به جای آنکه ذهن خود و ظرفیت علمی جامعه و بیت‌المال را صرف افزایش تعداد مقالات چاپ شده در مجلات به اصطلاح معتبر داخلی و خارجی، یا افزایش تعداد ارجاعات این و آن به مقالاتی نمایند که جامعهٔ علمی کشور نوشته) ابتدا هندسهٔ نیازهای انسان را تهیه کنند؛ و سپس فهرستی از مسائل و مشکلات متناظر با هندسهٔ نیازها را استخراج نمایند و در نهایت، پاسخ مستدل به این پرسش‌ها را ملاک دآوری دربارهٔ میزان رشد و توسعهٔ علم قرار دهند.

متأسفانه هیچ^۸ فهرست استاندارد و کارشناسی شده وجود ندارد تا بتوان گفت: چاپ مقالات در نشریات معتبر، حتی مجلاتی که دارای امتیاز علمی پژوهشی هستند، در راستای پاسخ به نیازهایی است که از طرف يك نهاد مرجع، آن‌هم براساس يك فرایند نیازسنجی استاندارد و قابل اعتماد، انجام می‌شود.

۸. سور «هیچ» را با قاطعیت و قطعیت می‌توان آورد، زیرا اساساً هیچ مرجع رسمی استاندارد شده‌ای به این منظور وجود ندارد. بله، ممکن است هردستگاهی به منظور انجام مأموریت‌های خود اقداماتی هم در زمینهٔ نیازسنجی انجام دهد، اما این اقدامات غیراستاندارد است.

به فرض آنکه این نوع مجلات دارای فهرستی از مسائل و مشکلات انسان معاصر باشند و ملاک‌گزینش مقالاتشان برای چاپ نیز هماهنگی و همسویی آنها با فهرست نیازها باشد، این پرسش کلیدی قابل طرح است که آیا تشخیص ایشان درباره نیازهای انسان معاصر درست است.

بله، بی‌شک در برخی نیازها (مانند ضرورت پیدا کردن راه‌حل برای برخی بیماری‌های صعب‌العلاج از قبیل سرطان و ایدز و...) تفاوتی میان شرق و غرب نیست، ولی باز بی‌شک در برخی نیازها و راهکارها، تفاوت‌های گسترده و عمیقی هست که غفلت از آن، موجب دنباله‌روی کورکورانه می‌شود. به عنوان مثال، یکی از نیازهای علمی و پژوهشی جهان اسلام، ضرورت تجدید نظر در شیوه اسلام‌شناسی یا تفقه در دین است؛ چنان‌که حضرت امام خمینی (رض) فرموده‌اند: «اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست» (صحیفه امام، ص ۲۱ و ۲۹۲). فتوای شخصیت برجسته‌ای چون حضرت امام درباره عدم کفایت اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه، هشدار بسیار مهمی است که جامعه علمی حوزوی و حتی علمی دانشگاهی ما باید آن را جدی بگیرد. زیرا عدم توجه جدی به این هشدار اساسی، دارای لوازم بسیار ویرانگر و حتی خطرناک برای هر دو قشر و کل جامعه و جهان اسلام و بلکه بشریت است. ویرانگر است، زیرا اگر سخن امام درست باشد، یکی از لوازم آن این است که نیروهای انقلاب در چارچوب اجتهاد مصطلح، دست کم در درازمدت، قادر به اداره جامعه نخواهند بود و این، یعنی شکست انقلاب و هدر دادن کل هزینه‌های مادی و معنوی و انسانی. خطرناک است، زیرا چون جامعه بدون برنامه نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. لذا اگر برنامه‌های خودی و مبتنی بر اجتهاد مصطلح قادر به اداره جامعه نباشد، مسئولان ناگزیر از بازگشت به آغوش و دامان برنامه‌هایی خواهند شد که هدایت و رهبری آن در دست دشمن و استکبار جهانی، یا در حالت بسیار خوش‌بینانه، در دست کسانی است که اغلب دارای تفکرات سکولاریستی‌اند.

به عبارت دیگر، حتی اگر خیلی خوش‌بینانه نگاه و گمان کنیم که هدایت و رهبری پژوهش‌ها و نرم‌افزارها و برنامه‌های جهان در دست نخبگان است نه مستکبران، تازه با یک مشکل بسیار اساسی دیگر مواجه خواهیم شد؛ و آن اینکه: نخبگان جهان اغلب در چارچوب و پارادایم معرفت‌شناسی و جهان‌بینی و نظام ارزشی مدرنیته فکر می‌کنند. حال آنکه ما از منتقدان این چارچوب فکری هستیم و نمی‌توانیم به طور کامل با آنها هماهنگ و همراه باشیم. همین تفاوت در دیدگاه و چارچوب‌های نظری اساسی، در تشخیص مسائل و تبیین ارتباط میان مسائل و اولویت‌گذاری و طراحی هندسه

مسائل، و در نهایت، در زمینه سیاست‌گذاری علم بسیار مؤثر است.

بنابراین، جامعه علمی ما، اعم از حوزویان و دانشگاهیان، خود باید به فهرستی از مسائل و مشکلات انسان معاصر دست یابند؛ و فعالیت‌های علمی پژوهشی خود را متناسب با آن فهرست انجام دهند. بی‌شک اگر چنین شود، شاهد توسعه حقیقی علم حقیقی خواهیم بود؛ و الا همچنان باید در دام نامرئی شبه توسعه علم مجازی باقی بمانیم و به نام توسعه علم درجا بزنییم و دور خود بگردیم: «المتعبد علی غیر فقه کحمار الریح یدور و لایبرح» (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۲۰۸/۱).

ب- چرایی و ضرورت توسعه علوم اسلامی

۱. توسعه علوم به عنوان يك ضرورت عام برای همه جوامع با هر بینش و گرایش

اگر:

۱. بپذیریم پایه و اساس همه خیرات و شرور چنان‌که حضرت علی (ع) نیز می‌فرماید مبتنی بر علم و جهل است: «الْعِلْمُ أَضْلُ كُلِّ خَيْرٍ، الْجَهْلُ أَضْلُ كُلِّ شَرٍّ» (حکیمی، بی‌تا، ص ۶۴/۱).

۲. و نیز اگر بپذیریم که دانش و معرفت يك فرد یا يك جامعه و حتی يك عصر، امری متکامل است نه کامل.

۳. و نیز اگر هر روز شاهد مسائل و مشکلات مستحدث و نوظهور باشیم، که هستیم، پس برای آنکه از اختیار باشیم و قدرت حل مسائل و مشکلات خود را داشته باشیم، چاره‌ای جز رویکرد به راهبرد توسعه علم نداریم. به عبارت دیگر، هیچ فرد و جامعه و عصر و نسلی نیست مگر آنکه به طور قهری در حال تحول است و چون هر تحولی یا در جهت تکامل است یا انحطاط، و چون رشد و پیشرفت در حوزه دانش و معرفت، نخستین پیش شرط هر تحول تکاملی است، پس چاره‌ای جز تن دادن به انحطاط یا تلاش در مسیر توسعه علم نیست.

بنابراین، اگر خواستار تحول تکاملی هستیم، باید پایبند لوازم آن نیز باشیم؛ و نخستین لازمه چنین مطالبه‌ای، تلاش در راستای رشد و توسعه علم است. ویل دورانت در تاریخ تمدن وقتی به بخش تاریخ اسلام می‌رسد، بحث بسیار مهم و زیبایی را مطرح می‌کند و می‌گوید: توسعه و پیشرفت هر ملتی تابع يك سلسله متغیرهاست. یکی از آن متغیرها شرایط مناسب آب و هوایی و جغرافیایی است. چنان‌که متغیر دیگر زیرساخت فرهنگی و تاریخی است. اما شبه جزیره عربستان به قدری از

این دو نظر عقب مانده بود که حتی دو امپراتوری بزرگ زمان، یعنی ایران و روم، حتی طمع تجاوز به این سرزمین را نداشتند. ولی همین سرزمین و جامعه منحط و عقب مانده و نیمه وحشی، پس از ظهور اسلام و در زمانی کوتاه در چنان مقام و رتبه‌ای از رشد و توسعه مدنی قرار گرفت که نه تنها دو تمدن ایران و روم را درنوردید، بلکه تا قرن‌ها پیشگام تمدن‌های جهان بود.

ویل دورانت در ادامه بحث خود می‌گوید: وقتی يك مورخ تمدنی یا يك جامعه‌شناس تمدنی با این پدیده شگرف در تاریخ بشر مواجه می‌شود، فوراً از خود می‌پرسد: چه عامل یا عواملی موجب این تحول تکاملی شگفت شده است؟

در پاسخ به این پرسش بسیار استراتژیک است که ویل دورانت پای نهضت علمی و جنبش نرم‌افزاری صدر اسلام را به میان می‌کشد؛ نهضت و جنبشی که ریشه در آموزه‌های قرآن مجید و سیره پیامبر اکرم (ص) داشت (دورانت، ۱۳۷۸، ص ۱۸۴۶ و ۱۹۲۴).

امروزه نظریه‌پردازان توسعه نیز در آخرین نظریه‌های خود به همین نقطه رسیده‌اند که پایه و اساس پیشرفت و ترقی جوامع و نهادهای جامعه را باید در نوع برخورد ایشان با مقوله علم و دانش و معرفت جست. نظریه‌پردازان توسعه در عصر مدرن، تاکنون سه دوره فکری و نظری را پشت سر گذاشته‌اند^۹ و در نهایت، یعنی در دوره چهارم، به نظریه توسعه دانش بنیان (Knowledge Based Development) رسیده‌اند.^{۱۰}

۹. آن سه دوره عبارت‌اند از: توسعه مبتنی بر رشد اقتصادی؛ توسعه مبتنی بر عدالت اقتصادی یا توزیع عادلانه ثروت ناشی از رشد اقتصادی؛ توسعه مبتنی بر پاسخ هماهنگ و متوازن به همه نیازهای زیستی و انسانی به صورت پایدار.

۱۰. چنان‌که ملاحظه می‌فرمایید، توسعه (Development) در چارچوب جهان مدرن، اصطلاحی است که معنای آن پیوسته در حال تحول بوده است. این تحول معنایی نتیجه تحول در مبانی نظری نظریه‌پردازان توسعه می‌باشد. به عنوان مثال، اصطلاح توسعه ابتدا به معنای رشد اقتصادی (Economic Growth) به کار رفت. زیرا دیدگاه حاکم بر اندیشه نظریه‌پردازان توسعه در دهه ۶۰ میلادی (۱۹۶۹-۱۹۶۰م) این بود که سعادت و بهروزی افراد جامعه تابعی از متغیر رشد اقتصادی است. اما پس از مدتی که نتایج این دیدگاه در برخی از جوامع به اصلاح توسعه یافته تجسم عینی یافت، نظریه‌پردازان و متولیان امر توسعه متوجه شدند که رشد اقتصادی به تنهایی نه تنها موجب سعادت و بهروزی جامعه نمی‌شود، بلکه موجب تشدید شکاف طبقاتی نیز شده است. لذا نظریه جدیدی در توسعه مطرح شد که علاوه بر رشد اقتصادی به عدالت اقتصادی نیز نظر داشت. براساس این دیدگاه، درآمد ملی باید به گونه‌ای در میان افراد جامعه توزیع می‌شد که بتواند فاصله میان دهک‌های پایین و بالای جامعه را کاهش دهد. اما این الگو نیز دوام چندانی نیافت. چرا که نظریه‌پردازان توسعه متوجه شدند اساساً رشد اقتصادی، حتی در شکل عادلانه‌اش نیز به تنهایی نمی‌تواند تأمین کننده سعادت و بهروزی جامعه باشد. زیرا:

۱. افزایش درآمد دست کم در شرایط کنونی مستلزم دخالت هرچه بیشتر صنعت در طبیعت است. و این امر، براساس

۲. توسعه علوم اسلامی به عنوان پیش نیاز بازتولید تمدن اسلامی

اگر توسعه علم، پیش نیاز توسعه اجتماعی است، که هست، و اگر جهت گیری توسعه اجتماعی و توسعه علمی جوامع، هماهنگ و متأثر از هندسه نیازهای جوامع و تمدن هاست، که هست، پس برای جبران عقب ماندگی های جهان اسلام، عموماً، و ایران اسلامی، خصوصاً، چاره ای جز رویکرد به راهبرد توسعه علوم اسلامی نیست. نامه جمعی از حوزویان به رهبر انقلاب در خصوص ضرورت آزاداندیشی و تولید علم به عنوان پیش نیاز بازتولید تمدن اسلامی، و پاسخ مثبت و حمایت همه جانبه ایشان از محتوای نامه، در همین راستا قابل توجه است.

حتی اگر مسئله بازتولید و بازسازی تمدن اسلامی نیز مورد نظر نباشد، حوزه برای انجام رسالت سنتی خود، که دایرمدار تفقه و تبلیغ است، باز نیاز به توسعه علوم اسلامی دارد.

الگوی فعلی بهره برداری از طبیعت، موجب تخریب و آلودگی گسترده و چه بسا جبران ناپذیر محیط زیست می شود. بدیهی است وقتی انسان محیطی سالم و مناسب برای زیست نداشته باشد و اصل حیات او در خطر قرارگیرد، افزایش درآمد، حتی در شکل عادلانه اش، سودی برای او نخواهد داشت.

۲. گستره نیازهای انسان بسیار فراتر از رفاه مادی است. به عنوان مثال، مقوله هایی چون رشد آزادی های عقیدتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، رشد علمی و تربیتی، برخورداری از احترام شخصی و شخصیتی، اموری هستند که بدون آن انسان ها و جوامع احساس خوشبختی نمی کنند.

لذا در طول دهه ۹۰ میلادی (۱۹۹۹-۱۹۹۰م) نظریه جدیدی تحت عنوان توسعه انسانی پایدار (Human sustainable Development) در سطح محافل علمی، برنامه ریزی و اجرایی توسعه مطرح شد. با آنکه این نظریه در مقایسه با دیدگاه های پیشین مترقی تر به نظر می رسد، اما امروزه نظریه پردازان توسعه به این جمع بندی رسیده اند که تحقق همه آرمان های بشری تنها در گرو رشد و ارتقای سطح دانش افراد و جوامع است. به عبارت دیگر، این دانش است که می تواند موجب رشد اقتصادی شود؛ و باز، این دانش است که می تواند راهکار توزیع عادلانه ثروت را به ما نشان دهد؛ چنان که در پرتو دانش است که می توان به هندسه نیازهای انسان دست یافت و به صورت هماهنگ در راستای پاسخ متوازن به آنها اقدام کرد و به توسعه همه جانبه مادی و معنوی دست یافت. اما از آنجا که توسعه نیز امری متکامل است نه کامل، لذا هر سطحی از توسعه، تابع سطح خاصی از دانش است. بنابراین، برای دستیابی به سطوح بالاتر توسعه، با هر تعریفی از توسعه، چاره ای جز توسعه دانش نیست. خلاصه آنکه: انسان و جامعه ای که در اندیشه توسعه به سر می برد، نخست باید به توسعه در اندیشه دست یابد. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ر.ک. به:

Human Development Report 1995 (published for UNDP), pp.1112-, New York/ Oxford, Oxford University, Press: 1995

به نقل از:

Learning: THE TREASURE WITHIN, Report to UNESCO of the International Commission on Education for the Twenty first Century, 1996, pp. 6981-.

ج- چگونگی توسعه علوم اسلامی

۱. ضرورت بازطراحی هندسه نیازهای صادق انسان به عنوان مهم‌ترین اصل راهنمای توسعه حقیقی علم و علوم اسلامی

برای آنکه علم در مسیر درست و حقیقی خود توسعه یابد ابتدا باید، به هندسه نیازهای صادق انسان دست یافت. به عبارت دیگر، همان‌طور که در بحث چیستی علم گذشت نخستین و مهم‌ترین رکن علم، پرسش است، اما نه هر پرسشی؛ بلکه پرسشی که برخاسته از نیازهای صادق انسان باشد. حال، اگر بخواهیم علم در مسیر درست خود به پیش رود و توسعه پیدا کند (یعنی یکی از موارد ده‌گانه پیش‌گفته در بحث چیستی توسعه علم تحقق یابد) لازم است تصور و تصویری درست و شفاف از هندسه نیازهای صادق انسان داشته باشیم.^{۱۱} نیازهای صادق به دو دسته تقسیم می‌شوند: اصلی و فرعی.

نیازهای صادق اصلی به آن دسته از نیازها گفته می‌شود که خود مطلوب بالذات است، مانند هوا، آب و غذا (به عنوان چند نیاز اصلی زیستی)، تعلیم و تربیت، نوع‌دوستی، نظام اجتماعی و زیرمجموعه‌های آن، آزادی اندیشه و بیان (به عنوان شش نیاز اصلی انسانی محض)، خداپرستی و سیرالی‌الله (به عنوان دو نیاز اصلی متعالی).

نیازهای صادق فرعی به نیازهایی اطلاق می‌شود که نقش واسطه را در دستیابی به نیازهای صادق اصلی ایفا می‌کنند. به عنوان مثال، هوای پاک يك نیاز صادق اصلی است، زیرا نقش مستقیم در حفظ حیات دارد، اما وقتی هوا آلوده گردد، به اموری نیازمند می‌شویم تا: ۱. از آلوده شدن بیشتر هوا جلوگیری کنیم؛ ۲. هوای آلوده را تصفیه و پاک کنیم؛ ۳. سیاست‌هایی اتخاذ کنیم که اساساً موجب پیشگیری از آلودگی هوا شود.

در اختیار داشتن هندسه نیازها، دست کم به سه صورت، می‌تواند راهنمای فعالان حوزه دانش در مسیر توسعه علم باشد:

۱. از جمله موانع توسعه علم، گرفتار شدن در دام شبهه توسعه یا تورم علم^{۱۲} به جای رشد علم است.

۱۱. هندسه نیازها تابعی از دو متغیر است: فهرستی از نیازها؛ تعیین ربط منطقی نیازها با یکدیگر.
۱۲. تورم علم یا شبهه توسعه علم دارای دو ویژگی است: ۱. تعداد مقالات و کتاب‌ها و سایر آثار به ظاهر علمی پژوهشی افزایش می‌یابد؛ ۲. اما نه تنها راه حل حقیقی و اثربخش برای پاسخ به مشکلات انسان ارائه نمی‌شود، بلکه همواره بر تعداد و عمق مسائل افزوده می‌شود. در حالی که در رشد و توسعه حقیقی علم شاهد عرضه راه حل‌های اثربخش و تأثیرگذار هستیم.

این آسیب‌هنگامی رخ می‌دهد که جامعه علمی به جای پرداختن به پرسش‌های اصیل که علی‌القاعده باید برخاسته از نیازهای صادق باشد، در دام پرسش‌های غیر اصیل که هیچ ربطی به نیازهای صادق ندارد یا ربط آن بسیار ضعیف است، گرفتار شود. آنچه می‌تواند مانع از غلتیدن جامعه علمی در تاس لغزنده پرسش‌های غیر مفید گردد، اشراف بر هندسه نیازهای صادق است. به عبارت دیگر، نخستین گام در توسعه حقیقی علم این است که از ورود پرسش‌هایی که هیچ ربطی به نیازهای صادق انسان ندارد یا ربط آنها بسیار ضعیف و غیر قابل اعتناست، جلوگیری کنیم. و این پیشگیری استراتژیک، تنها در پرتو اشراف بر هندسه نیازهای صادق ممکن است. این یکی از کارکردهای بسیار مهم اشراف بر هندسه نیازهاست که می‌توان آن را کارکرد سلبی نامید.

۲. کارکرد دیگر اشراف بر هندسه نیازهای صادق، علاوه بر پیشگیری، این است که جامعه علمی را توانمند می‌کند تا بتواند با قدرت و قاطعیت راه را برای ورود پرسش‌های اصیل به حوزه پژوهش‌های علمی باز کند. و این، یکی دیگر از کارکردهای بسیار مهم اشراف بر هندسه نیازهاست که می‌توان آن را کارکرد اثباتی نامید.

۳. کارکرد دیگر اشراف بر هندسه نیازهای صادق، که هم دارای کارکرد سلبی و هم اثباتی است، این است که جامعه علمی می‌تواند مشخص کند به کدام پرسش، «کی» و «پس از پاسخ به چه پرسشی» باید جواب داد. به عبارت دیگر، یکی از آسیب‌های موجود در حوزه فعالیت‌های علمی پژوهشی این است که عنایت لازم به پیش‌نیاز معرفتی بسیاری از پرسش‌هایی که موضوع پژوهش واقع می‌شوند، نمی‌شود. همین بی‌توجهی یا کم‌توجهی به پیش‌نیازهای معرفتی سبب می‌شود تا نه تنها جریان توسعه علم به صورت اصولی و استوار تحقق نیابد، بلکه موجب قیل و قال‌های بی‌اساس و بی‌مبنا شود که صرفاً مبتنی بر فرض و حدس و گمان یا اقوال ضعیف است. به عنوان مثال، انسان مدرن متوجه این نکته شده است که هستی‌شناسی فرع بر معرفت‌شناسی است، در حالی که فلسفه سنتی بیشتر مبتنی بر هستی‌شناسی است. حتی شخصیت علمی بزرگواری چون حضرت علامه طباطبایی (رض) وقتی می‌خواهد يك دوره فلسفه اسلامی را به صورت خلاصه و فشرده تحت عنوان *بداية الحكمة و نهاية الحكمة* تدوین و تألیف کند بر خلاف اصول فلسفه و روش رئالیسم که سرفصل مباحثش براساس هندسه مسائل فلسفه مدرن طراحی و تنظیم شده براساس همان سرفصل‌های فلسفه سنتی عرضه می‌کند. دقیقاً به

سبب همین نقص و حتی خطای فلسفی است که یکی از شاگردان ایشان وقتی در مقام تدریس و تألیف فلسفه اسلامی برمی‌آید، مباحث خود را از شناخت‌شناسی آغاز می‌کند.^{۱۳} در واقع:

۱. تا وقتی نتوانیم بحث امکان شناخت را به صورت فی الجمله به سرمنزل مشخص اثباتی‌اش برسانیم؛

۲. و نیز تا زمانی که نتوانیم بحث امکان شناخت ماوراء را به فرض وجود به صورت بالجمله به سرمنزل مشخص ایجابی‌اش برسانیم، چگونه می‌توان بحث اثبات وجود خدا را به صورت برهانی بر کرسی باور مدلل نشاناد؟

پس اشراف بر هندسه نیازها به ما کمک می‌کند تا به هندسه پرسش‌ها برسیم. و هندسه پرسش‌ها به ما کمک می‌کند تا بتوانیم اولاً، از ورود پرسش‌های بی‌ربط و غیرمفید به حوزه پژوهش‌های علمی جلوگیری کنیم و ثانیاً راه را برای ورود پرسش‌های درست باز کنیم. در نهایت، می‌توان مشخص کرد که پرسش مفید مورد نظر پس از پاسخ به چه پرسشی باید در دستور کار پژوهشی قرار گیرد.

البته ناگفته پیداست که مقوله بازطراحی هندسه نیازهای صادق انسان و نیز طراحی هندسه پرسش‌های برخاسته از هندسه نیازهای صادق انسان، هرکدام یک کلان‌طرح پژوهشی است که در طول هم قرار دارند. باز ناگفته پیداست که خروجی این دو طرح پژوهشی، پیوسته باید به روز شود. لذا وجود یک سازمان ویژه برای تولید این دو مقوله استراتژیک از اوجب واجبات نهادهای علمی است. در واقع در پرتو وجود چنین سازمان استراتژیک است که نبض هدایت و رهبری و توسعه علم در اختیار جامعه علمی قرار می‌گیرد.

علم، در شرایط کنونی جامعه ما، به صورت اسبی افسارگسیخته و خارج از کنترل عمل می‌کند. و در جوامع دیگر، این مستکبران‌اند که براساس هندسه نیازهای مادی و دنیاپرستانه خود به آن افسار زده‌اند. برای خروج از این هرج و مرج، و آن وابستگی و دنباله‌روی، چاره‌ای جز رویکرد به راهبرد بازطراحی هندسه نیازها و هندسه پرسش‌ها نیست.

امروز پایان‌نامه‌نویسی در حوزه‌ها و دانشگاه‌های ما به صورت یک تکلیف علمی درآمده و بسیار هم پرهزینه است. اما خروجی این فعالیت علمی چندان رضایت‌بخش نیست. چرا؟ چون: مرجع مشخص و فعالی که براساس استانداردهای درست (یعنی هماهنگ با هندسه پرسش‌های برآمده

۱۳. منظور آموزش فلسفه استاد مصباح است.

از شبکه‌های نیازهای صادق انسان) نیازهای مطالعاتی و پژوهشی را طی يك فرایند مطمئن کارشناسی تعیین کند، وجود ندارد.^{۱۴}

۲. بازخوانی و پالایش علوم

گام دوم برای توسعه علم، به ویژه در عصر حاضر، که عصر انفجار اطلاعات نام گرفته، بازخوانی و پالایش علوم موجود، اعم از حوزوی و دانشگاهی است. زیرا حجم مجموعه علوم، از آغاز تا امروز، به ویژه در طول دو بیست سیصد سال اخیر، به قدری افزایش یافته و هر روز نیز با شتاب روزافزون به اندازه‌ای بر حجم آن افزوده می‌شود که حسابش حتی از دست متخصصان نیز خارج شده است. به عنوان نمونه، در حوزه‌هایی مثل پزشکی، محصول دانش به قدری عظیم است که اگر پزشک واحدی بخواهد همه آنها را بخواند، باید چندین قرن وقت بر سر این کار بگذارد (گلوور، ۱۳۸۳، ص ۲۷). زمانی که اولین چاپ دانشنامه بریتانیکا در اواسط قرن هجدهم منتشر شد، تنها یکی دو نفر عهده‌دار بررسی کل حوزه مربوط به دانش انسانی شدند، اما امروز نزدیک به ۱۰۰۰۰ متخصص مورد نیاز است تا بتوان از عهده این وظیفه سنگین برآمد (گلوور، ۱۳۸۳، ص ۲۷).

در حوزه علوم حوزوی نیز مطلب از همین قرار است. به عنوان مثال، قبل از سده اخیر در حوزه‌های علمیه، مجالس درس خارج فقه و اصول از تعداد انگشتان يك دست تجاوز نمی‌کرد، اما اینک شاهد ده‌ها درس خارج هستیم. اگر میانگین سنوات يك دوره از هر درس را، پس از کسر تعطیلات، حدود پنج سال کامل با روزی حدود يك ساعت ارائه نتایج اجتهادی فرض کنیم، بی‌شک با حجم گسترده‌ای از مباحث و مطالب مواجه خواهیم بود.

دقیقاً به سبب همین گسترش و توسعه دستاوردهای معرفتی حوزوی است که شهید مطهری (رض) پس از فوت حضرت آیت الله بروجردی (رض) ضرورت تقسیم کار علمی در حوزه و تخصصی کردن فقه را مطرح کرد.

نکته اینجاست که آیا همه مطالب حتی يك رشته خاص، ارزش اشراق علمی را دارد یا ندارد.

بی‌شک چنین نیست. زیرا

۱۴. تأسیس گروه نیازسنجی در دفتر مطالعات معاونت پژوهشی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه اقدام مبارکی است که در صورت درک اهمیت موضوع از طرف جامعه علمی و مسئولان، امید است به يك سازمان استراتژیک کاملاً قوی و اثربخش تبدیل شود.

- اولاً، تاریخ مصرف بسیاری از مباحث به طور طبیعی سپری می‌شود و دیگر فاقد ارزش علمی روزآمد است و تنها باید در تاریخ علم از آنها یاد شود.
- ثانیاً، بسیاری از مطالب اساساً به قدری ضعیف است که نباید اجازه حضور در صحنه فعال علوم را داشته باشند.
- ثالثاً، برخی مطالب نیز به قدری واضح البطلان است که نباید اجازه داد تا وقت دانشوران را صرف خود کند.
- رابعاً، که مهم‌تر از موارد پیش‌گفته است، ممکن است برخی مطالب، هیچ ربطی با نیازهای صادق اصلی و فرعی انسان نداشته باشد.

بنابراین، یکی دیگر از کارهای بسیار مهم برای پیشبرد و توسعه علم، به ویژه علوم حوزوی، پس از بازطراحی هندسه نیازها و هندسه پرسش‌ها، تلاش در راستای بازخوانی و پالایش دستاوردهای معرفتی در هر یک از رشته‌هاست. اما این بازخوانی و پالایش را از کجا باید شروع کرد؟ از پرسش‌ها. زیرا هر علمی مجموعه‌ای از پاسخ‌ها به مجموعه‌ای از پرسش‌هاست، لذا نخستین گام برای بازخوانی و پالایش علوم، نقادی پرسش‌ها از جهت هماهنگی آنها با نیازهای صادق است. به عنوان مثال، ممکن است یک پرسش در زمان یا مکانی خاص، یا نسبت به فرد و جامعه خاصی موضوعیت داشته باشد، اما در زمان و مکانی دیگر، یا نسبت به فرد و جامعه‌ای دیگر، موضوعیت خود را از دست بدهد. یا اساساً از آغاز، پرسشی بی‌مورد و بی‌ربط با نیازهای صادق بوده، ولی به سبب جهالت کسانی که خود را با آن درگیر یافته‌اند، یا به سبب ظاهرالصلاح بودنش، یا به هر علت دیگری، وارد حوزه مباحث علمی شده است. بی‌شک حذف چنین پرسش‌هایی از فهرست پرسش‌های علمی، از مصادیق توسعه علم است (توسعه علم از طریق حذف پرسش‌نماها از فهرست پرسش‌های علم مورد نظر). و نیز ممکن است در جریان بازخوانی دستاوردهای معرفتی بشر به این نکته برسیم که مشکل از پرسش نیست، اما پاسخی که عرضه شده، یا اساساً درست نبوده یا امروز اثربخش نیست یا اثربخشی آن به قدری ضعیف است که ارزش سرمایه‌گذاری برای بهره‌برداری را ندارد و باید به سراغ پاسخ‌ها و راه‌حل‌های جدید رفت. و باز ممکن است پاسخ، درست باشد، اما دلیل یا ادله‌ای که در توجیه آن پاسخ به کار رفته، نادرست یا ضعیف یا ناقص است. این نوع ادله نیز باید از حوزه علوم پاکسازی شود. حتی ممکن است در جریان بازخوانی دستاوردهای معرفتی کهن در برخی حوزه‌ها به این نتیجه

برسیم که هیچ يك از عناصر اصلی دانش مورد نظر، نه تنها قابل نقد و رد نیست، بلکه بسیار هم مفید و اثربخش است. ولی به سبب غفلت در برهه‌ای از زمان، آن معرفت به حاشیه رانده شده و لازم است امروز به صحنه فعال علم بازگردانده شود و مورد ترویج و تبلیغ و بهره‌برداری گسترده قرارگیرد. پس کسانی که به طور مطلق با همه دستاوردهای معرفتی کهن، صرفاً به سبب کهن بودنشان، قبل از آنکه آنها را مورد بازخوانی و نقد علمی مجدد قرار دهند، برخورد حذفی می‌کنند، به شدت در اشتباه‌اند.^{۱۵} کسانی هم که به سبب اثربخشی و کارآمدی دستاوردهای کهن در زمان خودشان، بر ضرورت حفظ دستاوردهای سنتی و کاربست آنها برای حل مسائل مستحدث و نوظهور پای می‌فشارند، به شدت در اشتباه‌اند. صراط مستقیم برخورد با دستاوردهای کهن، نقد عالمانه آنهاست، نه پذیرش یا رد مطلق.

بنابراین، یکی دیگر از راهکارهای توسعه علم، بازخوانی و پالایش دستاوردهای معرفتی از آغاز تا امروز است؛ اعم از سنتی و مدرن و پسامدرن. در جریان این بازخوانی و پالایش دو اتفاق خواهد افتاد:

۱. حذف آموزه‌های غیرمفید؛ ۲. احیا و تجدید حیات آموزه‌های مفید.

افزودن این نکته نیز مفید است که در جریان احیا و تجدید حیات دستاوردهای معرفتی، گاه ممکن است با تک‌واحد‌های علمی‌ای مواجه شویم که دو عنصر از سه عنصر اصلی آن و حتی بخشی از عنصر سوم (یعنی دلیل) حتی امروز نیز مقبول و قابل دفاع است، اما بخش دیگر دلیل، در برخی آموزه‌ها، که ناظر به توضیح چگونگی اثربخشی است، نادرست یا ناقص است. در این موارد می‌توان با استفاده از دستاوردهای معرفتی جدید، به ویژه در حوزه علوم طبیعی، علاوه بر احیا و تجدید حیات، اقدام به نوسازی و بهسازی نیز کرد.

۳. نوپژوهی

پس از بازطراحی هندسه نیازها و هندسه پرسش‌ها، از يك سو و بازخوانی و پالایش و نوسازی و بهسازی دستاوردهای معرفتی، از سوی دیگر؛ نوبت به نوپژوهی می‌رسد.

نوپژوهی یعنی: ۱. تلاش برای یافتن پاسخ یا راه‌حل برای پرسش‌ها یا مسائل و مشکلات مستحدث و نوظهور؛ ۲. تلاش برای یافتن پاسخ یا راه‌حل بهتر برای پرسش‌ها یا مسائل و مشکلات (اعم از مستحدث و غیرمستحدث)؛ ۳. تلاش برنامه‌ریزی شده برای تولید پرسش‌های جدید به

۱۵. برای آشنایی با برخی از موارد این خطا مراجعه کنید به: دارو مسئله پزشکی قرن، نوشته دکتر جلال مصطفوی کاشانی.



عنوان پیش نیاز تولید و توسعه علم.

۴. سازمان مورد نیاز برای توسعه علوم

ناگفته پیداست تحقق راهکارهای مذکور از عهده فرد خارج است، لذا يك سازمان یا تشکیلات باید عهده دار عملیاتی کردن آن باشد. سازمان پیشنهادی این جانب برای توسعه علوم دارای دو شاخه مجازی و حقیقی است. شاخه مجازی شامل کلان گروه های تخصصی علوم است. شاخه حقیقی شامل يك تشکیلات رسمی مدیریت علم و متناظر با کلان گروه های تخصصی است.

۴-۱. شاخه مجازی سازمان توسعه علوم (کلان گروه های تخصصی علوم)

کلان گروه های تخصصی، مجموعه ای از چند کلان گروه تخصصی به تعداد اعضای هندسه علوم است. و هر کلان گروه، مجموعه ای از متخصصان و گروه های تخصصی پراکنده است که در قالب يك تشکیلات مجازی (که به صورت يك نرم افزار یا بانک اطلاعاتی خاص طراحی خواهد شد) و براساس هندسه مسائل علم مورد نظر، بازسازمان دهی می شود. در پرتو این بازسازمان دهی است که از نتایج فعالیت های علمی و خود هر فرد حقیقی یا حقوقی در راستای توسعه علم استفاده خواهد شد. توضیح اینکه امروزه فعالیت های علمی بسیاری در هر يك از شاخه ها و زیرشاخه های علم در سراسر جهان انجام می شود. لذا اگر طرح جامع توسعه علوم، براساس موارد ده گانه مذکور یا هر طرح جامع مصوب دیگر، وجود داشته باشد، می توان از نتایج فعالیت های علمی موجود، به کمک بانک اطلاعات مورد نظر، در راستای تحقق هر يك از بخش های طرح جامع توسعه علم بهره برداری کرد. البته ممکن است در این رصد علمی شاهد موارد مغفول نیز باشیم که می توان آنها را از طریق سفارش مطالعات علمی جبران کرد.

۴-۲. شاخه حقیقی سازمان توسعه علوم

برای ایجاد و هدایت و رهبری شاخه مجازی توسعه علوم که تشکیلاتی بسیار گسترده خواهد بود، به يك سازمان بسیار کوچک^{۱۶} حقیقی نیاز داریم. اجزای این سازمان متناظر با کلان گروه های تخصصی ابرسازمان مجازی توسعه علوم است. در رأس هر جزء از شاخه حقیقی سازمان توسعه

۱۶. بزرگی و کوچکی امور نسبی اند؛ لذا وقتی قید «بسیار کوچک» برای شاخه حقیقی سازمان توسعه علوم به کار می رود، در مقایسه با گستره و عظمت و پیچیدگی شاخه کلان گروه های تخصصی است.

علوم يك کارشناس ارشد که رشته‌اش مهندسی و مدیریت همان رشته کلان‌گروه تخصصی است قرار می‌گیرد تا بتواند مجموعه شرح وظایف و مأموریت‌های ناظر به هدایت و رهبری کلان‌گروه‌های علمی مجازی را طراحی و اجرا کند.

ناگفته پیداست، علاوه بر کارشناس ارشدی که در رأس هر کلان‌گروه تخصصی حضور دارد، به تعداد ریزتخصص‌های هر رشته تخصصی به کارشناس ارشد متناظر با ریزتخصص‌ها نیاز است. و در کنار مجموعه کارشناسان ارشد، تعدادی کارشناس، به عنوان دستیار کارشناسان ارشد لازم است.

نکته پایانی

هرچند ایده پیشنهادی حاضر ممکن است برای برخی و شاید بسیاری، بسیار بزرگ و در نتیجه غیرممکن، پرهزینه و دیربازده به نظر آید، نکته اینجاست که مقوله علم، امروز از نظر کمی و کیفی به قدری بزرگ و پیچیده شده که مهار و مدیریت آن واقعاً نیاز به ایده‌های جسورانه و طرح‌های بزرگ در حد ابرطرح و انسان‌های جسور و خلاق و خستگی‌ناپذیر دارد.

واقعیت این است که توسعه و پیشرفت و ترقی در بعد تمدنی، به ویژه رهبری تمدنی که انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن و حوزه‌های مقدس علمیه مدعی آن‌اند بدون زیرساخت علمی محکم و قوی ممکن نیست. دستیابی به این زیرساخت علمی بدون اشراف بر دانش زمان نشدنی است. و دانش زمان به این سادگی‌ها تسلیم هر کس نمی‌شود.

بنابراین، کسانی که مدعی شعارهای بزرگ‌اند یا در زیر پرچم مدعیان شعارهای بزرگ سینه می‌زنند، لازم است خود را برای کارهای بزرگی که با ایده‌ها و شعارهای بزرگشان تناسب دارد آماده کنند. دین مبین اسلام، اساساً دین بزرگی است، بلکه بزرگ‌ترین دین و دین خاتم است؛ لذا حامل ایده‌ها و آرمان‌های بزرگ بشری و تاریخی است. حوزه‌های مقدس علمیه جهان اسلام نیز که مدعی تفقه در این دین، و ابلاغ و اجرای این دین‌اند، باید خود را در تراز عظمت این دین و رسالت پیامبرش قرار دهند. امروز کف این تراز حضرت امام خمینی (رض) است. پس کسانی که مدعی راه اویند، از کارهای بزرگ نهراسند و عملاً اثبات کنند که پیرو واقعی آن پیر و رهبر معاصرند.

البته برای آنکه از عظمت و بزرگی کارها نهراسیم یا کمبود امکانات و بزرگی هدف و کثرت موانع ما را مأیوس نکنند، می‌توان در اندیشه، بزرگ بود و در عمل، از بخش‌های کوچک کار شروع کرد؛ و امیدوار بود که: «...إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد: ۷).

منابع

۱. قرآن مجید.
۲. امام خمینی (رض). صحیفه امام: جلد ۲۱.
۳. باربور، ایان. علم و دین. بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. چاپ نهم (۱۳۹۳).
۴. بحار الانوار (جلد ۱). محمدباقر مجلسی. بیروت: دار احیاء التراث العربی. ۱۴۰۳ ق.
۵. حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی. الحیاة: جلد اول. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. بی تا.
۶. خاکبان، سلیمان. درآمدی بر اسلام، توسعه و ایران. قم: حضور. ۱۳۷۵.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. ۱۳۸۶/۰۲/۲۵. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای.
۸. دائرة المعارف بریتانیکا (متن اصلی).
۹. دوران، ویل. تاریخ تمدن. نسخه الکترونیک فارسی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. ویرایش دوم: چاپ ششم (۱۳۷۸).
۱۰. طباطبایی و مطهری. اصول فلسفه و روش رئالیسم. قم: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم). بی تا.
۱۱. عباسیان. جزوه اقتصاد خرد و کلان (کده ۲۰). شرکت مطالعات اقتصادی آریاسهم. بی تا.
۱۲. گلوور، دیوید و استرابریج، شیلاف و توکل، محمد. جامعه‌شناسی معرفت و علم. شاپور بهیان و... تهران: سمت ۱۳۸۳.
۱۳. مصطفوی کاشانی، جلال. دارو مسئله پزشکی قرن. تهران: کیهان. ۱۳۶۷.
۱۴. مطهری، مرتضی. بیست گفتار (پرسش‌های دینی). قم: صدرا. چاپ ششم (۱۳۶۹).
۱۵. مطهری، مرتضی. ولاء و ولایتها. بی جا. بی تا.
۱۶. مفاتیح الجنان. حاج شیخ عباس قمی. قم: نگین. چاپ سوم (۱۳۸۷).
۱۷. هانتینگتون، ساموئل پی. برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی. محمدعلی حمیدرفیعی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی. ۱۳۷۸.

مدل های توسعه علوم اسلامی و حوزوی

چکیده: مقوله توسعه از مهم ترین مباحث روز بشر بوده و هست. در این میان، پیشرفت علم اهمیت بیشتری دارد. لذا برای رسیدن به آن صاحب نظران و کارشناسان، نظریات و مدل های مختلفی ارائه نموده اند. اما آنچه برای کشور اسلامی ما مطرح است، طراحی الگویی کاملاً بومی و سازگار با فرهنگ ملی می باشد که برای رسیدن به الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ضروری است.

مدل توسعه علوم اسلامی و به ویژه حوزوی باید برگرفته از معارف دینی باشد. لذا با توجه به مبانی معرفت شناختی، روش شناختی و انسان شناختی اسلام، می توان به گستره وسیع مدل ها و روش های تحقیق از دیدگاه اسلام پی برد. زیرا اسلام به جای نفی یکی از ابزارهای ادراکی انسان و تأکید افراطی بر ابزار دیگر، به تحدید و مرزبندی آنها پرداخته و هرکدام را در چارچوب توانمندی های خود به رسمیت شناخته است.

هدف تحقیق حاضر شناسایی مدل ها و راهبردهایی است که در بطن معارف ناب اسلام وجود دارد و می توان با تکیه بر آنها شاهد توسعه بیش از پیش علوم اسلامی بود. این مقاله با روش اسنادی و کتابخانه ای نگاشته شده است و نتایج حاصله از آن اولاً نقد مکاتب موجود و مردود دانستن آنها به عنوان الگوی توسعه علم است. ثانیاً از مهم ترین راهبردهایی که جهت توسعه علم دینی می توان به آنها اشاره کرد، بهره گیری از رویکرد نظام مند، نفی حصرگرایی روش شناختی و تلاش در جهت بهره گیری از همه روش ها، البته با توجه به حوزه قابل کاربرد، اشراق مبانی دینی و پیش فرض های متخذ از مبانی دینی در حوزه تحقیقات تجربی مخصوصاً در علوم انسانی و استفاده از رویکرد عمل گرایانه و نظریه کاربردی در مقام جهت دهی و ارزش گذاری تحقیقات است.

کلید واژه ها: علوم اسلامی، مدل، توسعه، پوزیتیویسم، ابطال گرایی، رئالیسم.

*. دکترای تعلیم و تربیت، استاد حوزه و دانشگاه.

** . دانشجوی دکترای حقوق.

مقدمه

مبحث علم و دین در کنار هم از مهم‌ترین و گسترده‌ترین مباحث طول تاریخ برای بشر بوده و هست. این دو مقوله همواره بیشترین تأثیر را بر زندگی انسان داشته است. انسان‌ها در هر جامعه و ملتی به دنبال توسعه و در آرزوی آن هستند. بدون شک زیربنای اصلی توسعه، پیشرفت علمی است. از منظر اسلام نیز توسعه همه‌جانبه برای رسیدن به تکامل که هدف نهایی است، مطرح می‌باشد. توسعه علوم اسلامی یا دینی، از مباحث توسعه علوم انسانی به شمار می‌رود که در هر جامعه و حتی جامعه دینی از اهداف مهم آن به شمار می‌رود. در اصل و ضرورت توسعه هیچ اختلافی میان صاحب‌نظران و کارشناسان وجود ندارد، اما در کیفیت و نحوه دستیابی به توسعه، قیل و قال‌های فراوانی دامن‌گیر بحث شده است. از این رو، اکثر صاحب‌نظران در پی تعریف توسعه و بیان مدل‌های دستیابی به آن برآمده‌اند. لذا مفهوم توسعه دستخوش تعاریف مختلف شده و از واژه‌های پرکاربرد محسوب می‌شود و مفهومی نسبی دارد که در هر جامعه، فرد یا گروهی، معنا و مفهوم مختلفی دارد که بر اساس ارزش‌های آنان تفسیر می‌شود. همچنین مفهوم توسعه در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود، تغییرات گسترده‌ای یافته و از مفهوم خشک و صرفاً اقتصادی خارج شده و با مقوله‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی آمیخته است. بنابراین، دست یافتن به توسعه بدون در نظر گرفتن شخصیت انسان و ساختن او مشکل به نظر می‌رسد. ساختن شخصیت نیز در محدوده علوم انسانی است. لذا علوم انسانی به علت نقش زیربنایی آن، بیش از همه، به تحول و توسعه محتاج است، چرا که اساس همه توسعه‌ها علوم انسانی و به ویژه اسلامی است.

حوزه علمیه به عنوان الگو و پرچمدار علوم اسلامی، باید آنچنان که شایسته نامش است، دوچندان برای توسعه علم برنامه‌ریزی و تلاش کند. برای رسیدن به این امر شناسایی مدل^۱ توسعه ضروری است.

از این رو، سؤال اصلی تحقیق حاضر این است: مدل توسعه علوم اسلامی چیست و آیا برای رسیدن به توسعه الگوبرداری و به کارگیری همان مدل توسعه علوم در غرب، برای کشور ما مناسب

۱. به نظر می‌رسد «مدل» با «الگو» متفاوت است، زیرا مدل همان مکانیزم یا چگونگی دست یافتن به هدف مطلوب است، در حالی که بعد از اجرا شدن مدل و تثبیت آن، می‌تواند برای دیگران الگو شود. لذا الگوسازی در واقع همان مدل‌سازی مناسب، برای الگو قرار گرفتن آن مدل برای دیگران است.

است؟ یا باید به دنبال یک مدل جدید برآمده از معارف ناب اسلام و فرهنگ بومی ملی بود که در ضمن ترقی و پیشرفت همه جانبه کشورمان، الگوی ملت‌های مسلمان و بلکه همه ملل جهان، در عصر بیداری اسلامی قرار گیرد؟ در این صورت، با سؤالات فرعی زیر نیز مواجه خواهیم شد.

۱. آسیب‌های مدل‌های توسعه علوم چیست؟

۲. آیا مدل‌های موجود، برای توسعه علوم کافی است؟

۳. مدل مورد نظر جهت توسعه علوم اسلامی و حوزوی چیست؟

برای توسعه علوم مدل‌های مختلفی بیان شده است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. الگوی خطی مراحل رشد و توسعه علوم: دیدگاه آگوست کنت و پوزیتیویست‌ها و مدافعان مکتب تکاملی علوم.

۲. رشد و توسعه علوم از طریق تغییر پارادایم‌های علوم: دیدگاه کوهن و مدافعان مکتب ساختار انقلاب‌های علمی (پیشرفت علم از طریق تغییر پارادایم‌ها و جایگزینی پارادایم‌های جدید به جای پارادایم‌های قبلی).

۳. الگوی رئالیسم انتقادی (رشد و توسعه علوم از طریق نقادی مداوم و ارائه حدس‌های متهورانه و تلاش در جهت طرد و رفض نظریه‌های غیر علمی و پیرایش علم از طریق ابطال فرضیه‌های غیر علمی).

۴. مدل تأسیسی (تأسیس، تنقیح و تبیین مبادی و روش‌های ناظر به عرصه‌های مغفول دین‌شناسی و خلق پارادایم‌های تحلیل مناسب این حوزه‌ها).

مدل اول: الگوی خطی رشد و توسعه علوم

یکی از مدل‌های توسعه علم، مدل توسعه خطی و کمی علم است.^۲ بر اساس این مدل، اولاً علم دارای خط سیر تکاملی بوده و در طول تاریخ سیر رشد صعودی و رو به تکامل دارد. ثانیاً روند تکاملی علم بر اساس انباشت گزاره‌ها و گردآوری شواهد و مؤیدات است. نگاهی این چنین به خط سیر تکاملی علم ابتدا از سوی تجربه‌گرایان مطرح و در مراحل بعد به وسیله پوزیتیویست‌ها به طور کامل صورت‌بندی و در قالب نظریه پوزیتیویسم منطقی به جامعه علمی ارائه شد. «مفهوم پیشرفت علمی، از جمله مفاهیمی است که فیلسوفان علم جدید به دشواری بر آن توافق و اجماع دارند. در طی

۲. دیدگاه آگوست کنت و مدافعان مکتب تکاملی علوم.

سده گذشته و همراه با ظهور پوزیتیویسم منطقی، ابطال‌گرایی و پارادایم‌گرایی، این موضوع بیش از پیش اهمیت یافته است. چنان‌که می‌دانیم پوزیتیویست‌ها و به طور کلی استقرارگرایان بر آن بودند که علم از مشاهده آغاز می‌شود و مشاهدات به تعمیم‌ها و پیش‌بینی‌ها می‌رسد. بنابراین، بر اساس چنین دیدگاهی علم حالت انباشتی و خطی دارد که با افزایش و انباشته شدن مداوم داده‌های علمی به رشد و پیشرفت افزون‌تری نیز دست می‌یابد» (علمی، کلهری - <http://www.bashgah.net>).

الف. مبانی الگوی خطی مراحل رشد و توسعه علوم

این رویکرد بر مبانی و پیش‌فرض‌های خاصی استوار است که برخی از مهم‌ترین مبانی آن، بررسی می‌شود.

۱. نظریه تکامل داروین

استقرار اصل تطور^۳، باعث تحکیم استنباط علمی از طبیعت شد و به کسانی که پایه نظریه‌شان را درباره زندگی بر اساس علمی بنا کرده بودند اطمینان تازه‌ای بخشید. اصل تطور همراه با تن‌کارشناسی و روان‌شناسی جدید در عالم زیست‌شناسی، مکمل‌گرایی‌های آن زمان در فیزیک محسوب می‌شد. بدین‌سان با رواج اندیشه‌های خوش‌بینانه، این اعتقاد که پیشرفت ضابطه کلی تاریخ و قانون عمده بشریت است و هرچه می‌گذرد طبیعت آدمی به سوی تکامل می‌رود، بیش از پیش قوت گرفت. عمق و ژرفای این استقبال به حدی است که پایه‌گذاران مادیت تحولی یا «ماتریالیسم دیالکتیک» اصول نظریات خود را بر پایه تئوری داروین بنا گذاشته‌اند:

مثلاً هگل برای نظام کامل خودش پشتیبانی داروین را مدعی شد (دامپی، ۱۳۷۱، ص ۳۶). مارکس معتقد بود نظام مادی طبیعت، تاریخی دارد، یعنی از قانون تکامل داروین پیروی می‌کند (ژیلسون، ۱۳۵۷، ص ۲۶۱ و ۲۶۴). کارل پیرسون بر هرگونه نتیجه‌ای که با روش‌های علمی به دست نیامده باشد نام شناخت نمی‌نهد (ویل دورانت، ۱۳۷۴، ص ۳۱۶؛ دامپی، ۱۳۷۱، ص ۳۶۴). اسپنسر نظریه تطور را در تمام میدان‌های پژوهش به کار برد و تمام علوم را تابع این نظریه ساخت. اولین مجلد از نظام فلسفی او اصول اولیه نام دارد که مختص فلسفه کلی یا بمعنی‌الاعم است و یکی از این اصول، اصل تطور است (کاپلستون، ۱۳۷۶، ص ۸/۱۴۵-۱۴۵؛ ویل دورانت، ۱۳۷۴، ص ۳۲۶).

۳. Sinoptic

پذیرش نظریه گزینش طبیعی به يك معنا تکمیل همان کار فلسفی است که فرانسویس بیکن آغاز و نقشه اش را ترسیم کرد. به گمان او روش آزمایش تجربی تنها راه معرفت طبیعی است و داروین مانند دموکریتوس و لوکرتیوس ثابت کرد که خود طبیعت هم در دنیای جانوران و هم در جهان گیاهان، روش آزمایش تجربی را به کار می برد.

۲. حصرگرایی روش شناختی

از دیگر مبانی این الگو، حصرگرایی روش شناختی است. پوزیتیویست ها منکر ارزش همه انواع منابع معرفت شده و تنها تکیه گاه معرفتی بشر را در حوزه حس محدود کردند. مهم ترین پیش فرض پوزیتیویست ها، رویکرد تقلیل گرایانه آنان در مواجهه با توانایی های شناختی انسان و انحصار ابزار و قوای ادراکی او در حواس است. نتیجه طبیعی چنین رویکردی به معرفت شناسی و حدود دامنه معرفت انسانی، طرد مابعد الطبیعه و ارائه محسوس از جهان هستی شد.

از منظر تحصرگرایان، ذهن انسان در مواجهه با عالم طبیعت کاملاً منفعل است، به نحوی که با تماس هر يك از قوای حسی، بخشی از عالم طبیعت بر ما مکشوف می شود. همین ویژگی موجب شده است که پوزیتیویست ها «علم را فرایندی انباشتنی» تلقی کنند: «گویی علم، مخزنی است که اندک اندک باران استقرار آن را از آب مکشوفات پر می کند و یا باغچه ای است که دست محققان، تدریجاً گل ها و بوته های مشاهدات را در آن می نشاند و آن را می آراید» (آرتور برت، ۱۳۶۹، ص ۳۷). در حقیقت، مدعای پوزیتیویست ها از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول انحصار قوای ادراکی در حوزه حس؛ و بخش دوم که در حقیقت ریشه در ماهیت حواس یعنی منفعل بودن قوای حسی انسان در مواجهه با ادراک عالم طبیعت دارد منفعل بودن انسان در مقام شناخت طبیعت است. این رویکرد که در تاریخ فلسفه علم از آن تحت عنوان «تحقیق پذیری شدید» یاد می شود، در واقع افراطی ترین رویکرد به شمار می رود (سروش، ۱۳۷۲، ص ۲۹۴ - ۲۹۹؛ خزمشاهی، ۱۳۸۲، ص ۲۴ - ۲۹؛ رایشناخ، ۱۳۷۹، ص ۲۹۶ - ۲۹۷؛ آرتور برت، ۱۳۶۹، ص ۳۷ - ۳۸؛ هامیلین، ۱۳۷۴، ص ۱۱۶ - ۱۲۲؛ بزرگمهر، ۱۳۸۴، ص ۲۴؛ آرن نائس، ۱۳۵۷، ص ۶۰ - ۶۱؛ مصباح یزدی، ۱۳۶۴، ۲۱۳/۱؛ معلمی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۹ - ۲۱۰).

۳. امکان ارتقای گزاره های مشاهداتی به گزاره های تجربی

یکی از بنیادی ترین و اساسی ترین اصول و مبانی پوزیتیویسم، امکان ارتقا از سطح گزاره های

مشاهداتی شخصیه، به مرتبه «گزاره‌های تجربی کلی قطعی» می‌باشد. پرواضح است که قوام يك علم و امکان بهره‌گیری از آنچه در مقام شناخت جهان هستی و تبیین علل پدیده‌ها (مرحله توصیف) و دستیابی به قواعد دستوری و تجویزی جهت مهار و کنترل طبیعت (مرحله دستور و توانایی پیش‌بینی)، اثبات کلیت قواعد و یقینی و قطعی بودن آنهاست (چالمرز، ۱۳۷۴، ص ۱۲ - ۱۴).

ب. کاستی‌های الگوی خطی مراحل رشد و توسعه علوم

۱. ماهیت پارادوکسیکال نظریه تحقیق‌پذیری

از آنجا که تحقیق و اظهار نظر در حوزه مبادی هر علم، تنها از طریق فعالیت عقلانی امکان‌پذیر است، به همین دلیل تلاش در جهت صورت‌بندی يك ساختار مبنایی برای هر علمی، بدون استمداد از عقل ممکن نیست. با توجه به این نکته، مکتب پوزیتیویسم به عنوان يك نظام معرفت‌شناختی، مکتبی فلسفی و عقلانی به شمار می‌رود نه تجربی و به همین دلیل، همه گزاره‌های مربوط به سیستم فلسفه تحسلی گزاره‌های فراتجربی خواهد بود. حال اگر مدعیات عقلانی نه فقط نادرست، بلکه پوچ و مهمل باشند، در این صورت تمامی بنیان‌های مکتب تحسلی پوچ و بی‌محتوا خواهد بود. آیردر پاسخ به برایان مگی، که از وی سؤال کرده بود «مهم‌ترین نقیصه پوزیتیویسم چیست؟» گفته است: «فکر می‌کنم مهم‌ترین نقیصه‌اش این بود که یکسره عاری از حقیقت بود. اول اینکه اصل تحقیق‌پذیری، هرگز صورت‌بندی نشد. چند بار سعی کردم، اما هر دفعه یا بیش از حد چیزهایی در آن گنجاندم یا کمتر از حد کافی. تا امروز آن اصل هنوز صورت‌بندی دقیق پیدا نکرده است. ثانیاً مسئله برگرداندن یا تحویل قضایاست که عملی نیست. البته اشلیک و بیش از او ماخ فکر می‌کرد که شما همه قضایا را می‌توانید برگردانید به داده‌های حسی. این کار هرگز عملاً به نتیجه نرسید، چون به مشکلات بزرگ برخورد» (برایان مگی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۱-۲۰۲-۲۰۳). خلاصه این‌که این مکتب ماهیتی پارادوکسیکال و متناقض دارد، زیرا با تحلیل‌های عقلانی در صدد رد هویت معرفتی داده‌های فلسفی است.

۲. عدم امکان توجیه مطابقت معرفت‌حصولی با عالم واقع

مهم‌ترین نقص این نظریه، عدم امکان توجیه مطابقت در حوزه حس بدون استمداد از مبادی غیرحسی است. با توجه به اینکه تصورات حسی از مجاری حواس انسان در ذهن او شکل می‌گیرد و مجاری حسی به عنوان حجاب‌های مادی بین انسان و عالم ماده نقش بازی می‌کنند، هیچ راهی

برای توجیه امکان معرفت مطابق با واقع از طریق حواس وجود ندارد؛ مگر آن که از منابع فراحسی نظیر عقل یا وحی برای توجیه مطابقت معرفت حسی با عالم ماده استمداد شود. این اشکال زمانی پیچیده تر خواهد شد که از حوزه فهم واقعیت های منفرد و مصادیق، به حوزه روابط موجود بین واقعیت ها از یک سو (قوانین و اصول حاکم بر پدیده ها) و خصوصیات و ویژگی های کلی و مشترک در حوزه ماهیات و حقایق از سوی دیگر صعود کنیم. در این صورت، ابهامات و نقایص به مراتب بیشتر و پیچیده تر از شناخت مصادیق حسی خواهد بود و به تعبیر دیگر به تعداد مصادیق تعمیم داده شده، کاستی های آن نیز افزون تر خواهد بود.

حال چنان که دامنه شناخت های حسی را از حوزه واقعیت هایی که به وسیله حواس مستقیم قابل شناخت می باشد به ورای آنها توسعه دهیم، یعنی حقایقی که تنها به وسیله ابزار کمکی مانند تلسکوپ می توان به شناخت آنها نایل آمد، در این حالت بر خلاف تصور عامه، مفاهیم و تصورات حاصل از تعامل قوای حسی با ابزار کمکی به مراتب خطاپذیرتر و غیرقابل اعتمادتر خواهد بود، زیرا ضریب خطاهای محتمل در این ابزار، ضمیمه کاستی های حواس انسان در شناخت عالم ماده می شود. بدتر از آن این است که بهره گیری از برخی ابزار، مستلزم تصرف در خود واقعیت می باشد و نتیجه طبیعی آن از بین رفتن ویژگی سابق آن واقعیت و به وجود آمدن ویژگی جدید است. بنابراین، با تکیه مبانی معرفت شناختی، امکان توجیه مطابقت معرفت حصولی با عالم واقع وجود ندارد (آرتور برت، ۱۳۶۹، ص ۴۵؛ هامیلین، ۱۳۷۴، ص ۱۱۹ - ۱۲۲؛ بزرگمهر، ۱۳۸۴، ص ۵۳؛ مصباح یزدی، ۱۳۶۴، ۲۱۴/۱؛ معلمی، بی تا، ص ۲۱۲ - ۲۱۴؛ برایان مگی، ۱۳۸۷، ص ۳ و ۱۹۱).

۳. لوازم نامعقول این مکتب

پذیرش این مکتب، لوازم نامعقول و غیر منطقی متعددی دارد که برخی از آنها به طور خلاصه عبارت اند از:

- الف. حذف مفاهیم کلی از حوزه مباحث علمی و جایگزینی «اصطلاح کلی» به جای آن. زیرا با انکار مفاهیم کلی، هیچ وقت نمی توان قاعده و قانون کلی صادر کرد. در نتیجه، قوانین مثل «آب در صد درجه به جوش می آید»، «هر فلزی با حرارت منبسط می شود» و... به هیچ وجه با انکار مفاهیم کلی و قول به اصالت تجربه قابل توجیه نخواهند بود.
- ب. طرد قوانین کلی به علت نفی مفاهیم قوانین کلی زیربنای تمام علوم را از جمله علوم تجربی

تشکیل می‌دهد، مانند امتناع اجتماع نقیضین، ارتفاع نقیضین و قانون علیت. زیرا این قضایا خود از مصادیق قوانین کلی هستند و با انکار اعتبار قوانین کلی در واقع این قوانین را انکار کرده‌ایم و چنانچه این‌ها را انکار کنیم، هیچ مطلبی را نمی‌توان رد یا قبول کرد.

- ج. مواجهه پدیدار شناسانه با واقعیت‌های عینی. رویکرد پوزیتیویستی در فهم جهان سبب می‌شود که انسان شناخت اشیا را در ظواهر امور و به تعبیر بهتر در اعراض منحصر کند (حبیبی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۸-۱۶۲).

مدل دوم: الگوی رئالیسم انتقادی

یکی از مهم‌ترین موانع پیشرفت علم، رسوخ باورهای غلط و آمیختگی آن با افسانه‌ها، اسطوره‌ها، مجموعه گزاره‌های علم‌نما و شبه علم، در ابعاد مختلف می‌باشد. آنچه مشکل را افزون‌تر می‌کند، نبود معیار مشخص و تعریف شده جهت ارزیابی علم است، چرا که عدم معیار مشخص، زمینه مواجهه سلیقه‌ای با حوزه اندیشه و خروج بی ضابطه برخی گزاره‌ها و حتی ورود بی دلیل دسته دیگر از گزاره‌ها را به حیطة علم و اندیشه فراهم می‌کند.

بدین ترتیب، به همان اندازه که استخراج روش‌های توسعه علم جهت گسترش دامنه تحقیق و مرزهای دانش مهم به شمار می‌رود، دست‌یابی به الگویی روش‌مند برای تفکیک علم از شبه علم نیز اهمیت دوچندان دارد.

این رویکرد که در حقیقت فراهم کردن زمینه پالایش علم از طریق انتقاد و ارزیابی مجموعه معلومات بر جای مانده، می‌باشد از سوی مدافعان این مدل، به رویکرد رئالیسم انتقادی موسوم است. پوپر که مبدع این مکتب محسوب می‌شود، با صورت‌بندی الگویی که خود از آن به ابطال‌گرایی یاد می‌کند، مدعی است که با تکیه بر این شیوه می‌توان حجم عظیمی از گزاره‌های شبه علم را از متن معارف بشری زدود.

الف. مبانی الگوی رئالیسم انتقادی

ابطال‌پذیران علم را به مثابه مجموعه‌ای از فرضیه‌هایی می‌پندارند که به منظور توصیف یا تبیین دقیق رفتار چهره‌ای از جهان، موقتاً پیشنهاد شده‌اند. اگر بنا باشد فرضیه‌ای یا نظامی از فرضیه‌ها واجد منزلت قانون یا نظریه علمی بشود، باید يك شرط اساسی را برآورده نماید. این شرط

اساسی به اعتقاد این گروه ابطال پذیر بودن آن است (چالمرز، ۱۳۷۴، ص ۵۳).

به عنوان نمونه، گزاره‌های «هرگز روزهای چهارشنبه باران نمی بارد» و «تمام عناصر در اثر حرارت منبسط می شوند»، هر دو ابطال پذیرند، و علمی محسوب می شوند. گزاره اول ابطال پذیر و در نتیجه علمی می باشد، زیرا با نیامدن باران در روز چهارشنبه باطل می گردد و نیز گزاره دوم ابطال پذیر است، زیرا می توان با گزاره‌های مشاهداتی دال بر اینکه عنصری پس از حرارت یافتن منبسط نشد، آن را ابطال کرد. آب نزدیک نقطه انجمادش گزاره دوم را ابطال خواهد کرد، زیرا آب بر اثر حرارت و تبدیل شدن به مایع منبسط نمی شود.

«بنابراین، فرضیه‌ای ابطال پذیر است که منطقی‌اً امکان گزاره مشاهداتی یا مجموعه‌ای از گزاره‌های مشاهداتی که با آن ناسازگار باشند وجود داشته باشد، بدین معنا که اگر صدق گزاره‌ها اثبات شدند فرضیه را ابطال کنند» (چالمرز، ۱۳۷۴، ص ۵۴).

ب. پیشرفت علم از دیدگاه رئالیسم انتقادی

پیشرفت علم را می توان در طی چند مرحله دانست:

مرحله اول: ابطال نظریه سابق

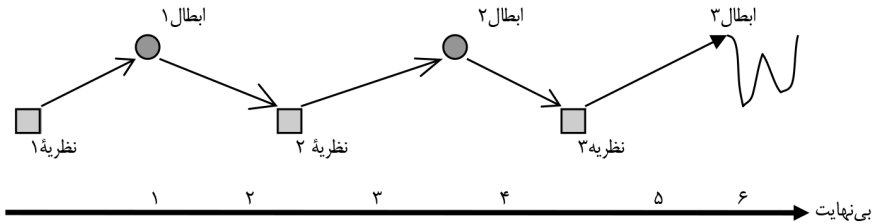
در این مرحله، گزاره جزئی گزاره کلی را ابطال می کند. اینکه يك قانون واقعاً کاذب معلوم شده است، پیشرفتی حاصل شده و مایه خشنودی خواهد بود. شناخت واقعیت تنها در پرتو اثبات نظریه نیست، بلکه فهم این مطلب که جهان فاقد رفتار خاصی است که برای آن در نظر گرفته می شد، نیز از جنس شناخت و بنابراین نوعی تولید و پیشرفت علم می باشد و کاربردهای نظری و عملی خویش را دارد. در مکاتب گذشته جزمیت و پیش بینی‌ها بر اساس حکم‌های ایجابی و نه سلبی، شکل می پذیرفت. اما ابطال‌گرایی جزمیت و پیش بینی منفی و سلبی را نیز وارد عرصه کار کرده است. نظریه خورشیدمرکزی، ابطال‌هایی را در حوزه نظر و پیش بینی نظریه زمین مرکزی به دنبال داشته است.

مرحله دوم: ابداع نظریه جدید

از دیدگاه پوزیتیویست‌ها، ماهیت علم را احکام ایجابی تشکیل می دهند، زیرا هم در مرحله نظر و هم در مرحله عمل و پیش بینی احکام ایجابی کارسازند، حال آن که در روش پیشنهادی پوپر علم تنها از احکام سلبی برخوردار است.

پوپر ضمن تأکید بر تولید نشدن منطقی نظریه‌ها از گزاره‌های حسی و جزئی بر این واقعیت تأکید

می‌کند که این گزاره‌ها فرض و تخیل دانشمندان هستند. دانشمندان نمی‌توانند با دیدن تعداد محدودی قوی سفید به تولید منطقی قانون کلی تمام قوها سفیدند بپردازند، اما با دیدن همان تعداد محدود، می‌توانند به حدس و فرضیه‌سازی رو آورده، در مقام آزمون و تجربه به داوری و ابطال آن بپردازند. اگر آن گزاره‌ها ابطال شدند، نشان دهنده غیرواقعی بودن آن گزاره‌های کلی است و اگر



نظریه ۳، ابطال پذیرتر، بهتر و به واقعیت نزدیک‌تر است نسبت به نظریه ۲ و نظریه ۲ نیز همین حالت را نسبت به نظریه ۱ دارد.

ج. نقش شدت ابطال‌پذیری در اصلاح نظریات و پیشرفت علم

گفته شد: یک نظریه به دلیل اینکه درباره جهان سخن و مدعای مشخصی دارد، ابطال‌پذیر است. از آنجا که در این مکتب، پیشرفت بر اثر ابطال حدس‌ها اتفاق می‌افتد، در نتیجه هر اندازه نظریه بیشتر ابطال‌پذیر باشد، علمی‌تر است. یعنی هر اندازه مدعای آن بیشتر باشد، امکان بیشتری در اختیار ما می‌نهد تا نشان دهیم که جهان در واقع آن‌گونه که نظریه ادعا می‌کند رفتار نمی‌کند. بنابراین، چون احتمال ابطال بیشتری فراهم می‌کند، لکن ابطال نمی‌شود، نشان‌دهنده قدرت و قوت بیشتر نظریه می‌باشد؛ نظریه ابطال‌ناشده‌ای که ادعای بیشتری دارد، نسبت به نظریه ابطال‌ناشده‌ای که صاحب سخن کمتری است. بدین سبب است که نظریه اول امکان و احتمال بیشتری را برای سرنگونی در اختیار قرار می‌دهد و چون با این حال سرنگون نمی‌شود، بهتر از نظریه‌ای است که امکان کمتری را برای سرنگونی در اختیار می‌نهد. نظریه اول راه‌های بیشتری را برای ابطال پیش پا می‌نهد، لکن نظریه دوم چنان راه‌ها را محدود می‌کند که نتوان به راحتی آن را ابطال کرد. به شکست نینجامیدن کار کشتی‌گیر فرنگی‌کاری که با هر مدعی صاحب نامی در می‌افتد، بسی ارزشمندتر از پهلوان به خانه نشسته مدعی پهلوانی است که تنها با افراد ضعیف درگیر می‌شود. به عنوان مثال، گزاره «سیارات در مدار بیضی می‌چرخند» ابطال‌پذیرتر است از گزاره «مریخ در مدار بسته می‌چرخد». نظریه دوم برخلاف نظریه اول ادعای کمتر و امکان ابطال ضعیف‌تری را پیش پا می‌نهد.

بنابراین، نظریه‌هایی با درجهٔ ابطال‌پذیری بیشتر، باید بر نظریه‌هایی که دارای ابطال‌پذیری کمتری می‌باشند ترجیح داده شوند. هرچه تعداد نظریه‌های حدس زده شده بیشتر و هرچه این حدس‌ها ابطال‌پذیرتر باشد، امکان بیشتری جهت پیشرفت‌های عمده در علم به وجود خواهد آمد. بنابراین، شدت ابطال‌پذیری یکی از عوامل پیشرفت علم است.

د. کاستی‌های مدل رئالیسم انتقادی

۱. ناکارآمدی معیار نقدپذیری برای توجیه گزاره‌های متافیزیکی

از آنجا که پوپر حداقل ابطال‌های تجربی را واقع‌نما و مطابق با واقع می‌داند، باید توجیه منطقی برای واقع‌نمایی بعضی از گزاره‌ها ارائه کند. مهم‌تر از آن اتکای این مکتب به برخی گزاره‌های متافیزیکی نظیر هویت، استحالهٔ اجتماع نقیضین و ارتفاع نقیضین و اصل وجود واقع می‌باشد و این در حالی است که معیار نقدپذیری برای ارزیابی این‌گونه گزاره‌ها ناکارآمد است (پوپر، ۱۹۹۲، ص ۱۱۱). معیار ارزیابی گزاره‌های عقلی در فلسفهٔ کلاسیک واقع‌گرایی است. کشف واقع، از بدیهیات که واقع‌نمایی‌شان بی‌نیاز از استدلال می‌باشد شروع می‌شود و با استدلال‌های منطقی، گزاره‌های نظری نیز از طریق چینش گزاره‌های بدیهی در قالب اشکال منطقی استدلال استخراج می‌گردد و به این ترتیب دامنهٔ گزاره‌های واقع‌نما توسعه می‌یابد. اما نقدپذیری به عنوان معیار عقلانیت معرفت و واقع‌نمایی آن، دارای مشکلات متعددی است. به تعبیر بهتر، عقل‌گرایی انتقادی دچار تناقض درونی شده است، زیرا این مکتب، از يك طرف جست‌وجو برای وصول به حقیقت را نفی نمی‌کند و مقاومت و باطل نشدن نظریات را در برابر نقدها راهی به سوی حقیقت و نزدیک شدن به آن می‌داند و حجیت معقولیت و مقبولیت آن را از همین مسیر نقدپذیری می‌داند؛ اما راهی را که به منظور رسیدن به واقع‌گرایی به ویژه دربارهٔ اصول اولیهٔ معرفت‌شناسی، از جمله اصل واقعیت، اجتماع و ارتفاع نقیضین و... بیان می‌کند، ناتوان از برآورده ساختن هدف مذکور است (همان). مقاومت در برابر نقد نمی‌تواند معیار صحیح و همه‌جانبه‌ای برای انتخاب گزاره‌های واقع‌نما از گزاره‌های کاذب باشد، زیرا گزاره‌های فراوانی وجود دارند که از نقدها به سلامت گریخته‌اند، اما واقع‌نما نیز نبوده‌اند. علاوه بر این، مقاومت در برابر نقدها موقتی بوده و پذیرش مقاومت، به عنوان معیار واقع‌نمایی، ملازم پذیرش نسبیت در کشف واقع است. حال آن که نسبیت در کشف واقع گزاره‌های مبنایی علم حتی با مبانی

مکتب ابطال‌گرایی در تناقض است.

۲. ناکارآمدی ابطال‌پذیری برای نقد اجزای يك نظام معرفتی

یکی دیگر از اشکالات جدی بر تئوری ابطال‌پذیری ناکارآمدی آن در نقد نظام‌های معرفتی است. این اشکال را هم لاکاتوش و هم پوانکاره قرار دادگرا بر پوپر وارد کرده‌اند.^۴ عدم جامعیت و در بر نگرفتن تمام گزاره‌های تجربی یکی از لوازمی است که در این معیار با توجه به پیچیدگی نظریات به وجود می‌آید. ابطال‌پذیری، به عنوان معیاری برای تمییز تجربه از متافیزیک، قوانین نظری سطح بالا را که به شکل رسمی جزئی از علم شمرده می‌شوند، به جرگه علم نمی‌پذیرد. به عنوان نمونه، می‌توان قانون اول نیوتن (اصل ماند یا اینرسی) را در نظر داشت. اصل اینرسی یا «اصل ماند» بیان‌کننده رفتار اشیاء است، در صورتی که تحت تأثیر هیچ نیرویی قرار نگیرند. مفاد این اصل این است که هر جسمی به سکون یا حرکت یکنواخت در خط مستقیم ادامه می‌دهد، مگر آن‌که نیرویی باعث تغییر این حالت شود (دانالد، ۱۳۸۲، ص ۲۴۳). این اصل ابطال‌ناپذیر است و تحت هیچ شرایطی نمی‌توان آن را باطل کرد. چگونه می‌توانیم بفهمیم که اصل ماند باطل شده است؟

۳. غیر یقینی و خطاپذیر بودن گزاره‌های ابطال‌کننده

اشکال اساسی دیگری که متوجه مکتب ابطال‌گرایی است، خطاپذیر بودن گزاره‌های ابطال‌کننده می‌باشد. به تعبیر بهتر، حاصل کاوش‌های ما برای آزمایش يك تئوری جهت ابطال آن در نهایت در قالب يك گزاره منعکس خواهد شد. سؤال جدی این است که از کجا و با تکیه بر چه مبنایی می‌توان مطمئن بود که خود گزاره ابطال‌کننده صحیح بوده و از واقعیت عینی حکایت می‌کند. پوپر می‌گوید ابطال نظریه‌ای که شکل گزاره شرطی دارد (اگر شرایط «الف و ب و ج» محقق شود، نتیجه «د» ضرورتاً حاصل می‌شود)، به این است که در يك مورد شرایط مذکور محقق باشند، ولی نتیجه حاصل نشود. حال ابطال‌گریز که مدافع يك نظریه می‌باشد می‌تواند بگوید، نتیجه حاصل نشده مربوط به عواملی مانند «ه» است که آنها هم در حصول نتیجه دخیل اند و به دلایلی در صورت تئوری ذکری از آنها به میان نیامده است. به عنوان مثال، شاید دستگاه آزمایش‌گر دچار اختلال بوده و یا آزمایش‌کننده دقت کافی نداشته است (گلشنی، ۱۳۷۷، ش ۱۶ و ۱۷). روشن است که

۴. نقد لاکاتوش، در چیستی علم و نقد پوانکاره، در کتاب فلسفه علم در قرن بیستم آمده است.

این احتمالات را منطقاً نمی‌توان رد کرد و به کمک همین احتمال‌ها می‌توان مانع ابطال منطقی یک نظریه شد. با اندک تورقی در تاریخ علم و مطالعه در سیر تحول و نوع عکس‌العمل اندیشمندان در مواجهه با موارد نقض می‌توان صدق مدعای فوق را مشاهده کرد. چرا که نوع دانشمندان، با صرف ارائه مورد نقض نمی‌پذیرند که تئوری آنها باطل است. در بعضی از علوم ابطال‌های غیر حقیقی به فراوانی یافت می‌شوند، به گونه‌ای که فیزیک دانان می‌گویند آزمایش ذرات اتمی باعث تغییر حرکات آنها می‌شود و طبیعت رفتار آنها را از حالت عادی خارج می‌کند. در علوم انسانی نیز آزمایش و زیر نظر گرفتن رفتارهای انسان‌ها باعث تغییراتی غیر طبیعی می‌شود.

۴. پناه بردن به قراردادگرایی و مواضعه در مبانی معرفت‌شناسی

یکی از مشکلات مهم نظریه ابطال‌گرایی تسلسل است، زیرا بر اساس این مبنا آزمودن و ابطال یک نظریه به وسیله گزاره‌های پایه و مقدم بر آن تحقق می‌یابد و این در حالی است که آزمودن و ابطال گزاره‌های پایه خود نیازمند آزمون و ابطال دیگری می‌باشد، چون ابطال‌گرایی آنها را بدیهی و بی‌نیاز از دلیل نمی‌داند، و برای ابطال آنها نیز گزاره‌های مقدم بر آنها را و... تردیدی نیست که این امر مستلزم تسلسل منطقی است. گرفتار شدن در دام تسلسل پوپر را بر آن داشته است که به مواضعه و قرارداد روی آورد و با ارائه روش‌های تجویزی به صورت موقت خود را از دچار شدن به تسلسل برهاند. پوپر برای آن راه حل منطقی ندارد و دوباره به روش‌های تجویزی رو می‌آورد (حبیبی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۴).

مدل سوم: رشد و توسعه علوم از طریق تغییر پارادایم‌های علوم

از مبدعان این مدل، کوهن است. در این مدل دگرگونی‌های علمی بیش از آن که خصلت منطقی داشته باشند، از عوامل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی متأثرند. به عبارت بهتر، وی فعالیت علمی را نه فقط یک تلاش فکری، بلکه به منزله یک شغل، آن هم در چارچوب مجموعه‌ای از قواعد و مقررات نهادینه شده قلمداد می‌کند (رک. چالمرز، ۱۳۷۴، ص ۱۱۴).

الف. چارچوب نظری

چارچوب کلی تحولات علم از دیدگاه کوهن را در قالب نمودار ذیل می‌توان خلاصه کرد:

۱. پیش‌علم ← ۲. علم عادی ← ۳. بحران ← ۴. انقلاب علمی ← ۵. علم عادی جدید ← ۶. بحران جدید.

۱. پیش‌علم: مرحله پیش‌علم از دیدگاه کوهن از دو ویژگی مهم برخوردار است: ویژگی اول، فرعی و ثانوی بودن فهم واقعیت مورد نظر و اظهار عقیده پیرامون آن می‌باشد. ویژگی دوم، تنوع و تعدد نظریه‌های ارائه شده از جانب متفکران به عدد صاحب‌نظران آن رشته است.

۲. علم عادی: علم عادی به نظریه‌هایی گفته می‌شود که دارای الگو و پارادایم باشند. تولیدات فکری پیش‌علم، زمینه مساعدی را برای شکل‌گیری علم عادی فراهم می‌کند. به این ترتیب، با ظهور يك متفکر خلاق و نابغه و دقت و تأمل وی بر مجموعه اندیشه‌ها و آرای گذشتگان، يك نظریه جامع و هماهنگ ظاهر می‌شود. به تعبیر آلن چالمرز: «فعالیت‌های پراکنده و گوناگونی که قبل از تشکیل و تقویم يك علم صورت می‌گیرد، نهایتاً پس از اینکه يك پارادایم مورد پذیرش جامعه علمی واقع شد، منتظم و هدف‌دار می‌گردد» (همان). بر این اساس، هر پارادایم دو خصوصیت اصلی دارد: اول این‌که دستاورد آن به اندازه‌ای بی‌سابقه است که برای گردآوردن گروه با دوامی از هواداران، از میان روش‌های فعالیت علمی در حال رقابت با یکدیگر، کفایت بکند. دوم این‌که به اندازه‌ای پذیراست که همه‌گونه مسائل را برای حل کردن گروه مشتغلان دوباره تعریف شده در اختیار آنان قرار می‌دهد.

۳. بحران و انقلاب: از دیدگاه کوهن اگر پارادایم رایج اولاً نتوان از حل معضلات موجود باشد و ثانیاً توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای روز و توقعات اجتماعی مورد نظر از آن را نداشته باشد، در این صورت دوره‌ای از «ناامنی آشکار شغلی» آغاز می‌شود. وخامت بحران هنگامی شدت می‌یابد که پارادایم رقیبی ظهور کند. توفیق پارادایم رقیب در حل معضلات جدید منجر به کنار گذاشتن پارادایم قبلی (انقلاب) و جایگزینی پارادایم جدید خواهد شد (چالمرز، ۱۳۷۴، ص ۱۲۱).

ب. پیشرفت از طریق انقلاب‌ها

در مباحث پیشین به این نکته اشاره کردیم که با توجه و تأمل در تاریخ علم و فرایند شکل‌گیری نظریه‌ها و منسوخ شدن آنها می‌توان به این واقعیت پی برد که تحول تئوری‌ها بیش از آن‌که تابع دلایل منطقی و مبادی معرفت‌شناختی باشد، در حقیقت ریشه در عوامل روان‌شناختی و اجتماعی دارد. بنابراین، در اینجا این سؤال مطرح می‌شود: آیا سیر تحول علم در جهت پیشرفت و رشد و تکامل است یا اینکه عمده‌تاً به صورت تولید تئوری‌های جدید در عرض تئوری‌های قدیم می‌باشد؟ در پاسخ می‌توان گفت که از دیدگاه کوهن، علم نیز در سیر تحولات خود رو به تکامل بوده و

سیر صعودی دارد. اما معنای تکامل از منظر کوهن با مفهومی که اغلب متفکران از آن ارائه می‌کنند بسیار متفاوت است. از نظر کوهن، نوع تکامل در علوم همانند تکامل در سایر حوزه‌ها نظیر شعر، موسیقی، داستان و... می‌باشد. به اعتقاد کوهن، زمانی می‌توان گفت که علمی پیشرفت کرده است که حاصل تأملات طرفداران يك پارادایم منجر به ظهور يك ایده خلاق و اثربخش باشد، به گونه‌ای که مخاطبان خود را تحت تأثیر قرار دهد و آنها را با پدیده جدیدی که پیامدهای اثربخشی در زندگی آنها داشته باشد مواجه سازد. به گفته کوهن، تنها در دوره‌های هنجاری علم است که پیشرفت هم آشکار و هم تأمین شده به نظر می‌رسد. ولی در آن دوره‌ها، جامعه علمی نمی‌تواند ثمره کار خود را از هیچ راه دیگر مشاهده کند (کوهن، ۱۳۶۹، ص ۱۶۱ و ۱۶۲).

ج. کاستی‌های رشد و توسعه علوم از طریق تغییر پارادایم‌ها

۱. یکی از پیامدهای منفی پذیرش دیدگاه کوهن گرفتار شدن در دام نسبیّت معرفت‌شناختی است. لاکاتوش ضمن اشاره به موضع نسبی‌گرایانه کوهن، پذیرش دیدگاه وی را مستلزم پذیرش این واقعیت می‌داند که «هیچ راهی برای قضاوت يك نظریه جز به واسطه ارزیابی تعداد اعتقاد و انرژی لفظی حامیان آن» نخواهد بود. در این صورت «حقیقت در قدرت نهفته می‌شود» (چالمرز، ۱۳۷۴، ص ۱۳۱) و رشد و تحول علوم پدیده‌ای غیر از «روان‌شناسی قیل و قال» نبوده و پیشرفت علمی در ذات خود همانند پدیدار «دسته سینه‌زنی» خواهد بود.

۲. اشکال دیگر این نظریه بسته شدن باب گفت‌وگو و مفاهمه می‌باشد، زیرا بر اساس این نظریه هر متفکری به علت برخورداری از يك قالب فکری خاص، در فضای ذهنی منحصر به فرد و غیرقابل نفوذ و درك زندگی می‌کند، بنابراین نه تنها قادر به ارائه دیدگاه‌های خود نیست، بلکه نمی‌تواند آرا و نظریات دیگران را نیز درك کند (یونای، ۲۰۰۰، ص ۳۴۱). از دیگر نتایج بنیادی تئوری انقلاب‌های علمی این است که، بعد از تغییراتی که در نگرش اندیشمندان به علم جدید ایجاد می‌شود، نوع دیدگاه آنها به جهان نیز دچار تغییر می‌گردد و دیدگاه آنها به کل هستی عوض می‌شود. به تعبیر دیگر، تغییر دیدگاه ایشان اگرچه محدود به حوزه خاص می‌باشد، در حقیقت تغییر يك بخش نیست، بلکه تغییر يك جزء از کل است که آن جزء با کل جهان بینی گذشته ارتباط داشت و در آن کل قابل تعبیر و تفسیر بود. اما وقتی يك بخش از آن کل تغییر پیدا می‌کند، در نتیجه نه تنها دیدگاه اندیشمند به آن بخش تغییر می‌یابد، بلکه برای آن که بتواند مجموعه

اطلاعات و دیدگاه‌های ذهنی خود را نسبت به جهان هماهنگ کند، باید در مورد آرا و نظریات خود در سایر حوزه‌ها نیز تجدید نظر کند. به تعبیر دیگر، انقلابی که در فیزیک رخ می‌دهد صرفاً به این بخش محدود نمی‌شود، بلکه شخص باید مجموعه آگاهی‌ها و دیدگاه‌های خودش را نسبت به حوزه‌های شیمی، پزشکی، فلسفه طبیعی و سایر حوزه‌ها تغییر دهد. چرا که نوع آگاهی‌های وی که قبل از انقلاب علمی به آن اعتقاد داشت متناسب با نوع اطلاعاتی بود که در پزشکی، نجوم، ریاضیات و فلسفه بود. در نتیجه وقتی دیدگاه وی در این بخش دچار تغییر می‌شود، بدیهی است که این پاره از تفکر نمی‌تواند با مجموعه پارادایم‌های مربوط به حوزه‌های دیگر هماهنگ شود. به تعبیر خود کوهن: «در دوران انقلاب‌های علمی، دانشمندان در هنگام نگرستن به ابزارهای آشنا، در جاهایی که پیش‌تر به آن نگاه می‌کردند چیزهای تازه را متفاوت با گذشته می‌بینند. بدان می‌ماند که جامعه حرفه‌ای به سیاره دیگری انتقال یافته باشد که در آن چیزهای آشنا در نورهایی متفاوت دیده می‌شود و نیز چیزهایی ناآشنا به آنها پیوسته شده است» (کوهن، ۱۳۶۹، ص ۱۶۱).

۳. از دیگر اشکالات اساسی این دیدگاه، ماهیت پارادوکسیکال آن است. چرا که به اعتقاد کوهن اندیشمندان در جهان‌ها و فضاها فکری متباین و غیرقابل نفوذ زندگی می‌کنند. اگر این مقدمه را بپذیریم با مشکلی اساسی مواجهیم. آیا کوهن خود موفق به درک دیدگاه‌های همه متفکران شده است تا به قضاوتی این‌چنین دست بزند؟ اگر جواب منفی باشد، خودداری و ارزشیابی ایشان اعتبار و ارزشی نخواهد داشت (مگاباکرو جرم شرم، ۱۹۹۴، ص ۲۸).

مدل چهارم: راهبردهای مورد نظر جهت توسعه علم دینی

برای تبیین توسعه علم دینی، بهره‌گیری از رویکردهای تک بعدی در مقام عمل راهگشایی و کارایی چندانی ندارند، چرا که توسعه در اشکال مختلف آن تابع شرایط محیطی ویژه و متغیرهای مختلف و زمینه‌های خاص خود می‌باشد، به گونه‌ای که تعمیم آن به سایر حوزه‌ها و شرایط جغرافیای دیگر چندان سهل نیست.

نکته مهم دیگری که باید به آن توجه داشت این است که توسعه دانش، میان‌رشته‌ای است و بنابراین تقلیل آن به توسعه علمی، سیاسی، یا اقتصادی و... چندان معقول و موجه نیست. طراحی برنامه مناسب برای توسعه علمی نیز مستلزم بهره‌گیری از دانش‌ها و تخصص‌های مختلف، اعم

از مباحث بنیادی نظیر تئوری‌های معرفت‌شناختی و فلسفه علم و یا سایر دانش‌ها از قبیل علم اقتصاد، سیاست، تا علوم کاربردی مثل مدیریت استراتژیک، تکنولوژی آموزشی و علوم تربیتی و... است. از سوی دیگر، دست‌یابی به راه حلی جامع که مورد پذیرش همه آحاد جامعه اعم از مسئولان، نخبگان و مردم باشد، نیازمند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های متناسب است.

در نهایت این‌که، توسعه تنها با همت ملی امکان‌پذیر نیست، بلکه در کنار اراده ملی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در روابط بین‌الملل نیز اجتناب‌ناپذیر است. بخش‌های عمده‌ای از ذخایر فرهنگی موجود در کشورهای جهان مخصوصاً کشورهای توسعه‌یافته، به اشکال مختلف می‌تواند زمینه و شرایط مناسب توسعه را فراهم کند. البته خطر وابستگی در چنین حالتی انکارناپذیر است. بنابراین، باید در کنار بهره‌گیری از ظرفیت‌های بین‌المللی تدابیر لازم برای جلوگیری از این امر نیز اتخاذ شود (امیراحمدی، ۱۳۷۷، ص ۲۶).

بدین ترتیب، برای طراحی مدل مورد نظر و به تعبیر صحیح تر ارائه راهبردهای توسعه علم دینی، نمی‌توان تنها به یک وجه از ابعاد مختلف، مؤثر بر رشد و توسعه علم توجه کرد، بلکه باید با در نظر گرفتن کاستی‌های موجود در مدل‌های پیش‌گفته از یک سو و الهام گرفتن از نقاط قوت هر کدام از جانب دیگر و ظرفیت‌های موجود در منابع دینی، به تبیین راهکارهای مناسب جهت توسعه علم مبادرت کرد و بدین ترتیب از غلتیدن در دام حصرگرایی روش‌شناختی و دل‌بستگی به پارادایم خاص و افراط‌گرایی در تأکید بر یک بعد از ابعاد مؤثر در توسعه علم دینی پرهیز کرد. برای این منظور باید از همه راهبردهای مؤثر در توسعه علم، البته با توجه به ظرفیت‌ها و محدودیت‌های آن، در جهت توسعه علم دینی بهره گرفت.

مهم‌ترین راهبردهایی که جهت توسعه علمی دینی می‌توان به آنها اشاره کرد، بهره‌گیری از رویکرد نظام‌مند، نفی حصرگرایی روش‌شناختی و تلاش در جهت بهره‌گیری از همه روش‌ها البته با توجه به حوزه قابل کاربرد، اشراق مبنای دینی و پیش‌فرض‌های متخذ از مبنای دینی در حوزه تحقیقات تجربی مخصوصاً در علوم انسانی و استفاده از رویکرد عمل‌گرایانه و نظرگاه کاربردی در مقام جهت‌دهی و ارزش‌گذاری تحقیقات است.

۱. راهبرد رویکرد نظام‌مند

از مهم‌ترین راه‌های توسعه علوم، بهره‌گیری از روش نظام‌مند است. این شیوه از بهترین راهبردها

در جهت توسعه و گسترش دامنه گزاره‌های اسلامی است. با این حال، از رایج‌ترین رویکردهای برخی از صاحب‌نظران اسلامی، رویکرد تجزیه‌ای آنان به علوم انسانی و جزئی‌نگری در حوزه علوم دینی است. همین امر زمینه را برای یک نوع التقاط فراگیر و مهار نشدنی فراهم کرده است. این گروه از متفکران ابتدا با تجزیه نتایج علوم انسانی به عناصر مخالف و موافق دین و سعی در گردآوری شواهد قرآنی و روایی برای تأیید گزاره‌های علوم انسانی که به ظاهر موافق با دین است، در صدد تدوین مجموعه‌ای از علوم کاربردی برای حل معضلات اجتماعی برآمده‌اند. تأکید بر وجه کاربردی این دسته از نوشته‌ها ریشه در این واقعیت اسف‌بار دارد که این عده به صراحت اعلام می‌کنند که جامعه دینی ما اولاً از حیث پیشرفت‌های مربوط به علوم انسانی عقب‌مانده‌تر از کشورهای توسعه‌یافته است. بنابراین، تا زمانی که هنوز به لحاظ عمق و گستره تحقیقات توانایی رقابت با این جوامع را نداریم، باید از نتایج پژوهش‌ها و تحقیقات آنان بهره بگیریم. ثانیاً در وضعیت فعلی امکانات و شرایط لازم برای تحقیقات در حوزه علوم انسانی وجود ندارد. ثالثاً دین اسلام نیز از مطالب مدون، نظام‌مند و منسجم در ارتباط با حوزه‌های متنوع و مستحدث و پیچیده عصر حاضر برخوردار نیست. بنابراین، تنها روش معقول و عملیاتی، روی آوردن به بهره‌گیری از نتایج کاربردی علوم انسانی، گردآوری شواهد و دلایل قرآنی و روایی برای حصول اطمینان خاطر از موافقت جنبه‌های سازگار علوم انسانی با دین است.

چنین رویکردی به علوم انسانی و دین، ریشه در عدم توجه نظام‌مند و فراگیر به این دو حوزه دارد. چرا که علوم انسانی غرب، دقیقاً در یک شرایط فرهنگی خاص و با توجه به نیازها و دغدغه‌های مشخص و برای پاسخ‌گویی به سؤالات ناشی از معضلات و مشکلات جوامع خاص شکل گرفته است. در این مقدمه کوتاه نمی‌توان به ریشه‌های شکل‌گیری علوم انسانی پرداخت، اما آنچه به اختصار درباره ماهیت علوم انسانی می‌توان گفت این است که علوم انسانی، مجموعه‌ای از تحقیقات علمی محض و برکنار از پیش‌فرض‌ها و اهداف خاص نبوده است، بلکه در واقع طراحی یک دین جدید برای انسان جدید با تمامی کارکردهایی است که می‌توان برای یک مذهب برشمرد. علوم انسانی فعلی در حقیقت مجموعه‌ای از گزاره‌های متکی بر پیش‌فرض‌های مابعدالطبیعی خاص با مجموعه‌ای از شواهد تجربی مؤید آنها برای پاسخ‌گویی به همه نیازهای یک انسان غیردینی در تمامی ابعاد زندگی وی (چه فردی و چه اجتماعی) است. بنابراین، تبلیغ بی‌طرفی و غیربومی و جهان‌شمول بودن این

علوم ادعایی بیش نیست. علاوه بر این، خود مبانی فراتجربی نهفته در آنها نیز در تضاد کامل با مبانی دینی و اسلامی قرار دارد. نکته دیگر در مورد علوم انسانی، عبارت است از صعود آنها از مرتبه داده‌های تجربی به یک مکتب فراتجربی و تلاش در جهت حذف رقبای خود، یعنی ادیان و مذاهب آسمانی. به عبارت دیگر، چنانچه علوم انسانی و بنیان‌گذاران آنها در محدوده تحقیقات تجربی و مدعیات علمی خود متوقف می‌شدند و راجع به حوزه‌های فراتجربی یعنی دین و اخلاق و فلسفه سکوت اختیار می‌کردند، باز هم چندان نگران‌کننده و ویرانگر نبود، اما نفی گزاره‌های غیرتجربی با تکیه بر شواهد تجربی و اصرار بر حذف و نفی این دسته از معارف، بیانگر این واقعیت است که علوم انسانی فعلی در صدد جان‌نشینی ادیان هستند.

از دیگر نکات مهم در مورد علوم انسانی موجود، توجه به ماهیت گزاره‌های علوم انسانی موافق با دین است. در ارتباط با این گزاره‌ها نیز چند نکته حائز اهمیت فراوان است. نکته اول مغالطه‌های ناشی از اشتراك لفظی موجود بین این گزاره‌ها و اصطلاحات به ظاهر معادل آنها و ساختار دین اسلام است. عناوینی نظیر عقل، تفکر، هوش، علم، نقادی در حوزه بینش‌ها و تعابیری نظیر تشویق، تنبیه، انذار و تبشیر، عزت نفس در حوزه عواطف و گرایش‌ها، به فرض توافق ظاهری و شباهت لفظی، دارای مفاهیم و معانی کاملاً متفاوتی هستند که بی‌توجهی به آن می‌تواند بدترین نوع التقاط را در پی داشته باشد. نکته دوم تضاد و تعارض خود گزاره‌های موافق با دین در حوزه علوم انسانی غرب است. برخی از افراد بعد از مطالعه کتب علوم انسانی به یک نوع التقاط چند وجهی دچار می‌شوند. ابتدا بدون تأمل و تفکر کافی و به علت نداشتن پشتوانه‌های نظری و تحقیقاتی کامل و شفاف سعی در گزینش عناصر موافق با طبع سلیم از مکاتب مختلف می‌کنند. به عنوان نمونه، قاعده شرطی شدن کلاسیک و کنشگر را از مکتب رفتارگرایی، تئوری تقلید و سرمشق‌گیری را از نظریه یادگیری اجتماعی، مفاهیمی نظیر خودآگاه و ناخودآگاه را از مکتب فروید، طبقه‌بندی نیازها را از مازلو اقتباس می‌کنند و به یک نظام و ساختار به ظاهر سازگار و در واقع متعارض و متضاد دست می‌یابند و بدتر از همه آنها به گردآوری شواهد و نمونه‌های روایی و قرآنی برای این دسته از تئوری‌های ناهمگون می‌پردازند و به این ترتیب به یک نوع التقاط چند وجهی عجیب و غریب و ناسازگار دامن می‌زنند. محصول این فعالیت شبه‌علمی یک تئوری غول‌آسای هزارپا و صدسری است که هرکدام آهنگ استقلال و سودای خاص خود را دارند و از درون به طرد و نفی هم می‌پردازند.

سومین نکته درباره گزاره‌های فوق، جایگاه و موقعیت این نوع مفاهیم به ظاهر موافق با دین است. به عبارت دیگر، بر فرض پذیرش این نکته که تئوری تقلید و تبعیت از سرمشق‌ها و یا نظریه طبقه‌بندی نیازها موافق با دین باشد، سؤال اساسی‌تری در این باره مطرح می‌شود که سهم آن در تربیت دینی تا چه اندازه بوده و جایگاه و رتبه آن در مقایسه با عناصر دیگر در کجاست. آیا در تربیت دینی تأکید عمده بر تشویق و تنبیه است یا الگو و سرمشق‌گیری و یا انذار و تبشیر و یا تغییر محیط؟ اهمیت این نکته زمانی مشخص می‌شود که توجه داشته باشیم که در نظام‌های تربیتی غیردینی جایگاه و موقعیت هر يك از عناصر فوق به روشنی مشخص شده و هر يك از مکاتب به صورت شفاف نظرگاه خود را راجع به عناوین مذکور تبیین کرده‌اند. تأکید بر تشویق و نفی تنبیه مگر در موارد ضروری، تأکید بر شاگردمحوری و نفی استادمحوری، اهتمام و توجه به عوامل مؤثر بر شخصیت کودک در دوران کودکی و تلاش در تخلیه هیجانات واپس‌زده شده افراد در مکاتب مختلف، نشانه این واقعیت است که این مکاتب تنها به ارائه روش نپرداخته‌اند، بلکه جایگاه و حدود تأثیرگذاری هر يك از روش‌ها را با توجه به مبانی خاص خود به روشنی تبیین کرده‌اند.

نکات فوق و نکات دیگری که فعلاً مجال طرح آن در این مختصر نیست، ضرورت رویکرد نظام‌مند و سیستماتیک، هم به علوم انسانی و هم به دین، را دوچندان می‌کند. به این ترتیب، برای ارزیابی حدود موافقت یا تعارض يك مکتب سیاسی، اقتصادی و روان‌شناختی با اسلام باید ابتدا تمامی عناصر تشکیل‌دهنده آن یعنی مبانی، ساختار و لوازم آن مکتب به تفصیل بررسی شود. سپس بعد از بررسی آن مکتب تنها مراجعه به عناوین و اصطلاحات مشابه آن در حوزه مکتب اسلام کفایت نمی‌کند، بلکه ابتدا باید مبانی معرفت‌شناختی، الهی، انسان‌شناختی آن موضوع به صورت شفاف استخراج شود و آنگاه از ترکیب مبانی به طراحی نظام مشابه دست‌یابیم و سپس به تطبیق دو نظام، هم به صورت مجموعی و هم به شکل تجزیه‌ای مبادرت کنیم. بنابراین، برای مقایسه مکتب رفتارگرایی، که در حوزه تربیت بر دو عنصر کلی تشویق و تنبیه و پاداش و مجازات استوار است، با مکتب تربیتی اسلام، نباید از همان ابتدا به سراغ کلمات و اصطلاحاتی مانند تشویق و تنبیه و سایر مشتقات آن برویم و با گردآوری مجموعه آیات و روایات مربوط به این حوزه و تنظیم و تحلیل داده‌های حاصل از بررسی آنها به مقایسه و تطبیق مکتب تربیتی اسلام و رفتارگرایی بپردازیم. زیرا حاصل این تحقیق بیش از آنکه بیانگر اصالت و عمق مباحث دینی و حدود تعارض یا توافق آن با

مکتب‌های روان‌شناختی باشد، نوعی گردآوری شواهد و مؤیدات دینی برای اثبات صحت داده‌های سایر مکاتب غیر دینی خواهد شد.

بدین ترتیب، اغلب اندیشمندان در مقام تحلیل تئوری‌ها و بررسی پدیده‌ها از رویکرد تجزیه‌ای بهره می‌گیرند. این رویکرد علی‌رغم برخی مزایا کاستی‌های جدی و غیر قابل اغماض دارد که بی‌توجهی به آن می‌تواند زمینه‌ساز تحریف یک نظریه و درک ناقص و نادرست از یک پدیده باشد. در این قسمت ضمن تبیین مفهوم رویکرد روش تجزیه‌ای و نظام‌مند، ضرورت مواجهه نظام‌مند را بررسی می‌کنیم.

الف. روش تجزیه‌ای

از روش تجزیه‌ای تحت عناوینی نظیر اتمیسم^۵ عنصرگرایی^۶ و تجزیه‌گرایی^۷ نیز یاد شده است. از شیوه تحلیل نظام‌مند نیز با نام‌هایی چون تفکر ارگانیکی^۸ و کل‌گرایی^۹ و نگرش سیستمی یاد شده است. در این روش ابتدا با تجزیه واقعیت به عناصر تشکیل دهنده آن، به بررسی موردی و جزئی آن عناصر می‌پردازند. سپس با پرداختن به تحلیل روابط موجود در بین عناصر در صدد کشف مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار برمی‌آیند.

ب. روش نظام‌مند

نظام، کل سازمان یافته‌ای است مرکب از عناصری متعدد که آنها را تنها در ارتباط با یکدیگر و بر حسب جایگاهی که در این کل دارند می‌توان تعریف کرد. از بررسی مجموعه تعاریف مربوط به نظام (مهدی فرشاد، ۱۳۶۲، ص ۹؛ راسل، بی‌تا، ص ۲۸؛ دانیل دوران، ۱۳۷۰، ص ۱۴؛ سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۶۷۵۵؛ عالم، ۱۳۷۳، ص ۱۴۹)، می‌توان ویژگی‌های آن را این چنین برشمرد:

- نظام، جمع شدن صرف اجزا و عناصر نیست، بلکه بین آنها باید یک نوع پیوند و رابطه منطقی یا عملیاتی و کاربردی مشخص وجود داشته باشد.

۵. Atomism.

۶. Elementalism.

۷. Reductionism.

۸. Organicism.

۹. Wholism Iholism.

- بین اجزا و عناصر نظام رابطه اصل و فرع برقرار است.
- بین کلیه عناصر نظام، باید هماهنگی و سازواری وجود داشته باشد.
- نظام باید غایت‌مند و هدف‌دار باشد.

ج. روش بهره‌گیری از رویکرد نظام‌مند

در این شیوه ابتدا مجموعه گزاره‌های بنیادی و اصلی از ستون دین استخراج می‌شود. مهم‌ترین ویژگی‌هایی که این گزاره‌ها باید داشته باشند، قطعیت، صراحت و پایه‌ای بودن آنهاست. قطعیت به این سبب است که محقق در مقام استناد آنها به دین و وحی هیچ تردیدی به خود راه ندهد. وصف اصلی بودن این گزاره‌ها بیانگر این ویژگی است که این گزاره‌ها به صورت مستقیم و بدون آن‌که از گزاره دیگری استنتاج شده باشند، خود به طور مستقیم از متون حیاتی و با مراجعه به آیات و روایات استخراج شده باشد. اگر از گزاره دیگری نیز استخراج شده باشند، بیش از یک واسطه در کار باشد. پایه‌ای بودن نیز به این نکته اشاره دارد که مفاد این گزاره‌ها کاشف از اساسی‌ترین ارکان و بنیادی‌ترین حقایق دین باشد. البته مراد ما از اصلی بودن، محدود کردن گزاره‌های اصلی به اصول دین در احکام و اصطلاح عربی رایج نیست، بلکه دامنه‌ای وسیع‌تر از آن را شامل می‌شود، ولی با این حال شامل گزاره‌ای فرعی هم نمی‌شود. صراحت و روشنی این گزاره‌ها هم زمینه‌ساز دور افتادن از غلتیدن در دام اختلاف نظرها و توجه و تأویل‌های محققان است.

بعد از استخراج گزاره‌های اصلی، نوبت به تطبیق و ترکیب گزاره‌های هم‌سنخ و استخراج نتایج آنها می‌رسد. این روش که به شیوه استدلال قیاسی و فرضی استنتاجی موسوم است، به مثابه راهبردی جهت تکثیر گزاره‌ها در راه سازمان‌دهی، تنظیم و جنبش منطقی گزاره‌های اصلی برای دستیابی به نتایج جدید محسوب می‌شود. بعد از استخراج گزاره‌های جدید، نوبت به سازمان‌دهی آنها حول محور واحد می‌رسد. در مواردی محور واحد از پیش معلوم بوده و مسیر استخراج گزاره‌ها با توجه به سؤال محوری انجام می‌پذیرد، از قبیل استخراج نظام اقتصادی، سیاسی، حقوقی، مشاوره و... اسلام. بدین ترتیب گزاره‌های تولید شده را با توجه به ابعاد مباحث مربوط در هر حوزه فکری می‌توان تنظیم و بر اساس منطقی طراحی نظام، آنها را در قالب الگوی منطقی و منظم مرتب کرد. بدین ترتیب زمینه برای پاسخ‌گویی به انواع سؤال‌های جدید و مسائل مستحدثه فراهم می‌شود.

۲. پرهیز از تقلیل‌گرایی در مقام گردآوری و داوری

با توجه به مبانی معرفت‌شناختی، روش‌شناختی و انسان‌شناختی اسلام، می‌توان به گستره وسیع شیوه‌ها و روش‌های تحقیق از دیدگاه اسلام پی‌برد. زیرا اسلام به جای نفی یکی از ابزارهای ادراکی انسان و تأکید افراطی بر ابزار دیگر، به تحدید و مرزبندی آنها پرداخته و هرکدام از آنها را در چارچوب توانمندی‌های خود به رسمیت شناخته است. به عنوان مثال، با اینکه مهم‌ترین روش شناخت ابعاد وجودی انسان و ترسیم ویژگی‌های مثبت و منفی وی، روش وحیانی می‌باشد، اما با وجود این واقعیت، مکتب اسلام برای کشف ویژگی‌ها، مشکلات و نابهنجاری‌های رفتاری انسان‌ها در بعد فردی و اجتماعی، اعتبار و ارزش بالایی برای روش مشاهده و شناخت حسی و تجربی قائل شده است، به نحوی که تنها راه شناخت سلامت شخصیت فرد در زندگی فردی و اجتماعی وی به لحاظ رفتاری (یعنی عدالت فرد) را مشاهده مستقیم اعمال و رفتار او و یا گواهی چند شاهد بر سلامت رفتاری و انطباق یا عدم انطباق اعمال وی با موازین شرعی قرار داده است. این موضوع در سطح کلان نیز قابل اعمال بوده و می‌توان با بهره‌گیری از تحقیق میدانی به ارزیابی سطح انطباق سلوك جمعی مؤمنان در جامعه اسلامی با موازین اسلامی پرداخت و سلامت یا بیماری کل جامعه را نیز درک کرد.

تنوع روش‌های شناخت شخصیت انسان، کشف مشکلات و شناخت نابهنجاری‌های فردی و جمعی ریشه در تعدد ابعاد وجودی انسان و تودرتو و لایه‌لایه بودن سطح شخصیت انسان دارد، زیرا از دیدگاه اسلام، تنها سلامت رفتاری انسان و به تعبیر دینی ظاهراًصلاح بودن افراد، دلیل بر کمالات روحی فرد نیست. زیرا این سلامت رفتاری اگرچه در اغلب موارد نشانه و اماره قابل اعتمادی بر وجود سلامت روان و شخصیت فرد می‌باشد، در برخی موارد، می‌تواند کاملاً گمراه‌کننده و رهزن باشد. چرا که افراد ریاکار و منافق با درپیش گرفتن سلوك ظاهری مثبت می‌توانند جامعه را به انحراف بکشند و با لطمه وارد کردن بر شخصیت خود و تباه کردن درون خویش، با حرکات مرموز و زیرکانه، دیگران را نیز منحرف سازند و آسیب‌های جدی بر شخصیت و روحیه آنها وارد کنند. به این ترتیب، تنها راه شناخت شخصیت آنان استفاده از روش روان‌تحلیلی، جهت نفوذ به لایه‌های عمیق‌تر شخصیت افراد است. البته چنانچه خود فرد واقعاً در صدد اصلاح رفتار خود باشد و از گذشته سیاه و رفتار نابهنجار خود در عذاب باشد و در صدد توبه و جبران گذشته باشد، استفاده از شیوه درون‌نگری و

یافته‌های حضوری خودآگاه افراد، کمک بسیار مؤثری در فهم معضلات روحی آنها خواهد کرد. به این ترتیب، اسلام با صحنه گذاشتن بر اعتبار یافته‌های درونی و علم حضوری هشیارانه فرد در فهم مشکلات روحی افراد، ابزار بسیار مؤثری را در اختیار محقق قرار داده است و این در حالی است که به عنوان نمونه مکتب روان‌تحلیلی فروید، اعتبار و ارزش چندانی به تجربه روحی هشیارانه فرد نداده و آنها را انعکاس آرزوها، امیدها و شکست‌های نهفته در ضمیر ناخودآگاه فرد قلمداد می‌کند. در کنار روش‌های فوق، تحلیل‌های عقلانی و نظری نیز به عنوان یک ابزار مکمل، یافته‌های حاصل از روش وحیانی، مشاهده و یافت‌های حضوری را بررسی می‌کند و به تحلیل آنها و تبیین مشکلات و علل آنها و ارزیابی وضعیت روحی اشخاص و نوع مشکل آنها می‌پردازد. به این ترتیب، مکتب اسلام با پرهیز از افراط و تفریط در اعتبار مطلق بخشیدن به یک روش و نفی کامل روش‌ها و داده‌های ابزار ادراکی راه میانه و معتدلی را اتخاذ نموده است. از منظر مکتب اسلام، استفاده از یک روش برای فهم واقعیات نه تنها مطلوب نیست، بلکه عملاً مستلزم عدول از مبانی معرفت‌شناسی است، یعنی دقیقاً همان معضلی که مکاتب علوم انسانی به آن دچار شده‌اند.^{۱۰}

از مجموع مباحث گذشته می‌توان به این نتیجه رسید که روش‌های کشف واقعیات از دیدگاه اسلام عبارت‌اند از: روش وحیانی؛ علم حضوری؛ روش عقلانی؛ روش مشاهده و تحقیق میدانی. برای روشن‌تر شدن بحث به تطبیق نکات مذکور بر حوزه مشاوره می‌پردازیم. در یک نظام جامع روش‌شناسانه در مشاوره، ابتدا با تکیه بر روش وحیانی، معیارهای سلامت و کمال روحی و رشد شخصیتی یا بیماری و نقص فرد را می‌توان استخراج نمود و آنگاه با تطبیق آن الگوها بر نوع رفتار و ویژگی‌های مراجع، سطح سلامت یا بیماری وی را شناسایی نمود. این روش مخصوصاً در طراحی تست شخصیت برای سنجش افراد بسیار ضروری و کارآمد است. برای طراحی سؤالات مصاحبه نیز می‌توان از منابع وحیانی یعنی کتاب و سنت حداکثر بهره را برد. به تعبیر دیگر، مهم‌ترین و اصلی‌ترین منبع طراحی تست شخصیت و ساختار سنجش سلامت یا بیماری افراد، چه در قالب تست و چه به شکل سؤالات مصاحبه و یا حتی الگوی مشاهده و صید وقایع و توجه به نوع رفتارهای عامل، منابع دینی و اسلامی می‌باشد. زیرا همان‌طور که گذشت، مشاهده‌گر هیچ‌گاه با ذهنی خالص

۱۰. نکته مهمی که باید بدان توجه داشت این است که چه بسا نقاط اشتراکی بین روش‌های کشف واقعیات بین مکتب اسلام و سایر مکاتب وجود داشته باشد، اما با این تفاوت که اسلام برای روش‌های تحقیق پیشنهادی خود، توجیه معرفت‌شناختی دارد، اما سایر مکاتب برای بهره‌گیری از آن هیچ توجیهی ندارند.

و بدون پیش فرض و الگوی قبلی، به سراغ عالم واقع نمی‌رود، بلکه با توجه به گستره ذهنی خود به بازشناسی حقایق از امور باطل می‌پردازد و به تشخیص بیماری از سلامت نائل می‌شود. به عنوان نمونه، فردی که به مبانی دینی پایبند است، فهرستی از صفات شخصیت در ذهن خود دارد که بر اساس آن به طبقه‌بندی رفتار مراجع می‌پردازد. اینکه چه دسته از اعمال و رفتار فرد بهنجار و درست و کدام دسته نابهنجار و نادرست می‌باشد، دقیقاً متأثر از ساختار ذهنی مشاهده‌گر و پیش فرض‌ها و مبانی وی در مقام تعریف رفتار بهنجار از نابهنجار و ویژگی‌های سالم از غیر سالم است. محزون و غمگین بودن، درون‌گرا بودن، گوشه‌گیری، گریه، عشق و علاقه به افراد خاص (مانند ائمه اطهار علیهم السلام) به حدی که حاضر به فدا کردن هستی خود در راه آنان باشد، اضطراب و نگرانی راجع به سرانجام زندگی (عاقبت به خیر یا شر) و...، نمونه کوچکی از ده‌ها صفات و ویژگی‌هایی است که مشاهده‌گر با مبانی فکری خود و تعریف خاصی که از این مفاهیم در ذهن خود دارد، می‌تواند به گردآوری مواد خام از اعمال و رفتار مراجع برای تحلیل فردی بپردازد. زیرا در صورت اعتقاد به مبانی دینی اعمال و رفتار و حالات مذکور را به عنوان مصادیق حالات و رفتار مثبت بهنجار طبقه‌بندی خواهد کرد، اما در صورت عدم اعتقاد به مبانی فکری اسلام، آنها را جزو ویژگی‌های شخصیتی مرضی و رفتار نابهنجار طبقه‌بندی خواهد نمود. به این ترتیب، مبانی فکری و حیانی، ساختار الگوی ذهنی متناسب با جامعه اسلامی و مراجعان مؤمن و معتقد به اسلام را فراهم می‌کند و مشاور تنها در پرتو آن ساختار می‌تواند به گردآوری داده‌های اولیه از طریق مصاحبه، پرسش‌نامه و مشاهده رفتار و حالات مراجع برای فهم مشکلات مراجع وی بپردازد.

بعد از طراحی الگوی تحقیق، نوبت به تطبیق آن بر مصادیق می‌رسد. روش تطبیق الگو به اشکال مختلف می‌تواند تجلی پیدا کند؛ مانند پر کردن پرسش‌نامه به وسیله مراجع، مصاحبه با مراجع و مشاهده اعمال و رفتار وی در فضای طبیعی. از میان این روش‌ها بهترین روش مصاحبه با مراجع می‌باشد، زیرا مصاحبه در حقیقت ترکیب روش و حیانی با ادراکات وجدانی مراجع از حالات و رفتار خود است. به عبارت بهتر، با توجه به اینکه صداقت مراجع برای درمان مشکل خود مفروضه و اعتبار یافته‌های وجدانی و تجربیات درونی وی مورد تأکید و علاوه بر آن، ساختار و الگوی طراحی شده از اعتبار و حیانی و عقلانی لازم نیز برخوردار است، به همین دلیل این روش مطمئن‌ترین روش کشف مشکلات مراجع می‌باشد. به ویژه اینکه مشاهده اعمال و رفتار مراجع باید در چارچوب قواعد

اخلاقی و شرعی صورت گیرد و هرگونه هنجارشکنی در امر مشاهده مانند تجسس در اعمال و رفتار خصوصی مراجع و کشف عیوب مخفی وی از نظر شرعی و اخلاقی نمی‌تواند توجیه پذیر باشد. بعد از تحقیق میدانی نوبت به تحلیل داده می‌رسد. در مقام تحلیل داده‌ها عقل و وحی نقش بسیار برجسته‌ای را به عهده دارند. نقش عقل و تأمل عقلانی بر روی داده‌ها امری واضح و بی‌نیاز از تبیین است، زیرا بدون تکیه بر توانایی‌های عقل و تفکر منطقی نمی‌توان هیچ تحلیل مقبول و قابل اعتمادی از داده‌های پراکنده ارائه کرد. اما نکته اینجاست که علاوه بر عقل، وحی نیز در این مقطع نقش بسیار مهمی در تحلیل داده‌ها به عهده دارد. زیرا بیانات و حیاتی با پرده برداشتن از علل و روابط غیر محسوس و غیر قابل دست‌یابی با تحلیل‌های عقلانی از وجود روابط عقلی و معلولی در بین حالات و رفتار انسان پرده برمی‌دارد و به این ترتیب مشاور را در فهم علت اصلی مشکلات و یا پیامدهای نامحسوس مشکلات و نابهنجاری‌های اخلاقی یاری می‌دهد.

در نهایت، مشاور برای ارزیابی حدود سلامت و بیماری مراجع و نوع مشکل وی باید ویژگی‌های مراجع را با الگوی آرمانی تطبیق دهد، تا اینکه حدود انطباق و عدم انطباق و موارد عدم انطباق ویژگی‌های وی با الگوهای آرمانی را تشخیص داده، نوع مشکلات و شدت و ضعف آن را شناسایی کند تا در پرتو روش‌هایی که خواهد آمد، به درمان آنها توفیق یابد.

۳. راهبرد کارگردگرایانه مبتنی بر تحول و توسعه علوم در تعامل با تحولات عینی و با نگاه به مسائل و نیازهای اجتماعی

از دیگر راهبردهای اساسی برای توسعه علوم دینی، بهره‌گیری از رویکرد کارگردگرایانه مبتنی بر تحول و توسعه علوم در تعامل با تحولات عینی و با نگاه به مسائل و نیازهای اجتماعی و تلاش در جهت مواجهه فعال با واقعیات و ارائه راه‌حل‌های واقعی و به موقع است. توجه به واقعیات عینی، در حقیقت تأکید بر عینی بودن و تعامل جدی آموزه‌های دینی با واقعیت زندگی انسان بوده و نشانه کارآمدی دین است. اگر دین نتواند در عرصه جهت‌دهی و هدایت زندگی انسان اثر بخشی خود را نشان دهد، به صورت طبیعی به حاشیه رانده و ناخواسته کنار گذاشته خواهد شد. چرا که عموم مردم، بر خلاف فلاسفه، دغدغه‌های معرفتی راجع به دین ندارند که صرفاً با هدف ارضای حس کنجکاوی خود به دین روی آورند و در صدد ایجاد ارتباط با ابعاد معرفتی دین برآیند، بلکه با دین نیز همانند همه موضوعات عینی مرتبط با واقعیات زندگی خود ارتباط برقرار می‌کنند. به همین دلیل،

اگر دین و متولیان دین از توانایی کافی برای نشان دادن کارآمدی در عرصه عمل برنیابند، در این صورت هم نهاد دینی و هم خود دین به حاشیه رانده خواهد شد.

از طرف دیگر، توجه عرصه تحقیقات دین‌شناسانه به واقعیات عینی، خود زمینه‌ساز نوعی محک عینی جهت اتقان معرفت دینی اندیشمندان دینی بوده و آنها بعد از ارائه آن به عرصه عمل و عینیت، به ابعاد نقاط قوت و ضعف فهم دینی خود آگاه می‌شوند و با بازخوردهای مکرر و اصلاح نقاط ضعف معرفت دینی معطوف به عمل، به تدریج زمینه رشد و تکامل فزاینده آن را فراهم خواهند کرد. نکته بسیار مهم در این بعد، متحول بودن واقعیات اجتماعی در گذر زمان است. نگاه کاربردی به فهم دینی به سهم خود زمینه‌ساز همگامی با تحولات عینی و در صورت انجام تدابیر لازم، بستر مناسبی جهت پیشی گرفتن بر تحولات عینی و نگاه استراتژیک به معرفت دینی ناظر به ابعاد عملی خواهد بود.

موضوع مهمی که باید بدان توجه داشت تفکیک مفید و اثربخش بودن علم، از عملی بودن آن است. به تعبیر دیگر، علم مفید، اعم از علوم عملی و کاربردی به مفهوم متعارف آن است. عدم توجه به این نکته مهم و مرادف گرفتن علم مفید با علم عملی موجب شده است که بخش عمده ای از علوم بنیادی و در عین حال بسیار مفید و ثمربخش، مورد بی‌مهری قرار گیرد. به همین دلیل، اگر چه برخی علوم از قبیل علوم فلسفی از حیث نظری اهمیت و ارزش والایی دارند، اما به علت ارتباط اندک با نیازهای علمی و کاربردهای عینی، در زندگی روزمره اهمیت و جذابیت چندانی ندارند و حتی از منظر برخی نوع اتلاف وقت و عامل انزوا از جامعه و عزلت‌گزینی در حاشیه زندگی تلقی می‌شوند. با توجه به اینکه اغلب مردم روحیه‌ای عملگرا دارند و مسائل بنیادی و نظری را با تکیه بر فطریات و ارتکازات ذهنی خود حل و فصل می‌کنند، یک نوع احساس فاصله فکری با متفکران نظریه‌پرداز و نوعی احساس همدلی و همسویی با اندیشمندان عملگرا و پراگماتیک به آنها دست می‌دهد. البته تنها عامه مردم نیستند که به جایگاه و شأن علم و علما چنین رویکردی دارند، بلکه حاکمان و سیاستمداران جامعه نیز از گرایش‌های جدی و عمیق به علوم عملی برخوردارند. به همین دلیل، متفکران دسته دوم در اغلب دوره‌های تاریخی از اعتبار و منزلت اجتماعی برخوردار بوده و هستند. همین امر موجب می‌شود که بسیاری از افراد اهتمام و علاقه بیشتری به علوم داشته باشند و خواسته یا ناخواسته گرایش شدیدتری به این علوم بیابند.

آنچه از دیدگاه دین معیار و مبنای تقسیم‌بندی علوم محسوب می‌شود، مفید و غیرمفید بودن آن است، نه عملی و یا نظری بودن آن. به تعبیر دیگر، به جای تفکیک علوم به توصیفی و دستوری، نظری و عملی، باید به فایده‌مند بودن یا غیر مفید بودن آن توجه کرد. چه بسا که علمی از فواید بنیادی و غیر قابل تردید برخوردار باشد، اما در عین حال نظری و تئوریک باشد. نمونه‌ای از این علوم نظری مفید، شناخت خداوند، معرفت نفس و جایگاه خود در جهان خلقت، شناخت وسائط تکوینی و تشریحی (ملائکه، انبیا و ائمه علیهم السلام) است. این نوع علوم نظری، چنان جایگاه و اهمیتی دارند که کمترین تعلل و کوتاهی در مقام کسب این علوم و دست‌یابی به این معارف، زمینه مفید بودن و اثربخشی حجم عمده‌ای از سایر علوم عملی را از بین می‌برد. از منظر دین، اگر کسی تمام عمر خود را صرف امور اخلاقی و انجام عبادات کند، اما به لحاظ شناخت مبدأ یا پیامبر کوتاهی کند و مقصر باشد، هیچ کدام مفید نبوده و همه زحمات او پوچ و بی‌فایده خواهد بود.

از سوی دیگر، شناخت معرفت خداوند، وسائط وحی و خودشناسی، نه تنها در اصل اثربخشی اعمال به صورت کلی مؤثر است، بلکه در عمق اثربخشی و گستره فایده‌مندی آن نیز تأثیرگذار است. با توجه به همین نکته است که از منظر دین عبادت عالم به مراتب از عمل جاهل، علی‌رغم تشابه ظاهری آن دو به یکدیگر، با ارزش‌تر است. حتی بالاتر برخی روایات يك گام فراتر نهاده و خواب عالم را از عبادت جاهل برتر و با ارزش‌تر شمرده‌اند.

به این ترتیب، تردیدی نیست که از منظر دین معیار ارزش‌مندی يك علم مفید بودن و اثربخشی آن محسوب می‌شود، اما آنچه محل تأمل و تأسف است، محدود کردن علوم مفید به علوم تجربی و رها کردن علوم نظری و بی‌اعتنایی و پشت پا زدن به معارف و علوم توصیفی، به علت عدم کاربرد مستقیم آن در حوزه عمل است.

از دیدگاه مکتب اسلام، علوم غیر مفید نه تنها قابل توصیه نیست، بلکه از این نوع علوم در کنار اصلی‌ترین عوامل انحطاط اخلاقی، نظیر شیطان و هوای نفس و غیره ابراز نگرانی شده و از مسلمانان خواسته شده است که از آن به خداوند پناه برند: «اللهم انی اعوذ بك من نفس لا تشبع و من قلب لا یخشع و من علم لا ینفع (شیخ عباس قمی، ۱۳۷۵، ص ۳۲)؛ خدایا، من از شر هوای نفس سیری ناپذیر، قلب عاری از تذلل و خشوع و علم بی‌فایده، به تو پناه می‌برم.»

رسول اکرم (ص) هم وقتی با فرد خبره و آگاه از انساب و اجداد قبایل عرب مواجه می‌شود، ضمن

تأکید بر بی‌فایده بودن این نوع علوم آنها را در زمرهٔ علمی بر شمرده است که دانستن یا ندانستن آن هیچ ضرری را متوجه انسان نمی‌کند و سپس به تقسیم‌بندی علوم پرداخته و برخی از آن را فریضه و دستهٔ دیگری را جزو فضائل بر شمرده است.

تأکید بر این تفکیک از دو جهت مشکل‌ساز و خطرناک است. یکی از آنها منحصر کردن فایده در امور مادی و دنیوی و بی‌اعتنایی به آثار نامحسوس روانی و اخروی می‌باشد. این در حالی است که آثار اخروی و روانی نه تنها بنیادی‌تر و اساسی‌ترند، بلکه دامنه و تفسیر سرنوشت‌سازتری دارند و همهٔ این‌ها تنها از طریق معرفت و شناخت ابعاد معرفتی دین میسر خواهد بود.

خطر عمده دیگر این نظریه، عقیم جلوه دادن دین در مقام استنتاج بایدهای عملی به ویژه از حیث نظام‌سازی و طراحی الگوهای علمی ساختارمند از متن معارف است. به تعبیر دیگر، با توجه به اینکه از دیدگاه دین بایدها و احکام، مبتنی بر واقعیات بوده و ریشه در مصالح و مفاسد عینی دارد؛ به همین دلیل در موارد متعددی به ویژه مسائل جدید و موضوعات مستحدث، به جای اتخاذ رویکرد معجمی و اخباری‌گرانه در پاسخ‌گویی به مسائل، می‌توان با کشف واقعیات عینی متناظر با موضوع جدید، به استنباط احکام و قواعد مربوط به این حوزه‌ها نائل آمد و به تولید گزاره‌ها و احکام عملی متناسب با این موضوعات مبادرت کرد.

در هر صورت، از مجموع مباحث گذشته می‌توان به این نتیجه رسید که: یکی از عوامل گرایش افراد به برخی رشته‌ها، ارزشمندی و مفید بودن آن علم از منظر عموم مردم و متولیان امور اجتماعی است. از سوی دیگر، دامنهٔ فایده‌مندی و اثربخشی علوم بسیار وسیع‌تر و اساسی‌تر از تصور رایج است. در نهایت، تفکیک علوم به نظری و عملی و بی‌فایده جلوه دادن علوم تئوریک بسیار نادر و خطرناک است و به ویژه با توجه به لزوم ارائه چارچوبی نظام‌مند از گزاره‌های رفتاری و عملی دین تأکید بر این امر ضرورتی دوچندان می‌یابد (www.ala.ir).

۴. راهبرد توسعهٔ دانایی محور

از دیگر استراتژی‌های مهم در مقام توسعهٔ علم دینی، گزینش مناسب نیروی انسانی، گسترش دانش آنها و مهارت‌افزایی نیروی انسانی در حوزهٔ پژوهش است که از آن تحت عنوان مدل توسعهٔ دانایی محور یاد می‌شود.

تنوع و گسترش ابزارها و زیرساخت‌های تکنولوژیکی از یک سو و توسعهٔ فوق‌العادهٔ دانش و

اطلاعات بشر از سوی دیگر و همچنین تأثیر متقابل و فزاینده این دو شاخص عمده عصر اطلاعات که از آن به عنوان فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی یاد می‌شود، باعث شد تا سیر توسعه تکنیک و دانش سریع‌تر از قبل شود. با این زمینه لازم بود که انسان به عنوان بازیگر اصلی این عرصه هویت و نقش تازه‌ای برای خود بیابد. لذا با این هدف و با توجه به تجربیات گذشته از مدل‌های مختلف توسعه و همچنین با بررسی نقش و جایگاه انسان در هریک از آنها، به تعریف جدیدی از توسعه بر اساس محوریت انسان دست یافت و آن را توسعه دانایی محور نام نهاد. آنچه توسعه دانایی محور را به عنوان یک الگوی جدید و جامعه دانایی محور را به عنوان منعطف‌ترین جامعه از سایر مدل‌ها و جوامع جدا می‌سازد، توجه جدی این مدل به مبحث توسعه منابع انسانی به عنوان یک زیرساخت اساسی است. این مدل توسعه با دیدگاه فوق‌العاده پراهمیتی که برای آموزش قائل است، جایگاه ویژه‌ای را برای خلاقیت، فرهنگ، مشارکت، تعلیم و تربیت عمومی، آموزش‌های عالی، دسترسی عمومی به امکانات و دانش، تأمین نیازهای اساسی و بنیادین انسان به عنوان اولویت و استاندارد در نظر گرفته است. بنابراین، جامعه دانایی محور با توجه به نقش و اهمیت بسیاری که برای انسان قائل است و استانداردهایی که پیش روی او گذاشته است، سعی می‌کند نیازهای انسانی را از میان این استانداردها و اولویت‌ها بیابد و در رفع و بهبود آنها بکوشد (www.ala.ir).

۵. راهبرد بهره‌گیری از تکنولوژی جهت توسعه علوم دینی

یکی از مهم‌ترین معضلات جدی در برابر محققان، دشوار بودن دستیابی به اطلاعات موجود در عرصه مورد نظر است. دشوار بودن امکان دسترسی به اطلاعات هم هزینه تحقیق را بالا می‌برد و هم موجب فرسودگی روحی و روانی محقق می‌شود. در برخی موارد این فرسودگی به حدی بالاست که محقق بعد از گردآوری اطلاعات، دیگر حوصله و فرصت تجزیه و تحلیل و تأمل را ندارد. به این ترتیب، سهولت جریان اطلاعات و آسان بودن دسترسی به اطلاعات بخش زیادی از معضلات موجود بر سر راه پژوهش را از دوش محقق برمی‌دارد.

تعبیری نظیر دهکده جهانی و عصر انفجار اطلاعات، در حقیقت مبتنی بر دو رکن تولید انبوه اطلاعات و فراهم کردن بستر و ابزار لازم جهت انتشار اطلاعات در سطح وسیع است. بهره‌گیری از تکنولوژی، از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر پیشرفت و توسعه علم است. تکنولوژی از چند بعد می‌تواند بر رشد و تکامل علم تأثیرگذار باشد:

جهت اول فراهم کردن زمینه و بستری لازم برای تحقیق در عرصه‌هایی است که به وسیله ابزارهای ادراکی معمولی، قابل تحقیق و پژوهش نیستند. این عامل در حوزه‌های علوم طبیعی روشن‌تر از آن است که نیاز به توضیح داشته باشد. اغلب پیشرفت‌های علمی در بخش فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و... مرهون بهره‌گیری از ابزارهای پیچیده تکنولوژیک است.

جهت دیگری که ابزارهای تکنیکی می‌تواند در رشد و توسعه علوم اثرگذار باشد، سرعت و دقت و سهولت جریان اطلاعات است. سرعت جریان اطلاعات از یک طرف مانع از فعالیت‌های علمی تکراری، موازی و غیر ضروری می‌شود و از سوی دیگر زمینه‌ساز نقد به موقع اندیشه‌ها و ارائه بازخورد مناسب به محققان و صاحب‌نظران می‌گردد.

دقت در انتقال اطلاعات از دیگر ویژگی‌های بهره‌گیری از تکنولوژی است. نقد صحیح اندیشه‌ها زمانی امکان‌پذیر است که اطلاعات به دست آمد دقیق باشد (نواز شریف، ۱۳۶۷، ص ۳۴).

۶. ترویج فرهنگ توسعه علم

توسعه علم همچنين با سرمایه‌گذاری روی قشر خاصی از جامعه (نخبگان) و مراکز ویژه مانند شهرهای بزرگ و... نیز نمی‌تواند به یک جریان اجتماعی تبدیل شود. چرا که بر فرض تولید انبوه ایده‌ها و به جریان افتادن خلاقیت‌های نخبگان با اقبال عمومی و پذیرش اجتماعی چندانی مواجه نخواهد شد به همین دلیل، جریان یافتن توسعه علم در سطح فراگیر و عمومی نیازمند سرمایه‌گذاری در سطح کلان جامعه و ایجاد احساس نیاز در عموم مردم نسبت به پیشرفت و توسعه علم است. تبدیل شدن توسعه علم به فرهنگ عام یکی از مهم‌ترین و کارآمدترین راهبردها جهت رشد و بالندگی جامعه از حیث توسعه علم است (امیراحمدی، ۱۳۷۷، ص ۲۶-۲۷).

نتیجه

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان نتیجه گرفت که مکاتب غربی به دلیل مشکلات موجود در آنها نمی‌توانند مدل مناسبی برای توسعه علوم انسانی اسلامی باشند، زیرا مبانی آنها بیشتر بر حس و تجربه بنا شده و دارای ماهیت پارادوکسیکال و متناقض است. اما می‌توان با مراجعه به آموزه‌های دینی روش و مدل مناسبی را جهت توسعه از متن معارف ناب اسلامی پیدا کرد. نتایج حاصل از تحقیق حاضر عبارت‌اند از:

۱. بهترین مدل برای توسعه علوم انسانی، به خصوص علوم حوزوی، الگوی راهبردی نظام‌مند، پرهیز از تقلیل‌گرایی در مقام گردآوری و داوری، در نظر گرفتن مسائل اجتماعی در توسعه و مدل توسعه دانایی محور است.
۲. توجه به واقعیات عینی، در حقیقت تأکید بر عینی بودن و تعامل جدی آموزه‌های دینی با واقعیت زندگی انسان بوده و نشانه کارآمدی دین است. اگر دین نتواند در عرصه جهت‌دهی و هدایت زندگی انسان اثر بخشی خود را نشان دهد، به صورت طبیعی به حاشیه رانده و ناخواسته کنار گذاشته خواهد شد. روش‌های کشف واقعیت از دیدگاه اسلام عبارت‌اند از: ۱. روش وحیانی؛ ۲. علم حضوری؛ ۳. روش عقلانی؛ ۴. روش مشاهده و تحقیق میدانی.
۳. آنچه از دیدگاه اسلام معیار و مبنای تقسیم‌بندی علوم محسوب است، مفید و غیرمفید بودن آن می‌باشد، نه عملی و نظری، یا توصیفی و دستوری بودن آن.
۴. تبدیل شدن توسعه علم به فرهنگ عام، یکی از مهم‌ترین و کارآمدترین راهبردها جهت رشد و بالندگی جامعه از حیث توسعه علم است.
۵. به کارگیری نتایج تحقیقات و بهره‌گیری از تکنولوژی، از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر پیشرفت و توسعه علم است.
۶. مکتب اسلام با پرهیز از افراط و تفریط در اعتبار مطلق بخشیدن به يك روش و نفی کامل روش‌ها و داده‌های ابزار ادراکی، به تحدید و مرزبندی آنها پرداخته و هرکدام از آنها را در چارچوب توانمندی‌های خود به رسمیت شناخته است. از منظر مکتب اسلام، استفاده از يك روش برای فهم واقعیات نه تنها مطلوب نیست، بلکه عملاً مستلزم عدول از مبانی معرفت‌شناختی است، یعنی دقیقاً همان معضلی که مکاتب علوم انسانی به آن دچار شده‌اند.

منابع

۱. آرن نائس، (۱۳۵۷)، کارناپ، مترجم: منوچهر بزرگمهر، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران.
۲. امیراحمدی، هوشنگ، (۱۳۷۷)، ابزارهای توسعه صنعتی و تداوم و گست، مترجم: علیرضا طیب، مؤسسه نشر و پژوهش شیرازه، تهران.
۳. برت، ادوین آرتور (۱۳۶۹)، مبانی مابعدالطبیعی علوم نوین، مترجم: عبدالکریم سروش، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. بزرگمهر، منوچهر (۱۳۸۴)، فلسفه تحلیل منطقی، خوارزمی، تهران.
۵. کوهن، تامس س (۱۳۶۹)، ساختار انقلاب‌های علمی، مترجم: احمد آرام، سروش، تهران.
۶. چالمرز، آلن ف (۱۳۷۴)، چپستی علم، مترجم: سعید زیبا کلام، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۷. خرمشاهی، بهاء الدین، (۱۳۸۲)، پوزیتیویسم منطقی، مرکز انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
۸. دامپی یر، (۱۳۷۱)، تاریخ علم، مترجم: عبدالحسین آذرنگ، سمت، تهران.
۹. دانالد، گیلیس (بی‌تا)، فلسفه علم در قرن بیستم، مترجم: حسن میاننداری، سمت، تهران.
۱۰. دوران، دانیل (۱۳۷۰)، نظریه سیستم‌ها، مترجم: محمد یمینی، شرکت انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران.
۱۱. دیوید و. هاملین، (۱۳۷۴)، تاریخ معرفت‌شناسی، مترجم: شاپور اعتماد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
۱۲. راسل، ل. ا. ا. و آبری، (بی‌تا)، کاربرد روش سیستم‌ها و تعبیر قرآن، مترجم: محمدجواد سهلانی، انتشارات آثاربعثت، تهران.
۱۳. ژیلسون، اتین، (۱۳۵۷)، نقد تفکر فلسفی غرب، مترجم: احمد احمدی، فروغ دانش، تهران.
۱۴. سبحانی، محمدتقی، آقابابایی، اسماعیل، (۱۳۸۵)، الگوی جامع شخصیت زن مسلمان، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران، قم.
۱۵. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۲)، علم‌شناسی فلسفی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
۱۶. عالم، عبدالرحمن، (۱۳۷۳)، بنیادهای علم سیاست، نشرنی، تهران.
۱۷. فرشاد، مهدی (۱۳۶۲)، نگرش سیستمی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.
۱۸. قمی، شیخ عباس، (۱۳۷۵)، مفاتیح الجنان، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، قم.
۱۹. کاپلستون، فردریک (۱۳۷۶)، تاریخ فلسفه، مترجم: بهاء الدین خرمشاهی، سروش، تهران.
۲۰. کاپلستون، فردریک (۱۳۶۸)، تاریخ فلسفه، یونان و روم، مترجم: سیدجلال الدین مجتوبی،

- سروش، تهران.
۲۱. گلشنی، مهدی (۱۳۷۷)، آیا علم دینی معنا دارد؟، فصلنامه حوزه و دانشگاه، ش ۱۶ و ۱۷، زمستان.
۲۲. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۷۸)، **خردگرایی در قرآن و حدیث**، مهدی مهریزی، دارالحدیث، قم.
۲۳. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۶۴)، **آموزش فلسفه**، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، معاونت فرهنگی.
۲۴. معلمی، حسن (بی تا)، **معرفت‌شناسی**، کانون اندیشه جوان، تهران.
۲۵. معلمی، حسن، (۱۳۸۰)، **نگاهی به معرفت‌شناسی در فلسفه غرب**، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
۲۶. مگی، برایان، (۱۳۸۷)، **مردان اندیشه**، مترجم: عزت الله فولادوند، انتشارات طرح نو، تهران.
۲۷. نواز شریف، (۱۳۶۷)، **مدیریت انتقال تکنولوژی و توسعه**، مترجم: رشید اصلانی، وزارت برنامه و بودجه، تهران.
۲۸. ویل دورانت (۱۳۷۴)، **تاریخ فلسفه**، مترجم: زریاب عباس، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
۲۹. هانس رایشنباخ، (۱۳۷۹)، **پیدایش فلسفه علمی**، مترجم: موسی اکرمی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
30. Karl R. Popper, *the Logic of Scientific Discoveries*, 1992, Routledge, London and New York, p.111.
31. Yonay.Yuval, *An Ethnographer's Credo: Methodological Reflections Following an Anthropological Journey among the Econ*, Contributors, Journal Title: *Journal of Economic Issues*, Volume: 34, Issue: 2, Publication Year: 2000, Page Number: 341.
32. William M. Dugger, Howard J. Sherman ,*Comparison of Marxism and Institutionalism*, Journal Title: *Journal of Economic Issues*, Volume: 28, Issue: 1. Publication Year: 1994. Page Number: 101.

درآمدی بر سیاست‌گذاری پژوهشی

چکیده: از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسئولیت‌های مدیران پژوهشی در سطح ملی و بخشی، پیشبرد توسعه تحقیقات است. متولیان و مدیران پژوهشی در مسیر دست‌یابی به اهداف توسعه تحقیقاتی، ناگزیر به استفاده از روش‌ها، تکنیک‌ها و ابزارهایی هستند که «سیاست‌گذاری پژوهشی» در اولویت نخست و از مهم‌ترین آنهاست. تحقق اهداف توسعه تحقیقات، منوط به اتخاذ سیاست‌های متناسب با نظام پژوهشی، اولویت‌های پژوهشی، فرهنگ و آموزش، منابع، زیرساخت‌ها، قوانین و مقررات می‌باشد. در واقع اگر سیاست‌ها و چارچوب‌های قانونی خوب طراحی نشوند، راهبردها، پروژه‌ها و بودجه‌ریزی‌ها دچار اشکالات علمی و اجرایی می‌شود و دسترسی به اهداف را به تأخیر خواهد انداخت. سیاست‌گذاری پژوهشی با ایجاد همسویی و جهت‌گیری یکسان تمامی ارکان پژوهش در زمینه‌های گوناگون، موجب می‌شود که روند انجام کارها و رسیدن به اهداف پژوهشی، نظام‌مند شود و تسریع گردد. به بیان دیگر، سیاست‌گذاری پژوهشی از طریق تدوین برنامه‌ای پویا و فعال و به کارگیری روش‌های مختلف علمی به تعیین مسیر و جهت حرکت نظام پژوهش می‌پردازد. ضرورت سیاست‌گذاری پژوهشی، در رابطه تنگاتنگ پژوهش با مقوله تولید دانش و نیز در نیازهای روزافزون جوامع امروزی نهفته است. با توجه به جایگاه و اهمیت سیاست‌گذاری پژوهشی، این مقاله به بررسی پیرامون این موضوع اختصاص یافته است. بخش اول مقاله به تعریف و تبیین واژگان کلیدی و عناصر اصلی موضوع می‌پردازد و از واژگان مرتبط با سیاست‌گذاری نیز بحث می‌کند. موضوع بحث در فصل دوم سیاست‌گذاری است. در این فصل به پیشینه، موضوع، انواع، ابزار و فرایند سیاست‌گذاری پرداخته شده است. در فصل سوم سیاست‌گذاری پژوهشی موضوع بحث است. در این فصل، علاوه بر بیان چپستی و اهمیت سیاست‌گذاری پژوهشی، پیشینه سیاست‌گذاری پژوهشی در کشور مطرح می‌گردد و نیم‌نگاهی نیز به تجارب دیگر کشورها در این زمینه می‌شود.

کلید واژه‌ها: پژوهش، سیاست‌گذاری، سیاست‌گذاری پژوهشی، سیاست پژوهشی

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی.

** دانشجوی دکتری فقه سیاسی.

مقدمه

فعالیت پژوهشی شامل دو بخش است: یکم. امور مدیریتی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و به عبارت دیگر، بخش ستادی و اداری.^۱ دوم. امور عملیاتی و انجام پژوهش و به عبارت دیگر، بخش صفی و عملیاتی^۲ (نیرومند، مسجدیان، ۱۳۸۴، ص ۸۷).

در بخش مدیریت و برنامه‌ریزی، مسائلی از قبیل موضوعات، شاخص‌ها و سیاست‌ها مطرح بوده و مسئله اصلی این است که چه تحقیقی، چگونه و با پشتوانه کدام منابع و بر اساس کدام معیارها و در جهت کدام نیازها باید انجام شود. از این‌رو، شناسایی خلأها و کاستی‌ها (نیازسنجی)، تبیین چشم‌انداز و سیر حرکت پژوهش‌ها در جهت نیازمندی‌های دانشی و ترسیم خط‌مشی‌های نظام پژوهش و تدوین سیاست‌های پژوهشی (سیاست‌گذاری) و تعیین معیارها و استانداردهای پژوهشی (استانداردسازی) و تطبیق تحقیقات با سیاست‌ها و استانداردها (ارزیابی)، اهمیت بسیار دارد. در بخش عملیاتی آنچه مد نظر است چگونگی انجام و اجرای واقعی خود پژوهش‌هاست که از مراحل مختلفی نظیر نظریه‌پردازی، مشاهده و تجربه، اندازه‌گیری، تعبیر و تفسیر نتایج و انتقال یافته‌ها تشکیل شده است.

امور مدیریتی را می‌توان به «استراتژی‌ها» و امور عملیاتی را به «تاکتیک‌ها» تفسیر کرد. در فعالیت پژوهشی با مقیاس کوچک و محدود، که از آن به عنوان «پژوهش خرد» یاد می‌شود، عموماً امور مدیریتی و عملیاتی پژوهش را یک شخص انجام می‌دهد، اما با افزایش و گسترش ابعاد و پیچیدگی موضوعات و مسائل و با تحول پژوهش به «پژوهش موسع»، تمایز بین مدیر و مجری بارزتر می‌شود، زیرا با توجه به اهمیت و عظمت پژوهش موسع نسبت به پژوهش خرد، لازم است در این حوزه تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌های استراتژیک با وضوح، دقت و آگاهی بیشتری صورت گیرد (لاریجانی، ۱۳۷۱، ص ۵۴).

در بخش مدیریت پژوهشی، متولیان و مدیران در مسیر دست‌یابی به اهداف توسعه تحقیقات، ناگزیر به استفاده از روش‌ها، تکنیک‌ها و ابزارهای مختلفی همچون برنامه‌ریزی پژوهشی و اطلاع‌رسانی پژوهشی هستند. از جمله مهم‌ترین این ابزارها، «سیاست‌گذاری پژوهشی» است.

۱. Administration.

۲. Practice.

سیاست‌گذاری پژوهشی با ایجاد همسویی و جهت‌گیری یکسان تمامی ارکان پژوهش در زمینه‌های گوناگون، موجب می‌شود که روند انجام کارها و رسیدن به اهداف پژوهشی، نظام‌مند شود و تسریع گردد. سیاست‌گذاری پژوهشی از طریق تدوین برنامه‌ای پویا و فعال و به کارگیری روش‌های مختلف علمی به تعیین مسیر و جهت حرکت نظام پژوهش می‌پردازد.

بخش یک. مفهوم‌شناسی سیاست‌گذاری

۱. سیاست

در فرهنگ و بستر، سیاست به صورت راهی برای جهت‌بخشی به تصمیم‌های حال یا آینده از میان تعداد متعددی گزینه، انتخاب یک راه یا طرز رفتار مشخص یا یک طرح کلی درازمدت، تعریف شده است که بتواند اهداف کلی و روش‌های قابل قبول را در برگیرد (گودرزی، ۱۳۸۹، ص ۶۹). سیاست در اصطلاح عبارت است از اصل یا مجموعه‌ای از اصول که مشخص‌کننده روش یا روش‌های کلی برای عمل در زمینه‌ای بخصوص و مورد نظر باشد (برزگر، ۱۳۷۱، ص ۸۷). در تعریفی دیگر، سیاست به مسیری اطلاق می‌شود که دولت یا حزب و یا سازمان برای تحقق اهداف خود تعیین و طی می‌کند (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۱). فرهنگ مدیریت سیاست را چنین تعریف می‌کند: اصول و اهدافی که راهبر تصمیم‌گیری در موضوعات خاصی است و به تشریح دیدگاه‌ها و مقاصد گسترده می‌پردازد (درک فرنچ، ۱۳۷۷، ص ۴۷۹).

۲. پژوهش^۳

در لغت، واژه پژوهش (pezuḥ-es) به معنای جست‌وجو، رسیدگی، تفحص، تحقیق، استفسار، تعرف، بازجست، بازجویی، بررسی و جست‌وجوی علمی به کار رفته است (معین، ۱۳۸۵، ص ۷۷۸).

در اصطلاح، پژوهش عبارت است از انجام هرگونه کار خلاق به طریقی نظام‌مند به منظور افزایش ذخیره علمی [...] و استفاده از این دانش برای اختراع (یا طرح) کاربردهای جدید (طهرانچی، ۱۳۸۹، ص ۶). در تعریفی دیگر، تحقیق یک فعالیت منظم و مدون می‌باشد که هدف آن کشف و گسترش

۳. Research.

دانش و حقیقت است (نادری، ۱۳۸۴، ص ۳۵). در پیش‌نویس سند تعریف پژوهش و مصادیق آن، به «فرایند تولید دانش»، پژوهش اطلاق شده است (معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه، ۱۳۸۹، ص ۷).

۳. سیاست‌گذاری

سیاست‌گذاری عبارت است از فرایند تصمیم‌گیری در مورد یک راهکار برای رسیدن به یک هدف مشخص (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۱). در تعریفی دقیق‌تر، سیاست‌گذاری به فرایند طراحی و برنامه‌ریزی روش‌ها و راه‌هایی برای دستیابی به اهداف معین در زمینه‌های مشخص اطلاق شده است (وردی‌نژاد، www.verdinejad.com). فرهنگ مدیریت در تبیین مفهوم سیاست‌گذاری می‌نویسد: فعالیت یا فرایندی مبتنی بر اخذ تصمیم در مورد یک خط‌مشی (سیاست) که باید در آینده پی‌گیری شود (درک فرنچ، ۱۳۷۷، ص ۴۷۹). سیاست‌گذار نیز به کسی اطلاق می‌گردد که فرایند سیاست‌گذاری را پی می‌گیرد (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۱). سیاست‌گذاری به عنوان یک رشته علمی و فنی، از چرخه‌ای چند مرحله‌ای (پنج، هفت و یا نه مرحله) شکل یافته است. این چرخه با «بروز و شناسایی مشکل» آغاز می‌شود و با «ارزیابی» به اتمام می‌رسد (توسلی، ۱۳۸۷، ص ۷۴).

۴. سیاست‌گذاری پژوهشی

سیاست‌گذاری پژوهشی مجموعه‌ای از خط‌مشی‌ها، تصمیمات و روش‌هاست که در نظام‌های مختلف عموماً تحت نظر عالی‌ترین مرجع نظام انجام می‌گیرد (میرطاهری، ۱۳۷۲، ص ۲۳). سیاست‌گذاری پژوهشی از زیرشاخه‌های مهم سیاست‌گذاری عمومی می‌باشد.^۴

۵. برنامه‌ریزی پژوهشی

برنامه‌ریزی: در میان همه وظایف مدیریت، برنامه‌ریزی^۵ بنیادی‌ترین آنهاست که مانند پلی زمان حال را به آینده مرتبط می‌سازد. هر مدیر بر اساس جایگاهی که دارد، باید در سطحی از سطوح

۴. سیاست‌گذاری عمومی (Public Policy): تنظیم اصول کلی‌ای است که برآمده از ارزش‌های حاکم بر جامعه، ایدئولوژی و ساختار اجتماعی و سیاسی موجود کشورند و به عنوان الگوی مرجع در عملکردها و اقدامات جامعه به کار می‌روند (ر.ک: مجید وحید، ۱۳۸۳: ۱۵-۲۶).

۵. planning.



سلسله مراتب به برنامه‌ریزی بپردازد (رضوی، ۱۳۸۹، ص ۱۵).

برنامه‌ریزی فرایندی است که سازمان‌ها در قبال آن، همه فعالیت‌ها و تلاش‌های خود را راجع به وضعیت مورد انتظار، راه رسیدن به آن و چگونگی طی مسیر در یکدیگر ترکیب و ادغام می‌کنند. برنامه‌ریزی خود وسیله است نه هدف. منظور اصلی از برنامه‌ریزی تهیه و تدوین برنامه نیست، بلکه هدف و مقصود اصلی دست‌یابی به نتایج منطقی است. برنامه‌ریزی بیشتر فعالیتی دائمی و مستمر است تا یک فعالیت گسسته و سالانه (جی‌یلو، ۱۳۷۹، ص ۱۲).

به عبارت دیگر، برنامه‌ریزی ایجاد یک مکانیزم هدایت منطقی عملیات و یا بهترین نوع استفاده از امکانات و منابع موجود (اعم از امکانات یا منابع بالفعل یا بالقوه) در جهت تأمین اهداف (اساسی‌ترین نیازهای سازمان) است. به طور خلاصه می‌توان گفت برنامه‌ریزی یک فرایند تصمیم‌گیری آگاهانه و ارادی و یک تلاش نظام‌یافته برای رسیدن به هدف یا اهداف خاصی می‌باشد (روزبهان، ۱۳۷۴، ص ۲۴۳).

برنامه‌ریزی استراتژیک: برنامه‌ریزی استراتژیک یا جامع^۶ فرایندی است که ضمن آن اهداف خطوط کلی فعالیت‌ها و مأموریت‌های سازمان در درازمدت تعیین می‌شود. تشخیص اولویت‌ها و تعیین اقدامات اصلی و کلیدی که برای نیل به اهداف سازمان ضروری است نیز در برنامه‌ریزی جامع انجام می‌گیرد. البته باید یادآور شد که برنامه‌ریزی استراتژیک قبل از آن‌که یک تکنیک و فن باشد یک نحوه تلقی و باور است که مدیران را به تفکر درازمدت و آینده‌نگری و پیش‌بینی افق‌های دور ترغیب می‌کند (ن. ک. الوانی، ۱۳۸۸، ص ۵۳).

برنامه‌ریزی پژوهشی: برنامه‌ریزی پژوهشی عبارت است از: «تجهیز منابع و امکانات به طریقی علمی و منظم و استفاده بهینه از آنها در جهت تحقق اهداف و سیاست‌های پژوهشی» (شورای پژوهش‌های علمی کشور، ۱۳۷۲، ص ۲۲).

چنان‌که مشاهده می‌گردد، جایگاه برنامه‌ریزی پژوهشی، بعد از سیاست‌گذاری پژوهشی قرار گرفته است.

هدف‌گذاری پژوهشی ← سیاست‌گذاری پژوهشی ← برنامه‌ریزی پژوهشی

۶. برنامه‌ریزی جامع (comprehensive)، استراتژیک (strategic)، یا راهبردی عناوینی گوناگون برای یک مفهوم‌اند.

تفاوت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی

علاوه بر تفاوت رتبه‌ای که میان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری وجود دارد (جایگاه و رتبه سیاست‌گذاری مقدم بر برنامه‌ریزی است)، تفاوت‌های عمده دیگری نیز این دو عرصه را از هم متمایز می‌کند:

۱. سیاست‌گذاری کلان‌نگراست، اما برنامه‌ریزی نسبت به سیاست‌گذاری خردنگر؛
۲. در سیاست‌گذاری نگاه بلندمدت داریم، اما در برنامه‌ریزی نگاه کوتاه‌مدت؛
۳. در سیاست‌گذاری معمولاً مقید به زمان نیستیم، ولی در برنامه‌ریزی دوره زمانی داریم؛
۴. سیاست‌گذاری مقید به بودجه و هزینه نیست، اما برنامه‌ریزی مقید به آن است (کرباسیان، ۱۳۸۷).

گفتنی است که این تفاوت‌ها نسبی است. یعنی برنامه‌ریزی در مقایسه با سیاست‌گذاری به نگاه کوتاه‌مدت، خردنگر و تقید به زمان متصف می‌شود. اما در دل خود و با تقسیم برنامه‌ریزی به راهبردی و کاربردی، برنامه‌ریزی راهبردی نسبت به برنامه‌ریزی کاربردی به اوصافی چون بلندمدت، کلان‌نگر و... متصف می‌شود (الوانی، ۱۳۸۸، ص ۵۵).

جایگاه سیستمی برنامه‌ریزی در فرایند مدیریت، مرحله بعد از سیاست‌گذاری می‌باشد. یعنی ابتدا هدف‌گذاری صورت پذیرفته، در گام بعد سیاست‌گذاری انجام می‌شود و مرحله سوم برنامه‌ریزی است.

تفاوت سیاست‌گذاری و تدوین استراتژی

استراتژی عبارت است از «نقشه راه و چگونگی حرکت به سمت هدف». به دیگر بیان، استراتژی و راهبرد بهترین و مناسب‌ترین مسیر اصلی به سمت هدف است. اما سیاست و خط‌مشی، بیان‌کننده امور تجویزی یا نهی‌ای در طی این مسیر می‌باشد. پس استراتژی یعنی نحوه رفتن به سمت هدف و سیاست به معنای بایدها و نبایدهای طی این مسیر است.

بخش دو. سیاست‌گذاری

خط‌مشی‌گذاری و سیاست‌گذاری در کلیه سازمان‌ها، بنگاه‌ها، نهادها و تشکلات، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. برخی از اندیشمندان با اتکا به شیوه‌های علمی، سیاست‌گذاری را فرایندی عقلایی و منطقی می‌دانند و به نظر آنها راه رسیدن به سیاست و خط‌مشی مطلوب، پیمودن مراحل

است که به طور عقلایی بهترین نتیجه را می‌دهد. گروهی دیگر شیوه عقلایی سیاست‌گذاری را بدین صورت غیر علمی دانسته، در تعدیل و اصلاح آن، مدل‌ها و روش‌های دیگری را عرضه داشته‌اند. در تمامی این نظریات، سیاست‌گذار مانند بازیگری خردمند برای مشکلات به یافتن راه حل می‌پردازد و برای این منظور از شیوه عقلایی بهره می‌گیرد (الوانی، ۱۳۸۵، ص ۱۴). اگر بی‌طرفانه و با دیدی عمیق به این شیوه‌ها بنگریم، درمی‌یابیم که هر یک از آنها به نحوی موضوع سیاست‌گذاری را تبیین و بخشی از قضیه را بازگو می‌کنند. سیاست‌گذاری، فرایندی بسیار پیچیده است که تنها یک الگو یا فرایند معین قادر به بیان آن نیست. شاید بتوان با نگرشی نظام‌گرا و باز و با بهره‌جویی از تمام این فرایندها، سیاست‌گذاری را به طور کامل‌تری شناخت، ولی با یک روش خاص و یک فرایند معین مسلماً نمی‌توان زوایای مختلف این موضوع پیچیده را به خوبی مشاهده و بررسی نمود (الوانی، ۱۳۸۵، ص ۱۵). در بخش دوم مقاله به تحلیل و توصیف سیاست‌گذاری می‌پردازیم و علاوه بر تعریف، پیشینه، موضوع، ابزارها و عوامل مؤثر بر سیاست‌گذاری، شیوه‌ها و فرایند سیاست‌گذاری را به بحث خواهیم گذارد.

تبیین سیاست‌گذاری

تعریف سیاست‌گذاری در بخش اول گذشت. آنچه در اینجا گفتنی است این‌که در یک نگاه، سیاست‌گذاری معادل با تصمیم‌گیری است، یعنی می‌توان آن را به نوعی تصمیم‌گیری قلمداد کرد. زیرا هنگامی که سیاستی تعیین می‌شود، در همان جایگاه تصمیمی اتخاذ شده است. با این تفاوت که سیاست نسبت به تصمیمات موردی و ثانویه، بالاتر و اساسی‌تر است. بنابراین، سیاست تعیین می‌شود و سپس تصمیمات با رعایت موازین پیش‌بینی شده در سیاست اتخاذ می‌شود. سازمان یا جامعه برای تداوم حیات، باید از موقعیت‌هایی عبور کند و از موقعیت موجود به موقعیت مطلوب برسد، اما قبل از این‌که امکانات و توان رسیدن به موقعیت مطلوب مطرح شود، اصول اساسی انتقال از موقعیت موجود به موقعیت مطلوب مطرح می‌شود. پس سیاست‌گذاری، فرایند تعیین قواعد و اصول کلی و لازم برای اقدامات و حرکت‌های برنامه‌ای مطلوب است. با این حساب نتیجه سیاست‌گذاری، قاعده یا قواعدی کلی برای انتقال و گذر از موقعیت موجود می‌باشد. یعنی در موقعیت موجود آنچه لازمه حرکت است، مورد مطالعه موردی قرار گرفته، به نام «سیاست» نوشته می‌شود که مفاد آن، قاعده کلی و کلان سازمان است که کیفیت حرکت را بیان می‌کند (مقایسه شود با تسلیمی، ۱۳۷۸، ص ۱۱).

پیشینه و موضوع سیاست‌گذاری

در دوران پس از جنگ جهانی دوم، رشته‌ای به نام «علم سیاست‌گذاری» ظهور کرد. مهم‌ترین هدف این رشته، تجزیه و تحلیل سیاست‌گذاری کلی در همهٔ زمینه‌هایی است که دولت در آنها دخالت دارد. در سال ۱۹۷۰ میلادی، نشریه‌ای به نام *علم سیاست‌گذاری* منتشر شد. در حوزهٔ سیاست‌گذاری مسائلی مانند فلسفه‌ها، شیوه‌ها، تکنیک‌ها و ابزارهای علم مدیریت و تصمیم‌گیری پژوهش عملیاتی، تحلیل سیستم‌ها، شبیه‌سازی، بازی جنگ، نظریهٔ بازی^۷، تحلیل سیاست‌ها، بودجه‌بندی برنامه و برنامه‌ریزی خطی مطرح می‌شود. در این رشته دانشمندان برجستهٔ علوم اجتماعی و سیاست فعالیت دارند. هدف اصلی این رشته استفادهٔ بیشتر از ابزار سیستماتیک، تحلیل و عملی برای حل مشکلاتی نظیر خردمندانه کردن رفتار و تصمیم‌گیری‌های دولتی است که در گذشته کم و بیش با استفاده از شیوه‌های غیر استدلالی انجام می‌گرفت.

این رشته همهٔ جنبه‌های مرتبط با سیاست‌گذاری را در برمی‌گیرد و اختصاص به مقوله‌ای خاص - مثلاً مقولهٔ پژوهش یا علم و تکنولوژی - ندارد (آتول واد، ۱۳۷۹، ص ۷۲). در قسمت پایانی مقاله که به پیشینهٔ سیاست‌گذاری پژوهشی می‌پردازیم، این مباحث به تفصیل خواهد آمد.

حمید توسلی از کارشناسان رشتهٔ سیاست‌گذاری در چیستی و موضوع سیاست‌گذاری می‌نویسد: آنچه در علوم سیاست‌گذاری بیش از هرچیز مورد توجه است، درآمدن از تئوری و رسیدن به میدان عمل است. شاید این‌گونه به ذهن متبادر شود که سیاست‌گذاری زیرمجموعهٔ رشته مدیریت است، اما سیاست‌گذاری چون در ارتباط با عملکرد دولت‌ها (و سازمان‌ها) است شاخه‌ای از علوم سیاسی به شمار می‌رود. سیاست‌گذاری چون با تحلیل سیاست‌های عمومی سر و کار دارد، ناگزیر ویژگی‌های خاصی، جدای از دیگر رشته‌ها دارد و آن این‌که سیاست‌گذاری ترکیبی از علم، مهارت و هنر است. علم، بدنهٔ تئوریک، مفاهیم و روش‌های اساسی آن است. مهارت، مجموعه‌ای از تکنیک‌های کاربردی، قواعد عملی و روش‌های عملیاتی استاندارد است. و هنر، مشی، سبک و حالتی است که سیاست‌گذار انجام می‌دهد. همچنان‌که گذشت، موضوع علوم سیاست‌گذاری، بالعکس علوم سیاسی که پیرامون قدرت است، دربارهٔ دولت‌ها و سازمان‌ها و عملکرد آنهاست (توسلی، ۱۳۸۹).

۷. Game Theory

انواع سیاست‌گذاری

سه گونه مختلف سیاست‌گذاری قابل تشخیص است:

یکم. سیاست‌گذاری عینیت‌گرا (یا معطوف به مسئله) که با قصد پاسخ‌گویی به بحران، مشکل یا نقیصه‌ای مطرح می‌شود. در چنین حالتی شرط اساسی، مشاهده و تجزیه و تحلیل حتی‌الامکان عینی مشکل یا معضل اجتماعی است. به عبارت دیگر، موضوعی که در دستور کار سیاست‌گذاران قرار می‌گیرد، یا به تعبیر دیگر صورت مسئله سیاست‌گذاری، مشکل یا نقیصه‌ای است که از قبل به وجود آمده و هم‌اکنون نیز وجود دارد. در سیاست‌گذاری معطوف به مسئله، کار از تحلیل و علت‌یابی مشکل یا معضلی عینی شروع می‌شود و سپس به اتخاذ سیاست‌هایی برای حل آن مشکل می‌پردازند. حسن این روش آن است که اولاً، سیاست‌گذار دچار پراکندگی فکر و ابهام نمی‌شود، ثانیاً، از اختلاط اهداف و سیاست‌ها پرهیز می‌شود، ثالثاً، محدوده متغیرهایی را که باید دست‌کاری شوند، مشخص می‌کند و رابعاً به انطباق سیاست‌ها با اهداف با سهولت بیشتری دست می‌یابد.

دوم. سیاست‌گذاری آرمان‌گرا (یا هدف‌گرا) برای تحقق یک آرمان یا ذهنیت. در این حالت در واقع سیاست‌گذار برای دست‌یابی به هدفی آرمانی یا ارزشی، برنامه‌ای راهبردی تهیه و تدارک می‌بیند.

سیاست‌گذاری معطوف به هدف، برای تحقق اهداف کلی انجام می‌شود. سیاست‌گذار، چشم‌اندازها و اهداف کلان را مد نظر قرار می‌دهد و بنا دارد به آن اهداف نایل شود. اما مشکل اینجاست که معمولاً تصمیم‌گیران به بیان اهداف کلی اکتفا و تصور می‌کنند که آن اهداف به خودی خود سیاست هستند؛ در حالی که سیاست‌گذاری، مشخص کردن خط‌مشی‌های عینی‌تر برای رسیدن به اهداف است.

سوم. سیاست‌گذاری ذهنیت‌گرا؛ در این نوع سیاست‌گذاری، سیاست‌گذار به دنبال امری ذهنی و گاه خیالی است که نه آرمانی است و نه مبتنی بر داده‌های عینی. در واقع این نوع، نامناسب‌ترین نوع «سیاست‌گذاری» است، چرا که در این نوع سیاست‌گذاری، سیاست‌گذار بر اساس ذهنیات مبهم و غیردقیق و آرزوهای گنگ و اندیشه‌های تقلیدی که کاملاً فهمیده نشده‌اند عمل می‌کند. در این نوع سیاست‌گذاری هدف‌ها غیردقیق، روش‌ها ناشناخته و ناقص، منافع به صورت پنهان بر فضای سیاست‌گذاری سایه افکنده و جامعه و نیازهای آن شناخته نشده است. در چنین فضایی روزمرگی و

بی‌نظمی سرسام‌آوری بر عرصه سیاست‌گذاری حاکم است و حوادث عنان اختیار سیاست‌گذار را در عرصه سیال و پرتلاطم حوادث و وقایع در اختیار دارد و وی را به هر سو که اندک نسیمی بیاید، می‌برد (اشتریان، ۱۳۸۶).

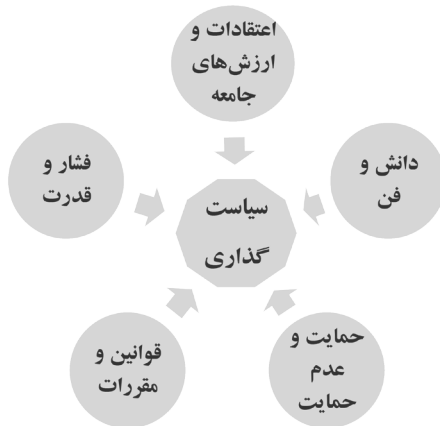
عوامل تأثیرگذار در سیاست‌گذاری

در فرایند سیاست‌گذاری قاعده یا قواعدی کلی تعیین می‌گردد که تمامی تصمیمات و اقدامات بعدی سازمان را تحت تأثیر خود داشته و بر تمامی قوانین و آیین‌نامه‌ها اشراف دارد. برای مثال، قانون اساسی نسبت به قوانین عادی جنبه سیاست و خط‌مشی دارد و هیچ قانونی نباید مغایر و ناقض قانون اساسی باشد. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این‌که: این قاعده یا قواعد کلی در سیاست‌گذاری از کجا سرچشمه گرفته و تحت تأثیر چه عواملی انتخاب شده و سمت و سو می‌یابند؟ در فرایند سیاست‌گذاری، مجموعه‌ای از عوامل، فرایند سیاست‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهند و روال آن را سمت و سویی خاص می‌بخشند. این عوامل عبارت‌اند از: اعتقادات و ارزش‌های جامعه، دانش و فن، فشار و قدرت، حمایت و عدم حمایت، و قوانین و مقررات.

ارزش‌های جامعه از سوی مراجع مذهبی و سنتی فرهنگ حاکم، دانش و فن از سوی متخصصان و کارشناسان امر، فشار و قدرت از طرف صاحبان قدرت، حمایت و عدم حمایت از سوی گروه‌های ذی‌نفوذ و قوانین و مقررات از طرف بخش‌ها، سازمان‌ها و مراجع قانونی اعمال می‌گردند و فرایند سیاست‌گذاری را تحت تأثیر خود قرار داده، شکل عمومی می‌دهند. گفتنی است که عوامل مؤثر بر فرایند سیاست‌گذاری از یکدیگر جدا و تفکیک شده نیستند، بلکه آنها نیز بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و از هم تأثیر می‌پذیرند (الوانی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۶).

این عوامل نه تنها در اتخاذ سیاست‌ها تأثیرگذارند و به فرایند سیاست‌گذاری شکل و سمت و سو می‌دهند، بلکه اجرای سیاست‌ها نیز مرهون تعامل این پنج عامل است. اجرای هر سیاستی در جامعه از این پنج عامل متأثر است. به طور مثال، اگر در اجرای یک سیاست، توجهی به اعتقادات و ارزش‌های جامعه نشود، در حقیقت آن سیاست «گروه‌هدفی» برای خود نخواهد داشت. اگر توجه به دانش و فن و متخصصان مربوطه در سیاست مورد نظر نباشد، موفقیت واقعی برای آن، امری غیرقابل باور خواهد بود. اگر نقش فشار و قدرت (اجبار) و حمایت یا عدم حمایت (نفوذ) را نادیده بگیریم، چگونه سیاست مورد نظر در جامعه پشتیبانی و حمایت خواهد شد؟ مسلماً این امر جز با اجبار

و نفوذ گروهی از سیاستمداران و سیاست‌گذاران، میسر نخواهد بود و در نهایت اجرای هر سیاست باید مطابق با قوانین و مقررات حاکم باشد تا هم قانون نقض نشود و هم سیاست مورد نظر پشتیبانی قانونی برای خود داشته باشد (توسلی، ۱۳۸۷، ص ۷۷).



فرایند سیاست‌گذاری

چرخه‌های سیاست‌گذاری کلاسیک مورد انتقاد نظریه‌پردازان پست‌مدرن قرار گرفته که به الگوهای پیچیده‌تر و نظام‌مندتر در تشخیص و پیش‌بینی معضلات علاقه‌مندند. اما در کامل‌ترین و مبسوط‌ترین نگاه فرایند سیاست‌گذاری فرایندی است که معمولاً شامل گام‌های زیر می‌شود.

- الف. تشخیص و تعریف مسئله؛
- ب. تهیه راه‌کارهای بدیل مناسب برای حل آن؛
- پ. سنجش و ارزیابی آثار و عواقب هر راه‌کار به شیوه کمی؛
- ت. تعیین آثاری که به شیوه کمی قابل اندازه‌گیری نیست و مقایسه کیفی آنها با بدیل‌های محتمل؛
- ث. تبدیل سیاست‌ها به راه‌کارهای عملیاتی؛
- ج. پیگیری تصمیم (کاظمی، ۱۳۷۹، ص ۸۹).

۱. ابزارهای سیاست‌گذاری

ابزارهای سیاست‌گذاری^۸ مجموعه‌ای از تکنیک‌هاست که از طریق آن‌ها، سازمان‌های دولتی و هر مجموعه‌ای که قصد سیاست‌گذاری دارد، توان خود را در ایجاد تغییرات اجتماعی و هر نوع تغییر دیگری به منصفه ظهور می‌رسانند (رضازاده، ۱۳۸۷، ص ۱۴).

به بیان ساده‌تر، ابزار سیاست‌گذاری عبارت است از مجموعه‌ای از روش‌ها و شیوه‌ها که برای اجرای یک سیاست به کار می‌رود. می‌توان گفت ابزار، اهرم و وسیله‌ای است که از طریق آن، مسئولان تنظیم و اجرای سیاست‌ها از توانایی خود برای تأثیرگذاری بر تصمیمات دیگران استفاده می‌کنند (آتول واد، ۱۳۷۹، ص ۷۴).

امروزه در فضای سیاست‌گذاری، ابزارهای مختلفی برای تحلیل موضوعات سیاستی، سیاست‌گذاری، اجرا و ارزیابی آن‌ها به کار گرفته می‌شود. ظهور این ابزارها در فضای سیاست‌گذاری دارای پیشینه‌ای دیرین است، اما آنچه زمان حال را از گذشته متفاوت می‌کند، سرعت ظهور و رواج این ابزارها و تکنیک‌ها در زمان حال می‌باشد.

ارائه فهرستی جامع و ساختاریافته از این ابزارها کاری دشوار می‌نماید، با این همه، می‌توان به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره کرد:

۱. ابزارهای مختلف تدوین چشم‌انداز و برنامه‌ریزی، مانند روش‌های تدوین چشم‌انداز^۹، مطالعات تطبیقی و ترازبایی^{۱۰}، تحلیل شکاف^{۱۱}؛
۲. ابزارهای آینده‌پژوهی؛ همچون دلفی^{۱۲}، سناریو نویسی^{۱۳}، ترسیم‌ره‌نگاشت^{۱۴}؛
۳. ابزارهای ارزیابی سیاست‌ها؛ همچون نگاشت نهادی، سازمانی، فناورانه و مانند آنها؛
۴. برخی از ابزارهای عام تحلیل سیاست؛ همچون تحلیل دینامیک سیستم‌ها^{۱۵} و ابزارهای تحلیل

۸. Policy tools.

۹. Vision setting.

۱۰. Benchmarking.

۱۱. Gap-analysis.

۱۲. Delphi.

۱۳. Scenario Planning.

۱۴. Road mapping.

۱۵. System dynamics.



شبکه‌های اجتماعی^{۱۶}.



متأسفانه تحقیقی جامع دربارهٔ این ابزارها و میزان و چگونگی استفاده از آنها در دست نیست. اما کمابیش می‌توان ادعا کرد که استفاده از این ابزارها در داخل ایران، عمدتاً به دو دههٔ اخیر، به ویژه سال‌های اخیر باز می‌گردد. ظهور ابزارها و تکنیک‌ها در عرصهٔ سیاست‌گذاری، پرسش‌های بسیاری را دربارهٔ ریشه‌های این ظهور، در منابع علوم سیاسی و سیاست‌گذاری جهان پدید آورده است که سابقه‌ای چند دهه‌ای دارد (رضازاده، ۱۳۸۷، ص ۱۴).

۲. سیاست‌گذاری در سازمان

گرچه به هنگام بحث از سیاست‌گذاری، ذهن به سیاست‌گذاری عمومی و دولتی انصراف می‌یابد، اما در یک نگاه کلی سیاست‌گذاری فرایندی است که حیات و بقای هر سازمانی (سیستمی) مبتنی بر آن است. هر سازمانی نیز دارای بخش‌های خرد و زیرین است که اصطلاحاً زیرسیستم نام دارد که با توجه به شرایط داخلی و خارجی دست به سیاست‌گذاری برای خود می‌زند. با این حساب، سیاست‌گذاری در سازمان به سیاست‌گذاری کلان و سیاست‌گذاری خرد قابل تقسیم است. سیاست‌گذاری کلان در نگاه به کل سازمان و سیاست‌گذاری خرد در نگاه به زیرسیستم‌ها و توسط خود آنها انجام می‌پذیرد (وردی‌نژاد، www.verdinejad.com). به عبارت دیگر، سیاست‌گذاری دارای لایه‌های مختلف و سلسله مراتب است و به تعداد لایه‌ها و سلسله مراتب سازمانی سیاست‌گذاری

۱۶. Social network analysis.

وجود دارد. مدیریت کلان برای مدیریت خرد و مدیریت خرد برای معاونان و معاونان برای بخش زیردستی و بخش‌های زیرین برای بخش‌های بعدی، سیاست‌گذاری انجام می‌دهند.

بخش سه. سیاست‌گذاری پژوهشی

برخی سیاست‌گذاری عمومی را تنظیم اصول کلی می‌دانند که برآمده از ارزش‌های حاکم بر جامعه، ایدئولوژی اجتماعی و سیاسی موجود در کشورند و به عنوان الگوی مرجع در عملکردها و اقدامات جامعه به کار می‌روند. با الهام از این تعریف دربارهٔ سیاست‌گذاری عمومی، می‌توان گفت «سیاست‌گذاری پژوهشی عبارت از تدوین اصول و سیاست‌های کلان مربوط به پژوهش که برآمده از ارزش‌های حاکم بر جامعه، هنجارهای علمی و ساختار اجتماعی سیاسی موجود در کشور می‌باشد که برای هماهنگی و عملی کردن اهداف پژوهشی و تحقیقاتی نظام موجود در جامعه به کار می‌رود.» سیاست‌گذاری یکی از اجزای مهم تولید و توسعه در هر امری و از جمله «پژوهش» است. در واقع سیاست‌گذاری پژوهشی از یک سو، راهنمای عمل سازمان‌های متولی پژوهش کشور است و آنان را هدایت می‌کند تا به چه امور و چه موضوعاتی بپردازند و از چه اقداماتی پرهیز کنند، و از سوی دیگر، هماهنگ‌کنندهٔ سازمان‌ها و کانون‌های گوناگون مرتبط به پژوهش و تحقیقات می‌باشد و می‌کوشد تا از دوباره‌کاری و اتلاف منابع جلوگیری نماید. بی‌شک برای عملی شدن چنین هماهنگی‌ای باید نهادهای سیاست‌گذار خود با یکدیگر هماهنگ باشند و سیاست‌های پژوهشی واحدی را تدوین کنند و در پیش گیرند، و از سوی سوم، سیاست‌گذاری زمینهٔ کنترل، ارزیابی و سنجش برنامه‌ها و فعالیت‌ها را فراهم می‌سازد.

سیاست‌گذاری پژوهشی باید عمر نسبتاً طولانی داشته باشد، با نگاهی واقع‌بینانه به آینده ترسیم شود. همچنین هدف‌داری و نیز کلی و عام بودن به گونه‌ای که به امور جزئی و محدود نپردازد، از دیگر ویژگی‌های سیاست‌گذاری پژوهشی است. مظهر ساختار خود بودن نیز، از ویژگی‌های این مهم به شمار می‌آید. مقصود از ساختار نیز چارچوبی و فضایی است که سیاست‌گذاری در آن شکل گرفته است.

۱. ضرورت سیاست‌گذاری پژوهشی

امروزه سیاست‌گذاری پژوهشی برای بسیاری از کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه، به ضرورتی راهبردی تبدیل شده است. برخی دلایل عمدهٔ این «ضرورت» بدین شرح است:

- پیشرفت‌های پژوهشی و تحقیقاتی و به دنبال آن توسعه علم و فناوری، مناسبات اقتصاد، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و زیست‌محیطی جوامع را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مراحل جدیدی از توسعه را در ابعاد کاملاً متفاوت از نظر کمی و کیفی به وجود می‌آورد. بر مبنای همین پیوستگی میان دانش و پژوهش، امروزه سیاست‌های توسعه پایدار جوامع، بدون سازمان‌دهی و مدیریت و سیاست‌گذاری عرصه پژوهش به عنوان دروازه ورودی و خاستگاه تولید علم و دانش، عملاً نمی‌تواند به درستی اتخاذ و اجرا گردد.
- گستردگی جوامع و نیازهای روزافزون انبای بشر، شیوه‌های دیرین و سنتی مدیریت پژوهش را به ضعف و سستی کشانده و زیر سؤال برده است. گسترش دامنه علوم و چند جانبه شدن پیوندهای پژوهش و دانش، تحقیق و فناوری و همچنین خلاقیت و پویایی علوم، اتخاذ رویکردهای نوین مدیریت پژوهش را اقتضا می‌کند.
- پیوند دانش و پژوهش، و تأثیر روند پژوهش در ماهیت دانش حاصل آمده از پژوهش، امری قابل توجه است. به دیگر بیان، پژوهش به مثابه «وسیله» و دانش به مثابه «هدف» است، بدیهی است که رسیدن به هدفی مطلوب، با «وسیله‌ای مطلوب» امکان‌پذیر است. با این مقدمه و با التفات به توجه جامعه جهانی به مفاهیم و الگوهای نوین توسعه «انسان‌گرایانه» تحت تأثیر تمدن غرب، و ضرورت حفظ حقوق نسل‌های آینده و تعالی فکری و فرهنگی انسان‌ها، لزوم اتخاذ نگرش نو به تحقیقات علمی و اولویت‌های توسعه علم و به دنبال آن ضرورت مدیریت صحیح و سیاست‌گذاری معقول تحقیق و پژوهش در جهت حل معضلات اساسی زندگی بشر را مسجل می‌نماید.
- نظام پژوهش، نظامی پویا و هدفمند است که باید برای جهت‌گیری مسائل آن به صورت راهبردی برنامه‌ریزی شود. بدون مشخص نمودن مبانی مدیریتی و تعیین سیاست‌های آن راجع به کلیه موضوعات تحت حوزه نظام پژوهش، این جهت‌گیری و حرکت ناقص خواهد بود.

۲. سیاست پژوهشی

سیاست‌های پژوهشی اصولی هستند که به وسیله مراجع و مدیران ذی‌صلاح نظام پژوهش وضع شده و به عنوان یک الگو و راهنما، اقدامات و فعالیت‌های لازم در عرصه تحقیق و پژوهش را راهبری می‌کنند (مقایسه شود با، الوانی، ۱۳۸۵، ص ۲۲).

نقش سیاست‌های پژوهشی

چنان‌که در تعریف سیاست پژوهشی مشاهده می‌شود، نقش‌های مختلفی برای سیاست پژوهشی قابل‌تصور است که اکنون عمده‌ترین آنها را ذکر می‌کنیم.

الف. راهنمای عمل

یکی از نقش‌های مهم و اصلی سیاست پژوهشی «راهنمای عمل» بودن آن در نظام پژوهش و به طور کلی نهاد پژوهش است. یعنی سیاست پژوهشی، بخش‌های مختلف سازمان‌ها، مؤسسات و مجموعه‌های مرتبط با نهاد پژوهش را در جهت‌گیری عملکردها و فعالیت‌هایشان یاری می‌دهد و آنها را در جهت انجام وظایف خود به نحو احسن و هماهنگ با دیگران هدایت می‌کند. به بیان دیگر، سیاست پژوهشی، راهنمای عمل در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌هاست و خطوط کلی فعالیت‌ها و اقدامات مورد نظر در نهاد پژوهش و نظام تحقیقات را معین و مشخص می‌سازد.

ب. هماهنگ‌کنندگی

نقش دیگر سیاست پژوهشی، نقش «هماهنگ‌کنندگی» آن است. سیاست پژوهشی موجب هماهنگی و همسویی عملیات و اقدامات اجزای مختلف نظام پژوهش با یکدیگر می‌شود و جلوی دوباره‌کاری و اتلاف منابع را می‌گیرد، همچنین فعالیت‌های مرتبط و مشابه را با یکدیگر هماهنگ می‌سازد. فعالیت‌های مرتبط فعالیت‌هایی است که بخش‌های مختلف هرکدام عهده‌دار انجام دادن بخشی از آنها می‌باشند و فعالیت مشابه، فعالیت‌های یکسانی است که به وسیله سازمان‌های مختلف انجام می‌پذیرد. مثلاً عملیات ایجاد یک واحد پژوهشی با مأموریتی مشخص، به مؤسسات و ارگان‌های پژوهشی مختلفی مربوط می‌گردد. سیاست پژوهشی در این‌گونه فعالیت‌های مرتبط، مؤسسات و ارگان‌های پژوهشی را تحت پوشش خود قرار می‌دهد و عملیات آنها را در زمینه مورد نظر با یکدیگر هماهنگ و متوازن می‌سازد (طاهری، ۱۳۶۴، ص ۲۱۱).

ج. ارزیابی و کنترل

سیاست‌های پژوهشی همچنین می‌توانند در «ارزیابی و کنترل» برنامه‌ها و اقدامات بخش‌های مختلف نظام پژوهش نقش داشته باشند. به کمک سیاست‌های پژوهشی می‌توان برنامه‌ها را محک زد و آنها را در بوتۀ آزمون قرار داد.

د. روشن ساختن روح قوانین و مقررات

نقش دیگر سیاست پژوهشی «روشن ساختن روح قوانین و مقررات» حاکم بر نظام و جامعه پژوهش است، زیرا سیاست‌های پژوهشی از ارزش‌های مورد قبول جامعه نشأت گرفته‌اند و خطوط کلی اقدامات و برنامه‌های نظام تحقیقات را طراحی می‌کنند. بدین جهت سیاست‌های پژوهشی معیار خوبی برای درک صحیح و تعبیر و تفسیر درست مقررات و ضوابط هستند. به فرض اگر یکی از سیاست‌های نظام تحقیقاتی، ترویج و توسعه پژوهش در کشور و تشویق محققان و اندیشمندان است، حال اگر قانونی که در تخصیص اعتبارات و تسهیلات لازم به محققان و اندیشمندان وضع گردید، دارای نقاط ابهامی باشد که موجب بی‌نصیب ماندن آنان از تسهیلات مذکور شود و ایجاد دلسردی و بدبینی کند، به سادگی می‌توان با استفاده از سیاست پژوهشی موجود، به تعبیر و تفسیر و در نتیجه اصلاح قانون مذکور اقدام کرد (نک. الوانی، ۱۳۸۵، ص ۲۴).

ویژگی سیاست‌های پژوهشی

خصوصیات دیگری نیز برای سیاست‌های پژوهشی ذکر گردیده که در درک مفهوم سیاست پژوهشی مفید و مؤثر است:

الف. پایداری سیاست پژوهشی

یکی از خصوصیات عمده سیاست پژوهشی، عمر نسبتاً طولانی آن است. سیاست پژوهشی باید به گونه‌ای طراحی و وضع شود که از انعطاف کافی برخوردار بوده، پویایی لازم را حفظ کند و زمان نسبتاً درازی قابلیت کاربرد و استفاده داشته باشد. سیاست پژوهشی باید بتواند با محیط متغیر و متحوای اطراف خود تطبیق یافته، به نیازهای گوناگونی در طول زمان پاسخ دهد. تبعیت سیاست پژوهشی از محیط پیرامونی خود امری بدیهی و مسلم است.

ب. آینده‌نگری و واقع‌بینی

سیاست پژوهشی در عین تأثیرپذیری از محیط پیرامونی، به آینده نظر دارد و می‌کوشد تا با توجه به واقعیت‌های موجود، خطوط کلی و جهت‌گیری‌های اساسی نظام پژوهش را معین سازد. قدرت پیش‌بینی در تعیین سیاست، نقش مهمی را ایفا می‌کند و پیش‌بینی‌های صحیح، به سیاست اعتبار می‌بخشد. سیاست پژوهشی در آینده‌نگری باید واقعیت‌های زمان و مکان را در نظر بگیرد و از بزرگ

دیدن یا نادیده انگاشتن امکانات موجود برحذر باشد.

ج. هدف‌داری

یکی دیگر از خصوصیات سیاست پژوهشی، هدف‌دار بودن آن است. اصولاً سیاست‌ها به طور ارادی و از روی قصد و نیت قبلی، تنظیم و وضع می‌گردند و هدف معینی را دنبال می‌کنند. به همین جهت سیاست‌های پژوهشی نیز موضوعاتی تصادفی و اتفاقی نیستند، بلکه ناشی از اهدافی هستند که در مرحله هدف‌گذاری توسط مدیران نظام پژوهش برای آن طراحی شده‌اند. این حرف به معنای نفی تأثیر دیگر عوامل در فرایند وضع سیاست نیستند، بلکه چنان‌که گذشت، عوامل متعددی همچون اعتقادات و ارزش‌های جامعه، دانش و فن، فشار و قدرت، حمایت و عدم حمایت و قوانین و مقررات و عواملی از این دست بر عملیات سیاست‌گذاری تأثیر می‌گذارند.

د. عمومیت

سیاست‌های پژوهشی جنبه‌عام دارند و برای تمامی بخش‌های نظام تحقیقاتی وضع می‌گردند. مشکلات و مسائل مورد نیاز جامعه و همچنین مشکلات و مسائل درونی نظام تحقیقات، به شکل‌گیری سیاست‌های پژوهشی می‌انجامد و از این رو مختص یک گروه یا فرد نیستند و کل نظام تحقیقاتی را تحت پوشش خود قرار می‌دهند.

ه. گستردگی

سیاست‌های پژوهشی گسترده و فراگیرند و اهداف و مقاصد متعددی را در زیر چتر خود قرار می‌دهند و حیطة نسبتاً وسیعی را در بر می‌گیرند.

و. نمایانگری

یکی از ویژگی‌های سیاست‌های هر نظام و سازمانی، متجلی کردن ویژگی‌های نظامی است که در آن شکل می‌گیرد. فرهنگ، ارزش‌ها، ایدئولوژی و جهان‌بینی و نگرش‌ها در سیاست‌های هر سازمان و نظامی نمودارند. سیاست‌های پژوهشی نیز مظهر و نشانه‌ای از خصوصیات نظام پژوهشی‌ای است که در دامن آن شکل گرفته‌اند (الوانی، ۱۳۸۵، ص ۲۴).



۳. «پیش نیازها» و «ملزومات» سیاست‌گذاری پژوهشی

۳-۱. تشکیل بانک اطلاعات و استفاده مستمر از داده‌های پایگاه

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در هر عرصه‌ای نیازمند اطلاعات به روز و دقیق از وضع موجود و قابلیت‌ها و تنگناها باشد (غریبی، ۱۳۸۱، ص ۱).

نظام برنامه‌ریزی عبارت از فرایندی است که در آن نحوه تولید، گردش و هماهنگی اطلاعات در بخش کارشناسی، به نحو سازمان‌یافته‌ای به بخش تصمیم‌گیری مرتبط می‌گردد و در قالب این نظام، مجموعه تصمیم‌گیران کشور در مقیاسی وسیع و قالبی هدف‌دار با نظام کارشناسی مرتبط می‌شوند (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷، ص ۱۷).

در تعریف فوق، محور فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، به درستی «تولید، گردش و هماهنگی اطلاعات» ذکر شده است. باید توجه داشت که امروزه در شیوه‌های نوین برنامه‌ریزی راهبردی، اطلاعات مورد نیاز برای سیاست‌گذاری کلان و اتخاذ راهبردهای مناسب، طیف گسترده‌ای از اطلاعات مربوط به تحول شرایط محیطی (شامل محیط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی)، آینده‌شناسی، اطلاعات مربوط به توانمندی‌ها و نارسایی‌های نظام مورد برنامه‌ریزی (نظیر نظام پژوهش)، آرمان‌ها و معیارهای ارزشی جامعه و اصول معیارهای مدیریتی پذیرفته شده را در برمی‌گیرد که تهیه و تحلیل آنها مستلزم مطالعات و پژوهش‌های مستمر کتابخانه‌ای و میدانی و طبیعتاً مستلزم صرف وقت و منابع است. بدیهی است که تهیه این حجم عظیم از اطلاعات، که معمولاً در کشورهای توسعه‌یافته تعداد زیادی از مؤسسات پژوهشی و تخصصی دولتی و غیردولتی به طور مستمر در گردآوری و تولید آنها فعالیت می‌کنند و سپس به صورت پایگاه‌های اطلاعاتی در اختیار سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران قرار می‌گیرد، به سرعت و در مجالی کوتاه و در مقاطع زمانی تهیه برنامه، هرگز میسر نیست. حتی در صورت وجود بخشی از اطلاعات به صورت پراکنده، سازمان‌دهی اطلاعات موجود در فرصت‌های معمولاً کوتاه و مقطعی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ادواری و استفاده مناسب از آنها در فرایند سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری، امکان‌پذیر نبوده و یا با محدودیت‌های بسیار روبه‌روست. در نتیجه چنین شرایطی، تصمیم‌گیری در کمیته‌ها و شوراهای برنامه‌ریزی، معمولاً بر علم اجمالی و اطلاعات ذهنی کارشناسان و صاحب‌نظران شرکت‌کننده در جلسات متکی است.

واقعیت تأسف بار دیگر این است که در این مدت، نه یک پایگاه اطلاعات غنی و مناسب برای

سیاست‌گذاری شکل گرفته و نه تجارب سیاست‌گذاری و نتایج ارزیابی اجرای سیاست‌ها به شکلی سامان‌مند، مستندسازی و در یک پایگاه اطلاعات برای استفاده‌های بعدی وارد شده است، حال آن‌که انجام این کار، اقدامی مؤثر در جهت تبدیل تدریجی یک پایگاه اطلاعات ناقص به یک پایگاه اطلاعات غنی و ارزشمند، برای استمرار بخشیدن به امر سیاست‌گذاری به شمار می‌رود.

بنابراین، تشکیل بانک اطلاعات مورد نیاز و تهیه یک پایگاه اطلاعات اولیه، به منظور جمع‌آوری اطلاعات، حفظ تجارب و مطالعات گذشته و درج اطلاعات تولیدشده بعدی، نخستین ضرورت در فرایند سیاست‌گذاری پژوهش برای کشور و نظام پژوهش به شمار می‌رود. این پایگاه در هدایت و سیاست‌گذاری تحقیقات، با اهداف ذیل به کار گرفته می‌شود:

۱. نظارت بر روند تکامل علمی و تحقیقاتی کشور در سطح کلان و در سطح مؤسسات و تصحیح آن در موارد لزوم؛

۲. برنامه‌ریزی جهت‌دار برای مؤسسات پژوهشی و به تبع آن برنامه‌های راهبردی تحقیقات ملی؛

۳. تنظیم روابط و همکاری‌های علمی و بین‌المللی بر مبنای استراتژی کلی تحقیقات؛

۴. تعیین اولویت‌های تحقیقاتی بین مؤسسات پژوهشی و جلوگیری از دوباره‌کاری و استفاده بهینه از امکانات و تجهیزات موجود (گزارش ملی تحقیقات، ۱۳۷۱، ص ۱۴).

۲-۳. نظرسنجی گسترده از صاحب‌نظران و استفاده حداکثر از توان مغزافزاری کشور در تصمیم‌سازی

پیش‌نیاز دوم در فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، نظرسنجی گسترده از صاحب‌نظران و استفاده حداکثری از توان مغزافزاری کشور در فرایند تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری‌های کلان، به ویژه سیاست‌گذاری پژوهش می‌باشد. امروزه در عرف بین‌المللی، مشارکت دادن نهادهای غیردولتی^{۱۷}، انجمن‌های علمی و تخصصی و کانون‌های اندیشه، تفکر و تولید علم، در تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری به صورت یک اصل و روش درآمده است. در ایران اسلامی نیز که اصل مشارکت مردمی از اصول فراگیر شرعی و قانون اساسی است، استفاده حداکثر از توان بالقوه مغزافزاری افراد جامعه، به منزله منبع تولید و تحلیل اطلاعات و خلق اندیشه‌های نو، ضرورتی راهبردی محسوب می‌شود. بدیهی است استفاده گسترده از اندیشه‌های صاحب‌نظران و کارشناسان در فرایند

۱۷. NGO.

برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، در بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت برنامه‌ریزی ادواری (مثل برنامه‌های پنج‌ساله)، و از آن مهم‌تر با استفاده از شیوه‌های سنتی نظرسنجی میسر نیست، بلکه این امر مستلزم کاربست برنامه‌ریزی درازمدت، مستمر و پویا و به ویژه، استفاده کارآمد از یک «پایگاه اطلاعات» مناسب و فناوری‌های موجود و در حال گسترش «اطلاعرسانی» است.

۳-۳. استفاده از روش‌های شناخته شده علمی و قابل انعطاف

امروزه روش‌های جامع مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی، که در گذشته بیشتر در سطح بنگاه اقتصادی از آن استفاده می‌شد، امکانات ارزشمندی را در سیاست‌گذاری و اتخاذ خط‌مشی‌های عمومی، از جمله سیاست‌گذاری پژوهش در اختیار مراجع سیاست‌گذاری قرار می‌دهند. در راه استفاده از روش علمی-عقلایی، به ویژه روش‌های مدیریت راهبردی، تنگناها و محدودیت‌هایی وجود دارد که مهم‌ترین آنها در دسترس نبودن اطلاعات مورد نیاز یا مشکل پردازش حجم زیادی از اطلاعات، ناآشنایی یا مانوس نبودن مسئولان و مراجع سیاست‌گذاری با فرایند علمی-عقلایی است. با وجود این، محدودیت‌های مذکور مانع استفاده از بهترین شیوه‌ها برای دستیابی به بهترین و مطلوب‌ترین راه‌ها نمی‌شوند. در هر حال، اگرچه در شرایطی که زمان تنگ است، از روش‌های ساده‌تر برنامه‌ریزی، نظیر روش‌های متداول نظرسنجی گروهی، استفاده می‌شود، اما در فرایند برنامه‌ریزی درازمدت، استفاده از روش‌های مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی، مناسب‌ترین شیوه به نظر می‌رسد.

۳-۴. استمرار سیاست‌گذاری

و بالاخره باید به نکات پیشین، موضوع مهم استمرار فرایند سیاست‌گذاری را افزود و بر آن تأکید کرد. برنامه‌ریزی یک جریان است نه یک عمل مقطعی یا یک سند تدوین‌شده. برنامه‌ریزی یک امر مستمر و مجموعه‌ای از فعل و انفعالات پیچیده در زمینه جمع‌آوری، انتخاب، بررسی و قضاوت، تعیین اولویت‌ها و ابتکار راهبردها و شیوه‌های تصمیم‌گیری است که دستیابی به اهداف مورد نظر را میسر می‌سازد (مستندات برنامه سوم توسعه، ۱۳۷۷).

بنابراین، استمرار و پویایی از دیگر ملزومات سیاست‌گذاری مناسب می‌باشد.

با توجه به نکاتی که ذکر شد، آنچه در بخش ملزومات و پیش‌نیازهای سیاست‌گذاری پژوهش

دنبال می‌شود، پایه‌گذاری و فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری یک فرایند مناسب در سیاست‌گذاری کلان پژوهش برای کشور است؛ فرایندی که:

۱. بر بستر پژوهشی و استفاده از پایگاه‌های اطلاعات روزآمد و سازمان یافته متکی باشد؛
۲. امکان بهره‌گیری از روش‌های شناخته شده علمی در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی راهبردی میسر باشد؛
۳. امکان نظرسنجی و استفاده گسترده از آرای صاحب‌نظران، پژوهشگران و مراکز علمی و پژوهشی را فراهم آورد؛
۴. دارای قابلیت استمرار و پویایی باشد.

بخش چهار. پیشینه سیاست‌گذاری پژوهشی

امروزه ساختارهای پژوهشی در فرایند سیاست‌گذاری، تعیین اولویت‌های تحقیقاتی و همچنین نظارت بر اجرای طرح‌های پژوهشی اهمیت خاصی دارد. انجام هر یک از موارد فوق در کشورهای مختلف به انواع و اشکال گوناگون صورت می‌گیرد. البته در کشورهایی که به مقوله پژوهش توجه چندانی نمی‌شود، این موضوع یک امر حاشیه‌ای و لوکس پنداشته می‌شود و مسئولیت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی پژوهش در سطح یکی از معاونین وزارتخانه در نظر گرفته می‌شود! اما در کشورهای صنعتی که توسعه اقتصادی را در جهت پژوهش جست‌وجو می‌کنند، فعالیت تمام سازمان‌های ذی‌ربط، نظیر مؤسسات آموزشی، مؤسسات تحقیقاتی و حتی فعالیت‌های تجاری در جهت حمایت از پژوهش‌های علمی قرار می‌گیرد و این امر به عنوان یک «استراتژی» محسوب می‌گردد. معمولاً این کشورها دارای ساختارهای تحقیقاتی و فرایند سیاست‌گذاری پژوهشی بسیار پویا، فعال و تخصصی هستند.

میزان اهمیت به پژوهش را می‌توان از ساختار تحقیقاتی کشورها و هماهنگی بین ارگان‌های سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، تأمین‌کننده منابع مالی و پشتیبانی‌های فنی و سیستم‌های اطلاع‌رسانی شناخت. در ساختار کشورهای صنعتی مسئولیت‌های فوق، دقیقاً تبیین و مشخص شده و پیوند آنها با نظام تولید و صنعت به منظور استفاده از دستاوردهای پژوهشی برقرار گشته است.

در این بخش از پژوهش، سعی بر آن است تا ضمن ارائه دورنمایی از ساختار تحقیقاتی و سیاست‌گذاری پژوهش در ایران، مقایسه‌ای نیز از شکل و عملکرد آنها در کشورهای مختلف عرضه شود.

۴-۱. فواید مطالعه فرایند سیاست‌گذاری در دیگر کشورها

پیش از بررسی وضعیت سیاست‌گذاری پژوهش در کشورهای مختلف جهان، اشاره به فواید این بررسی لازم می‌نماید. مطالعه فرایند سیاست‌گذاری و سیاست‌های کلان پژوهشی در دیگر کشورها، دستاوردها و رهیافت‌های زیر را در بر دارد:

- آشنایی با شیوه‌ها و فنون سیاست‌گذاری که با پیچیده‌تر شدن شرایط جهانی، روزبه‌روز پیچیده‌تر و دشوارتر می‌شود و امروزه به یک «فناوری» تبدیل شده است؛
- بررسی تجارب دیگران در زمینه سیاست‌گذاری پژوهش، امکان استفاده بیشتر از عقب‌ماندگی در این زمینه را برای کشورهایی که تاکنون به طور جدی به این امر نپرداخته‌اند، فراهم می‌آورد؛
- کاوش در سیاست‌های کلان دیگر ملت‌ها، به اشراف و درک عمیق‌تر اوضاع و احوال جهانی و روند تحول شرایط تحقیقات و پژوهش‌ها، به منزله یکی از پیش‌نیازهای برنامه‌ریزی علمی و پژوهشی، کمک می‌کند؛
- استخراج وجوه مشترک سیاست‌های دیگر کشورها می‌تواند به منزله راهنمای عمومی سیاست‌گذاری کلان پژوهش در کشور مورد استفاده قرار گیرد و راه سیاست‌گذاری مناسب را هموار نماید؛
- مطالعه شرایط و مقتضیات اجتماعی دیگر کشورها و ربط آن با سیاست‌های اتخاذ شده، درس‌های آموزنده‌ای را در ضرورت انطباق سیاست‌های پژوهشی با شرایط و مقتضیات بومی دربر دارد.

۴-۲. پیشینه سیاست‌گذاری پژوهشی در کشورهای مختلف جهان

امروزه سیاست‌گذاری پژوهشی توسط ساختارهای سازمانی با برنامه‌ریزی متمرکز و ساختارهایی که انعطاف‌پذیرند و می‌توان آنها را مدیریت خودگردان نامید، انجام می‌پذیرد.

به منظور آگاهی از تجربیات کشورهای دیگر در زمینه استقرار نظام تحقیقاتی و مورد نظر قرار دادن کوشش‌های آنها در امر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی پژوهشی، با توجه به شرایط و موقعیت‌های متفاوت حاکم بر کشورها، تعدادی از این کشورها مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. در اغلب کشورهای مورد مطالعه، تصمیمات مربوط به سیاست‌ها و خطوط کلی پژوهش‌ها و تحقیقات، به وسیله شوراهایی در سطح وزیران که مرکب از برگزیدگان دولتی و نمایندگان سازمان‌های آموزشی و تحقیقاتی است، اتخاذ می‌شود؛ و در سطح پایین‌تر، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی علمی و اجرایی، سیاست‌های اتخاذ شده را در برنامه‌های پژوهشی درازمدت متبلور می‌سازند.

در نظام‌های مبتنی بر برنامه‌ریزی متمرکز، سیاست‌گذاری‌ها چند رشته‌ای هستند. اما در نظام‌های خودگردان، مؤسسات و مراکز تحقیقاتی آزادی عمل در امر سیاست‌گذاری دارند (مه‌دوی، ۱۳۸۰، ص ۹۸).

در نروژ کمیته مرکزی تحقیقات سیاست‌گذاری می‌کند. این کمیته تفاوت میان تحقیق پایه‌ای و کاربردی را منع و آزادی شوراها را تخصصی تحقیقاتی را در تعیین بورس‌ها محدود کرده است. از آنجا که دولت محدودۀ اولویت‌های تحقیقاتی را مشخص می‌کند، از نظر کمیته مذکور مدیریت مالی تحقیقات باید به صورت متمرکز عمل کند. سیاست‌گذاری تحقیقات اساساً در مدیریت شورا یا بخش تخصصی تحقیقات انجام می‌گیرد. شورای مذکور، بورس‌های تحقیقات و تحصیلی دوره دکتری را تعیین و اعطا می‌کند.

در پاکستان شورای تحقیقات علمی و صنعتی، در تایلند شورای تحقیقات ملی، در چین و تایوان آکادمی‌های علوم، در مالزی هیئت مرکزی تحقیقات و در ایتالیا شورای ملی تحقیقات، موظف‌اند که سیاست‌گذاری و هدایت فعالیت‌های پژوهشی را بر عهده گیرند. در کشورهایی نظیر کره جنوبی، سنگاپور، اتریش، دانمارک، سوئیس و ایرلند، که فاقد یک شورای ملی هماهنگ‌کننده هستند، این وظیفه بین نهادهای مختلف توزیع شده است.

در فرانسه اولویت‌ها و خطوط تحقیقاتی در قالب برنامه‌های پنج‌ساله تحقیق و توسعه توسط دولت مرکزی ارائه می‌شود و وزارت تحقیق و فناوری کار نظارت بر تخصیص منابع بین مؤسسات کشور را بر عهده دارد. در ژاپن عمده‌ترین و اساسی‌ترین سازوکار سیاست‌گذاری و هماهنگی سیاست‌های تحقیقاتی، بر تدوین سیاست تحقیقاتی ملی و براساس اتفاق و اشتراک نظر در تشخیص نیازهای کشور، استوار است.

در آمریکا دفتر سیاست‌گذاری علمی و فناوری (OSTP) مسئولیت سیاست‌گذاری و هماهنگی فعالیت‌های پژوهشی را بر عهده دارد.

به طور کلی، در ساختار سیاست‌گذاری و تدوین سیاست‌های پژوهشی و تخصیص بودجه تحقیقاتی در کشورهای مختلف، نهادهای مختلفی تأثیرگذار هستند. نوع این نهادها و همچنین میزان تأثیرگذاری آنها بر روند سیاست‌گذاری و تدوین سیاست‌ها و تخصیص بودجه‌های پژوهشی متفاوت است. غالباً چهار نهاد عمده در فرآیند سیاست‌گذاری و تدوین سیاست‌های پژوهشی کشورها

تأثیرگذار می‌باشند: نهادهای سیاست‌گذار و سرمایه‌گذار؛ نهادهای هماهنگ‌کننده سیاست‌گذاری؛ نهادهای مشاوره‌ای سیاست‌گذاری؛ حکومت‌ها، دولت‌ها و احزاب حاکم (مهدوی، ۱۳۸۰، ص ۹۹). خلاصه این‌که در برخی از کشورهای پیش‌گفته نظام سیاست‌گذاری پژوهش متمرکز و دارای اهداف استراتژیک و در برخی نیمه متمرکز است. در اکثر قریب به اتفاق این کشورها، حمایت دولت از تحقیقات سابقه دیرینه‌ای دارد. این حمایت‌ها غالباً شامل این موارد است: تخصیص بودجه‌های عمومی لازم در جهت تحقیقات، انجام تحقیقات استراتژیک با اهداف مشخص، انجام تحقیقات به منظور رشد و توسعه اقتصادی، انجام تحقیقات دفاعی و نظامی، ارتقای دانش عمومی در جهت نیازها و اهداف جامعه و دولت.

همچنین در این کشورها سهم اعتبارات و هزینه‌های تحقیق و توسعه پیوسته رو به افزایش است. به کارگیری نتایج تحقیقات یا تجاری کردن فناوری‌های حاصل از تحقیقات، مشخصه بارز سیاست‌گذاری پژوهشی در این کشورهاست (مهدوی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۰).

۳-۴. سیاست‌گذاری پژوهشی در ایران

در مورد سیستم سیاست‌گذاری پژوهش در ایران، در یک نگاه کلی ادعا شده است: در ایران تدوین نظام تحقیقاتی از سالیان گذشته مطرح بوده و نظام‌های متفاوتی در مقاطع زمانی مختلف تدوین و تصویب شده است. نظر به عدم باور به این مطلب که تحقیقات می‌تواند عامل توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد، به این مهم به عنوان امری حاشیه‌ای نگریسته شده است (میرطاهری، ۱۳۷۲، ص ۲۳).

پیرو این دیدگاه راجع به مقوله پژوهش، اکنون در ایران نهاد یا متولی مشخصی برای سیاست‌گذاری پژوهش وجود ندارد (طهرانچی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۲).

۱-۳-۴. پیشینه و ادوار سیاست‌گذاری پژوهشی در ایران

از نظر مدیریت و سیاست‌گذاری پژوهش در ایران، پنج دوره را می‌توان از یکدیگر متمایز نمود: **دوره اول:** از سال ۱۳۵۰ با تأسیس شورای توسعه و تشویق پژوهش‌های علمی آغاز می‌شود و البته فعالیت چندانی در جهت توسعه و پژوهش صورت نمی‌گیرد.

دوره دوم: با تأسیس شورای پژوهش‌های علمی کشور در سال ۱۳۵۳ آغاز می‌شود و تا سال ۱۳۵۷

ادامه می‌یابد. در این دوره اقدامات مؤثری در زمینه تأسیس مراکز متعدد تحقیقاتی و اختصاص بودجه پژوهشی به این مراکز انجام شده است [از جمله تأسیس ۸۶ مرکز تحقیقاتی].

دوره سوم: از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ است که فعالیت شورای پژوهش‌های علمی کشور در عمل راکد و کشور نیز درگیر جنگ تحمیلی بوده است.

دوره چهارم: از سال ۱۳۶۸ مجدداً شورای پژوهش‌های علمی کشور با ترکیب وظایف جدید آغاز به کار می‌کند و نخستین برنامه ملی تحقیقات تدوین می‌شود. از دیگر اقدامات مهم در این دوره می‌توان تدوین اولویت‌های تحقیقاتی کشور، تعیین موانع پژوهش در کشور، آغاز طرح‌های ملی و تدوین سند طالقان برای حمایت از علوم پایه را نام برد.

دوره پنجم: از سال ۱۳۸۱ با تغییر نام و وظایف وزارت فرهنگ و آموزش عالی به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، این وزارت به عنوان متولی اصلی سیاست‌گذاری، انسجام‌بخشی و برنامه‌ریزی تحقیقات شناخته شد و تأسیس شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری به ریاست رئیس‌جمهور و مشارکت وزرای مختلف در دستور کار قرار گرفت. فعالیت این شورا پس از تشکیل دو جلسه موقتاً متوقف ماند. در این دوره مأموریت توسعه فناوری نیز به وظایف و مأموریت‌های وزارت علوم افزوده و معاونت فناوری این وزارتخانه تأسیس شد (ذاکر صالحی، ۱۳۸۵، ص ۵۱-۷۸).

دوره ششم: در سال ۱۳۸۳ و در جهت اجرای ماده ۹۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و با هدف اصلی انسجام بخشیدن به امور اجرایی و سیاست‌گذاری نظام علمی، تحقیقاتی و فناوری کشور، قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تدوین شد و در تاریخ ۱۳۸۳/۵/۱۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. طبق ماده ۳ قانون یادشده شورای عالی «عتف» با مأموریت راهبری و ارتقای توسعه علمی و فناوری کشور با رسالت سیاست‌گذاری و نظارت فرابخشی و هماهنگی بین‌بخشی در حوزه‌های علمی، فناوری و تحقیقاتی کشور و به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل شد (<https://www.atf.gov.ir/fa/introduction>).

۲-۳-۴. معرفی برخی از نهادها و اسناد سیاست‌گذاری پژوهشی

به طور کلی، یکی از عوامل مؤثر در امور اجرایی و حتی زیربنایی هر کشوری، سازمان اداری و یا به عبارت دیگر، ساختار سازمانی و اداری آن است. به همین دلیل بخش پژوهش و تحقیقات نیز که از جمله امور زیربنایی هر کشوری به حساب می‌آید و به لحاظ اجرایی ویژگی‌های خاص خود را

دارد، تحت تأثیر این عامل قرار می‌گیرد. بنابراین، لازم است به شناخت دقیق‌ترین عامل و عناصر آن مبادرت نمود.

مراکز و نهادهای مؤثر در فرایند سیاست‌گذاری پژوهشی را بر اساس وظیفه اصلی و فرعی می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: یکم. نهادهایی که بر اساس وظیفه اصلی خود مستقیماً بر روی تعیین اهداف کلان تحقیقاتی کشور و تدوین برنامه‌های جامع آن و سایر امور عمده و زیربنایی تحقیقات مؤثرند. دوم. نهادهایی که بر اساس وظایف خود به شکل تصمیم‌گیری‌های کلی و یا پشتیبانی در کار و روند پژوهش تأثیر می‌گذارند.

معرفی نهادهایی که مستقیماً بر تحقیقات اثر می‌گذارند هدف اصلی این بخش از پژوهش حاضر می‌باشد. این نهادها عبارت‌اند از نهادهایی که وظایف اصلی آنها در یک یا چند مجموعه از مجموعه‌های ذیل گنجانده و همخوان و هم‌سنخ با آن هستند:

۱. تعیین خط‌مشی‌ها، سیاست‌ها، اهداف، قوانین و دستورالعمل‌ها و...؛

۲. برنامه‌ریزی جامع (استراتژیک) و عملیاتی؛

۳. اجرای برنامه‌های جامع و عملیاتی در قالب فعالیت‌ها و طرح‌ها؛

۴. نظارت و کنترل.

بنابراین، هر سازمان یا نهادی که یک یا چند وظیفه از وظایف فوق را انجام دهد به طور مستقیم در فرایند تحقیقاتی و سیاست‌گذاری پژوهشی کشور مؤثر و سهیم است. از این رو، نهادهایی مانند نهاد رهبری (تصویب و ابلاغ چشم‌اندازها و سیاست‌های کلی) مجمع تشخیص مصلحت نظام (مشاوره و تدوین چشم‌اندازها و سیاست‌های کلی)، مجلس شورای اسلامی (تأثیرگذاری در سیاست‌ها و قانون‌گذاری) شورای عالی انقلاب فرهنگی (تدوین سیاست‌های کلان علمی برای بخش‌های دانشگاهی و پژوهشی و نیز مسئول تدوین نقشه جامع علمی کشور)، شورای عالی حوزه‌های علمیه (سیاست‌گذاری در توسعه علوم و تحقیقات دینی)، شورای عالی عتف (تدوین سیاست‌ها و اولویت‌های علمی و پژوهشی)، وزارت علوم تحقیقات و فناوری (تدوین سیاست‌های بخشی و فرابخشی)، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری (تدوین نقشه جامع؛ تدوین سیاست‌ها در حوزه‌های مختلف علمی و پژوهشی؛ تخصیص بودجه‌های تحقیقاتی در بخش‌های مختلف دولتی؛ توسعه تحقیقات و فناوری‌های پیشرفته)، وزارتخانه‌های مختلف دولتی (همکاری و تدوین

سیاست‌های پژوهشی در بخش‌های مختلف و تخصیص بودجه) و مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، از مهم‌ترین نهادهایی هستند که مستقیماً در سیاست‌گذاری پژوهشی کشور دخیل و مؤثرند. خروجی فعالیت و سیاست‌گذاری نهادهای پیش‌گفته در قالب اسناد گوناگون سیاست‌گذاری کلان و پژوهشی مدون و ارائه شده است. از جمله این اسناد می‌توان به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سند چشم‌انداز بیست‌ساله، نقشه جامع علمی کشور، قانون برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، سیاست‌های کلی نظام، سیاست‌های کلی توسعه علمی و تحقیقاتی کشور و سیاست تحقیقاتی اشاره کرد. همچنین در قانون بودجه سالیانه کل کشور نیز همه‌ساله ردیف بودجه‌ای مشخص برای امر پژوهش و مطالعه در کشور اختصاص می‌یابد. از سوی دیگر قانون‌گذاران ایران با تصویب قوانین مختلفی، حمایت‌های قانونی خاصی را برای محققان، پژوهشگران و نوآوران در عرصه پژوهش و تحقیقات پیش‌بینی کرده و بر حفظ حقوق معنوی آنان تأکید نموده‌اند. بنابراین آنچه گفته شد، بررسی مسئله تحقیق و پژوهش از منظر حقوقی به دلیل تنوع اسناد، قوانین و مقررات، دارای ابعاد گسترده‌ای است.

نتیجه‌گیری

سیاست‌گذاری مقوله‌ای است که چارچوب‌ها، باید و نبایدها، ضرورت‌ها و ملزومات اساسی یک حرکت را مشخص می‌کند. یکی از مهم‌ترین ارکان سیاست‌های توسعه در سراسر جهان، سیاست‌گذاری پژوهشی است.

بر اساس تعریف ارائه شده، سیاست‌گذاری پژوهش، تدوین اصول و سیاست‌های کلان مربوط به پژوهش بوده که برآمده از ارزش‌ها، هنجارهای علمی و ساختار اجتماعی سیاسی موجود در کشور است. این سیاست‌های تدوین‌شده برای هماهنگی و عملی کردن اهداف پژوهشی و تحقیقاتی نظام موجود در جامعه به کار می‌رود. سیاست‌گذاری پژوهشی جزو سیاست‌گذاری‌های موضوعی است. پس معنای ساده‌تر سیاست‌گذاری پژوهشی این است که بگوییم: چارچوب‌های پژوهش در نقاط کف و سقف و طرفین پژوهش شامل چه نکاتی در نبایدها و نبایدها است.

منابع

۱. اشترینان، کیومرث، روش سیاست‌گذاری فرهنگی، تهران، دفتر مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی هنری شهرداری تهران، ۱۳۸۶.
۲. الوانی، سیدمهدی؛ نویسنده همکار: فتاح شریف‌زاده، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.
۳. الوانی، سیدمهدی و همکاران؛ بازخوانی دانش سیاست‌گذاری در زمینه پست‌مدرنیسم؛ روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۵۶، پاییز ۱۳۸۷.
۴. الوانی، سیدمهدی؛ تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی؛ تهران، انتشارات سمت، چاپ یازدهم، ۱۳۸۵.
۵. الوانی، سیدمهدی؛ مدیریت عمومی؛ تهران، نشرنی؛ چاپ سی و چهارم، ۱۳۸۸.
۶. امین‌منصور، مصطفی؛ علم‌الهدی، عباس؛ برنامه‌ریزی مدیریت راهبردی در حوزه علمیه؛ مجله تفکر و مدیریت راهبردی، شماره ۹، تابستان ۱۳۸۶.
۷. آتول واد؛ سیاست، علم و تکنولوژی، ترجمه فاضل لاریجانی؛ فصلنامه رهیافت، شماره ۲۵، بهار و تابستان ۷۹.
۸. آذر، عادل؛ آینه خدیور؛ کاربرد رویکرد سیستم دینامیک در فرایند ره‌نگاری و سیاست‌گذاری آموزش عالی؛ فصلنامه سیاست علم و فناوری، سال دوم، شماره ۴، تابستان و بهار ۱۳۸۹.
۹. آکرمن، گری؛ برنامه‌ریزی آموزشی (مفاهیم، استراتژی‌ها، اقدامات)؛ ترجمه غلامعلی سرمد؛ تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۱۰. برزگر، علی؛ نگاهی بر مفهوم سیاست علمی؛ فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی، شماره ۳، زمستان ۱۳۷۱.
۱۱. پاتریک، جی. بیلو و دیگران؛ راهنمای اجرایی برنامه‌ریزی استراتژیک؛ ترجمه منصور شریفی لکویی؛ تهران، هوای تازه، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
۱۲. تسلیمی، محمد سعید؛ تحلیل فرایندی خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری؛ تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۱۳. توسلی، حمید؛ ارائه هشت مدل عملیاتی در چرخه سیاست‌گذاری برای اجرای مطلوب سیاست‌ها؛ فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۸۷.
۱۴. توسلی، حمید؛ موضوع‌شناسی علم سیاست‌گذاری - تاریخچه و مفهوم سیاست‌گذاری؛ روزنامه آفرینش، ۸۹/۷/۱۹.

۱۵. جوان، خسرو و همکاران؛ ساختار نظام تحقیقاتی کشور، سیاست علمی و پژوهشی، شماره ۳، زمستان ۱۳۷۱.
۱۶. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، بیست سال تلاش در مسیر تحقق اهداف انقلاب فرهنگی، تهران، نشر دانش‌پرور، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۱۷. ذاکر صالحی، غلامرضا؛ محیط پژوهش در ایران و پیشنهاد اهداف و سیاست‌های پژوهش در برنامه پنجم توسعه کشور، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۳، ۱۳۸۸.
۱۸. رضازاده مهریزی، محمد حسین و همکاران؛ بررسی دلایل رواج ابزارها و تکنیک‌های سیاست‌گذاری در ایران؛ فصلنامه سیاست علم و فناوری، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۷.
۱۹. رضوی، حمیدرضا و همکاران؛ اصول سرپرستی؛ تهران، علوم رایانه، چاپ هشتم، ۱۳۸۹.
۲۰. روزبهان، محمود؛ مبانی توسعه اقتصادی؛ تهران، نشر تابان، ۱۳۷۴.
۲۱. زراعتی رضایی، شاهین؛ پژوهش‌شناسی، تهران، نشر یزدا، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۲۲. سازمان برنامه و بودجه، نظام برنامه‌ریزی در برنامه سوم توسعه، شهریور ۱۳۷۷.
۲۳. شورای پژوهش‌های علمی کشور، گزارش ملی تحقیقات (سال ۱۳۷۱)؛ فصلنامه سیاست علمی پژوهشی، ویژه‌نامه زمستان ۱۳۷۲.
۲۴. طاهری، شهرنام؛ مدیریت دولتی و اصلاحات اداری در کشورهای در حال توسعه، تهران، نشر ایران زمین، ۱۳۶۴.
۲۵. طباطبائیان، سیدحبيب الله؛ همایش تدوین نقشه جامع علمی کشور، تهران، مرکز سیاست علمی کشور، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۲۶. طهرانچی، محمد مهدی؛ پژوهش وضع موجود و طراحی وضعیت مطلوب، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ویراست دوم، ۱۳۸۹.
۲۷. عظیمی، حسین و همکاران؛ پژوهش، دغدغه‌ها و امیدها؛ رهیافت، شماره ۶، بهار ۱۳۷۳.
۲۸. غریبی، حسین؛ انصافی، سکینه؛ دانش ایران در سطح بین‌المللی؛ تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۸۱.
۲۹. غفرانی، محمدباقر؛ فرایند پیشنهادی سیاست‌گذاری، رهیافت، شماره ۲۲، بهار ۱۳۷۹.
۳۰. فرقانی، علی و همکاران، گونه‌شناسی رهنگاشت فناوری، رشد فناوری، شماره ۱۸، بهار ۱۳۸۸.
۳۱. فرنج، درک؛ فرهنگ مدیریت، ترجمه محمد صائبی، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ سوم، ۱۳۷۷.
۳۲. فرهنگستان زبان و ادب فارسی، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان (جلد چهارم)؛ تهران،

- فرهنگستان زبان و ادب فارسی، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۳۳. کاظمی، سیدعلی اصغر؛ مدیریت سیاسی و خط‌مشی دولتی؛ تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۳۴. کرباسیان، قاسم، سیاست‌گذاری عمومی، نقل از دکتر رضی، جزوه آموزشی، قم، دانشکده صدا و سیما، ۱۳۸۷.
۳۵. کلدی، علیرضا و همکاران؛ بررسی تطبیقی ساختارهای تحقیقاتی در کشورهای مختلف جهان، فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی، شماره ۲۷، بهار ۱۳۸۱.
۳۶. گودرزی، غلامرضا؛ تصمیم‌گیری راهبردی موعودگرا؛ تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۳۷. لاریجانی، فاضل؛ مسئله انتخاب علمی و نقش ارزش‌ها در سیاست‌گذاری علمی، فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی، شماره ۳، زمستان ۱۳۷۱.
۳۸. معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه، سند تعریف و مصادیق پژوهش؛ قم، مدیریت مطالعات پژوهشی معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۳۹. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی (جلد اول)، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۵ الف.
۴۰. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی (جلد دوم)، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۵ ب.
۴۱. منصوری، رضا؛ شناخت عوامل رشد پژوهش و نه موانع آن (چرخش یک بینش)، رهیافت، شماره ۳۲، بهار و تابستان ۱۳۸۳.
۴۲. منطقی، منوچهر و همکاران؛ شناسایی چالش‌های سیاست‌گذاری در نظام ملی نوآوران ایران، سیاست علم و فناوری، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
۴۳. مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی، طرح نظام تحقیقات کشور؛ تهران، مرکز مدارک علمی ایران، ۱۳۶۰.
۴۴. مولر، پیر؛ سیاست‌گذاری عمومی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران، نشر دادگستر؛ چاپ اول، ۱۳۷۸.
۴۵. مهدوی، محمد تقی و همکاران، بررسی تطبیقی سیاست‌گذاری علم و فناوری در جهان، رهیافت، شماره ۲۴، بهار و تابستان ۱۳۸۴.
۴۶. میرطاهری، سید عبدالله و همکاران؛ تحلیلی بر نظام تحقیقاتی در ایران؛ فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی، شماره چهارم، بهار ۱۳۷۲.
۴۷. نادری و سیف نراقی، عزت‌الله و مریم؛ روش تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی؛ تهران،

انتشارات بدر، چاپ بیست و ششم، ۱۳۸۴.

۴۸. نیرومند، پوراندخت و مسجدیان، سهراب؛ مدیریت آموزشی، تهران، پیک مروا، ۱۳۸۴، چاپ اول، ص ۸۷.

۴۹. وحید، مجید؛ سیاست‌گذاری عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۵۰. وردی نژاد، فریدون؛ سیاست‌گذاری در سازمان: www.verdinejad.com

۵۱. www.atf.gov.ir

نیازسنجی پژوهشی با رویکرد آینده‌نگرانه

چکیده: ادبیات برنامه‌ریزی پژوهشی، بیش از نیم‌قرن به این سؤال متمرکز شده است که درباره چه چیزی باید پژوهش شود و کدام دسته موضوعات و عناوین ارزشمندتر و ضروری‌تر هستند؟ این پرسش که به حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی مرتبط است، ریشه در نحوه تصمیم‌گیری در انتخاب موضوعات پژوهشی دارد. موضوعات اغلب پژوهش‌ها، بر اساس تصمیم‌گیری فردی و یا کمیته‌ای خاص و عمدتاً بدون بررسی‌های جامع اطراف و مانع‌الغیاب آن انتخاب می‌شود. بدیهی است، نتیجه‌ای که با اجرای پژوهش‌های مبتنی بر این روش به دست می‌آید، طراحی و اجرای برنامه‌ای فاقد اثربخشی لازم و همراه با مشکلاتی فراوان در عمل است. راه‌برون‌رفت از این وضع، شناسایی نیازهای واقعی و دارای اولویت از طریق نیازسنجی پژوهشی است.

نیازسنجی پژوهشی به فرایند شناسایی نیازهای بالقوه پژوهشی و تعیین اولویت در بین عناوین مختلف پژوهشی به منظور تدارک مبنایی برای تخصیص بهینه منابع گفته می‌شود. یکی از مؤلفه‌های توفیق در نتایج نیازسنجی، تنوع و تکرار منابع و محورهایی است که سمت و سوی شناسایی نیاز را روشن می‌کند. در اجرای نیازسنجی پژوهشی، محور مطالعاتی نیازسنجی پژوهشی با رویکرد آینده‌نگرانه از اهمیت زیادی برخوردار است. شتابنده بودن تغییرات و پیشرفت‌ها در حیطه‌های گوناگون، ضرورت آینده‌نگارانه نیازسنجی پژوهشی را پراهمیت‌تر از گذشته نمایان می‌کند. این کار با بهره‌گیری از علم آینده‌پژوهی در شناخت نیازها و موضوعات اولویت‌دار آینده امکان‌پذیر است.

این نوشتار آینده‌پژوهی و کارکرد آن را در نیازسنجی پژوهشی مورد بررسی قرار می‌دهد، و به سابقه این حوزه مطالعاتی در جهان، ایران، نظام دانشگاهی و حوزه‌های علمیه و الزامات و بایسته‌هایی که پی‌گیری این مهم را در حوزه‌های علمیه جدی‌تر می‌نماید، اشاره می‌کند، و در پایان، مدلی از نیازسنجی پژوهشی با رویکرد آینده‌محور ارائه می‌دهد.

کلید واژه‌ها: نیازسنجی پژوهشی، آینده‌پژوهی، حوزه‌های علمیه، چشم‌انداز، اولویت‌های پژوهشی، پیش‌بینی، آینده‌نگری.

مقدمه

فهم آینده دشوار است. سرعت تحولات و تغییر شتابان زندگی امروز بشر، این دشواری را برای آینده‌پژوهان افزون کرده است. اگرچه آینده‌پژوهان نگاه به آینده دور و میان مدت را بسیار تصادفی و پرمخاطره می‌دانند، با این همه، بدبینی برای فهم آینده را توصیه نمی‌کنند. در نگرش الهی نیز، این گزاره که ما نباید و یا نمی‌توانیم درباره آینده بیاندیشیم و بدانیم، جایگاهی ندارد. پیش‌بینی آینده در ساختن دنیای کنونی ما تأثیر داشته است، و می‌توان گفت که بسیاری از موفقیت‌های شخصی یا سازمانی ما برآمده از نگاه بلندمدت و دیدگاه منطقی نسبت به آینده بوده است.

از جمله نتایجی که در فرایند پژوهش در فهم آینده (آینده‌پژوهی) حاصل می‌شود، این است که ما را به سمت نیازها و موضوعات اصلی که باید پژوهش کنیم سوق می‌دهد. از طرف دیگر، بایسته است، نیازسنجی و اولویت‌یابی پژوهشی، نه صرفاً بر اساس نیازهای فعلی، بلکه بر اساس رویکرد آینده‌نگرانه، یعنی استخراج نیازهای پژوهشی آینده باشد. این دو مسئله، پیوند نیازسنجی پژوهشی و آینده‌پژوهی را به خوبی نمایان می‌سازد.

در سطور آینده، ضمن تبیین ضرورت آینده‌پژوهی و بررسی پیشینه آن در جهان، ایران و حوزه‌های علمیه، نیازسنجی پژوهشی با رویکرد آینده‌نگرانه را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مفاهیم نیازسنجی پژوهشی و آینده‌پژوهی

نیاز: در مباحث نیازسنجی، تعاریف خاصی از نیاز ارائه شده است؛ از جمله نیاز عبارت است از: فاصله یا شکاف بین وضع موجود و وضع مطلوب یا فاصله بین وضع جاری و وضعیت ایده‌آل (کافمن، ۱۹۹۲؛ فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۷، ص ۴) همچنین نیاز به یک خواست یا ترجیح و یک عیب یا کاستی گفته می‌شود. (عباس‌زادگان و ترک‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۵۷) در پژوهش حاضر، نیاز عبارت است از: شکاف و کاستی موجود بین وضعیت فعلی و وضعیت مطلوب.^۱

نیازسنجی: فرایند جمع‌آوری اطلاعات در باره نیازهای افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات و اولویت‌بندی آنهاست که از این رهگذر، زمینه لازم برای برطرف کردن این نیازها فراهم آید (فتحی

۱. فلسفه و خاستگاه هریک از تعاریف و نسبت آن با نیاز، قابل بررسی است که با توجه به کاربردی بودن این اثر و به دلیل پرهیز از ورود به بحث‌های نظری، از ذکر آن خودداری شد.

نیازسنجی پژوهشی^۲: فرایند چندمرحله‌ای شناسایی نیازهای پژوهشی بالقوه و تعیین اولویت در بین عناوین مختلف پژوهش به منظور تدارک مبنایی برای تخصیص بهینه منابع.

شناسایی نیازهای پژوهشی^۳: فرایند شناسایی کلیه شقوق و عناوین بالقوه پژوهشی در یک حوزه یا عرصه معین با هدف تولید حداکثری نیازها صرف نظر از کمیت و کیفیت آنها.

تعیین اولویت‌های پژوهشی^۴: فرایند گزینش و انتخاب شقوق مختلف پژوهش و فهرست آنها بر حسب تقدم و تأخر منطقی.

تخصیص منابع پژوهشی^۵: فرایند اختصاص منابع محدود پژوهشی (انسانی، مالی، مادی) به عناوین و موضوعات پژوهشی دارای اولویت. تنها پس از شناسایی و اولویت‌بندی نیازهای پژوهشی، مبنایی برای تخصیص منابع پژوهشی در دسترس خواهد بود. بنابراین، برنامه‌ریزی پژوهشی، فرایندی چندمرحله‌ای و چندوجهی است که مستلزم شناسایی نیازها و تعیین اولویت‌ها در عرصه پژوهش برای فراهم‌سازی مبنای تخصیص منابع است.

آینده پژوهی

امروزه آینده‌اندیشان از واژگان بسیاری در مطالعات مربوط به آینده استفاده می‌کنند، همچون «آینده‌پژوهی»، «آینده‌اندیشی»، «آینده‌آگاهی»، «قلمرو آینده»، «پیش‌بینی»، «آینده‌نگاری»، «آینده‌نگاری» و «آینده‌شناسی». اما هریک از این واژگان وابسته به تئوری‌ها و پیش‌فرض‌هایی بسیارند و از روش‌هایی خاص استفاده می‌کنند. شاید بتوان واژه آینده‌پژوهی را مادر این واژگان دانست (ناظمی، ۱۳۸۵).

آینده‌پژوهی مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوام تغییر یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آنها می‌پردازد. آینده‌پژوهی منعکس می‌کند که چگونه از دل تغییرات (با تغییر نکردن) «امروز»، واقعیت «فردا» تولد می‌یابد.

۲. Supply-Driven Approach (RNA).

۳. Research Needs Identification (RNI).

۴. Research Priority Setting (RPS).

۵. Research Resources Allocation (RRA).

آینده‌پژوهی معادل لغت لاتین «Futures Study» است. و جمع Futures به این دلیل استفاده شده است که در آینده‌پژوهی با بهره‌گیری از روش‌های متعدد، و به جای تصور «فقط یک آینده»، به گمانه‌زنی‌های روش‌مند و خردورزانه، در مورد «چندین آینده متصور» مبادرت می‌شود (اسلاتر، ۱۳۸۶). موضوعات آینده‌پژوهی دربرگیرنده آینده‌های «ممکن»، «محتمل» و «مطلوب» برای دگرگونی از حال به آینده است.

تاریخچه آینده‌پژوهی

اگرچه بشر در طول تاریخ، همواره آرزوی نفوذ و تسلط بر آینده را داشته است و اقدامات گوناگونی همانند طالع‌بینی، رمالی، مطالعات اخترشناسی و تلاش برای غیب‌گویی گویای توجه به این امر مهم است، روش‌مندی ایده‌آینده‌پژوهی در گستره‌ی زمان و شکل‌گیری نهضت مدرن آینده‌گرایی، مقوله‌ای جوان و در حال تکامل و رشد است. از نیمه‌ی نخست قرن بیستم، اندیشمندانی چون ولز و آگبرن بر آن شدند که تا در دهه‌ی ۱۹۴۰ میلادی نخستین پروژه‌ی پیش‌بینی با موضوع فناوری‌های آینده را انجام دهند. اگرچه این پروژه با موفقیت همراه بود، اما با رویکرد فعلی حاکم بر آینده‌پژوهی تفاوت داشت. در نگاه آینده‌پژوهی کنونی رویکرد فعالانه به جای منفعلانه به آینده منطبق شکل دهی آینده است. نگاه فعالانه به جای منفعلانه در تصمیم‌گیری‌های کلان و افق‌های بلندمدت، موجب شد که آینده‌پژوهی پس از پایان جنگ جهانی دوم در اندیشگاه رند نیروی هوایی ایالات متحده شکل بگیرد و در پی توسعه این دانش، رفته رفته جای خالی یک رشته دانشگاهی به این عنوان در دانشگاه‌ها احساس شد. اهمیت نگاه روش‌مند به آینده و تلاش برای ساخت آینده دلخواه موجب شد که در دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی اندیشگاه رند از نیروی هوایی آمریکا به پنتاگون منتقل شود. این اندیشگاه پس از نقل و انتقال یادشده از یک مؤسسه نظامی خارج و به یک بازوی توانمند فکری برای کاخ سفید بدل شد. رشته‌های مختلف آینده‌پژوهی پس از این اتفاق در دانشگاه‌های متعددی راه‌اندازی شد (آینده‌پژوهی - مفاهیم و روش‌ها، ۱۳۸۸، ص ۶).

آینده‌پژوهی در دانشگاه‌های دنیا

جیمز دیتور، نسبت «آینده‌پژوهی» با دانشگاه‌های امروز را شبیه نسبت علم با دانشگاه‌های اواخر قرون وسطا دانسته و گفته است:

حتی نامی‌ترین و موفق‌ترین چهره‌های دانشگاهی و مدیران سازمان‌های تجاری نیز آینده‌پژوهی را جدی نمی‌گیرند. درست مثل این‌که کوپرنیک هم از قدرتمندان زمانه خود انتظار نداشت که بپذیرند زمین مرکز گیتی نیست (دیتور، ۱۳۷۸، ص ۱۰۲).

او پس از ذکر پنج نوع فعالیت دانشگاهی در مغرب زمین، شامل علوم طبیعی، علوم انسانی، هنرهای نمایشی، علوم اجتماعی و علوم کاربردی، درباره برخی ترکیبات میان‌رشته‌ای مأخوذ از این فعالیت‌های پنج‌گانه نوشته است:

با توجه به پیشینه و برنامه‌های درسی آموزش عالی معاصر، تعجب‌آور نیست که بیشتر افراد به خوبی نمی‌دانند که آینده‌پژوهی چیست و کاملاً طبیعی است که این رشته را با یکی از پنج شاخه سنتی دانشگاهی مقایسه می‌کنند. این دیدگاه نیز که آینده‌پژوهی را با مطالعات میان‌رشته‌ای، نظیر سیاست‌گذاری، مقایسه کنیم و یکی بدانیم، صحیح نیست، زیرا به رغم تمامی ادعاهای محتمل، همه آنها به شیوه‌های گوناگون می‌کوشند تا با توسل به اصطلاحات کم و بیش افراطی، جهان کهنه را نجات دهند. اینان همگی فرزندان مشروع «مدرنیته» - و یا بگویید فرزندان «نیوتون» - هستند، اما آینده‌پژوهی مقوله دیگری است (همان).

آینده‌پژوهی در ایران

ایرانیان برای پیش‌بینی حوادث و وقایع آینده، از ابزاری نظیر طالع‌بینی بهره می‌بردند، اما به دلیل هجوم برخی اقوام، مانند مقدونیه‌ای‌ها، یونانی‌ها و مغول‌ها به این سرزمین و تخریب مراکز علمی و فرهنگی مانند دانشگاه جندی شاپور، اطلاعات چندانی از این ابزار در دست نیست. البته منابع موجود، حاکی از آن است که این نیرو و ابزار در دوره ساسانیان به کار گرفته می‌شد، به طوری که رفتار خسرو پرویز با یزدگرسوم و دستور تبعید او به اصطخر، نتیجه پیش‌بینی طالع‌بینان بود که به او گفتند: پسری از تو زاده می‌شود که در بدنش علامت‌هایی دارد. این پسر کسی است که قلمرو تو را از بین می‌برد.

موقعیت جغرافیایی، بلایای طبیعی، تعارضات نظامی و جایگاه جهانی سرزمین ایران باستان، موجب شد که مقوله پیش‌بینی دارای اهمیت بسیاری در ایران قدیم باشد و حاکمان آن را متوجه دانشمندان کند؛ البته گاه نتایج پیش‌بینی دانشمندان، چندان صادق نبوده است. از جمله پیش‌بینی حکیم اوحدالدین انوری ابیوردی، شاعر و ستاره‌شناس سرشناس زمان سلطان سنجر

سلجوقی، که بر اساس پیش‌بینی او قرار بود در برج میزان سال ۵۸۲ قمری، طوفانی ویرانگر دنیا را زیروزیر کند (حاجیانی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۶). این پیش‌بینی، هرگز اتفاق نیفتاد و هزینه‌های فراوانی را برای مردم پدید آورد؛ از جمله این‌که آنان را وا داشت به کوه‌ها و غارها پناه ببرند و حتی سرداب‌ها بکنند و مواد غذایی ذخیره سازند. این پیش‌بینی نادرست موجب توییخ حکیم و سرخوردگی و جلای وطنش شد. او حتی بعد از این، از گفتن اقوال نیز دست کشید. به رغم این پیش‌بینی‌های نادرست، چیزی از قدرت، نفوذ و اهمیت پیش‌بینی و آینده‌نگری نزد سلاطین کم نشد.

با توجه به نکات یادشده، می‌توان گفت آنچه از مطالعات آینده در گذشته سرزمین ایران به ثبت رسیده، با دانش یا هنر آینده‌پژوهی مصطلح امروزی متفاوت است. این حیطة مهم و راهبردی مدتی است که توجه مدیران و اندیشمندان مدیریت و برنامه‌ریزی را به خود جذب و سازمان‌ها و نهادهایی را به فعالیت در این عرصه مشغول کرده است.

مراکزی که به طور جدی در ایران مقوله آینده‌پژوهی را پی می‌گیرند، در حال حاضر یازده نهاد دولتی و هشت کانون فکری سازمان غیر دولتی هستند (اورعی و اسکندری، ۱۳۷۸، ص ۴۴). این مراکز انجام فعالیت‌های پژوهشی، ارائه خدمات مشاوره‌ای، اداره وب‌سایت‌ها و وبلاگ‌های تخصصی، تألیف و ترجمه، انتشار کتاب و مقاله، برگزاری سمینار و اجرای دوره‌های آموزشی را بر عهده دارند. برخی از این مراکز عبارت‌اند از:

۱. مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور؛ ۲. مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ ۳. اندیشگاه آتی‌نگار؛ ۴. مرکز آینده‌پژوهی علوم؛ ۵. انجمن آینده‌نگاری؛ ۶. اندیشگاه آتی‌ساز؛ ۷. سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی؛ ۸. اندیشگاه آصف؛ ۹. گروه آینده‌نگاری صنایع دفاع (مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی)؛ ۱۰. ستاد ویژه توسعه فناوری‌های نوین؛ ۱۱. انجمن علمی آینده‌نگری؛ ۱۲. مرکز آینده‌پژوهی دانشگاه تهران.

اهمیت آینده‌پژوهی و مطالعات مربوط به آینده، به حدی است که مراکز یادشده در کشور ناکافی است و به همین دلیل، ضرورت تکثیر کمی و کیفی مراکز، روزآمدی آنها و بومی‌سازی ابزارها در زمینه آینده‌پژوهی، به شدت احساس می‌شود.

آینده‌پژوهی در حوزه‌های علمی

حوزه‌های علمی شیعه، از دوران امامت صادقین (علیهم السلام) تاکنون، محصول اندیشه‌ها

و تلاش‌های علمی پژوهشی عالمانی است که آثار فراوان آنها، تأثیر عمیقی برآیندگان گذاشته است. از اقدامات اساسی این دانشمندان، جمع‌آوری احادیث روایات معصومان علیهم السلام بوده است. شاید محمدبن یعقوب کلینی، که در عصر غیبت صغرا زندگی می‌کرد، در یک بینش و رویکردی نانوشتۀ آینده نگرانه، به این پرسش‌ها می‌اندیشید: اگر غیبت امام (علیه السلام) به درازا کشد، مردم در رویدادها و حوادث واقعه، چه تکلیفی خواهند داشت؟ آنها چگونه و از چه راهی باید معارف اهل بیت (علیهم السلام) را به دست آورند؟ دانشمندان آتی با چه منابعی و چگونه به مکتب و معارف اهل بیت (علیهم السلام) دست یابند؟ کلینی، پاسخ این پرسش‌ها را در پیوند عالمان دینی آینده با اهل بیت (علیهم السلام) می‌دانست و برای تحقق این پیوند، راهی جز جمع‌آوری احادیث و روایات نمی‌دید. بنابراین، با بهره‌گیری از شاگردان امام رضا، امام هادی و امام حسن عسکری (علیهم السلام) کتابی حدیثی را در بیست سال به نگارش درآورد که نمونه آن را شش تن از علمای اهل سنت با نوشتن صحاح، در یک قرن انجام دادند. کتاب کافی کلینی، از زمان نگارش تا الآن و آینده، از منابع اصیل و معتبر روایی به شمار می‌رود. این‌که اقدام کلینی ناظر به این تصویرسازی بود یا نه و آیا مانند روش‌ها و رویکردهای فعلی آینده‌پژوهی، به آینده‌های گوناگون می‌اندیشید یا خیر، اطلاعی در دست نیست؛ ولی این مسلم است که چنانچه روایات احادیث و دانشمندی نظیر کلینی، شیخ صدوق، شیخ طوسی، علامه مجلسی و ده‌ها تن دیگر از عالمان دینی به جمع‌آوری و کتابت احادیث مشغول نمی‌شدند، معلوم نبود چه بر سر شیعیان و مذهب تشیع می‌آمد. اگر این تلاش‌های آینده‌نگرانه ماندگار نبود، می‌توان حدس زد که در خوشبینانه‌ترین وضعیت، مردم دچار سرگشتگی و حیرانی معرفتی می‌شدند؛ وضعیتی که نمونه آن را می‌توان امروزه در سایر مکاتب بشری مشاهده کرد. بر اساس آنچه گفته شد، رویکرد آینده‌نگرانه به خوبی در سیره علمای سلف به چشم می‌خورد، اما اوضاع متفاوت اکنون، محیط نامطمئن، فناوری در حال تغییر، رقابت بر سر منابع، سرعت داده‌های دانشی، دگرگونی در پدیده‌های علمی و ده‌ها عوامل دیگر، نگاه به آینده را با بصیرت و فهم جدی‌تری مطالبه می‌کند.

اعتماد به ابزارهای نوین توسعه و پیشرفت برای رشد و تعالی

حوزه علمیه در سطوح مختلف، اعم از منطقه‌ای، ملی و جهانی، فعالیت دارد و رسالت نهایی آن، بی‌هیچ مرزی، جهانی و عالم‌گیر است، اما این‌که آینده‌پژوهی چه نسبتی با حوزه علمیه دارد و جایگاه آن در حوزه‌ها چیست، پرسشی است که پاسخ به آن، می‌تواند مسیر بحث آینده‌پژوهی

در حوزه‌های علمیه را روشن‌تر کند. به عبارت دیگر، حوزه‌های علمیه بر پایه سرشت ذاتی خود، به سنت‌گرایی توجه ویژه دارند و در روش و محتوا، خود را مرزبان حفظ اصالت‌های حوزه می‌دانند. بنابراین، چگونه می‌توانند با مقوله آینده‌پژوهی، هم‌زبانی ایجاد کنند؟ آیا حوزه‌های علمیه، اقتضای بهره‌گیری از روش‌ها و رویکردهای جدید آینده‌پژوهی را دارند؟

واقعیت آن است که اگرچه امتیاز حوزه‌های علمیه در سنت‌گرایی و تکیه بر اصالت‌ها، از عوامل مؤثر در حفظ تراث دینی به شمار می‌رود، اما تجربه عملی مدیریتی در حوزه‌ها نشان می‌دهد که حوزه‌ها همواره از ابزارهای مؤثر در ارتقای دانش و بینش جامعه استفاده کرده‌اند. اقداماتی که پس از شکل‌گیری شورای عالی حوزه و ده‌ها مرکز تحقیقاتی، آموزشی و تبلیغی در چند سال اخیر پس از پیروزی انقلاب اسلامی انجام شد، گواه این ادعاست. افزون بر این، راه‌اندازی گروه مطالعاتی نیازسنجی پژوهش در حوزه علمیه قم و رصد فعالیت‌های پژوهشی مورد نیاز جامعه در حوزه‌های گوناگون علوم، تلاش برای تدوین نقشه جامع علمی و نقشه جامع علم، تدوین درخت‌واره علوم و مهندسی رشته‌های حوزوی و تهیه و تنظیم نظام جامع پژوهش، تعیین جهت تولید رشته‌های مختلف دانش دینی، تلاش برای راه‌اندازی مرکز مطالعات راهبردی و از همه مهم‌تر تدوین سند چشم‌انداز حوزه در افق ایران ۱۴۰۴، نشان از توجه حوزه به این مسیر مهم، برای دستیابی به رسالت خود دارد.

سند چشم‌انداز حوزه علمیه در افق ۱۴۰۴، یکی از مهم‌ترین اقدامات حوزه‌های علمیه در ترسیم وضعیت مطلوب برای آینده حوزه به شمار می‌رود. بر اساس این سند در سال ۱۴۰۴: حوزه علمیه نهادی است متعالی، مرجع نهادهای همسو، مؤثرترین اسوه برای مخاطبان، فراگیر در سطح ملی، پاسخ‌گو و نقش‌آفرین در سطح بین‌الملل و پیشرو در ارائه جامع، متقن و فاخر دین و مکتب اهل بیت (علیهم السلام). (مصوبه ۸۶۶، جلسه شماره ۳۱، مورخ ۱۳۹۱/۰۹/۱۷ شورای عالی حوزه)

این سند با بهره‌مندی از رویکرد چشم‌انداز ارزش‌مدار،^۶ از مهم‌ترین اقدامات آینده‌پژوهانه است

۶. برای تدوین چشم‌انداز، از رویکردهای متعددی می‌توان استفاده کرد؛ از جمله دو رویکرد زیر: الف. چشم‌انداز ارزش‌مدار (آرمان‌ها) که در آن ارزش‌ها معیاری برای سنجش درستی مسیر حرکت هستند و به ظرفیت‌ها و بایستگی‌ها نظر دارند و از عباراتی نظیر الهام‌بخش، پرفروغ، متعالی، جایگاه رفیع، نهادینه‌سازی، رسالت، امیدبخشی و فرهنگ برتر استفاده می‌شود.



که مبتنی بر سازوکار روش‌ها و رویکردهای مدرن آینده‌پژوهی تدوین شده است. بی‌تردید، اجرای این چشم‌انداز، منوط به اقدامات پسینی قوی است؛ از جمله راه‌اندازی مرکز آینده‌پژوهی برای اجرا، رصد، بازآفرینی، بازآرایی، روزآمدی و توازن همه‌دستگاه‌ها و عوامل مؤثر در تحول و پیشبرد چشم‌انداز. با وجود اقدامات یادشده، هنوز حوزه‌ها در رصد تصاویر آینده، شتاب لازم را نداشته‌اند. به عبارتی دیگر، اگرچه نگاه معرفت‌شناسانه به انسان و هستی در بینش حوزوی وجود دارد اما، احتیاج بشر به شرح و بسط این مبانی و تسری آن در زندگی توده‌ها، ناظر به نیازهای زمانه، به شدت احساس می‌شود. متون درسی حوزه در مباحثی نظیر هنر، تحولات تمدنی، اندیشه سیاسی، نظریه‌پردازی دولت دینی، اقتصاد کلان، حوزه فرهنگ و به طور خاص مهندسی فرهنگی کمتر روش‌مند و تخصصی بوده است. افزون بر این، در مدیریت متون آموزشی و پژوهشی حوزوی تغییر روش‌مند ایجاد نشده است و پژوهش‌های دین‌شناختی ورودی به حوزه، فرایند مدیریت راهبردی نداشته‌اند (آکوچکیان، ۱۳۹۲). این خلأها ضرورت انتظار شتاب را در حوزه‌های پیشرو و به‌هنگام، بیشتر می‌کند. بنابراین، حوزه می‌تواند با پشتوانه عمیق و تجربه کم‌نظیر علمی خود، از ابزار نوین مدیریتی با رویکرد جدی‌تری استفاده کند و برابر تحولات آینده آماده‌تر از گذشته باشد.

حوزه علمیه، با حفظ اصالت‌ها و سنت‌های اصیل خویش و با بهره‌گیری از مدیریت روش‌مند و علمی، می‌تواند به آینده امیدوار باشد و در کوران حوادث، تندباد وقایع ایام و رقابت نابرابر با ابزارهای مختلف رسانه‌ای که به نبرد با مبانی دینی برخاسته‌اند، به قیام و مبارزه جدی پردازد.

ضرورت آینده‌پژوهی هماهنگ با اهداف حوزه‌های علمیه

تصمیم‌گیران بدون توجه به اهداف و ارزش‌ها، هیچ مبنایی برای ترجیح آینده‌ای بر آینده دیگر نخواهند داشت و از هیچ رهنمودی نیز برای انتخاب آینده‌ای که باید برای آن تلاش کنند، بهره‌مند نخواهند شد (وندل بل، ۱۹۹۵، ص ۱۲۵). والاترین هدف آینده‌پژوهی در نگاه مادی، حفظ و ارتقای سطح رفاه بشر و ظرفیت‌های تداوم‌بخش زندگی او بر کره زمین است (همان، ص ۲۲۰).

ب. چشم‌انداز توانمندساز و قدرت‌مدار که آن را دیدمان‌های توانمندمحور یا نیازمحور ایجاد می‌کنند. در این‌گونه چشم‌اندازها، به جای بایستگی، بر شایستگی‌ها تأکید می‌شود و فرصت‌ها و چالش‌ها را بیشتر در نظر می‌گیرد. در ترکیب نوشتاری این چشم‌اندازها، عباراتی نظیر رشد و توسعه، کسب جایگاه اول، تأثیرگذاری منطقه‌ای و جهانی، انطباق‌پذیری، تعامل‌پذیری، کارایی، بهره‌وری و رقابت دیده می‌شود (آینده‌پژوهی، مفاهیم و روش‌ها، ۱۳۸۸: ۳۷).



رسالت حوزه‌های علمیه، تواناسازی هرچه بیشتر حوزه‌ها در پاسخ‌گویی به نیازهای فرهنگی جوامع بشری و برنامه‌ریزی برای مقابله با تهاجم دشمنان و منحرفان ضد اسلام و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است (سایت شورای عالی حوزه‌های علمیه، اساسنامه، ماده ۵، بند د، و، ۹۲/۷/۲۲).

عوامل متعددی در لزوم توانمندسازی حوزه‌ها جهت پاسخ‌گویی به نیازهای جوامع بشری و برنامه‌ریزی ناظر به آینده مدخلیت دارند از جمله این‌که:

۱. یکی از مسیرهای «تبیین روش مند و صیانت هوشمندانه از اسلام ناب و مکتب تشیع» بهره‌گیری از قدرت دانش آینده‌پژوهی است. در آینده‌پژوهی مدرن - صرف نظر از سنت غربی یا شرقی آن - در هر بازه زمانی معین و در هر حوزه معین، تنها یک چشم‌انداز مورد توجه است، اما در سنت آینده‌پژوهی اسلامی، همواره و در هر زمینه باید از دو چشم‌انداز هم‌بسته گفت‌وگو شود که در امتداد هم قرار دارند:

یک. چشم‌انداز تقدیری که همان چشم‌انداز آرمانی موعود است که از بالا تقدیر می‌شود.
دو. چشم‌انداز تدبیری که جنبه میان‌راهی دارد و از پایین تدبیر می‌شود. به عنوان مثال، چشم‌انداز بیست ساله کشور در این برهه از زمان، چشم‌اندازی تدبیری است که در راستای چشم‌انداز تقدیری تعریف شده است. آینده‌پژوهی با روش چشم‌انداز تدبیری، ابزاری برای صیانت هوشمندانه از اسلام ناب و مکتب تشیع (چشم‌انداز تقدیری) به شمار می‌رود.

۲. یکی از مهم‌ترین دلایل دشواری‌های زندگی در زمانه ما و نامتناسب بودن حوزه نیازها و پاسخ‌ها، عدم آمادگی گذشتگان برای مخاطرات احتمالی امروز است. روزمره‌گی‌ها و نگرش غیرراهبردی موجب پیدایش این مخاطره شده است. آماده شدن برای فردا و کم شدن نگرانی‌ها اصل دیده‌بانی آینده را با جدیت بیشتر طلب می‌کند.

۳. رشد لحظه‌ای و تغییرات شتابان فن‌آوری، علم و تحول در ساحت‌های مختلف حیات اجتماعی، تغییر در الگوی آموزش و پژوهش‌های دینی به واسطه تغییر در نگرش‌ها، تأثیرپذیری سبک زندگی مردم از تحولات علم و فن‌آوری و هنر، لزوم شناخت زمانه برای غافلگیر نشدن در مواجهه با تهدید و سرعت تحولات و تأثیرپذیری نظام مأموریتی حوزه‌های علمیه از آن از جمله عوامل ضرورت آینده‌پژوهی در حوزه‌های علمیه است.

۴. حوزه با دسته‌های متنوعی از رقیبان مواجه است. رقبایی از سایر ادیان و مذاهب و رقبایی با

نگرش‌های غیر دینی. حوزه باید از برنامه‌های فعلی و آتی رقبا اطلاع داشته و با توجه به نوع نگرش آنان سناریوهایی را برای پیش‌گیری مخاطرات احتمالی تدوین کند. لذا دو عرصه ذیل محل توجه نهاد حوزه‌های علمیه است.

یک. رصد وضعیت آینده‌پژوهی دستگاه‌ها و نهادهای آموزشی، پژوهشی و تبلیغی، یهودیت، مسیحیت، سایر ادیان و مکاتب فکری که در قالب عرفان‌های نوظهور فعالیت دارند.

دو. رصد فعالیت‌های اهل سنت و نحله‌های مختلف انحرافی در سطح بین‌الماذهبی.

بنابراین تمام مراکز پژوهشی، آموزشی سطح عالی، مراکز تخصصی آموزشی، مراکز تبلیغی، و همه مراکز ستادی و صفی که نقشی در برنامه‌های حوزه‌های علمیه دارند چاره‌ای جز اقدام بر اساس نیازسنجی آینده‌نگرانه ندارند و هر اقدامی بدون توجه به آن می‌تواند علاوه بر هدر دادن منابع و امکانات، فرصت‌های فراوان پیش‌روی حوزه را از بین برده و تهدیدهای هولناکی را متوجه حوزه‌ها کند که چه بسا حل مشکلات ناشی از این بی‌توجهی هزینه‌های فراوانی برای آینده حوزه‌ها و عالم تشیع در بر داشته باشد.

پیشنهاد

با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و یا ثبات، می‌توان به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آنها پرداخت. محیط‌های دانشگاهی کشور ما تا حدودی به اهمیت این حیطة علمی پی برده و رشته آینده‌پژوهی در دو مقطع کارشناسی ارشد و دکتری در بعضی از دانشگاه‌ها در حال پرورش آینده‌پژوه است. در حوزه‌های علمیه اگر چه اقداماتی نظیر تدوین سند چشم‌انداز، راه‌اندازی موقت گروه آینده‌پژوهی و برگزاری کارگاه‌ها و جلسات آینده‌پژوهی انجام شده است. اما اقدام اساسی‌ای صورت نگرفته است. لذا ضمن توجه به این نکته که تفکر آینده‌اندیشی از جمله مباحثی است که حوزه علمیه باید به آن توجه جدی نماید پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

۱. تشکیل سازمان یا پژوهشگاهی مستقل زیر نظر شورای عالی حوزه ناظر به دو حوزه ذیل:

یک. رصد برنامه‌های کلان و راهبردی حوزه‌های علمیه؛

دو. پشتیبانی مستمر بخش‌های مربوط در حوزه‌های علمیه و مؤسسات و مراکز تخصصی آموزشی و پژوهشی.

۲. راه‌اندازی رشته تخصصی آینده‌پژوهی در حوزه‌های علمیه؛

۳. اختصاص دو واحد درسی در همه رشته‌های تخصصی حوزوی به منظور آشنایی طلاب با مقوله آینده‌پژوهی؛

۴. برگزاری کارگاه‌های آینده‌پژوهی در حوزه‌های علمیه به منظور آموزش آینده‌پژوهی؛ مفاهیم، مدل‌ها و مدل مناسب آینده‌پژوهی در حوزه‌های علمیه به مدیران، برنامه‌ریزان، اساتید و پژوهشگران.

نسبت آینده‌پژوهی با نیازسنجی پژوهشی

آینده‌پژوهی دانشی میان‌رشته‌ای است که در پی شناسایی و کشف آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح و کاربست آن در زمان حال است. هدف آینده‌پژوهی کشف، ابداع، امتحان، ارزیابی و پیشنهاد آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح به منظور شکل‌گیری آینده مطلوب است. در آینده‌پژوهی با رویکرد نیازسنجی پژوهشی، آینده‌ای شکل می‌گیرد که فرایند و سازوکار نیازسنجی پژوهشی در آن حضور فعال دارد.

گام نخست در آینده‌پژوهی، تعیین قلمرو است و این‌که مسائل مهم و دارای اولویت ناظر به آینده از چه طریقی و چگونه به دست می‌آید. پاسخ به این سؤال روشن است، زیرا تا یک نیازسنجی استاندارد و روش‌مند انجام نشود، چنین امری محقق نخواهد شد. بنابراین، در پروژه‌های آینده‌پژوهی باید نیازها شناسایی و اولویت‌یابی شود و این فرایند نیز از طریق نیازسنجی پژوهشی انجام می‌شود. ضمن این‌که نتیجه آینده‌پژوهی می‌تواند سند معتبری در مرحله شناسایی نیازها باشد؛ همچنان‌که اسناد بالادستی که محصول آینده‌پژوهی است، نظیر سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، به عنوان منابع نیازسنجی پژوهشی مورد استفاده در مرحله شناسایی نیازها قرار می‌گیرند. به علاوه، از مهم‌ترین شاخص‌ها در تعیین ملاک‌های اولویت‌گذاری، توجه و تناظر مسئله با آینده است.

بنابر آنچه گفته شد، نسبت آینده‌پژوهی با نیازسنجی، جزء و کل است؛ یعنی یکی از محورها و جهت‌های نیازسنجی پژوهشی می‌تواند محور مطالعه آینده‌نگرانه باشد. در این راه، برخی ابزارها و تکنیک‌های آینده‌پژوهی نظیر سناریونویسی، در شناسایی نیاز استفاده می‌شود. افزون بر این، با بهره‌گیری از تکنیک‌های اولویت‌یابی، می‌توان طبقات مختلف نیازهای پژوهشی را شناسایی کرد. و کاربردهای آن را ناظر به آینده تبیین کرد (فتحی، ۱۳۸۷، ص ۲).

نکته دیگر، امکان بهره‌گیری از برخی روش‌های آینده‌پژوهی در نیازسنجی پژوهشی و بالعکس است. ضمن این‌که برخی روش‌های آینده‌پژوهی در پاره‌ای از فرایندهای نیازسنجی پژوهشی قابل استفاده است.

نیازسنجی پژوهشی با رویکرد آینده‌نگرانه

از سوی صاحب‌نظران حوزه نیازسنجی و آینده‌پژوهی روش‌های متنوعی برای شناسایی نیازهای پژوهشی ناظر به آینده پیشنهاد شده است که در این بحث به دو روش «نظرخواهی و مشاوره» و «الگوی هفت پرسش» اشاره می‌شود.

۱. روش نظرخواهی و مشاوره

در این روش، با استفاده از گفت‌وگو، مصاحبه و پرسش‌نامه، نظرات کارشناسان و افراد خبره، نیازهای ناظر به آینده جمع‌آوری می‌شود و با استفاده از روش‌های مختلف نظیر روش «دلفی» توافق حاصل می‌شود. مراحل اجرایی این روش عبارت‌اند از:

یک. شناسایی مشارکان، صاحب‌نظران در حیطه موضوع پژوهش و تبیین ضرورت مسئله.
دو. تدوین پرسش‌های گفت‌وگو با هدف شناسایی عوامل مؤثر شامل نیروهای محرک و بیشران اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی. برخی از این پرسش‌ها عبارت‌اند از:

۱. حیطه‌های کلیدی موضوع مورد پژوهش کدام‌اند؟
۲. آیا حیطه‌های یادشده دغدغه‌اندیشمندان موضوع مورد پژوهش است؟
۳. مؤثرترین و ذی‌نفوذترین اشخاص در حیطه موضوع مورد پژوهش، در آینده نزدیک، به چه چیزی فکر می‌کنند؟ مثلاً اندیشمندان و مراجع تقلید جهان اسلام در آینده نزدیک، به چه مسئله‌ای می‌اندیشند؟

۴. چه تصمیم‌هایی در آینده موضوع مورد پژوهش اثر بلندمدت دارد؟

۵. چه رویدادهایی در رشد و توسعه موضوع مورد پژوهش مؤثر است؟

سه. جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده.

چهار. اجرای روش دلفی با هدف اجماع و توافق بر مسائلی که در پرسش‌نامه به دست آمد.

پنج. تدوین سناریوهای آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح و تعیین محتمل‌ترین آینده ناظر به



پیش‌بینی حوادث آینده و برنامه‌ریزی برای مهار، هدایت و مدیریت آن براساس آینده‌دلخواه و ارزش‌محور.

شش. ساخت عناوین پژوهشی ناظر به نتایج به دست آمده. از طریق پرسش‌های به دست آمده، عناوین ناظر به آینده موضوع پژوهش در افق بلندمدت، تعیین می‌شود. این همان گام پنجم است که در نمودار زیر نشان داده شده است.

گام ششم	گام پنجم	گام چهارم	گام سوم	گام دوم	گام اول
ساخت عناوین پژوهشی ناظر به آینده‌ها	تدوین آینده‌های مختلف	اجرای فن دلفی با هدف اجماع و توافق بر روی پاسخ‌های دریافتی از پرسش‌نامه	جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات	تدوین پرسش‌های گفت‌وگو و اجرای مصاحبه	شناسایی مشارکان و صاحب‌نظران در حیطه موضوع پژوهش و تبیین ضرورت مسئله

نمودار الگوی نیازسنجی پژوهشی آینده‌محور با روش نظرخواهی و مشاوره

۲. الگوی هفت پرسش

برای مشخص ساختن قلمرو پژوهش، ابزارهای گوناگونی وجود دارد که یکی از آنها، روش الگوی هفت پرسش است. اهدافی که از یادگیری این روش دنبال می‌شود، بدین شرح است:

۱. درک دغدغه‌ها و درخواست‌های ذی‌نفعان؛
 ۲. شناسایی موضوعات کلیدی که باید آنها را کاوید؛
 ۳. اطمینان از این‌که در پروژه، تمامی موضوعات بررسی خواهند شد.
- در این روش باید به نکته‌های زیر توجه جدی شود:
۱. هفت پرسش ابزار مناسبی برای نشست‌های دو نفره بین شما و ذی‌نفعان کلیدی است.
 ۲. برای هر نشست، زمان کمی را اختصاص دهید. (مثلاً تنها نیم ساعت فرصت دارید)
 ۳. مراقب باشید که این نشست‌ها برای گفت‌وگوهای چالشی مناسب نیستند. تنها باید پرسش‌ها را مطرح کنید و به پاسخ‌ها گوش دهید. نوشتن هر یک از پرسش‌ها روی یک برگه و دادن آن به

مصاحبه شونده نیز می‌تواند روش مناسبی باشد.

۴. پس از پایان نشست، باید یادداشت کوتاهی مانند صورت جلسه تهیه کنید و آن را برای مصاحبه شونده ارسال کنید که دیدگاه‌های خود را پیرامون آن ارائه دهد. در پایان تمامی دیدگاه‌ها را با هم یکی کنید تا این‌گونه به نظر آید که اینها دیدگاه‌های یک ذی‌نفع بدون نام است.

هفت پرسشی که در این روش به کار گرفته می‌شود، عبارت‌اند از:

۱. اگر می‌توانستید از یک پیش‌گو کمک بگیرید، از او چه پرسش‌هایی پیرامون پانزده سال آینده ناظر به موضوع مورد پژوهش می‌پرسید؟

۲. چشم‌انداز موفقیت در موضوع مورد پژوهش چیست؟

۳. اگر این چشم‌انداز محقق نشود، چه مخاطراتی موضوع مورد پژوهش را تهدید خواهد کرد؟

۴. تحقق این چشم‌انداز نیازمند چه تغییراتی است؟

۵. اگر به ده سال گذشته نگاه کنید، چه موفقیت‌هایی را می‌توانید برای موضوع مورد پژوهش خلق کنید و از چه شکست‌هایی می‌توانید درس بگیرید؟

۶. برای تضمین تحقق چشم‌انداز یادشده، چه باید کرد؟

۷. اگر قدرت انجام هرکاری را داشتید، کار دیگری وجود داشت که بخواهید انجام دهید؟ (خزائی، ۱۳۸۷، ص ۳۰)

نتیجه‌گیری

ارتباط وثیقی بین نیازسنجی پژوهشی و علم آینده‌پژوهی وجود دارد. با رویکرد آینده‌نگرانه به نیازها و اولویت‌های پژوهشی، می‌توان بر بسیاری از چالش‌های پیش‌رو در عرصه‌های مختلف فائق آمد. از تکنیک‌های آینده‌پژوهی می‌توان در شناسایی نیازهای پژوهشی و نیز در فرایند نیازسنجی پژوهشی بهره برد؛ همان‌طور که با استفاده از تکنیک‌های نیازسنجی و اولویت‌یابی می‌توان طبقات مختلفی از نیازهای آینده را تعیین کرد. حوزه‌های علمیه، علاوه بر نیاز به شناخت موضوعات نوپدید و مستحدثه و رسالت تبع و پاسخ‌گویی روزآمد و متقن به آنها، باید با نگاه روشن‌بینانه به آینده‌های نزدیک و دور، حوادث واقعه را پیش‌بینی کرده و براساس آن به تعریف و شناسایی نیازهای پژوهشی خود بپردازد، و در این راستا نیاز شدیدی به بهره‌گیری از روش‌ها و تکنیک‌های علوم روز بخصوص نیازسنجی و آینده-پژوهی دارد. از جمله روش‌های شناسایی نیازهای پژوهشی با رویکرد آینده‌نگرانه

می‌توان به روش نظرخواهی و مشاوره و نیز الگوی هفت پرسش اشاره کرد، که با برگزاری کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی می‌توان مدیران و محققان را با این روش‌ها آشنا کرد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آکوچکیان، احمد، تعیین جهت تولید رشته‌های مختلف دانش دینی در وضعیت موجود و مطلوب، معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۲ ش.
۳. آینده‌پژوهی (مفاهیم و روش‌ها)، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ۱۳۸۸ ش.
۴. حاجیانی، ابراهیم، مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰ ش.
۵. حسینی‌زاده، سیدمحمدعلی، شکل‌گیری و تحول حوزه‌های علمیه، تهران، مؤسسه فرهنگی دین‌پژوهی بشرا، ۱۳۸۹ ش.
۶. سلاتر، ای. ریچارد و همکاران، نواندیشی برای هزاره نوین، ترجمه عقیل ملکی فرو همکاران، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ۱۳۷۸ ش.
۷. شورای عالی حوزه‌های علمیه، سند چشم‌انداز، اسناد داخلی، ۱۳۹۱ ش.
۸. ناظمی، امیر، غدیری، روح‌الله، (۱۳۸۵)، آینده‌نگاری از مفهوم تا اجرا، وزارت صنایع و معادن، تهران، انتشارات مرکز صنایع نوین.
۹. وندل بل، مبانی آینده‌پژوهی، ترجمه مصطفی تقوی و محسن محقق، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ۱۳۷۸ ش.

کتابخانه تخصصی پژوهش در یک نگاه

چکیده: پیشرفت سریع علم و تکنولوژی در عصر حاضر به گونه‌ای است که بشر را با حجم عظیمی از اطلاعات مواجه ساخته است. در گذشته کتابخانه‌ها فقط محل نگهداری دست‌نوشته‌ها، کتاب‌ها و مدارک چاپی بوده‌اند. ولی در حال حاضر بدون سازمان‌دهی و پردازش اطلاعات به گونه‌ای نظام‌یافته و تخصصی، امکان بهره‌برداری از آنها وجود ندارد. به همین علت، کتابخانه‌های تخصصی و کتابداران آنها نقشی حیاتی در این زمینه ایفا می‌کنند. به عبارت دیگر، کتابخانه‌های تخصصی نتیجه رویکرد و نگاهی نو به پدیده اطلاعات و دانش‌اند. در این نگاه، کتابداران دیگر نه فقط کارمندان اداری یک مؤسسه‌اند، بلکه به مدیرانی فعال و پویا در عرصه تولید، مدیریت و اشاعه اطلاعات و دانش تبدیل می‌گردند. از جمله این کتابخانه‌ها، کتابخانه تخصصی پژوهش است که با هدف جمع‌آوری، سازمان‌دهی و اشاعه اطلاعات، اسناد و مدارک پیرامون پژوهش، سال‌هاست در حوزه علمیه قم، توسط معاونت پژوهش این حوزه پی‌گیری می‌شود و تاکنون پیشرفت‌های قابل توجهی داشته است. با این حال، برای شناخت دقیق آن و بررسی نقش و کارکرد و راهکارهای توسعه همه‌جانبه آن تلاش زیادی صورت نگرفته است. در این مقاله، ابتدا ماهیت، ضرورت، نقش و کارکرد کتابخانه تخصصی پژوهش به عنوان یکی از ارکان نظام جامع پژوهش حوزه‌های علمیه بررسی می‌شود، سپس گزارشی از وضعیت فعلی این کتابخانه ارائه می‌گردد و در ادامه موانع موجود و راهکارهای رفع این موانع، برای رسیدن به استانداردهای لازم و برآوردن کامل نیازهای پژوهشگران و مدیران در زمینه پژوهش پژوهی مورد بررسی قرار می‌گیرد. هدف از این مقاله، معرفی کتابخانه تخصصی پژوهش حوزه‌های علمیه و بررسی نقش آن در نظام پژوهش حوزه‌ها و ارائه راهکارهای مناسب در جهت ارتقای آن، با انگیزه کمک به سازمان‌دهی و بهبود وضعیت پژوهش در حوزه‌های علمیه است.

کلیدواژه‌ها: پژوهش، کتابخانه تخصصی، کتابخانه تخصصی پژوهش، سازمان‌دهی اطلاعات، تولید دانش، نظام پژوهش، بهره‌وری اطلاعات، پژوهش پژوهی، حوزه علمیه.

پیشگفتار

بیش از صد سال از طرح ایجاد کتابخانه‌های تخصصی می‌گذرد. تاکنون این نوع کتابخانه‌ها روند رو به رشدی را طی کرده‌اند و با استقبال بسیار پژوهشگران و مدیران پژوهشی مواجه شده‌اند؛ تاجایی که امروزه این نوع کتابخانه‌ها عضو کلیدی در نظام اطلاع‌رسانی کشورهای توسعه‌یافته تلقی می‌گردند و در تولید، مدیریت و اشاعه اطلاعات نقش بسزایی دارند. تصور این‌که مجموعه‌ای از اطلاعات در زمینه خاص در یک محیط گردآوری، ارزیابی، سامان‌دهی و ارائه می‌گردد، برای تصدیق مطلوبیت و ضرورت آن کافی است. در کشور ما هنوز نقش و جایگاه این نوع کتابخانه‌ها به درستی شناخته نشده است. همچنین با نگاهی اجمالی به کتابخانه‌های حوزه‌های علمی، می‌توان به حضور کم‌رنگ این واحدها و تأثیر ناچیز آنها در مدیریت و بهره‌وری اطلاعات پی برد و دلیل آن را عدم آشنایی و شناخت این نهاد علمی در نظام علمی حوزه قلمداد کرد. با توجه به جایگاه و رسالت معاونت پژوهش حوزه‌های علمی در مدیریت و ساماندهی امر پژوهش و با توجه به نقشی که کتابخانه تخصصی پژوهش می‌تواند در این راستا ایفا کند، مضاف بر آن نیاز مدیران و پژوهشگران حوزه‌های علمی به منابع و متون پژوهش پژوهی، با شناخت درست جایگاه این نهاد و ارائه راهکارهای مناسب در جهت ارتقای آن، می‌توان کمک فراوانی به سازمان‌دهی و بهبود وضعیت پژوهش در حوزه‌های علمی کرد.

تعریف و ماهیت

اصطلاح کتابخانه تخصصی پژوهش از دو کلیدواژه تشکیل شده است:

الف. کتابخانه تخصصی: کتابخانه تخصصی به مفهوم امروزی پدیده رو به رشدی است که پس از انقلاب صنعتی در اروپا شکل گرفته است. قبل از آن کتابخانه‌هایی در زمینه خاص وجود داشتند، اما کتابخانه تخصصی نامیده نمی‌شدند (رضایی، ۱۳۸۸، ص ۲۶)، مثل کتابخانه دارویی پاریس (۱۵۷۰). از کتابخانه تخصصی تعاریف فراوانی ارائه شده است، اما پاسخ دادن به این سؤال که کتابخانه تخصصی چیست، ساده نیست. برخی منابع دست اول حدود ۲۹ تعریف را برای کتابخانه تخصصی بر اساس یک ترتیب زمانی (۱۹۷۶-۱۹۱۰) تهیه کرده‌اند. با این حال، هنوز یک تعریف واضح، قابل قبول و جامع ارائه نشده است (صابری و پولادی، ۱۳۸۵).

طبق تعریف «استانداردهای کتابخانه‌های تخصصی» کتابخانه تخصصی کتابخانه‌ای است

تحقیقاتی که با مجموعه‌های خود خدمات اطلاعاتی ویژه‌ای به گروهی از کاربران ارائه می‌دهد. این اصطلاح مراکز خدمات اطلاع‌رسانی را نیز دربرمی‌گیرد (تعاونی، ۱۳۹۰، ص ۱). طبق تعریف انجمن بین‌المللی کتابخانه‌های تخصصی (اسلیب)، کتابخانه تخصصی مکانی است که در آن اطلاعات به روشی که بیشترین سودمندی را داشته باشد، ارزیابی، تجزیه، سازمان‌دهی، بسته‌بندی و ارائه می‌شود (kimberly, ۲۰۰۲؛ نقل در، رضایی، ۱۳۸۸).

در اصطلاح نامه کتابداری نیز کتابخانه تخصصی بخشی از یک سازمان تعریف شده که هدف آن فراهم ساختن اطلاعات کامل برای پیشرفت کار سازمان یا برای گروه محدودی است (سلطانی، ۱۳۸۱، ص ۳۳۴).

گاهی برخی از کتابخانه‌های عمومی بزرگ دارای واحدهای علمی قدرتمندی هستند؛ این واحدها نوعی کتابخانه تخصصی به حساب می‌آیند، مانند واحد علوم کتابخانه عمومی نیویورک و نیز کتابخانه عمومی جان کررادر شیکاگو که به علوم، تکنولوژی و پزشکی اختصاص دارد (مختاری معمار، ۱۳۷۶، ص ۱۱۵).

همچنین در هر کشوری با توجه به فرهنگ، تمدن و شرایط سیاسی و اجتماعی، کتابخانه‌هایی تخصصی با رویکرد خاص شکل می‌گیرد که مانند فرهنگ همان کشور انحصاری است. به عنوان مثال، در کشور ما کتابخانه‌های تخصصی دفاع مقدس، کتابخانه تخصصی انقلاب اسلامی، کتابخانه تخصصی امام خمینی (ره) از این جمله‌اند. هرچند تعداد زیادی از این نوع کتابخانه‌ها به دلیل صرفاً مجموعه مدار بودن، از تعریف استانداردهای جهانی به دور هستند و فقط در خاص بودن موضوع با هم اشتراک دارند، کتابخانه‌های تخصصی نامیده می‌شوند.

در مجموع کتابخانه تخصصی، کتابخانه‌ای با این چند ویژگی است: ۱. مجموعه آن از نظر موضوع ماهیت تخصصی دارد؛ ۲. به گروهی متخصص خدمات ارائه می‌دهد؛ ۳. نیروی انسانی شاغل در این کتابخانه در یک رشته موضوعی تخصص دارند؛ ۴. خدمات اختصاصی ویژه‌ای ارائه می‌دهد (مدیرامانی، ۱۳۸۵).

ب. پژوهش: «پژوهش» اسم مصدر یا حاصل مصدر از واژه «پژوهیدن» است که از بن مضارع «پژوه» و «ش» اسم مصدری ساخته شده است. اسم مصدر، اسم حدث غیرجاری بر فعل است. به عبارت دیگر، از مصدر حاصلی دیگر بیرون می‌آورند و آنرا حاصل مصدر گویند. مثل روش که حاصل

از رفتن است و رفتار که حاصل از رفتن است. گاهی اسم مصدر تدریجا از معنی اسم مصدری خارج شده و به اسم عام مبدل می‌شود. مانند «خورش» که نخست به معنی خوردن بود و تدرجا به معنی چیزی که با نان یا برنج بخورند، تبدیل شد. اسم مصدر با حفظ معنی اسم مصدری، در موقعیت‌های گوناگون حکایت‌کننده از یک شأنی است؛ از جمله آنها: عمل، روش، نحله، شغل، حرفه، رسم و آیین، فن، مکان، آلت و... (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۵۵۱).

در لغت «پژوهش» به معنای پی‌جویی، جستجو و بازجستن است (همان، ص ۲۵۵۱). در اصطلاح به کنکاش و جستجویی آگاهانه، هدفمند و روش‌مندانه برای یافتن چستی یک پدیده گفته می‌شود (طهران‌چی، ۱۳۹۰، ص ۵). طبق سند واحد استانداردسازی معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه، «پژوهش» فرایند تولید دانش است (معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه، گروه استانداردسازی پژوهش، ۱۳۹۰). گاه پژوهش گفته می‌شود، مراد محصول یا نتیجه پژوهش است؛ گاه منظور، نگارش تحقیق است؛ گاه پژوهش به عنوان یک مقوله عام مد نظر قرار می‌گیرد که شامل مجموعه‌های اموری است که به پژوهش و مسائل پیرامونی آن (روش، محصولات، پژوهشگران، پژوهش‌گاه‌ها و...) مربوط است. بنابراین، می‌توان پژوهش را به عنوان یک موضوع و مقوله عام که دارای ابزار، قواعد، عناصر، انواع، راهبردها، نظام، فرایند و... است، مورد مطالعه قرار داد و مجموعه مطالعات در این زمینه را علم پژوهش یا پژوهش پژوهی نامید.

بنابراین، «کتابخانه تخصصی پژوهش» کتابخانه‌ای است که به مدیریت اطلاعات، یعنی جمع‌آوری، سازمان‌دهی و اشاعه اطلاعات درباره پژوهش به عنوان یک موضوع و مقوله عام می‌پردازد و در صدد معرفی و بررسی پژوهش و امور مربوط به آن به عنوان یک موضوع پژوهشی است که می‌توان آن را کتابخانه پژوهش پژوهی نامید.

تاریخچه

تحولات علمی و فنی شگرف قرن‌های هجدهم و نوزدهم، در افزایش دانش صنعتی و علمی تأثیر بسزایی داشت. تولید و تکثیر منابع چاپی، موجب افزایش حجم اطلاعات شد و به دنبال آن ضرورت سازمان‌دهی و کنترل مطلوب اطلاعات به‌ویژه در حوزه صنعت و تجارت مطرح شد. در اوایل دهه ۱۹۰۰، جان کاتن دانا، کتابدار کتابخانه عمومی نیوآرک در ایالت نیوجرسی آمریکا، با این اعتقاد که برای جوابگویی به نیازهای بخش صنعت و تجارت مجموعه‌های تخصصی مورد نیاز

است، به همراه ۲۶ نفر کتابدار از آمریکای شمالی، انجمن کتابخانه‌های تخصصی (اس.ال.ای) را تأسیس کرد (صابری، پولادی، ۱۳۸۵). بعدها در ۱۹۲۴، در بریتانیا نیز انجمن مشابهی به نام «انجمن کتابخانه‌های تخصصی و مراکز اطلاع‌رسانی» ایجاد شد که امروزه با نام رسمی «اسلیب» شناخته می‌شود. در ابتدا اکثر کتابخانه‌های تخصصی در حوزه صنعت و تجارت فعالیت می‌کردند، ولی بعد از جنگ جهانی دوم، در حوزه علوم و فنون نیز کتابخانه‌هایی تخصصی تأسیس شد و از جنگ جهانی دوم، آمار آن تقریباً هر پانزده سال دو برابر و نیم شده است (مدیرامانی، ۱۳۸۵). با استناد به گزارش ملی سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران، امروزه بیش از ۱۰۶۰ کتابخانه تخصصی و مراکز اطلاع‌رسانی در سراسر ایران وجود دارند که در زمینه‌های مختلف مشغول فعالیت می‌باشند و هر سال بر تعداد آنها افزوده می‌شود (حسن‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۵۰). از مهم‌ترین کتابخانه‌های تخصصی ایران می‌توان به کتابخانه و مرکز اطلاع‌رسانی سازمان برنامه و بودجه، سازمان انرژی اتمی ایران، جهاد کشاورزی، وزارت امور خارجه، کتابخانه و مرکز اطلاع‌رسانی پژوهشگاه علوم انسانی اشاره کرد (صابری و پولادی، ۱۳۸۵).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و همگام با توجه و رویکرد جامعه و نظام اسلامی به دین و مطالعات دینی، کتابخانه‌های تخصصی در حوزه‌های علمیه در موضوعات مختلف دین‌پژوهی شکل گرفتند. امروزه تنها در حوزه علمیه قم بیش از ده کتابخانه تخصصی در رشته‌های مختلف علوم حوزوی مشغول ارائه خدمات به پژوهشگران و طلاب علوم دینی هستند که از مهم‌ترین آنها کتابخانه تخصصی فقه و اصول، کتابخانه تخصصی تفسیر و علوم قرآن و کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام می‌باشد.

اندیشه کتابخانه تخصصی پژوهش، با آغاز فعالیت دفتر مطالعات پژوهشی معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه همگام بوده است. از آنجا که این دفتر در راستای اهداف خود، یعنی سامان بخشی و پشتیبانی امر پژوهش در حوزه‌های علمیه، به مطالعات کارشناسی در زمینه پژوهش نیازمند بود، به تدریج منابع مورد نیاز برای مطالعات کارشناسی از جمله کتاب، مجله و... را تهیه و در قالب آرشیو طبقه‌بندی و کدگذاری نمود. این مجموعه علاوه بر استفاده کارشناسان دفتر مطالعات، برای پژوهشگران همکار این دفتر نیز مورد استفاده بوده است. با توسعه فعالیت‌های دفتر یادشده، نسبت به تهیه منابع بیشتر احساس نیاز شد و بر این اساس تأسیس و راه‌اندازی یک کتابخانه تخصصی با

عنوان «کتابخانه تخصصی پژوهش» از سوی این اداره پیشنهاد گردید. با تصویب طرح پیشنهادی و تخصیص اعتبار لازم، در تاریخ ۸۵/۴/۱۳، اقدامات اجرایی تأسیس و راه‌اندازی کتابخانه مورد بحث آغاز گردید و چون پیش از این، برای اجرای این طرح بررسی‌ها و مشاوره‌های کارشناسی لازم از سوی اداره مورد نظر به عمل آمده بود، علی‌رغم تأخیر در تخصیص اعتبار طرح، اجرای آن از جمله جذب کتابدار، تهیه تجهیزات لازم و نیز شناسایی و تهیه منابع به سرعت به انجام رسید. شایان ذکر است، با توجه به بررسی‌های به عمل آمده، تأسیس کتابخانه تخصصی پژوهش در سطح کشور سابقه ندارد و کتابخانه یادشده نخستین کتابخانه تخصصی در این زمینه خواهد بود که علاوه بر بهره‌برداری مدیران، کارشناسان و پژوهشگران معاونت پژوهشی، برای سایر بخش‌های حوزه‌های علمیه قابل استفاده است.

ضرورت و اهداف

کتابخانه‌های تخصصی از مهم‌ترین ابزارهای توسعه سازمان و کشور محسوب می‌شوند و در نظام‌های اطلاع‌رسانی جایگاه ویژه‌ای دارند. کتابخانه‌های تخصصی به صورت شبکه‌های به هم پیوسته و تعاملی، جزئی از نظام ملی اطلاع‌رسانی کشورهای توسعه‌یافته را تشکیل می‌دهند. شرا (فیلسوف بزرگ آمریکایی)، قرن بیستم را قرن کتابخانه‌های تخصصی می‌نامید. امروزه دولت‌ها برای تبدیل شدن به دولت الکترونیک، توسعه شبکه‌های اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های تخصصی را در دستور کار خود قرار می‌دهند (صابری و پولادی، ۱۳۸۵). این در حالی است که تاکنون این نوع کتابخانه‌ها در کشور ما به طور جدی مورد توجه مؤسسات و سازمان‌ها قرار نگرفته‌اند؛ هرچند می‌توان دلایل مختلفی را در این زمینه دخیل دانست، اما در این میان، عوامل فرهنگی توسعه نیافتگی که ناشی از طرز تلقی بسیاری از سیاست‌گذاران و مؤسسات ما در اعتقاد به نقش این کتابخانه‌ها در توسعه دانش سازمان است، بیش از سایر موارد مطرح است (نوروزی چاکلی، ۱۳۸۳).

هم‌اکنون در کشور ما تعداد زیادی کتابخانه‌های تخصصی در زمینه‌های مختلف علمی و پژوهشی وجود دارند و در این میان برخی از آنها در زمینه علوم اسلامی مثل قرآن، حدیث، فقه، اصول و... فعال‌اند، اما پیرامون خود پژوهش نه کتابخانه‌ای تخصصی وجود دارد و نه در کتابخانه‌ها قفسه‌ای به پژوهش پژوهی اختصاص داده شده است و اگر هم منابعی وجود داشته باشد، آن چنان غنی نیست که نیازهای اولیه محققان حرفه‌ای را فراهم کند. به همین دلیل، مقولات پژوهشی، اعم

از سیاست‌گذاری تحقیق، روش تحقیق، قوانین و مقررات پژوهش و...، نسبت به مقولات مشابه مثل آموزش عقب افتاده‌ترند. این در حالی است که پژوهش، موتور اصلی حرکت فرهنگ‌ها و محرک دانش‌ها و عامل پویایی حیات انسان است. انسان هرگونه پیشرفتی به کف آورده و هر نوع ابتکاری داشته، به یمن وجود تحقیق بوده است. علوم بشری بر بال پژوهش پیش رفته‌اند. اندر اهمیت تحقیق و پژوهش همین بس که در دهه‌های اخیر بالاترین ارقام مالی در همه کشورهای پیشرفته برای پژوهش هزینه می‌شود. این معضل محدود به جمع‌آوری یک یا چند کتاب نمی‌شود، بلکه عدم توجه به ساماندهی امر پژوهش در کشورهای کمتر توسعه‌یافته تالی فاسدهای فراوانی داشته است و سبب گشته، محققان باروش‌های کارآمد تحقیق و پژوهش ناآشنا بمانند و نتوانند محتوای پژوهش خود را در قالب‌های جهانی عرضه کنند و در نتیجه از صحنه رقابت بین‌المللی عقب بمانند.

خوشبختانه چندی است مدیران و پژوهشگران پا به عرصه نهاده و با تأسیس معاونت‌های پژوهشی در سازمان‌ها و راه‌اندازی نهادهای صنفی مختلف تلاش کرده‌اند وضعیت وخیم پژوهش را دگرگون سازند و گام به گام به سوی وضع مطلوب پیش روند. اما برای تدوین نظام جامع پژوهش و اتخاذ راهکارها و راهبردهای کلان پژوهش، اولین گام، تهیه مواد و ابزارهای لازم است. این گام با تشکیل کتابخانه تخصصی پژوهش قابل تحقیق است. همچنین کتابخانه تخصصی پژوهش، فرهنگ پژوهش کارآمد را در جامعه توسعه خواهد داد و با این‌روش مقدمات و زمینه‌های تعقل و دانش به‌ویژه دانش حوزوی را فراهم خواهد نمود. به طور کلی کتابخانه تخصصی پژوهش اهداف ذیل را دنبال می‌کند:

۱. فراهم‌سازی زمینه مطالعه و تحقیق برای مدیران و کارشناسان معاونت پژوهش در امور سازمانی مورد نیاز معاونت پژوهش و پژوهشگران علوم دینی در زمینه پژوهش پژوهی؛
۲. ارتقا بخشی سطح علمی مدیران و کارشناسان معاونت پژوهش و نیز پژوهشگران حوزوی از طریق تأمین نیازهای اطلاعاتی آنان در زمینه پژوهش پژوهی؛
۳. ایجاد بستری مناسب جهت رویکرد علمی و مستندسازی اقدامات و تصمیمات مدیران و کارشناسان پژوهشی؛
۴. ایجاد آرشيو از تولیدات، منشورات و مدارک علمی معاونت پژوهش؛
۵. القای روش‌های پژوهش کارآمد به مؤلفان و پژوهشگران (تا پژوهش‌ها در قالب آثار بهتری

عرضه شود و در مقیاس‌های جهانی موفقیت بیشتری به دست آید)؛

۶. آسیب‌شناسی پژوهش و یافتن راهکارها برای رفع آسیب‌ها و موانع؛

۷. دست‌یافتن محققان به تجارب جهانی مربوط به پژوهش (با شناسایی و معرفی مراکز در جهان که چندین دهه زودتر کار را در این زمینه آغاز کردند)؛

۸. بهبود وضع تحقیقات و دست‌یافتن به استانداردها و شاخص‌های عالی‌تر در تحقیقات.

نقش‌ها و کاربردها

کارکرد و هدف اصلی و اولیه کتابخانه تخصصی پژوهش، تأمین منابع درباره پژوهش از سراسر جهان برای رونق بخشیدن بیشتر به عرصه تحقیق و حل مشکلات پژوهش به خصوص در عرصه پژوهش‌های دینی و بالا بردن سطح دانش تخصصی محققان و کارشناسان است. اما کارکرد کتابخانه به همین امر کلی خلاصه نمی‌شود و در بطن خویش کارکردهای خرد و کلان، درون‌سازمانی و برون‌سازمانی، مستقل و وابسته فراوانی دارد که به چند مورد اشاره می‌کنیم:

الف. کتابخانه تخصصی پژوهش، یکی از مؤلفه‌های اصلی نظام جامع پژوهش

شورای پژوهش‌های علمی کشور نظام تحقیقاتی را «مجموعه نظام‌یافته‌ای از اهداف، تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و سامان‌دهی مراکز اجرایی، هدایت و نظارت بر تحقیقات، نهادهای مجری تحقیقات و خدمات علمی و فنی» تعریف کرده است (شورای پژوهش‌های علمی کشور، ۱۳۷۱، ص ۳).

دنیای امروز در طراحی نظام‌های پژوهشی کارآمد، مسیر ارتقایی را طی نموده، به طوری که می‌توان انقلاب علمی و صنعتی غرب را نتیجه یافتن نظام پژوهشی کارآمد و رویکرد به روش‌های پژوهش عمیق در مطالعات پدیده‌ها دانست. اما تحقیق و پژوهش در ایران به خصوص در حوزه‌های علمیه از ابتدا ماهیتی فردی داشته، محققان منفرد و مؤسسات پژوهشی هر یک بنا به تشخیص خویش و تعیین اولویت‌ها و با توجه به توان و قابلیت خود مبادرت به تحقیق نموده و به مقوله تولید فرهنگی و علمی اشتغال می‌ورزند؛ بی‌آن‌که این جوشش‌ها در پیوند و ارتباط قبلی و با یکدیگر شکل گرفته باشند. شاید عده‌ای بگویند وضعیت کنونی پژوهش دارای روالی قابل قبول است و مانند وضعیت اقتصادی از مکانیسم تعادلی طبیعی و رسمی برخوردار است و تلاش در جهت سازمان‌دهی

کلان آن، اخلاص در این روند طبیعی و تلاش در جهت برهم زدن وضع مطلوب تلقی می‌شود. اما باید گفت: اولاً در بازار فکر و اندیشه این سرزمین، حوزه علمیه تنها تولیدکننده فکر و اندیشه نیست و رقبای درونی و بیرونی دیگری نیز وجود دارند. در این وضعیت غیرانحصاری نمی‌توان تنها به تولید فکر عنایت داشت، بلکه افزون بر آن باید به فعالیت رقبا و نحوه عرضه و سایر ابعاد بحث توجه جدی کرد. دوم آن که در وضعیت کنونی که افراد و مراکز از طرح‌ها و برنامه‌های یکدیگر بی‌اطلاع یا کم‌اطلاع هستند و پژوهش کلان حوزوی فاقد سازمان‌دهی و هماهنگی گسترده است، بسیاری از توان‌ها به علت کارهای تکراری و موازی هدر می‌رود و کارهای انجام گرفته یکدیگر را پوشش نمی‌دهند.

نکته سوم آن که تحلیل جامع از نقاط قوت و ضعف حوزه در امر پژوهش و پژوهشگران، تنها در سایه ارتباط منطقی و هماهنگی کامل مراکز پژوهش و محققان منفرد میسر است.... به عبارت دیگر، تنها در صورت تدوین برنامه جامع استراتژی پژوهش، می‌توان ضمن توصیف دقیق کاستی‌های پژوهش (در عرصه مدیریت، اولویت‌های تحقیق، روش‌های تحقیق، پژوهشگران و...)، به رفع کمبودها و چاره‌جویی نقاط ضعف در هر یک از جنبه‌ها پرداخت (واعظی، ۱۳۷۹، ص ۸). بنابراین، باید تلاش کرد پژوهش به عنوان یک نظام عام و گسترده حاکمیت پیدا کند. این نشدنی است، مگر دقیقاً ابعاد آن کارشناسی شود، اما هر نوع کارشناسی، تدوین و تحلیل عالمانه، عملی نیست مگر این که منابع علمی مناسب در اختیار نخبگان، پژوهشگران و کارشناسان قرار گیرد و تجارب تاریخی و جهانی گردآوری شود. به عبارت دیگر، مجهز بودن به امکانات و ابزارهای پژوهشی و کارآمد مانند کتابخانه تخصصی پژوهش، برای تدوین چنین نظام جامع پژوهشی و اتخاذ راهکارهای و راهبردهای کلان پژوهشی مبتنی بر ارزش‌مداری، که هدف اصلی حوزه است، اولین گام تلقی می‌شود. همچنین، خدمات علمی و فنی این نوع کتابخانه‌های تخصصی، مجلات پژوهشی و کارگاه‌های آموزشی، جزء لاینفک و از ارکان و مؤلفه‌های یک نظام جامع و پیشرو آموزشی و پژوهشی به حساب می‌آیند.

ب. یادگیری مستمر

همان‌طور که در تعریف کتابخانه تخصصی گذشت، کتابخانه تخصصی واحدی از یک سازمان است که هدف آن فراهم ساختن اطلاعات خاص برای پیشرفت کار سازمان یا برای گروه محدودی است (سلطانی، ۱۳۸۱، ص ۳۳۴).

نقش پژوهشی و آموزشی کتابخانه‌های تخصصی در ارتقای مهارت کارکنان و به دنبال آن نیز

توسعه سازمان و کشور انکارناپذیر است. این نوع کتابخانه‌ها در قبال مؤسسات مادر خود نقش آموزشی ایفا کرده و از نظر کاری و اجتماعی باعث افزایش اثربخشی می‌شوند. در بسیاری از این موارد کتابخانه تعاملاتی را در بین کارکنان ایجاد می‌کند و باعث برقراری شبکه‌ای حرفه‌ای از متخصصان و پژوهشگران می‌شود. این شبکه حرفه‌ای که از طریق کتابخانه تخصصی ایجاد شده، خود نیز دارای نقش مؤثر آموزش و پژوهشی است که ارتقای مستمر مهارت‌های تخصصی کارکنان را به دنبال خواهد داشت (نوروزی چاکلی، ۱۳۸۳).

بسیاری از اداره‌کنندگان مؤسسات و سازمان‌های کشور، فرایند یادگیری مستمر را عبارت از برگزاری کلاس‌های ضمن خدمت و آموزش مستقیم کارکنان در چنین دوره‌هایی می‌دانند و به نقش کتابخانه‌های تخصصی در این فرایند واقف نیستند. بدیهی است از آنجایی که برگزاری این نوع آموزش‌ها اغلب بنا به ضرورت و به طور رسمی صورت می‌پذیرد، شرکت‌کنندگان در آن انگیزه کافی در کسب اطلاعات و مهارت‌های لازم ندارند. در بسیاری از این موارد نیز برگزاری چنین دوره‌هایی تنها به دریافت گواهی‌نامه‌هایی خواهد انجامید که نه تنها هیچ‌گونه تغییری در دانسته‌های قبلی فرد و بازده کاری سازمان ایجاد نمی‌کند، بلکه، سازمان را از نظر برگزاری این دوره‌ها و افزایش حقوق و مزایای کارکنان شرکت‌کننده در این دوره‌ها متحمل هزینه‌هایی جبران‌ناپذیر می‌نماید. در مقابل، در صورتی که فرایند آموزش مستمر کارکنان با تقویت کتابخانه‌های تخصصی انجام پذیرد، یادگیری بهبود یافته، علاوه بر آن برگزاری چنین دوره‌هایی با تکیه بر اطلاعات روزآمد توأم خواهد شد و کارکنان نیز پس از اتمام دوره‌های مزبور از طریق کتابخانه‌های تخصصی فرصت ادامه یادگیری مهارت‌های تخصصی خود را خواهند داشت (نوروزی چاکلی، ۱۳۸۳).

هرچند طبق تعریف، یادگیری مستمر منحصر در سازمان و افراد خاص است، فرایند یادگیری مستمر کتابخانه تخصصی پژوهش، در افزایش دانش سازمانی (معاونت پژوهش) منحصر نمی‌شود، بلکه به همه محققان و پژوهشگران حتی به کل نظام پژوهش نیز نظر دارد. کتابخانه تخصصی پژوهش، با در اختیار گذاردن منابع دانشی خویش به مدیران، محققان و کارشناسان و ایجاد فضای تحقیقاتی و ارائه مشاوره‌های علمی و برگزاری برنامه‌ها و طرح‌های پژوهش‌شناسی، به فرایند یادگیری مستمر کمک می‌کند.

ج. ارزش افزوده اطلاعات

کتابخانه تخصصی طبق تعریف انجمن کتابخانه‌های تخصص، مکانی است که در آن اطلاعات به روشی که بیشترین سودمندی را داشته باشد، ارزیابی، تجزیه و تحلیل، سازمان‌دهی، گروه و ارائه می‌شود (kimberly، ۲۰۰۲؛ نقل در، رضایی، ۱۳۸۸).

کتابداران و مراجعه‌کنندگان به کتابخانه همیشه نگران عرضه بیش از تقاضای اطلاعات هستند و می‌پرسند: چگونه داده‌های بی‌ارزش و غیرضروری را در جست‌وجو برای محتوای مخصوص باید حذف کرد؟ برای کاربران کتابخانه، موانع واقعی بسیاری در جهت دسترسی، تجزیه و تحلیل و کاربرد اطلاعات وجود دارد و کتابداران هرگاه موانع دسترسی به اطلاعات را کاهش دهند، در واقع بر ارزش آن می‌افزایند. ارزش افزوده در سهولت یافتن خاص‌ترین و کامل‌ترین اطلاعات اتفاق می‌افتد (آدری، ۲۰۰۲). در واقع کتابخانه‌های تخصصی که مؤسسات و سازمان‌ها برای خود تأسیس می‌نمایند، با بهره‌برداری از فناوری‌ها و روش‌های نوین بازاریابی اطلاعات، موجب افزایش ارزش اطلاعات شده و با سازمان‌دهی اطلاعات و دانش و سرعت دسترسی به اطلاعات و ارجاعات مناسب اطلاعات کاملاً مرتب با هم، به تولید دانش کمک می‌کنند (نوروزی چاکلی، ۱۳۸۳).

وجه تمایز کتابخانه تخصصی پژوهش از کتابخانه‌های دیگر حوزوی، وجود روش‌های بازاریابی سریع اطلاعات و در نتیجه ارزش افزوده اطلاعات است. مجموعه‌سازی، چکیده‌نویسی، نمایه‌سازی و فهرست‌نویسی و استفاده از سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای الکترونیکی از جمله روش‌هایی است که در این کتابخانه برای تسریع روند دسترسی مدیران و کارشناسان دانش سازمان به کار گرفته می‌شود. هریک از این روش‌های بازاریابی اطلاعات در بخش بعدی توضیح داده خواهد شد.

د. تولید دانش

فرق گذاردن میان اطلاعات و دانش کمی مشکل است، زیرا هر دوی آنها فراگیرند و ما اغلب این دو اصطلاح را به جای یکدیگر به کار می‌بریم. از طرف دیگر، ما اغلب برداشت‌های متفاوت درباره این داریم که آیا یک تکه خاص از اطلاعات ثبت شده عملاً دانش تلقی می‌شود یا نه (رادینک، ۱۳۸۶، ص ۳۶). هدف دانش کشف علت و چگونگی موقعیت‌هاست، در حالی که اطلاعات نوعاً بودن دانش را فراهم می‌آورد. دانش انباشت داده‌ها و یا توصیف محصولات نیست (رادینک، ۱۳۸۶، ص ۳۶). به عبارت دیگر، اطلاعات نمی‌تواند به دانش تبدیل شود، مگر این‌که به گونه‌ای از طریق تفسیر،

سازمان دهی، پالایش، گزینش و مهندسی بالا رود (رادینک، ۱۳۸۶، ص ۲۰).

امروزه کتابداران کتابخانه‌های تخصصی نه فقط کارمندان اداری یک مؤسسه، بلکه مدیران اطلاعات و افراد فعال و پویا در عرصه تولید دانش و حل مسئله هستند که سهمی فراوان در فرایند تولید دانش دارند و متخصصان از آنها در حل مسائل موضوعی و تخصصی یاری می‌گیرند. در یک کتابخانه تخصصی موفق، همیشه نتیجه فعالیت این دسته از کتابخانه‌ها در قالب محصولات پژوهشی تجسم می‌یابد و به تولید دانش جدید منجر می‌شود (قاسمی، ۱۳۸۵، ص ۳۵).

با توجه به خاص بودن و کاربرمدار بودن خدمات در کتابخانه تخصصی پژوهش، آنچه در این کتابخانه حایز اهمیت است، ارائه دانش به جای اطلاعات صرف است. این کار با تشکیل پرونده‌های دانشی برای واحدها و محققان و نیز پردازش و فراهم‌آوری اطلاعات علمی برای مدیران دانش سازمان و ارائه محصولات و آثار علمی در زمینه پژوهش‌شناسی صورت می‌پذیرد. از جمله این آثار می‌توان به تدوین فرهنگ واژگان پژوهشی، اصطلاح‌نامه پژوهش و مآخذشناسی پژوهش اشاره کرد.

ه. مدیریت دانش

مدیریت دانش عبارت است از شناسایی، در اختیار گرفتن، سازمان دهی و پردازش اطلاعات جهت خلق دانش که پس از آن توزیع می‌شود (رادینک، ۱۳۸۶، ص ۳۳). مدیریت اطلاعات شامل پاسخ‌های از پیش تعیین شده برای مسائل پیش‌بینی شده است، ولی مدیریت دانش شامل پاسخ‌های نوآورانه به فرصت‌ها و چالش‌های جدید است (فراپاتولو، ۱۳۸۸، ص ۲۱). مدیریت اطلاعات وظیفه اصلی کتابخانه‌ها است. مدیریت دانش وظیفه مدیران ارشد نهادهاست که در وهله اول با شناسایی یا مکان‌یابی پیشینه‌های دانش، اعم از دانش ذهنی که در ذهن افراد آن نهاد وجود دارد و نیز دانش عینی که در کتابخانه‌هاست و در مرحله دوم با به اشتراک گذاشتن دانش‌ها بین افراد و سپس استفاده از دیدگاه‌های خود تحت عنوان دانش جدید نهادینه خواهد شد.

کتابخانه‌ها در طول تاریخ با شناسایی و ذخیره اطلاعات به نحوی همواره مدیریت دانش را به اجرا می‌گذاشتند و امروزه نیز به طور اجتناب‌ناپذیر با مفهوم جدید مدیریت دانش روبه‌رو هستند و در این میان کتابخانه‌های تخصصی از موقعیت ممتازی برخوردارند و می‌توانند به طور مستقیم در فرایند مدیریت دانش نقش بارزتری داشته باشند. طبق انجمن کتابخانه‌های تخصصی، کتابداران کتابخانه‌های تخصصی خبرگان منابع اطلاعاتی در امر به کارگیری دانش هستند (صابری و پولادی،

۱۳۸۵). لذا کتابداران تخصصی با مشاوره دانش و فراهم‌آوری اطلاعات با کیفیت، راه‌حل‌های جدیدی را برای نیازهای سازمان تهیه می‌کنند و در اختیار مدیران ارشد قرار می‌دهند. این کارکرد مهم، کتابخانه‌های تخصصی و کتابداران شاغل در آنها را به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از فرایند مدیریت دانش قرار می‌دهد. آنچه پیوند کتابخانه تخصصی و مدیریت دانش را محکم می‌کند، نیاز مدیران دانش به تجربه کتابداران در تهیه، سازمان‌دهی، ذخیره و اشاعه اطلاعات است. ناگزیر این دو برای گردش اطلاعات در سازمان به هم نزدیک می‌شوند. اگر وظیفه کتابخانه‌های تخصصی را کمک به مدیریت دانش از مرحله اطلاعات صرف تا مرحله تولید دانش در نظر بگیریم، کتابخانه تخصصی پژوهش به صورت یک سیستم زنده و پویا این وظایف را به شکل ویژه‌ای به سمت پیشبرد اهداف معاونت پژوهش انجام خواهد داد. کتابخانه تخصصی پژوهش با درک نیازهای علمی معاونت و عملکرد هر بخش از سازمان و ارتباط علمی بین بخش‌ها و ارائه خدمات اطلاعاتی به آنها به این کار همت می‌گمارد. از آنجا که معاونت پژوهش نقش مدیریت دانش در کل حوزه علمیه را ایفا می‌کند، نقش کتابخانه تخصصی پژوهش در فرایند مدیریت دانش به نقش درون‌سازمانی محدود نبوده، بلکه در فرایند مدیریت دانش کل حوزه‌های علمیه نقش دارد.

ویژگی‌های کتابخانه تخصصی پژوهش

الف. از حیث رویکرد

زمانی گردآوری منابع اطلاعاتی برای کتابخانه‌ها از اهمیت بسیاری برخوردار بود و کتابداران می‌کوشیدند در راه تکمیل مجموعه منابع خود، بر دشواری‌های موجود غلبه کنند. شاید یکی از آثار ناخوشایند همین رویکرد این باشد که کتابخانه‌ها به نگرهبانان منابع اطلاعاتی تبدیل شدند و البته قداست کتاب نیز یادگاری از همین دوره است که آثار خوش و ناخوش خود را تاکنون با خود به همراه داشته است. نتیجه این رویکرد به تدریج در اهمیت و ارزش بلامنازع کتاب‌ها و منابع اطلاعاتی نمود یافت و هدف اولیه گردآوری منابع اطلاعاتی که پاسخ‌گویی به پرسش کاربران بود به فراموشی سپرده شد؛ کتابخانه‌ها به موزه‌هایی تبدیل شدند که کتاب‌ها فقط به آنجا وارد می‌شدند و تقدس می‌یافتند. (قاسمی، ۱۳۸۵، ص ۳۵). اما آنچه کتابخانه تخصصی پژوهش و کتابخانه‌های تخصصی از این دست را از دیگر کتابخانه‌های دیگر متمایز می‌کند، فاصله گرفتن از مجموعه‌مداری و روی‌آوری به

روش کاربرمداری است، چرا که دسترسی کاربران به متون و منابع اطلاعاتی در تمامی شکل‌های آن، بسیار مهم‌تر از نگهداری مستقیم آنها در محل کتابخانه است. وجوه مشخصه کتابخانه تخصصی پژوهش با رویکرد کاربرمداری، وجود روش‌های بازیابی اطلاعات و دسترس پذیری آن و ایجاد ارزش افزوده اطلاعات در آن است. جوهره این رویکرد در رابطه با کاربر عبارت است از انتخاب اطلاعات مناسب در زمان مناسب و دانستن این که چه وقت، کجا و چگونه باید به جست‌وجو پرداخت. وجوه کاربرمداری کتابخانه تخصصی پژوهش را می‌توان به طور خلاصه در چند شماره خلاصه کرد:

۱. هدف اصلی آن، تأمین نیازهای اطلاعاتی کاربران است، نه صرف جمع‌آوری مجموعه؛
۲. مجموعه منابع اطلاعاتی برای تأمین خواسته‌های اطلاعاتی جاری کاربران طراحی شده‌اند؛
۳. کتابخانه، دسترسی به خدمات و منابع اطلاعاتی خارج از کتابخانه را نیز تأمین می‌کند و ارائه اطلاعات، بخش محوری در ارائه اطلاعات به کاربران است (قاسمی، ۱۳۸۵، ص ۳۵).

ب. از حیث پوشش منابع

در یک کتابخانه تخصصی، اطلاعات در قالب اسناد و مدارک نگهداری می‌شود، در حالی که انواع دیگر کتابخانه‌ها اغلب با کتاب، به معنای اخص آن سروکار دارند. در یک کتابخانه تخصصی، اسناد و نوشته‌های ادواری بیشترین قسمت مجموعه را تشکیل می‌دهند، در حالی که این‌گونه منابع را در کتابخانه‌های دیگر اغلب از بین رونده و دارای ارزش موقت تلقی می‌کنند (مختاری معمار، ۱۳۷۶، ص ۱۱۴).

کتابخانه تخصصی پژوهش نیز از نظر نوع و شکل مدارک از تنوع بسیاری نسبت به سایر کتابخانه‌ها برخوردار است. یکی از عواملی که کتابخانه تخصصی را از سایر کتابخانه‌ها متمایز می‌کند، تنوع اسناد و مدارک آن است. در کتابخانه تخصصی پژوهش از انواع منابع و مدارک منتشر شده اعم از کتب، نشریات، مقالات، پایان‌نامه‌ها، اسناد، به صورت چاپی و الکترونیکی در قلمرو پژوهش استفاده می‌شود.

ج. از حیث گستره موضوعی

هرچند گستره موضوعی کتابخانه تخصصی پژوهش، در پژوهش پژوهی و تا حدودی علم‌شناسی خلاصه می‌گردد، ویژگی این رشته که نگاه درجه دوم و فرا علمی به همه علوم دارد، جایگاه ممتازی به این کتابخانه بخشیده است. علوم مختلف با توجه به وظیفه‌ای که بر عهده دارند، نگاهشان به واقعیت از نوع مستقیم و درجه یک است و به عبارت دیگر هدفشان کشف بی‌واسطه علم است. اما

نگاه علم‌شناسی و پژوهش‌پژوهی به علم از نوع درجه دوم است. لذا همه رشته‌های علمی موضوع پژوهش‌پژوهی و علم‌پژوهی و در نتیجه در قلمرو موضوعی کتابخانه تخصصی پژوهش خواهند بود. اهم گستره موضوعات کتابخانه تخصصی پژوهش بدین قرار است:

۱. روش‌های پژوهش در علوم مختلف؛ ۲. فلسفه و روش‌شناسی پژوهش؛ ۳. مدیریت و برنامه‌ریزی پژوهش و علم؛ ۴. قوانین و مقررات (حقوق) پژوهش؛ ۵. نقد و ارزیابی علم و پژوهش؛ ۶. استانداردهای پژوهشی؛ ۷. آسیب‌شناسی و موانع پژوهش؛ ۸. نظام پژوهش؛ ۹. نیازسنجی پژوهش و علم؛ ۱۰. مراکز پژوهشی؛ ۱۱. تولید علم؛ ۱۲. خط‌مشی و سیاست‌گذاری علم و پژوهش؛ ۱۳. حوزه و پژوهش؛ ۱۴. دین و پژوهش؛ ۱۵. راهبرد پژوهش؛ ۱۶. اخلاق پژوهش؛ ۱۷. تحقیق و توسعه؛ ۱۸. آینده‌پژوهی؛ ۱۹. اقتصاد علم و پژوهش.

هرچند پژوهش‌پژوهی مقوله بین‌رشته‌ای و موضوع آن عام است، گستره موضوعی این کتابخانه با محوریت و تأکید بر علوم انسانی به خصوص علوم حوزوی و دینی است. البته سعی شده در همه رشته‌های علم، منابع روشی به تعداد محدود گردآوری و به پژوهشگران علاقه‌مند ارائه گردد.

گزارش وضعیت کتابخانه تخصصی پژوهش معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه

کتابخانه تخصصی پژوهش، به منظور تأمین منابع مطالعاتی مورد نیاز مدیران، کارشناسان و پژوهشگران حوزه‌های علمیه و ارائه خدمات مربوط به اشاعه اطلاعات مناسب در حوزه پژوهش‌پژوهی، با شرح وظایف و عملکردها و خدماتی به گزارش ذیل معرفی می‌گردد.

الف. وظایف کتابخانه تخصصی پژوهش

طبق اساسنامه کتابخانه تخصصی پژوهش (۱۳۹۰) وظایف این کتابخانه بدین شرح می‌باشد:

۱. مجموعه‌سازی

مجموعه‌سازی شامل شناسایی و گردآوری منابع اطلاعاتی مرکب از کتب، نشریات، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌ها و سایر منابع اعم از چاپی و الکترونیکی است. مجموعه‌سازی حرفه‌ای است که در جهان و در بین کتابداران شناخته شده است و هر سال به اتقان و استحکام آن افزوده می‌شود و هم‌اکنون حرفه‌ای پررونق و پر استفاده شده است. این‌که مجموعه‌سازی رادر دهه‌های اخیر به عنوان موضوع درسی در مقاطع دانشگاهی تدریس می‌کنند، نشان اهمیت آن در دوره جدید است. مجموعه منابع

کتابخانه تخصصی شامل:

۱-۱. **کتاب:** [هرچند] مجموعه کتاب در یک کتابخانه تخصصی از کمترین ارزش اطلاعاتی برخوردارند و در واقع جزء آخرین مدارک تلقی می‌گردند (صابری و پولادی، ص ۱۳۸۵)، زیرا تازه‌ترین نظریات و ایده‌ها در قالب پایان‌نامه‌ها، مقالات، نشریات علمی و... ارائه می‌شوند، ولی قابلیت بسیاری از کتب پژوهش به عنوان مرجع و نیز تازگی این موضوع از علم به عنوان یک موضوع نوین یاد در ایران، جایگاه این نوع مدرک را به عنوان بخش اصلی کتابخانه تخصصی پژوهش حفظ کرده است. در این کتابخانه بیش از ۲۸۰۰ عنوان کتاب در قلمرو پژوهش جمع‌آوری شده است.

۱-۲. **مجلات:** مجلات از مهم‌ترین اسناد و مدارک موجود در کتابخانه تخصصی هستند. مجلات معمولاً حاوی جدیدترین اخبار علمی و پژوهشی در زمینه‌های مربوطه‌اند. لذا انتخاب یک مجموعه مناسب از مجلات تخصصی و علمی در رشته‌های مربوط امری بسیار حساس است. در آرشیو کتابخانه تخصصی پژوهش، هفت عنوان مجله که نگاه کلان به امر پژوهش دارند و به ترویج پژوهش و پژوهشگری می‌پردازند، گردآوری شده و هر ماه شماره‌های آن به صورت اشتراک به کتابخانه تخصصی پژوهش ارسال می‌گردد. عناوین مجلات پژوهشی به این قرار می‌باشد:

۱. فصل‌نامه سیاست‌گذاری علم و پژوهش (رهیافت)؛ ۲. فصل‌نامه پژوهشی اطلاع‌رسانی (پژوهش و حوزه)؛ ۳. فصل‌نامه علمی - تخصصی (پژوهش)؛ ۴. فصل‌نامه علمی و پژوهشی (روش‌شناسی علوم انسانی)؛ ۵. فصل‌نامه علمی و پژوهشی (سیاست علم و فناوری)؛ ۶. نشریه علمی - پژوهشی (پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی)؛ ۷. نشریه فرهنگی و پژوهشی ویژه نقد کتاب، کتاب‌شناسی و اطلاع‌رسانی (آینه پژوهش).

۱-۳. **مقالات:** مقالات و بریده‌های نشریات نیز از مهم‌ترین منابع یک کتابخانه تخصصی به شمار می‌روند. لذا گردآوری، آماده‌سازی و پردازش مقالات از ارکان وجوه سازمان‌دهی در یک کتابخانه تخصصی است. در این کتابخانه بیش از هشتصد مقاله پیرامون پژوهش که به ابعاد مختلف پژوهش و مباحث نزدیک به آن می‌پردازند، گردآوری شده است.

۱-۴. **گزارش طرح‌ها:** یکی از بخش‌های مهم و اساسی در سلسله منابع کتابخانه تخصصی پژوهش، به گزارش طرح‌های پژوهشی اختصاص دارد که در حیطه پژوهش تدوین یافته‌اند.

۱-۵. **اسناد:** سند یا مدرک می‌تواند گزارش آماری، گزارش علمی، برگ اطلاعاتی، مصوبات و...

باشد که در کتابخانه تخصصی پژوهش با دو عنوان اسناد حوزوی و غیر حوزوی گردآوری شده‌اند.
۶-۱. **معرفی سازمان‌ها:** این بخش به معرفی سازمان‌های پژوهشی و هم‌جهت با اهداف و برنامه‌های معاونت پژوهش و مروج امر پژوهش می‌پردازد.

۷-۱. **گفت‌وگوهای علمی:** یکی از بخش‌ها در آرشیو کتابخانه تخصصی پژوهش مصاحبه‌ها و میزگردها و گفت‌وگوهای علمی دانشمندان پیرامون پژوهش است.

۲. سازمان‌دهی اطلاعات

یافتن یک مدرک در مجموعه‌ای بزرگ کار بسیار مشکلی است. یا باید جای دقیق ذخیره‌سازی آن مدرک را دانست یا از محل کلی قرار گرفتن مدارک در همان موضوع مطلع بود. یک نظام اطلاع‌رسانی تا زمانی که مدارک موجود در آن ساماندهی نشود، صرفاً اتاقی پراز مدرک است. اطلاعات و مدارک بدون سازمان‌دهی، به ویژه هنگامی که حجم آنها رو به فزونی است، قابلیت استفاده خود را از دست می‌دهد. به همین منظور از سازمان‌دهی اطلاعات برای غلبه بر این مشکل استفاده می‌شود (علیدوستی، عصاره و کاظم‌پور، ۱۳۸۴، ص ۹۳). سازمان‌دهی اطلاعات فرایندی است که در طی آن اطلاعات در شکل‌های گوناگون برای استفاده و کاربران دست‌کاری شده و یا به وسیله ابزارهای جست‌وجو قابل بازیابی می‌شوند (کلیواند، ۱۳۸۵، ص ۲۹). با توجه به نوع مدارک و کاربرد آنها روش‌های گوناگونی در سازمان‌دهی اطلاعات وجود دارد. سازمان‌دهی منابع کتابخانه تخصصی پژوهش از طریق اجرای روش‌های ذیل صورت می‌پذیرد:

۱-۲. **فهرست‌نویسی و رده‌بندی:** فهرست‌نویسی، ایجاد سیاهه و فهرستی از مدارک موجود در کتابخانه است که مدارک را بر اساس عناصر ظاهری و مفهومی توصیف می‌کند. عناصر ظاهری شامل عنوان، نام نویسنده، شکل، اندازه و قطع و عنصر مفهومی شامل موضوع مدرک است. هدف عمده و اساسی فهرست‌نویسی، سازمان دادن به مجموعه مواد و منابع کتابخانه است تا از آن راه بتوان کتاب‌های مورد نیاز را از میان مجموعه موجود سریع‌تر بازیابی کرد (فتاحی، ۱۳۷۷، ص ۳۲). کتب موجود در کتابخانه تخصصی پژوهش بر اساس نظام رده‌بندی کنگره فهرست‌نویسی می‌گردد.
۲-۲. **نمایه‌سازی:** برخلاف فهرست‌نویسی که معمولاً با اختصاص سرعنوان‌های موضوعی به نمایش محتوای کلی آثار کامل کتاب شناختی اشاره دارد، ارائه محتوای جزئی‌تر (موضوعات) کتاب فقط با ارائه نمایه موضوعی میسر می‌شود. نمایه‌سازی فرایند ایجاد یا تدوین نمایه بر اساس قواعد

خاص است که به قصد توصیف یا شناساندن مدرک با استفاده از اطلاعات بیانگر محتوای موضوعی آن صورت می‌گیرد (کازلم پور و اشرفی ریزی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۰). نمایه‌سازی در کاهش زمان بازیابی موضوعات یک مدرک نقشه عمده‌ای دارد و کاربران با جست‌وجو میان تعداد انبوهی از مدارک غیرضروری وقت خود را هدر نمی‌دهند. فرایند نمایه‌سازی چند هدف اصلی را دنبال می‌کند:

۱. انتساب نمادهای موضوعی به مدرک؛ ۲. تعیین محتوا و مکان مدارک مورد نیاز؛ ۳. افزایش دسترس‌پذیری اطلاعات؛ ۴. صرفه‌جویی در وقت کاربران هنگام جست‌وجوی اطلاعات؛ ۵. به حداکثر رساندن موقعیت و میزان جست‌وجو.

نمایه‌سازی بر اساس نوع مدرک، زبان نمایه، زمان همارایی واژگان، نوع اصطلاح و... به گونه‌های مختلفی تقسیم می‌شود. آنچه در کتابخانه تخصصی به عنوان نمایه انجام می‌شود، استفاده از زبان کنترل شده بر اساس اصطلاح‌نامه داخلی است. این طرح در سال ۸۹ در دستور کار کتابخانه قرار گرفته است و بناست همه کتب کتابخانه نمایه‌سازی شوند.

ب. خدمات کتابخانه تخصصی پژوهش

۱. خدمات اطلاع‌رسانی

کتابخانه تخصصی پژوهش با توجه به اهداف و وظایف مطرح شده، به ارائه خدمات علمی به پژوهشگران حوزوی و کارشناسان و مدیران معاونت پژوهش می‌پردازد. خدمات اطلاع‌رسانی شامل میز امانت، خدمات مرجع، آموزش کاربران، پرتال کتابخانه و... است.

۲. خدمات تخصصی

این کتابخانه علاوه بر خدمات کتابداری مرسوم در کتابخانه‌ها، برخی از خدمات پژوهشی مانند تشکیل پرونده علمی، تولید کتاب‌شناسی‌ها، اصطلاح‌نامه، فرهنگ واژگان و چکیده‌نامه و... را به توضیح ذیل در دستور کار خود قرار داده است:

۱-۲. تشکیل پرونده علمی: پژوهشگران معاونت پژوهش می‌توانند در زمینه‌های مرتبط با حوزه کاری، موضوعات مورد پژوهش خود را اعلام داشته تا کتابخانه در اولین فرصت پرونده علمی و مطالعاتی مورد نظر آنها را فراهم و به آنها ارائه نماید.

۲-۲. مشاوره علمی و هدایت پژوهشگران از حیث روش پژوهش: با توجه به منابع موجود

در این کتابخانه و نیز نیروی متمرکز در آن، این امکان برای پژوهشگران فراهم است تا با مشورت با نیروی کتابخانه، کارهای خود را از حیث روش بر مبنای صحیحی پی‌ریزی نمایند.

۲-۳. **جست‌وجوی علمی:** مدیران ارشد معاونت پژوهش می‌توانند نیازهای مطالعاتی و پژوهشی خویش را به کتابخانه اعلام کنند، تا کتابخانه در اولین فرصت به جست‌وجوی علمی بپردازد و نتیجه جست‌وجو را ارائه کند.

۲-۴. **چکیده‌نویسی:** چکیده‌نویسی یکی از ابزار عمده تجزیه و تحلیل مدارک و عضو مهم خانواده اطلاع‌رسانی و ابزاری اساسی برای توسعه فرهنگی و گسترش تحقیقات و پژوهش‌های نوین است (کاظم‌پور و اشرفی ریزی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۰). چکیده خلاصه‌ای است از یک نوشته که شامل فشرده تمام مطالب مهم یا فشرده قسمت‌های ویژه یا فهرستی از محتوای آن نوشته باشد (سلطانی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۷). چکیده متمایز از خلاصه‌نویسی است. خلاصه به هر نوع فشرده‌ای از یک متن اطلاق می‌شود که ممکن است ملخص، فشرده و مستخرج را در برگیرد. اما چکیده، خلاصه‌ای است که از قواعد تحقیق و انضباط علمی پیروی می‌کند. به بیان دیگر، هر چکیده ملزم به درج مهم‌ترین مباحث است و حال آن‌که خلاصه چنین الزامی ندارد و تابع قواعد و ضوابط خاصی نیست (نشاط، ۱۳۸۱، ص ۷۲۱). چکیده‌نویسی انواع و اقسامی دارد:

۱. چکیده تمام‌نما، ۱۵۰ تا ۵۰۰ کلمه؛ ۲. چکیده نویسی راهنما، ۷۵ تا ۱۵۰ کلمه؛ ۳. چکیده نویسی تلگرافی، ۷۵ تا ۱۲۵ کلمه؛ ۴. چکیده عنوانی.

کتابخانه تخصصی پژوهش، جهت نیل به هدف (تسهیل پژوهش و تحقیق) و استفاده بیشتر محققان و پژوهشگران از منابع، اقدام به چکیده‌نویسی منابع موجود در کتابخانه نموده است. خط‌مشی چکیده‌نویسی در کتابخانه به صورت چکیده تمام‌نماست و هر چکیده به طور متوسط از پانصد کلمه و از این سرفصل‌ها و ساختار تشکیل یافته است:

۱. کتاب‌نامه، ۲. کلیدواژه؛ ۳. شناسه؛ ۴. طلیعه؛ ۵. نویسنده؛ ۶. قلمرو؛ ۷. روش و منابع؛ ۸. نتایج، تأکیدات، نوآوری‌ها، ابتکارات و...؛ ۹. ساختار؛ ۱۰. چاپ.

۲-۵. **مآخذشناسی:** از ابتدای راه‌اندازی و تأسیس کتابخانه تخصصی پژوهش و برای تهیه منابع آن، لازم بود پیش از اقدام به سفارش و خرید منابع، نسبت به شناسایی آنها اقدام شود. از این‌رو، در طرح‌نامه آن، مآخذشناسی نیز پیش‌بینی شده بود. مضاف بر این‌که علاوه بر شناسایی و تهیه منابع، این کار به عنوان یکی از خدمات کتابداری نیز قابل عرضه و انتشار است؛ به ویژه آن‌که

در زمینه مآخذشناسی پژوهش تاکنون اثری منتشر نشده است.

۱- ۵- ۲. **کتابنامه پژوهش:** این کار با همکاری تعدادی از کارشناسان خیره در زمینه کتاب‌شناسی، به تعداد ۵۶۰۰ عنوان از منابع مربوط به پژوهش به زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی در قالب یک طرح مآخذشناسی به انجام رسیده است. نتایج این طرح پس از تکمیل و تدوین نهایی منتشر خواهد گردید.

۲- ۵- ۲. **مجموعه متون پژوهش:** مجموعه متون، کتابی است مشتمل بر متون پراکنده در منابع مختلف که اکنون در یک یا چند جلد با نظم منطقی کنار هم آمده است. راجع به پژوهش، در کتاب‌های مختلف (تاریخی، جغرافیا، ادبی و غیره) مطالبی وجود دارد؛ هم‌کذا در مجلات و نشریات. مجموعه‌ساز با شناسایی این متون بر اساس ضوابط به تجمیع آنها مبادرت ورزیده، آنگاه در یک طرح علمی آنها را در کنار هم می‌آورد. این مجموعه چون تماماً درباره پژوهش است، می‌توان آن را مجموعه متون پژوهش نامید. در این عرصه، حدود ۱۳ جلد، مجموعه متون در موضوع پژوهش تهیه شده است. این مجموعه‌ها از مقالات و یا قسمت‌هایی از کتب که با موضوع پژوهش نگاهشده‌اند، اما دارای مطالبی در زمینه پژوهش‌اند، تدوین یافته است.

۳- ۵- ۲. **مقاله‌نامه پژوهش:** مقاله‌نامه پژوهش شامل اطلاعات کتاب‌شناختی حدود ۶۰۰۰ مقاله در خصوص پژوهش و مباحث پیرامونی آن است. این اطلاعات از پایگاه‌های نورمگز و مگ‌ایران گرفته شده است. این طرح با انگیزه تدوین منبع برای کتابخانه و دسترسی سریع پژوهشگران به نشانی مقاله‌های حوزه پژوهش تدوین شده است.

۴- ۲. **اصطلاح‌نامه پژوهش:** اصطلاح‌نامه مجموعه‌ای است مشتمل بر واژه‌ها و اصطلاحات که به گونه‌ای خاص سازمان یافته‌اند و روابط بین مفاهیم را روشن می‌کنند. اصطلاح‌نامه پژوهش، اصطلاح‌نامه‌ای است که در زمینه پژوهش پژوهی تدوین یافته است. کتابخانه تخصصی پژوهش به منظور نمایه‌سازی کتب کتابخانه و لزوم ارائه یک نمایه استاندارد و هماهنگ، نیازمند اصطلاح‌نامه‌ای بود. از آنجا که تاکنون در رابطه با موضوع «پژوهش» اصطلاح‌نامه‌ای تدوین نشده بود، مقرر گردید مطالعات و مقدمات کار توسط خود کتابخانه تخصصی صورت پذیرد. کتابخانه تخصصی پژوهش با بهره‌برداری از اصطلاح‌نامه‌های رایج و مطالعات و رایزنی با کارشناسان و برگزاری جلسات با آنها، به تدوین این اصطلاح‌نامه اقدام نمود. با مطالعه کتب روش تحقیق و پژوهش پژوهی و

اصطلاح‌نامه‌های موجود و...، بانکی از واژگان پژوهش تدوین یافت. این اصطلاح‌نامه که در حال حاضر شامل ۳۵۰۰ واژه پژوهشی است، مرحله نهایی را پشت سر گذرانده، پس از ارزیابی متخصصان و کارشناسان منتشر می‌گردد.

۷-۲. فرهنگ واژگان پژوهشی: هدف از فرهنگ واژگان پژوهشی، گردآوری اطلاعاتی زبده، اساسی، مستند و کوتاه درباره هر یک از مدخل‌ها و مفاهیم مربوط به پژوهش (در قالب تعریف) به منظور دسترسی آسان کارشناسان و محققان به مفاهیم آنهاست. طبق شیوه‌نامه مصوب شورای علمی این طرح، مدیریت کلان این طرح با دفتر مطالعات پژوهشی است. امور اجرایی و کارشناسی (شامل جمع‌آوری و تدوین واژگان، تشکیل پرونده علمی برای واژگان، هماهنگی و برگزاری جلسات و...) توسط کارشناس کتابخانه به اجرا درآمده و نهایتاً در شورای علمی طرح (مرکب از کارشناسان مورد تأیید معاونت) مورد بحث قرار گرفته و به تصویب می‌رسد. تاکنون حدود ۹۷ جلسه توسط شورای علمی برگزار گردیده و ۱۶۰ واژه به تصویب رسیده است.

ج- موانع موجود در مسیر کتابخانه تخصصی پژوهش

هرچند موانع موجود در مسیر توسعه کتابخانه تخصصی پژوهش بسیار است، به جهت پرهیز از اطناب به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

۱. کمبود کارکنان متخصص: با توجه به افزایش حجم اطلاعات و منابع و دشواری کار تولید و گردآوری و اشاعه آنها و نیز نیاز به پاسخ‌گویی سریع و بهنگام محققان و پژوهشگران و مدیران، کتابخانه نیازمند کارکنان متخصص بیشتری است که در کار تولید و گردآوری و اشاعه اطلاعات تبحر داشته باشد و ضمن تشخیص نیازهای اطلاعاتی واقعی معاونت و محققان، آنها را شناسایی و تأمین کنند و در اختیار آنان قرار دهند. از مهم‌ترین دلایل این کمبود، وجود سیاست انقباضی در جذب نیروی انسانی در حوزه علمیه می‌باشد. اگر این کمبود همچنان ادامه داشته باشد، به تدریج نگرش مدیران و کارکنان سازمان نسبت به توانایی کتابخانه تخصصی پژوهش در کارآمدی منفی خواهد شد.

۲. کمبود حمایت مالی: کتابخانه‌های تخصصی یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحقیق محسوب می‌شوند و تحقیقات نیز در بازگشت سرمایه نقش محوری ایفا می‌کند. امروزه مؤسسات و سازمان‌ها به بالابودن بهره‌وری کتابخانه‌ها و قوف کامل دارند. مک کلور و همکارانش در یک

تحقیق نشان دادند که منافع حاصل از خدمات کتابخانه‌ای بسیار بیشتر از هزینه‌های ایجاد آنهاست. این واقعیت خصوصاً در کتابخانه‌های تخصصی تبلور دیگر می‌یابد. بالا بودن ارزش دسترسی به اطلاعات درست در زمان مناسب، بالا بودن سرعت اجرای یک عملیات، جلوگیری از اجرای طرح‌ها و عملیات بی‌فایده و غیرلازم، اصلاح گردش کار یا متوقف نمودن خطوط تولید ناکارآمد بسیار روشن است. بر همین اساس، افراد و سازمان‌ها همواره از هزینه‌هایی که برای بهره‌گیری از خدمات کتابخانه‌ای می‌پردازند رضایت کامل دارند، زیرا معتقدند دانشی که از این طریق کسب می‌شود تضمینی برای دستیابی به موفقیت کامل در اجرای یک طرح، بازگشت بیشتر سرمایه و همچنین بهره‌وری به شمار می‌رود (نوروزی چاکلی، ۱۳۸۳). مهم‌ترین دلایل ضعف حمایت‌های مالی کتابخانه‌های تخصصی در ایران در فرهنگ درون‌سازمانی که شمه‌ای از نگرش فرهنگی کشور می‌باشد نهفته است. در اینجا منظور از نگرش فرهنگی، میزان ارزش و اهمیتی است که جامعه برای اطلاعات قائل است. امروزه به جوامعی که افراد و سازمان‌های آن پیش از اتخاذ هرگونه تصمیمی به اطلاعات احساس نیاز می‌کنند و بر مبنای آن به گردش امور می‌پردازند، جوامع اطلاعاتی می‌گویند. عکس این قضیه نیز صادق است؛ عدم اعتقاد به نقش اطلاعات در توسعه باعث می‌شود بودجه‌هایی که باید در این بخش مبنایی صرف شود به طریق دیگری هزینه گردد (نوروزی چاکلی، ۱۳۸۳). لذا عدم اعتقاد به نقش اطلاعات در تصمیم‌گیری، فقدان سرمایه‌گذاری لازم در این بخش و عواملی مانند آن موجب ضعف کتابخانه تخصصی پژوهش گردیده است و باعث شده تا در بسیاری از طرح‌ها و برنامه‌ها، اصلاحات لازم صورت نپذیرد، طرح‌های ضروری از غیر ضروری تفکیک نگردد و برنامه‌های اجرا شده اغلب از کارایی و بهره‌وری لازم برخوردار نگردد.

ضعف فرهنگ عمومی در نگاه تخصصی به پژوهش و عدم نگاه استاندارد به بایسته‌ها و معیارهای پژوهش و کم اهمیت دادن به این موضوع موجب شده، میل و اشتیاق کارکنان و محققان در مراجعه به این کتابخانه کاهش یابد و در صورت مراجعه نیز از دست‌یابی به اطلاعات مطلوب محروم باشند و در واقع ندانند که چه باید بخواهند. همین امر موجب می‌شود کارکنان به تدریج در خصوص توانایی کتابخانه در تأمین اطلاعات روزآمد و اثربخش با تردید روبه‌رو گردند و همین تزلزل موجبات ضعف این کتابخانه‌ها را فراهم می‌آورد.

۳. عدم وجود استاندارد: در مورد کتابخانه‌های تخصصی استانداردهایی تعریف شده است، اما اولاً این استانداردها از نیازهای واقعی کتابخانه‌های تخصصی ایران برخوردارند، ثانیاً در تشخیص کامل نیازها و استانداردهای بایسته در حوزه دین عاجزند و ثالثاً این کتابخانه در نوع خود سابقه‌ای ندارد و هنوز این کتابخانه از استانداردهای مفیدی که رهنمودهای واقعی برای بهبود وضعیت آن ارائه دهد، محروم است و چشم‌اندازهای آن در حدوث و بقا توسط خود کتابخانه و بخش مدیریت مطالعات تعریف و تنظیم می‌شود.

۴. مشکلات اداری و سازمانی: با وجود این که کتابخانه تخصصی پژوهش در نظام جامع پژوهش یک رکن تلقی می‌گردد، اما به دلیل ناشناخته بودن و جدی نگرفتن آن از سوی مدیران ارشد حوزوی از هویت چندانی در ساختار اداری حوزه‌های علمیه برخوردار نمی‌باشد. کتابخانه تخصصی باید در نظام اداری و سازمانی حوزه موقعیتی استراتژیک اتخاذ کند، تا بتواند وظایفش را به نحو مؤثر در قبال محققان، واحدها و مؤلفه‌های دیگر نظام پژوهش انجام دهد.

د. راهکارهای مناسب برای مرتفع ساختن موانع موجود

۱. لزوم تغییر نگرش مدیران به سرمایه‌گذاری در کتابخانه: سرمایه‌گذاری و تأمین بودجه کتابخانه تخصصی نباید با دیدگاه سودآوری و [بهره‌وری] زود هنگام صورت پذیرد، بلکه در این نوع سرمایه‌گذاری‌ها باید به [بهره‌برداری] درازمدت توسعه و ارتقای کیفیت توجه شود. مدیران تنها با این دیدگاه خواهند توانست کیفیت خدمات کتابخانه تخصصی و در پی آن نیز کارکرد این نهاد را ارتقا دهند (نوروزی چاکلی، ۱۳۸۳). کتابخانه تخصصی پژوهش می‌تواند با معرفی عملکرد و جایگاه خود به وسیله مقاله‌های ترویجی و توزیع بروشور و حتی برگزاری میزگرد و همایش‌ها و استفاده از صاحب‌نظرانی که دیدگاه مثبتی نسبت به نقش کتابخانه در پیشبرد اهداف سازمان دارند، جهت تغییر نگرش مدیران اقدام کند، چرا که این برنامه‌ها مناسب‌ترین راهکارها برای تغییر نگرش مدیران در خصوص نقش کتابخانه تخصصی پژوهش محسوب می‌شود.

۲. مشارکت مستقیم کتابخانه در مدیریت دانش سازمان: کتابخانه تخصصی باید به نقش کتابخانه در توسعه نظام پژوهش و مدیریت دانش در حوزه‌های علمیه و قوف کامل داشته باشد و از برنامه‌هایی که به طور مستقیم بر فعالیت‌های مدیریت مطالعات و دانش تأثیر می‌گذارند مطلع باشد تا به رسالت کتابخانه‌ای خود کمک کند.

۳. تقویت رویکرد کاربرمداری: دوری از رویکرد مجموعه‌مداری و نگاه سخت‌افزاری و تقویت رویکرد کاربرمداری و افزایش بهره‌وری از طریق به کارگیری روش‌های بازیابی سریع اطلاعات و در نتیجه رفتن به سوی بهره‌برداری بیشتر، می‌تواند کتابخانه را از حالت رکود و سکون خارج کند و به فعالیت و پویایی بیشتری وا دارد. این کار با فراهم کردن شرایط و فعال‌سازی همه پتانسیل‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری جهت ارائه خدمات اطلاعاتی برای کل مجموعه حوزه‌های علمیه انجام‌پذیر خواهد بود.

نتیجه‌گیری

کتابخانه‌های تخصصی یکی از اجزای مهم نظام ملی اطلاع‌رسانی کشورها به حساب می‌آیند که در زمینه‌های خاص به بهترین شیوه به ذخیره‌سازی، سازمان‌دهی، تولید و اشاعه اطلاعات می‌پردازند و نقش فراوانی در توسعه‌یافتگی و تبدیل شدن کشورها به جوامع اطلاعاتی دارند. کتابخانه تخصصی پژوهش یکی از ارکان و مؤلفه‌های نظام جامع پژوهش محسوب می‌شود که با دسترس‌پذیر ساختن اطلاعات و دانش در زمینه پژوهش‌پژوهی به ساماندهی، ترویج و توسعه امر پژوهش در حوزه‌های علمیه کمک می‌کند. همچنین با کارکردی درون‌سازمانی به یادگیری مستمر، تولید و مدیریت دانش در سازمان (معاونت پژوهش) یاری می‌رساند. در این کتابخانه این اصول حایز اهمیت اند: ۱. لزوم تغییر نگرش مدیران ارشد حوزوی به سرمایه‌گذاری در این کتابخانه؛ ۲. ایجاد موقعیتی استراتژیک برای این کتابخانه در نظام پژوهش حوزه؛ ۳. به کارگیری نیروهای متخصص و ماهر جهت پیشبرد اهداف و برنامه‌های کتابخانه.

منابع

۱. تعاونی (خالقی)، شیرین (۱۳۹۰)، **استانداردهای کتابخانه تخصصی**، با همکاری پوری سلطان و جعفر مهرداد، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۲. حسن زاده، محمد (۱۳۸۳)، **نقش کتابخانه‌های تخصصی در مدیریت دانش سازمان‌ها**، درج شده در: مجموعه مقالات هفتمین همایش کتابداران سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور رشت: ۱۹ - ۲۱ اسفند ۱۳۸۲، دبیرخانه گردهمایی، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور پشتیبانی، مرکز مدارک علمی و انتشارات.
۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، **لغت نامه دهخدا**؛ جلد ۴، تهران: دانشگاه تهران.
۴. رادینک، آلن (۱۳۸۶)، **مدیریت دانش**؛ ترجمه محمد حسین لطیفی، تهران: سمت.
۵. رزم جویان، مهرناز (۱۳۸۵)، **نقش کتابخانه‌های تخصصی در سازمان‌ها**، مجله الکترونیکی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران (نما) دوره ۶، شماره ۱، دسترس پذیری در: www.irandoc.ac.ir
۶. رضایی، نفیسه (۱۳۸۸)، **کتابخانه‌های تخصصی**، ماه‌نامه اطلاع‌رسانی و اطلاع‌رسانی، شماره ۲۰، ص ۲۶-۳۵.
۷. سلطانی، پوری؛ راستین، فرودین (۱۳۸۱)، **دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی**، تهران: فرهنگ معاصر.
۸. شورای پژوهش‌های علمی کشور (شورای عطف) (۱۳۷۱)، **ساختار نظام تحقیقاتی کشور**، تهران: ریاست جمهوری.
۹. صابری، محمد کریم؛ پولادی، محمد تقی (۱۳۸۵)، **نیمرخ کتابخانه‌های تخصصی و مراکز اطلاع‌رسانی**، مجله الکترونیکی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران (نما)، دوره ششم، شماره ۳، دسترس پذیری در: www.irandoc.ac.ir
۱۰. صادری، فاطمه (۱۳۸۶)، **نمایه‌سازی در کتابخانه تخصصی و نقش آن در افزایش ارزش افزوده اطلاعات**، نشریه الکترونیکی علوم کتابداری، آرشیو و اطلاع‌رسانی (شیرازه)، دسترس پذیری در: www.nlai.ir
۱۱. طهران‌چی، محمدمهدی (مجری) (۱۳۸۹)، **پژوهش: وضع موجود و طراحی وضعیت مطلوب**، مجموعه مطالعات پشتیبان سند تحول راهبردی علم و فناوری، برای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ویراست ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۲. علیدوستی، سیروس؛ عصاره، حسن؛ کاظم‌پور، زهرا (۱۳۸۴)، **کنترل کیفیت فرآیند نمایه‌سازی**، فصلنامه کتاب، دوره شانزدهم، شماره ۴، ص ۹۳-۱۰۴.

۱۳. فتاحی، رحمت‌الله (۱۳۷۷)، فهرست نویسی اصول و روش‌ها، مشهد: دانشگاه فردوسی.
۱۴. فرایثولو، کارل (۱۳۸۸)، مدیریت دانش در سازمان‌ها، ترجمه صدیقه احمد فصیح، تهران: چاپار.
۱۵. فتر، آدری (۱۳۸۶)، ارزشگذاری اطلاعات، ترجمه امیر رضا اصنافی، مجله الکترونیکی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران (نما)، دوره دوم، شماره ۱ و ۲، دسترس پذیری در: www.irandoc.ac.ir
این مقاله ترجمه‌ای است از: Fenner, Audrey. Placing value on Information. Library Philosophy and Practice Vol. ۴, No. ۲ (Spring ۲۰۰۲). ISSN ۱۵۲۲-۰۲۲۲
۱۶. قاسمی، حسین (۱۳۸۵)، بازنگری به رویکرد کاربرمداری در کتابخانه‌های تخصصی؛ فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، سازمان کتابخانه‌ها و مراکز اسناد قدس رضوی، شماره سوم، سال ۹.
۱۷. کاظم‌پور، زهرا؛ اشرفی ریزی، حسن (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی (راهنمای عملی)، تهران: چاپار.
۱۸. کلیواند، دونالد بی؛ کلیواند، آناری (۱۳۸۵)، درآمدی به نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی، ترجمه مهدی حسینی، تهران: چاپار.
۱۹. مختاری معمار، حسین (۱۳۷۶)، درآمدی بر کتابداری، شیراز: نشر قو.
۲۰. مدیرامانی، پروانه (۱۳۸۵)، دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، جلد ۲، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. ذیل مدخل «کتابخانه‌های تخصصی»، دسترسی پذیر در: www.nlai.ir
۲۱. معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه، گروه استانداردسازی پژوهش (۱۳۹۰)، سند تعریف و مصادیق پژوهش.
۲۲. نشاط، نرگس؛ امیرحسینی، مازیار (۱۳۸۱)، دایرةالمعارف کتابداری اطلاع‌رسانی، جلد ۱، صفحه ۲۱۴-۲۱۹، دسترسی پذیر در: www.nlai.ir
۲۳. نوروزی چاکلی، عبدالرضا (۱۳۸۳)، موانع توسعه کتابخانه‌های تخصصی در ایران و ارائه راهکارهای مناسب، درج شده در: مجموعه مقالات هفتمین همایش کتابداران سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور؛ رشت، ۱۹ - ۲۱ اسفند ۱۳۸۲، دبیرخانه گردهمایی، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امورشیتیبانی، مرکز مدارک علمی و انتشارات.
۲۴. واعظی، احمد (۱۳۷۹)، حوزه و ضرورت تدوین استراتژی پژوهش، مجله پژوهش و حوزه، شماره ۱، ص ۸.
۲۵. همچنین در نگارش این مقاله از منابع ذیل بدون آدرس دهی در متن بهره‌برداری شده است:
- معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه، کتابخانه تخصصی پژوهش (۱۳۹۱)، اساسنامه کتابخانه تخصصی پژوهش.



- معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه، کتابخانه تخصصی پژوهش (۱۳۹۰)، بروشور «آشنایی با کتابخانه تخصصی پژوهش».

- نوری، محمد (۱۳۸۵)، پیش‌طرح تأسیس کتابخانه تخصصی پژوهش، به پیشنهاد معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه.

1. Tully- Kimberly(2002). Interoduktion to sprcial libraries. Retrieved 2006/o3/12- from [http://cua. Edu/ihy/sp2002/homehtm](http://cua.Edu/ihy/sp2002/homehtm).

رخدادهای عرصه پژوهش در حوزه

تدوین سند نظام جامع پژوهش حوزه‌های علمیه

طراحی نظامات جامع حوزه‌های علمیه در سال ۱۳۹۴ در دستور کار مدیران ستادی حوزه قرار گرفت و تدوین نظام جامع پژوهش حوزه‌ها نیز به معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه سپرده شد. سند نظام جامع پژوهش که بخشی از سند نظامات جامع مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه است، مجموعه‌ای جامع، از مؤلفه‌ها، اهداف، سیاست‌ها، ساختارها، الزامات تحول راهبردی پژوهش و دانش‌های حوزوی است که مبتنی بر ارزش‌ها، موازین اسلامی و آینده‌نگری، در جهت دستیابی به چشم‌انداز نظام پژوهش حوزه‌های علمیه تدوین شده است. این سند، نقشه راهی است که با هدف بهینه‌سازی و فعالیت‌های پژوهشی حوزه‌های علمیه؛ ارتقای بهره‌وری منابع انسانی، مالی و زمان؛ دستیابی به مرجعیت علمی حوزه‌های علمیه در نظام دانشی جهان اسلام؛ رشد فزاینده رادر پژوهش‌های اسلامی؛ پاسخگویی پژوهش‌های حوزوی به نیازهای جامعه و نظام اسلامی به اجرا درمی‌آید.

سند نظام جامع پژوهش حوزه‌های علمیه در فرایند تدوین از روش‌های ذیل بهره برده است:

- بررسی اسناد بالادستی و اسناد همسو؛
- مطالعات گسترده در روش‌شناسی تدوین اسناد راهبردی؛
- مطالعات محیطی وضع موجود پژوهش حوزه‌های علمیه؛
- بهره‌گیری بارش فکری گروه‌های نخبگانی؛
- روش پیمایش؛
- انجام پرسش‌نامه به روش دلفی.
- مؤلفه‌های این سند عبارت است از:
- مأموریت نظام پژوهش حوزه‌های علمیه
- چشم‌انداز نظام پژوهش

- سیاست‌های کلان نظام پژوهش
- ارزش‌های اساسی نظام پژوهش
- اهداف کلان نظام پژوهش
- تحلیل محیطی نظام پژوهش
- راهبردهای نظام پژوهش
- اقدامات بایسته نظام پژوهش

این سند با تأکید و اهتمام بر مفاد مأموریت، ارزش‌ها و سیاست‌ها و با توجه به تحلیل محیط پژوهش از یک سو و توجه به اولویت‌ها، استانداردها و آینده نظام پژوهش حوزه‌های علمیه از دیگر سو به تدوین راهبردها و اقدامات پرداخته است. برنامه‌ریزی مناسب اجرایی، ایجاد هماهنگی لازم میان مجموعه نهاد‌های پژوهشی حوزه‌های علمیه و پشتیبانی جدی از اجرای مفاد این سند، می‌تواند تحولات اساسی و مؤثری در راهبری علم و دانش در حوزه‌ها را در سال‌های آینده به همراه داشته باشد.

اجرای طرح‌های نیازسنجی پژوهشی دانش‌های حوزوی

کلان طرح «نیازسنجی پژوهشی دانش‌های حوزوی» یکی از اولویت‌های معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه است. نخستین اثر از این کلان طرح در سال ۱۳۹۱ با نام «اولویت‌های پژوهشی دانش فقه» رونمایی شد. استمرار و تکمیل این طرح‌ها از طریق اجرا و معرفی آثار ذیل ادامه یافت:

۱. اولویت‌های پژوهشی تفسیر و علوم قرآن؛

۲. اولویت‌های پژوهشی مناسبات دین و روان‌شناسی؛

۳. اولویت‌های پژوهشی اقتصاد اسلامی؛

۴. اولویت‌های پژوهشی نظام تعلیم و تربیت حوزه علمیه؛

۵. اولویت‌های پژوهشی ادبیات داستانی.

طرح‌های یادشده در سال ۱۳۹۳ منتشر و به جامعه علمی ارائه شده است. در ادامه اجرای کلان طرح یادشده، اولویت‌یابی پژوهشی دانش‌های دیگر از جمله «نیازسنجی پژوهشی فقه سیاسی» و «نیازسنجی پژوهشی اصول فقه» در دستور کار قرار گرفت که اینک آماده انتشار و ارائه به جامعه علمی است. در طرح نیازسنجی پژوهشی فقه سیاسی «۷۵۷» عنوان استخراج شده است که «۳۹۸» عنوان دارای اولویت «الف»، «۳۱۹» عنوان اولویت «ب» و «۴۰» عنوان اولویت «ج» و «۰» عنوان از

اولویت «د» برخوردار می‌باشد و در طرح نیازسنجی پژوهشی اصول فقه «۹۷۱» عنوان استخراج شده است. که «۳۶۴» دارای اولویت «الف»، «۴۶۴» عنوان اولویت «ب»، «۱۴۰» عنوان دارای اولویت «ج» و «۲» عنوان از اولویت «د» برخوردار است.

طرح‌های جدید که برای اولین بار اسناد نیازسنجی پژوهشی آنها منتشر می‌شود علاوه بر برخورداری از نقاط قوت طرح‌های قبلی نظیر تنوع محورهای مطالعاتی از ویژگی‌های دیگری نیز برخوردار است که از جمله آنها: انطباق عناوین نیازهای استخراج شده با عناوین مصوب مدارج علمی در رشته‌های مربوط به فقه و اصول فقه است. نیازسنجی پژوهشی گامی مهم در راهی طولانی است که به حل مشکلات موجود در عرصه پژوهش و تولید علم می‌پردازد و اجرای آن می‌تواند از هدررفت سرمایه‌های انسانی و مالی پژوهش حوزه‌ها جلوگیری کرده و پژوهشگران را به میدان‌های واقعی و دارای اولویت پژوهش دینی سوق دهد. دسترسی به آثار یادشده از طریق پایگاه اطلاع‌رسانی نیازها و اولویت‌های پژوهشی www.rp.ismc.ir امکان‌پذیر است.

تدوین فرهنگ واژگان پژوهش

یکی از مشکلات و چالش‌های علمی بین اهل نظر، فقدان تمیز و تشخیص مفاهیم و معانی اصطلاحات از یکدیگر است. در این میان تازه‌گی پژوهش‌پژوهی به عنوان یک شاخه علمی و همچنین نیاز به بازتعریف بسیاری از مفاهیم حوزه پژوهش با معیارها و شاخص‌های بومی و سازمانی، ضرورت تدوین فرهنگ واژگان در این زمینه را به خوبی نمایان می‌سازد. معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه با درک این ضرورت، اقدام به تدوین این فرهنگ‌نامه تخصصی کرده است.

این فرهنگ‌نامه‌ها که به تعریف ۲۰۰ واژه پرکاربرد در عرصه پژوهش پرداخته، مانند همه فرهنگ‌نامه‌های استاندارد، دارای مدخل و متن اصلی (تعریف) است. در «فرهنگ واژگان پژوهش» علاوه بر ارائه یک تعریف منطقی با میانگینی ۷۰ کلمه، پرونده علمی هر واژه شامل تعاریف مشابه در منابع مختلف داخلی و خارجی به صورت پیوست آمده است.

در تعاریف فرهنگ واژگان پژوهشی ضوابط کلی ذیل رعایت شده است:

الف. پرداختن به مطالب اساسی و اجتناب از ذکر مطالب فرعی و حاشیه‌ای؛

ب. برخورداری متن (تعریف) از جامعیت و مانعیت نسبی؛

ج. تناسب حجم متن اصلی (از نظر بلندی و کوتاهی) با نحوه پرداختن متون تخصصی موضوع و

نیز میزان نیاز هر موضوع به توضیح؛

د. زبده نویسی و پرهیز از تکرار و به کار بردن مترادف‌های بی نقش و کلی گویی در نگارش متون؛
ه. تدوین متن به زبان فارسی ساده و پرهیز از پیچیدگی‌های فنی و به کار بردن الفاظ متروک و نامأنوس.

این اثر در هفته پژوهش به جامعه علمی معرفی و از آن رونمایی شد.

برگزاری کارگاه‌های پایان‌نامه نویسی

نگارش پایان‌نامه در مقطع سطح سه و چهار، از مهم‌ترین دغدغه‌های فضایی حوزوی در سالیان اخیر به شمار می‌آید؛ معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه، با برگزاری دوره‌های مختلف کارگاه پایان‌نامه نویسی، کوشیده است طلاب و فضایی سطح چهار حوزه را با مهارت‌ها و شیوه‌های پایان‌نامه نویسی آشنا و دغدغه‌های آنان را در این زمینه برطرف سازد. این کارگاه‌های از سال ۱۳۸۸ آغاز شده و تاکنون، هفده دوره آن به پایان رسیده است و در سال ۱۳۹۵ نیز پنج کارگاه در دست برگزاری است. در طول این هفده دوره، بیش از ۴۵۶ نفر از طلاب و فضایی سطح چهار مهارت‌ها و شیوه‌های پایان‌نامه نویسی را فرا گرفته‌اند. سرفصل‌های آموزشی این دوره‌ها، در یازده محور اصلی تنظیم شده که به شرح ذیل است:

- مسئله‌یابی برای پژوهش؛
 - مطالعات اولیه راجع به مسئله پژوهشی؛
 - تدوین طرح پژوهش؛
 - مطالعه منابع و شناسایی ادله (منقولات و حیانی) مربوط به سؤالات پژوهشی؛
 - اعتبارسنجی بیرونی اطلاعات جمع‌آوری شده؛
 - کشف دلالت‌های منقول و حیانی (دلالت‌های انفرادی، دلالت‌های جمعی)؛
 - نقد و بررسی دلالت‌های به دست آمده از ادله؛
 - استنتاج (استنباط)؛
 - تدوین گزارش مجموعه فرایند پژوهش؛
 - دفاع از پژوهش و مهارت‌های تهیه مقاله از رساله.
- استخراج منابع از پایگاه‌های استنادی و اینترنتی و آشنایی با بانک‌ها و نرم افزارهای اسلامی.

در پایان هریک از این کارگاه‌ها، گواهی‌نامه حضور در کارگاه‌ها به شرکت‌کنندگان اعطا شده است.

برگزاری اولین کرسی نظریه‌پردازی حوزوی

آئین‌نامه برگزاری کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره حوزوی در شورای اعطای مجوزهای حوزه، تصویب و کمیسیون مربوط نیز فعالیت خود را آغاز کرده است. بر اساس این آئین‌نامه، صاحب‌نظران حوزوی می‌توانند نظریات و نوآوری‌های علمی خود را پس از ارائه به کمیسیون کرسی‌های حوزوی در یکی از مراکز حوزوی به شکل کرسی نظریه‌پردازی ارائه کنند.

در طول چند ماه از آغاز فعالیت این کمیسیون، تعدادی طرح جدید به دبیرخانه کمیسیون رسیده و کمیسیون پس از بحث و بررسی آنها، نسبت به موارد مذکور اتخاذ تصمیم کرده است بر همین اساس نظریه «اختصاص الجزئیة و الشرطیة و المانعیه و وجوب القضاء بغیر القاصرو المضطر» توسط حجت الاسلام و المسلمین محمد محمدی قائینی به کمیسیون ارائه و نظریه مذکور پس از برپایی یک پیش‌کرسی و کرسی، سرانجام در تاریخ ۹۴/۱۰/۲۴ با حضور ناقدان، داوران و مشارکت جمعی از استادان و صاحب‌نظران برگزار شد و نتایج آن در جلسه مورخ ۹۴/۱۱/۱۹ کمیسیون کرسی‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت و کمیسیون رأی موافق خود را با نظریه مذکور اعلام نمود، هم‌اکنون این نظریه به جهت تأیید نهایی و صدور گواهی مربوط به شورای اعطای مجوزهای حوزوی ارسال شده است. صاحب‌نظران حوزوی می‌توانند نظرات و نوآوری‌های خود را در عرصه‌های مختلف دانش‌های حوزوی به کمیسیون کرسی‌های نظریه‌پردازی نقد و مناظره ارسال تا نسبت به برگزاری جلسات پیش‌کرسی و طرح نظریه و دفاع از آن در جمع نخبگان حوزوی اقدام شود.

کمیسیون کرسی‌های نظریه‌پردازی بر اساس آئین‌نامه حمایت از کرسی‌ها از دستگاه‌های برگزارکننده کرسی حوزوی و از صاحب‌نظرانی که اندیشه‌های آنان به عنوان نظریه یا نوآوری پذیرفته شود حمایت‌های مادی و معنوی به عمل می‌آورد. از جمله این حمایت‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ایجاد فرصت مطالعاتی برای صاحب‌نظریه، تجلیل در همایش‌ها و محافل علمی متناسب، حمایت از سفرهای علمی نظریه‌پرداز جهت شرکت در کنفرانس خارجی، حمایت از نظریه‌پرداز جهت بهره‌گیری از نظریه در برنامه‌ها و پروژه‌های علمی مرتبط، معرفی به مراکز حوزوی و غیر حوزوی جهت بهره‌گیری از خدمات و امکانات ویژه.

(آدرس دبیرخانه شورای اعطای مجوزها جهت ارائه طرح‌های صاحب‌نظران بدین شرح است:

قم، بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، طبقه همکف، دبیرخانه شورای اعطای مجوزها).

نشست‌های علمی حوزه

نشست‌های علمی در حوزه‌های علمیه از رونق چشمگیری برخوردار شده است، برگزاری این نشست‌ها در مراکز پژوهشی مختلف، نشاط علمی و تضارب آرای پژوهشگران را در عرصه‌های مختلف در پی دارد و چنانچه با رعایت استانداردهای لازم برگزار شود می‌تواند بستری برای رشد و تعالی اندیشه‌ها و مقدمه‌ای برای پیدایش نوآوری‌ها و نظریه‌پردازی‌های علمی باشد. انتخاب موضوعات دارای اولویت، حضور ناقدان توانا، و رعایت استانداردهای روشی در ارائه مباحث علمی از نکات مهمی است که به ارتقای کیفی نشست‌های علمی کمک می‌کند. در سال جاری ده‌ها نشست علمی با حضور پژوهشگران، ناقدان و مدیران علمی در مراکز مختلف حوزوی برگزار شده که گزارش تعدادی آنها از نظر گرامی تان می‌گذرد.

نشست‌های علمی

گروه ادیان و مذاهب	
نام نشست	امکان‌های ذاتی اسلام و مسیحیت برای اصلاح: نقد دیدگاه‌های روشنفکران غیردینی ایرانی
ارائه کننده	فاطمه توفیقی
ناقد	باقر طالبی دارابی
مرکز برگزار کننده	دانشگاه ادیان و مذاهب
نام نشست	پیامدهای فرهنگی و تمدنی پدیده تکفیر
ارائه کننده	محمد تقی سبحانی
مرکز برگزار کننده	مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)
گروه اجتماعی	
نام نشست	رسانه و جغرافیای دین در هند
ارائه کننده	محمد رضایی
مرکز برگزار کننده	مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما



نام نشست	جریان‌شناسی سلفیت معاصر
ارائه کننده	محمد علی لیالی
مرکز برگزار کننده	پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی
نام نشست	حج شط همیشه جاری
ارائه کننده	محمد حسن زمانی، هادی اکبری، علی اکبر عطاران، سیدمهدی علیزاده
مرکز برگزار کننده	سازمان حج و زیارت استان قم
نام نشست	اربعین؛ الهیات اجتماعی و تمدن‌زایی اسلامی
ارائه کننده	مسعود معینی‌پور، حسنعلی سعدی، سیدظهیرالحسین نقوی، مارکوس گرهولد، غلامرضا گودرزی
مرکز برگزار کننده	پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی و همکاران
نام نشست	رویکردهای علم دینی و جایگاه استنباط در آن با تأکید بر علوم اجتماعی
ارائه کننده	غلامرضا پرهیزکار، سیدحسین شرف‌الدین
مرکز برگزار کننده	مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
نام نشست	ظرفیت‌های فرهنگی ایران و چین
ارائه کننده	سیدجلال امام
مرکز برگزار کننده	انجمن تاریخ پژوهان
نام نشست	زندگی در آیین حج
ارائه کننده	حمید پارسانیا، سیدحسین شرف‌الدین، داوودی، نصراله آقاجانی، شمس اله مریجی، محسن جوادی
مرکز برگزار کننده	سازمان حج و زیارت
نام نشست	اربعین و ارتباطات فرهنگی
ارائه کننده	کریم خان محمدی، غلامرضا پرهیزکار، حسن یوسف‌زاده، اصغر اسلامی
مرکز برگزار کننده	دانشگاه باقرالعلوم (ع)
نام نشست	علم اجتماعی مسلمین با رویکرد عرفان
ارائه کننده	محمد وحید سهیلی
مرکز برگزار کننده	انجمن علمی مطالعات اجتماعی حوزه

سواد رسانه‌ای و رای بازی	نام نشست
علی قهرمانی، بهروز مینایی، علی رازی زاده	ارائه کننده
مرکز فرهنگی و هنری دفتر تبلیغات اسلامی	مرکز برگزار کننده
ظرفیت‌های فرهنگی ایران و چین	نام نشست
سیدجلال امام	ارائه کننده
انجمن تاریخ پژوهان	مرکز برگزار کننده
کارگاه آموزشی نظریه‌های جامعه شناسی	نام نشست
اریک مسه	ارائه کننده
مرکز تحقیقات زنان و خانواده	مرکز برگزار کننده
اربعین، ژئوپولیتیک شیعه و گفتمان مقاومت	نام نشست
یعقوب توکلی، خدادادی	ارائه کننده
دانشگاه معارف اسلامی	مرکز برگزار کننده
گروه اقتصاد	
نقش جامعه نخبگانی حوزه‌های علمیه در تحقق اقتصاد مقاومتی	نام نشست
سیدهاشم حسینی بوشهری، سورنا ستاری	ارائه کننده
دفتر تبلیغات اسلامی	مرکز برگزار کننده
قواعد فراموش شده فقهی در اقتصاد اسلامی	نام نشست
مجتبی باقری	ارائه کننده
دانشگاه مفید	مرکز برگزار کننده
بررسی فقهی وجه التزام بانکی	نام نشست
سیدعباس موسویان	ارائه کننده
مؤسسه ولی امر	مرکز برگزار کننده
بررسی میزان انطباق کارکرد نظام بانکی با قانون عملیات بانکی بدون ربا با تأکید بر مواضع اخیر مراجع معظم تقلید	نام نشست
حسین سبحانی، محمدنقی نظریور، محمد رضا یوسفی	ارائه کننده
دانشگاه مفید	مرکز برگزار کننده

نام نشست	نقش جمعیت در تحقق اقتصاد مقاومتی
ارائه کننده	علی اکبر محزون، حسین آقانظری، سیدرضا حسینی، محمدجواد توکلی
مرکز برگزار کننده	مؤسسه امام خمینی(ره)
گروه تاریخ	
نام نشست	همایش سیره و زمانه امام جواد
ارائه کننده	سیدهاشم حسینی بوشهری، محمدهادی یوسفی غروی، حمیدرضا مطهری، عدی الکاظمی، نجف لکزایی
مرکز برگزار کننده	دفتر تبلیغات اسلامی
نام نشست	رویکرد شناسی پژوهش های عاشورایی حوزه
ارائه کننده	نعمت الله صفری فروشانی
مرکز برگزار کننده	مؤسسه دین پژوهان
نام نشست	خشونت ستیزی و مبارزه با جمود در فرهنگ عاشورا
ارائه کننده	محمد صاحبی
مرکز برگزار کننده	مؤسسه دین پژوهان
نام نشست	شاخصه ها و تمایزات مقتل جامع سیدالشهدا نسبت به مقاتل دیگر
ارائه کننده	مهدی پیشوایی
مرکز برگزار کننده	کمیته فرهنگی و آموزشی ستاد مرکزی اربعین
نام نشست	حج و عمره از منظر امام باقر(ع)
ارائه کننده	حسینی
مرکز برگزار کننده	پژوهشگاه حج و زیارت
گروه حدیث	
نام نشست	نقش بحارالانوار در احیای حدیث شیعه
ارائه کننده	محمد حسین بهرامی
مرکز برگزار کننده	انجمن حدیث حوزه
نام نشست	جایگاه تأثیر امام رضا(ع) بر احادیث شیعه
ارائه کننده	حجت الاسلام مهدی غلامعلی

مرکز برگزار کننده	انجمن حدیث حوزه
نام نشست	مباحث سیاسی بحارالانوار (جلد ۱ و ۲)
ارائه کننده	محمد‌های یوسفی غروی، ابوالفضل سلطان محمدی
مرکز برگزار کننده	پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
گروه حقوق	
نام نشست	کارگاه اسلام و حقوق بشردوستانه
ارائه کننده	خانم انگلیکا شاب، علی مشهدی،
مرکز برگزار کننده	مدرسه عالی امام خمینی (ره)
نام نشست	حقوق بشر اسلامی
ارائه کننده	علیرضا اعرافی، محمد جواد فاضل لنکرانی، رشاد و فاروق قسنطینی، اسماعیلی، ابوالقاسم علیدوست
مرکز برگزار کننده	مؤسسه الحکمه و ستاد حقوق بشر قوه قضاییه
نام نشست	بررسی ابعاد سیاسی و حقوقی فاجعه منا
ارائه کننده	سیدعلی قاضی عسکر، احمد واعظی
مرکز برگزار کننده	پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
نام نشست	مطالعه تطبیقی اصول اسلامی و حقوق بشردوستانه
ارائه کننده	سیدمصطفی میرمحمدی
ناقد	غلامعلی قاسمی، سیدضیاء مرتضوی
مرکز برگزار کننده	پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
گروه روان‌شناسی	
نام نشست	عاشورا از منظر روان‌شناسی اجتماعی
ارائه کننده	مسعود آذربایجانی
مرکز برگزار کننده	مؤسسه دین پژوهان
نام نشست	تربیت جنسی و اهمیت آن از منظر اسلام
ارائه کننده	حافظ ثابت
مرکز برگزار کننده	پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی



گروه سیاسی	
نام نشست	امنیت و مهدویت، امکان سنجی الگوی برداری
ارائه کننده	نجف لکزایی، رحیم کارگر
مرکز برگزار کننده	مرکز تخصصی مهدویت
نام نشست	استلزامات مبانی خداشناسی در ساحت سیاست
ارائه کننده	محمد عابدی، سیدسجاد ایزدهی، محمد علی اسدی نسب
مرکز برگزار کننده	پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
گروه فقه	
نام نشست	ضرورت و اهمیت فقه و رسانه
ارائه کننده	محمی الدین حائری شیرازی، عبدالله جلالی
مرکز برگزار کننده	مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)
نام نشست	صد سبیل حج
ارائه کننده	سیداحمد اصفهانی، رضا عندهلیبی، مهدی درگاهی
مرکز برگزار کننده	مجمع جهانی صادقیین
نام نشست	تعطیلی حج در بستر تاریخ و فقه
ارائه کننده	محمد جواد فاضل لنکرانی، رضا عندهلیبی
مرکز برگزار کننده	پژوهشکده حج و زیارت و مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)
نام نشست	راهکارهای فقه شیعه جهت جلوگیری از ازدحام در منا
ارائه کننده	نجاتی
مرکز برگزار کننده	پژوهشکده حج و زیارت استان قم
نام نشست	بررسی جهاد ابتدایی در اسلام
ارائه کننده	مهدی مهریزی
مرکز برگزار کننده	مؤسسه دین پژوهان
نام نشست	جایگاه کرامت در استنباط (۲)
ارائه کننده	سیدمحمدعلی ایازی
مرکز برگزار کننده	پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

ظرفیت‌شناسی اصول فقه در فقه اجتماعی	نام نشست
ابوالقاسم علیدوست	ارائه کننده
مرکز فقهی ائمه اطهار	مرکز برگزار کننده
بررسی فاجعه منا از منظر فقه و حقوق	نام نشست
عزیزالله فهیمی، مهدی درگاهی، احسان سامانی، محمدرضا باقرزاده، رضا محمدی،	ارائه کننده
مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) و با همکاری پژوهشکده حج و زیارت	مرکز برگزار کننده
ظرفیت‌شناسی اصول فقه در فقه اجتماعی	نام نشست
ابوالقاسم علیدوست	ارائه کننده
مرکز فقهی ائمه اطهار	مرکز برگزار کننده
مقایسه مواضع امام خمینی و مراجع حوزه قم در قبال انقلاب اسلامی با رویکرد فقه سیاسی	نام نشست
حجت الاسلام حسین ارجینی	ارائه کننده
حجج اسلام سیدکاظم سیدباقری و قاسم شبان‌نیا	ناقد
انجمن مطالعات سیاسی حوزه و همکاران	مرکز برگزار کننده
مؤلفه‌های تأثیرگذار فقه بر سینما	نام نشست
سیدکریمی، جباران، شهریار بحرانی	ارائه کننده
انجمن مطالعات نظری هنر	مرکز برگزار کننده
گروه فلسفه	
نقش علامه طباطبایی در امتداد بخشی فرهنگی اجتماعی به فلسفه اسلامی	نام نشست
حمید پارسانیا، یزدان پناه	ارائه کننده
مجمع عالی حکمت اسلامی	مرکز برگزار کننده
چیستی ضرورت و اهداف فلسفه پژوهشی	نام نشست
علی اکبر رشاد، عبدالحسین خسروپناه، مجتبی مصباح، راشد یزدی، حمید پارسانیا	ارائه کننده
مجمع عالی حکمت اسلامی	مرکز برگزار کننده



نام نشست	چگونگی امتداد یافتن فلسفه به علم
ارائه کننده	علی لطیفی، محمد فتحعلی خانی، حمید پارسانیا
مرکز برگزار کننده	پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و انجمن تعلیم و تربیت اسلامی
نام نشست	نقد مبانی فلسفی لیبرال دموکراسی منفی کارل پوپر
ارائه کننده	مهدی ایمانی مقدم
مرکز برگزار کننده	پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی
گروه قرآن	
نام نشست	هم اندیشی قرآن و تمدن
ارائه کننده	مهدوی راد، سبحانی، بهجت پور
مرکز برگزار کننده	پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
نام نشست	گفتمان قرائت پژوهی
ارائه کننده	سیدابوالفضل حکیمی، محمدصادق نصراللهی، حسین فروغی، حمید مجیدی مهر، علی اصغر شعاعی، محمدعلی دهدشتی
مرکز برگزار کننده	مسجد مقدس جمکران
گروه کلام	
نام نشست	نقد و بررسی حجیت عقل و نسبت آن با دین در مدرسه معارفی خراسان
ارائه کننده	محمد جعفری هرنندی
مرکز برگزار کننده	انجمن کلام اسلامی حوزه
نام نشست	تقابل اهل سنت و وهابیت
ارائه کننده	عصام العماد، محمد محسن مروجی طیبی
مرکز برگزار کننده	مرکز فقهی ائمه اطهار
نام نشست	اربعین عرفی شدن؛ عرفی زدایی
ارائه کننده	علیرضا پیروزمند، داوود مهدوی زادگان، سیدمجید امامی، مسعود معینی پور
مرکز برگزار کننده	مرکز فرهنگ و معارف قرآن و پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
نام نشست	برهان لطف در اثبات امامت
ارائه کننده	فتحی

ناقد	محمود زارعی
مرکز برگزار کننده	مؤسسه آینده روشن
نام نشست	نقد تکفیر و جریانات تکفیری
ارائه کننده	قاسم جوادی
مرکز برگزار کننده	مؤسسه دین پژوهان
نام نشست	واکاوی و مواجهه با شبهات و جریان‌های فکری و فرهنگی مهدویت
ارائه کننده	محمود مطهرنیا، سیدمجید امامی
مرکز برگزار کننده	مسجد مقدس جمکران
نام نشست	جایگاه مهدویت در معرفی اسلام و امکان‌الگوگیری از آن در دکتربین امنیتی و دفاعی کشور
ارائه کننده	محمد مهدی میرباقری
مرکز برگزار کننده	مرکز تخصصی مهدویت
نام نشست	زنان و موعودگرایی آسیب‌ها و بایسته‌ها
ارائه کننده	علی غلامی
مرکز برگزار کننده	بنیاد پژوهش و نشر مسجد مقدس جمکران
نام نشست	نقش آل سعود در تقویت جریان‌های تکفیری
ارائه کننده	عزالدین رضانژاد
مرکز برگزار کننده	مرکز تخصصی شیعه‌شناسی
نام نشست	جریان‌های تکفیری در خاورمیانه
ارائه کننده	سید مهدی علیزاده موسوی
مرکز برگزار کننده	مرکز آموزشی تخصصی شیعه‌شناسی
نام نشست	انتظارات عاشورایی
ارائه کننده	مجتبی کلباسی، محمدرضا فؤادیان
مرکز برگزار کننده	مرکز تخصصی مهدویت
نام نشست	ابعاد و مسائل غرض خلقت از دیدگاه کلام
ارائه کننده	شهسواری



مجمع عالی حکمت اسلامی	مرکز برگزار کننده
گروه مدیریت	
الگویی برای پیشرفت	نام نشست
مجدالدین مدرس زاده	ارائه کننده
انجمن مدیریت اسلامی	مرکز برگزار کننده

کنگره‌های علمی

گروه فلسفه دین	
دومین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی	نام کنگره
محمد نصیر، امیرحسن شیعی، مرادی	ارائه کننده
مؤسسه فرهنگی رویش اندیشه و همکاران	مرکز برگزار کننده
گروه مهدویت	
داوزدهمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت	نام کنگره
ناصر مکارم شیرازی، سیدمسعود پورسیدآقایی	ارائه کننده
مؤسسه آینده روشن	مرکز برگزار کننده

The Specialized Research Library in a Glan

Abstract: In modern times, rapid scientific and technological progress has exposed man to a huge amount of information. In the past, libraries were kept and maintained locally. The manuscripts, books and documents were in printed form. But in modern times, it is almost impossible to make use of information without sorting it out, managing and processing it in a well-organized and professional way. For this reason, professional and specialized libraries and their librarians are playing a vital role in this regard. In other words, specialized libraries are the result of a new approach and a modern attitude towards information and knowledge. Hence, librarians are not staffers of an institute only, rather they are active and motivated managers engaged in generating, managing and disseminating information and science. Among those libraries is the Specialized Research Library which has been launched with the aim of generating, processing, transmission, accumulation, storage and utilization of information concerning research. The department for research in the Islamic Seminary of Qom has been making efforts for the past several years and it has, thus far, made considerable progress. Nevertheless, too much effort has not been invested in precisely understanding its role and function and ways to develop it. In this study, first the nature, need, role and function of the Specialized Research Library are studied as one of the pillars of the comprehensive research system of Islamic seminaries. Thereupon, a short report on the de facto situation of this library has been presented and the existing obstacles and ways to do away with them to achieve the necessary standards to meet the needs of researchers and managers in the field of research have been examined. This article aims to introduce the Specialized Research Library of the Islamic Seminary as well as to study its role in the research system of the seminaries in a bid to offer appropriate ways to improve it as well as to help regulate and improve research in the seminaries.

Keywords: research, specialized library, specialized research library, management of information, generation of science, research system, utilization of information, research studies, seminary.

Assessing Research Needs with an Approach to Future

Abstract: The literature concerning research planning has been, for over a half century, focused on the content of research and the subject into which research is necessary to be conducted. This issue which has something to do with planning and management is rooted in the type and nature of researches. The research activities are for the most part carried out on the basis of decisions made by a special committee often without an inclusive and exclusives study. Obviously, the results achieved through research activities based on such method, would lead to something which is inefficient and characterized, in practice, by numerous setbacks.

The exit strategy is to identify the real needs and priorities by assessing the research needs. Assessing the research needs refers to a process of identifying the potential research needs and prioritization of various research themes followed by allocation of resources for that purpose. One of the constituents of success in assessing the needs is the diversity and multiplicity of resources and things which determine how the needs may be identified. When it comes to how the needs may be identified, it is very important to study the needs with an approach to the future.

The predecessors' understanding of the future has been that the future developments would be similar to those of the past events. In other others words, the predecessors did not differentiate between the past and future and considered them to be akin. As per this analysis, the future comes and goes without any fresh and unusual event as the "past" was once the "future" and it came and elapsed. This attitude has no room in today's world. Although the time is always elapsing, the rapid developments and metamorphic changes in various domains have made the "future" different. In spite of the predecessors being passive in managing the future, the desire to control the future has been the focus of attention and is something that is being considered in research plan for the future. This study not only seeks to touch on the future research as one of the domains of research in academic atmospheres and in business as well as on the seminaries as one of the intellectual epicenter in the Islamic world but also to deal with the history of this study in the world and Iran, universities and Islamic seminaries as well as point out the dos and don'ts which would make the pursuit of this objective more serious. Finally, a model of assessing the need for research is presented with an approach to the future.

Keywords: assessing the need for research, Islamic seminaries, prospect, monitoring, forecasting, foresight.

An Introduction to the Concept and Background of Research Policymaking

Abstract: Among the most important and fundamental responsibilities of research managers in regional and national levels is to promote research development. The managers and those in charge of research are inevitably using methods, techniques and tools which make "research policymaking" the most important priority and a strategy to realize the objectives of research development. Realizing the goals of research development in the country depends, largely, on adopting policies that are consistent with the research system, research priorities, culture and education, resources, infrastructures, rules and regulations. In fact, if the policies and legal frames are not worked out properly, the strategies, projects and budget planning will encounter scientific and administrative problems which will eventually delay achieving the goal. Research policymaking constitutes a number of policies, decisions and methods which in various systems are generally carried out under the surveillance of high authorities. The need for research policymaking rests in the close relationship between research and the subject of generating science and increasing needs of today's societies. As well, the dynamism of a research system requires continuous fresh strategic planning and policymaking. The research policymaking must be long lasting and enduring in order to be fruitful and it should be designed with a realistic approach to the future. To be purposeful and universal is some of the essential features of research policymaking. The present article has enumerated four prerequisites for research policymaking: 1) Setting up a databank and making constant use of its data; 2) conducting an extensive opinion poll among experts; 3) making use of known methods; 4) keeping up policymaking.

Keywords: research, policymaking, research policymaking, research policy.

Islamic and Seminary Sciences Development Models

Abstract: Development has been one of the most important discussions of the modern times especially in the in the field of science. To achieve it, scholars and experts have offered several theories and patterns. What is more important for our Islamic country is to design a completely indigenous model which is consistent with our national culture and which would help bring about the Iranian – Islamic model of progress.

The Islamic sciences development model especially the development meant for seminaries must originate in the religious teachings. Considering Islam's epistemic, methodological and anthropological foundations, it is possible to explore an extensive array of research of models and methods from an Islamic perspective. Because instead of negating one of man's perceptive tools and placing too much emphasis on other tools, Islam recognizes each one of them as being limited and having only some degree of capacity. The present study aims to identity models and strategies which exist within Islamic teachings and which can be relied upon for further development of Islamic sciences. This article has been written with reliance on the available documents and textual sources and the conclusions which have been drawn criticize, first of all, the existing schools and reject them as science development models. Secondly, one of the most important strategies that can be pointed out in respect of religious science development is to utilize an organized approach and negate methodological monopoly. As well, efforts should be made to make use of all methods in their respective areas with reliance on religious principles and presuppositions derived from them in experimental researches especially in humanities. Thus, to make this happen, it is also necessary to adopt a pragmatic approach so as to direct and evaluate research activities.

Keywords: knowledge, religion, development, Islam.

An Introduction to the Nature, Reason and Method of Islamic Sciences Development

Abstract: This articles deals in three parts with three main issues e.g. the nature of Islamic sciences development, the reason and need for Islamic sciences development and the method involving the development of Islamic sciences. As for the first part, efforts have been made to elaborate on the nature of Islamic sciences development. To answer the main question, five secondary questions have been brought up and dealt with and those are: What is knowledge? What is religion? What is the epistemic domain of religion? What is development? What is development in the context of religious sciences? Finally, after discussing four perceptions of religious knowledge, an explanation of Islamic sciences development has been rendered.

In the middle section of the article, attention has been focused on two main points (i.e. the need for sciences development as a prerequisite of development and progress of all societies and civilizations with whatever vision and tendencies and the role of Islamic sciences development as a prerequisite for reproducing Islamic civilization) followed by explanations justifying the need for Islamic sciences development.

In the final section which deals with how Islamic sciences can be developed, emphasis has been laid on five points: The need for redesigning the geometry of true human needs as the guiding principle for the development of science and Islamic sciences; rereading and polishing the sciences proportionate to the geometry of true needs making sure the production of sciences is not directed towards pseudo needs; conducting fresh research into contemporary and current needs or providing better responses to the needs and problems of the distant past; the need for designing and establishing two real and virtual organizations aimed at making operational the idea of Islamic sciences development.

The research method is mainly analytical. That is to say, first, efforts have been made to analyze key concepts such as "knowledge", "religion" and "development" and then the arguments and evidence associated with those key terms have been explained.

Keywords: knowledge, religion, development, Islam.

راهنمای اشتراک متقاضیان محترم نشریه پژوهش و حوزه

۱. متقاضیان محترم اشتراک در سال ۱۳۹۶ می‌توانند مبلغ ۷۰,۰۰۰ ریال به ازای یک سال به حساب ۱۵۳۱۰۸۳۳۳۰ بانک تجارت شعبه صفائیه قم، به نام معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه واریز و فیش آن را به ضمیمه فرم زیر به نشانی نشریه ارسال نمایند.
۲. نشریه قبل از توزیع سراسری برای مشترکین ارسال خواهد شد.
۲. افزایش بهای مجله، شامل مشترکین در سال جاری نخواهد شد.
۳. در صورت تغییر آدرس، حتماً نشانی جدید را برای ما ارسال کنید.

فرم اشتراک نشریه پژوهش و حوزه

○ اشخاص حقیقی:

نام: نام خانوادگی: تاریخ تولد:

شغل: میزان تحصیلات:

○ اشخاص حقوقی:

عنوان: زمینه فعالیت:

نام مسئول مؤسسه:

○ فصلنامه‌های درخواستی:

شماره: تا شماره: تعداد نسخه درخواستی:

شماره فیش بانکی: به مبلغ:

○ آدرس متقاضی:

استان: شهرستان: خیابان:

پلاک: صندوق پستی: کدپستی: تلفن:

تاریخ امضاء